اکونامه

تحلیلی | فرهنگی | اجتماعی

مؤسسه فرهنگی اکو
ECO CULTURAL INSTITUTE
Headquarters - Tehran



چای، قهوه‌وقصه

روایتی تطبیقی از قهوه‌خانه‌ها و چاپخانه‌ها
در ده کشور عضو اکو

شماره ۱۳- مهر ۱۴۰۵



اکونامه

ماهنامه الکترونیک بازتاب رویدادهای فرهنگی و تعاملات منطقه‌ای حوزه اکو

سال دوم، شماره ۱۳ – مهر ۱۴۰۵

بام مشترک فرهنگ، نبض تمدن خاور زمین

مؤسسه فرهنگی اکو (ECI)، قلب تپنده سازمان همکاری اقتصادی (ECO) است؛ جایی که اقتصاد به پژواک فرهنگ پیوند می‌خورد. این مؤسسه نه یک دیوار، بلکه پلی میان ده ملت کهن، بر فراز تاریخ، زبان، هنر و اندیشه می‌باشد.

در این بام مشترک، فرهنگ نه در مرزها محدود می‌شود و نه در زمان فرسوده؛ بلکه زنده و جاری است، و در گفت‌وگوی تمدن‌ها نفس می‌کشد. ما حافظان حافظ، راویان رودکی، و هم‌نفس با مولانا هستیم؛ در جغرافیایی که از کوه‌های آناتولی تا دشت‌های خراسان امتداد دارد.

مؤسسه فرهنگی اکو، با رسالت گسترش همدلی فرهنگی، بستری برای تبادل هنری، پژوهش‌های تاریخی، و خلق روایت‌های نو از میراث کهن فراهم می‌آورد. اینجا، فرهنگ نه گذشته‌ای دور، بلکه آینده‌ای مشترک است.

با کمال مسرت، انتشار ماهنامه اکونامه را به عنوان گامی نوین در راستای تقویت پیوندهای فرهنگی، هنری و فکری میان کشورهای عضو اکو اعلام می‌داریم. این نشریه، بستری پویا برای بازتاب غنای تمدنی و فرهنگی منطقه اکو فراهم می‌آورد و با هدف معرفی میراث مشترک، ترویج گفت‌وگو و هم‌افزایی میان ملت‌هایی که تاریخ، ارزش‌ها و آرمان‌های مشترک دارند، طراحی شده است. مؤسسه فرهنگی اکو بر این باور است که شناخت متقابل، احترام به تنوع فرهنگی و تقویت همکاری‌های منطقه‌ای، پایه‌های صلح، همزیستی مسالمت‌آمیز و توسعه پایدار را استوار می‌سازد.

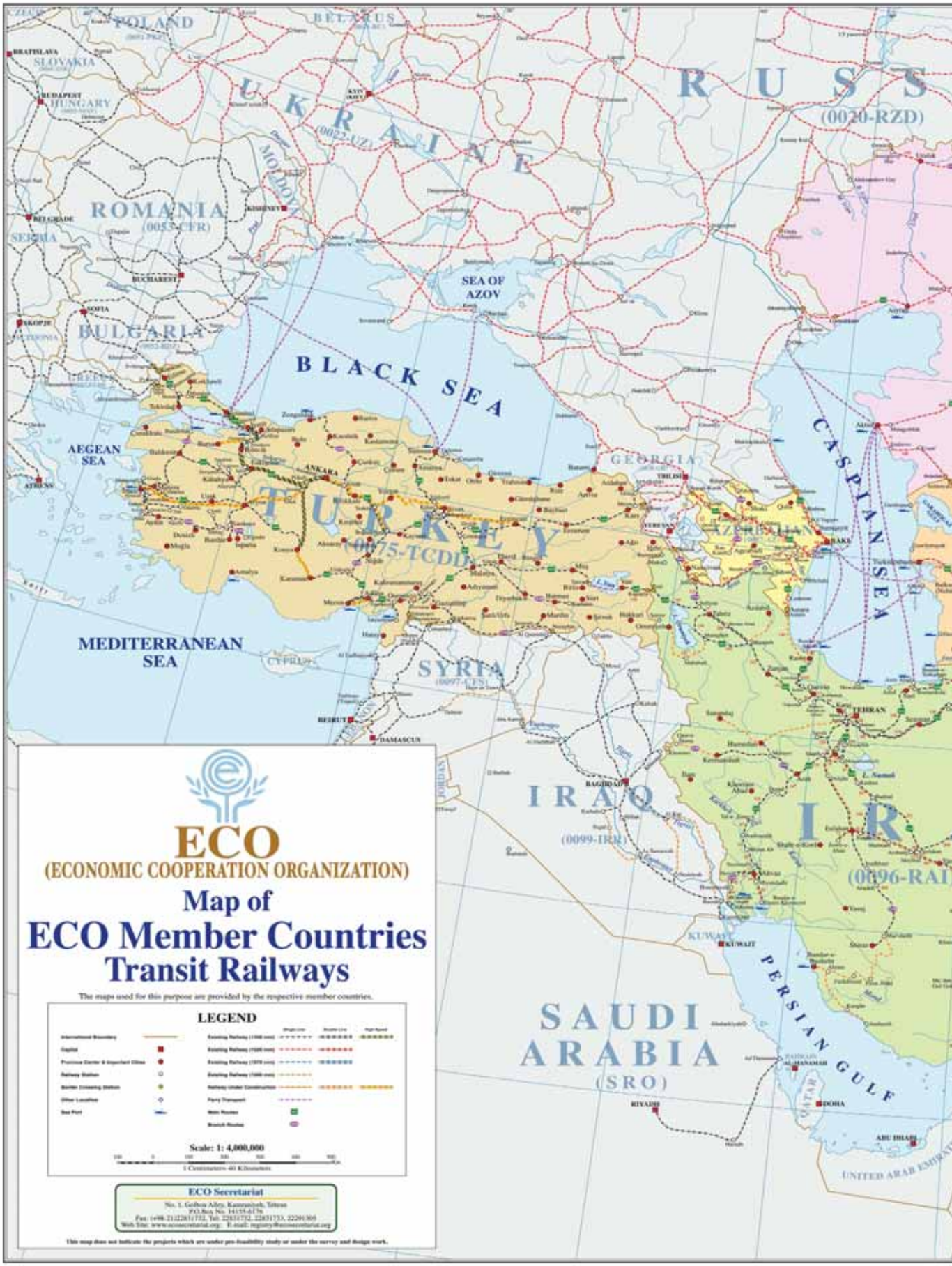
اکونامه نه تنها رسانه‌ای برای انعکاس فعالیت‌ها، برنامه‌ها و ابتکارات مؤسسه فرهنگی اکو است، بلکه فضایی برای تعامل دوسویه با مخاطبان فرهیخته خود ایجاد می‌کند. ما از اندیشمندان، هنرمندان و دوستداران فرهنگ دعوت می‌کنیم تا با ارائه دیدگاه‌ها، تجربیات و پیشنهادهای خود، در غنابخشی به محتوای این نشریه و تقویت شبکه‌ای از هم‌اندیشان و خلاقان منطقه مشارکت فعال داشته باشند. این تعامل، به‌عنوان نیرویی پیش‌برنده، به پیوند هرچه عمیق‌تر ملت‌های منطقه یاری می‌رساند.

این نشریه، با نگاهی به آینده، بستری برای گفت‌وگوهای سازنده و همکاری‌های پایدار فراهم می‌آورد تا از این رهگذر، شهد شکوفایی فرهنگی و تقویت دوستی‌های دیرپا در منطقه اکو باشیم.

مؤسسه فرهنگی اکو، با تعهد به این چشم‌انداز، از همه شما دعوت می‌کند تا در این سفر فرهنگی همراه ما باشید و با مشارکت فعال خود، به غنای این حرکت جمعی بیفزایید. باشد که اکونامه به‌عنوان پلی میان قلب‌ها و اندیشه‌ها، نقشی ماندگار در تقویت همبستگی فرهنگی منطقه ایفا نماید.

موسسه فرهنگی اکو


KAZAKHSTAN
(0027-KZH)
ASTANA
Aral Sea
Lake Zaysan
Balkhash Lake
UZBEKISTAN
KYRGYZSTAN
BISHKEK
TASHKENT
TURKMENISTAN
(0067-TRK)
DUSHANBE
TAJIKISTAN
CHINA
(0033-CR)
ASHGABAT
Mary
KABUL
AFGHANISTAN
(AFGS)
ISLAMABAD
JAMMU AND KASHMIR
(DISPUTED TERRITORY)
NEW DELHI
PAKISTAN
(PR)
INDIA
(IR)
OMAN GULF
MUSCAT
OMAN
ISLAMIC REPUBLIC OF AFGHANISTAN
REPUBLIC OF AZERBAIJAN
ISLAMIC REPUBLIC OF IRAN
REPUBLIC OF KAZAKHSTAN
KYRGYZ REPUBLIC
ISLAMIC REPUBLIC OF PAKISTAN
REPUBLIC OF TAJIKISTAN
REPUBLIC OF TURKEY
TURKMENISTAN
REPUBLIC OF UZBEKISTAN



ECO
(ECONOMIC COOPERATION ORGANIZATION)

Map of
ECO Member Countries
Transit Railways

The maps used for this purpose are provided by the respective member countries.

LEGEND

Scale: 1: 4,000,000

1 Centimeters= 40 Kilometers

ECO Secretariat

No. 1, Golbou Alley, Kamranieh, Tehran
P.O.Box No. 14155-6176
Fax: (+98-21)22831732, Tel: 22831752, 22831733, 22291305
Web Site: www.ecosecretariat.org E-mail: registry@ecosecretariat.org

This map does not indicate the projects which are under pre-feasibility study or under the survey and design work.

فهرست مطالب

اکونامه

۱۳

سال ۱۴۰۵

فصل اول ۱۵

قهوه‌خانه و چایخانه سنتی؛ روایتی تطبیقی از قهوه‌خانه و چایخانه در کشورهای اکو ۱۵

چای، قهوه و قصه ۱۶

چکیده ۱۶

مقدمه: نوشیدنی‌هایی برای نشستن ۱۶

روش و محدودیت‌ها ۱۷

نگاهی برای مقایسه ۱۸

بخش نخست: پاتوق، خبر و گفت‌وگو ۱۹

گفت‌وگو، خبر و سرگرمی ۲۱

ده کشور، یک فنجان چای ۲۵

افغانستان ۲۵

جمهوری آذربایجان ۲۶

ایران ۲۷

قزاقستان ۲۷

قرقیزستان ۲۸

پاکستان ۲۸

تاجیکستان ۲۹

ترکیه ۳۰

ترکمنستان ۳۰

ازبکستان ۳۱

فضا و معماری ۳۱
چای و قهوه به‌مثابه کالا ۳۲
قهوه‌خانه در ادبیات و حافظه ۳۲
مکان سوم به‌عنوان ابزار مقایسه ۳۳
جمع‌بندی تطبیقی ۳۳
بخش دوم: وقتی قصه تصویر می‌شود ۳۵
نقاشی قهوه‌خانه‌ای در ایران ۳۶
گریگوریان، سقاخانه و هنر مدرن ۴۰
روایت در دیگر کشورهای اکو ۴۱
جمع‌بندی تطبیقی ۴۴
بخش سوم: چای و قهوه در آیین پذیرایی ۴۴
نکته‌ای درباره منابع و روش بررسی ۴۴
چارچوب مفهومی ۴۵
تعارف در ایران ۴۵
قاب رسمی: نوروز، چای، قهوه و پلو ۴۶
خانه و چایخانه: دو صحنه از یک منطق اجتماعی ۴۹
بخش چهارم: احیا، دگردیسی یا فراموشی؟ ۴۹
سه سرنوشت ممکن ۴۹
درباره معنای «میراث‌شدن» ۵۰
زنان و مکان سوم ۵۰
امروز در هر کشور ۵۱
زنان و بازتعریف «مکان سوم» ۵۸
جمع‌بندی ۵۹
سخن پایانی: شیوه‌ای برای باهم‌بودن ۶۰
منابع ۶۲
فصل دوم ۶۷
رویدادها و تازه‌های فرهنگی موسسه اکو (گزارش فعالیت‌ها، نشست‌ها، نمایشگاه‌ها و همکاری‌های اخیر) ۶۷
نشست معرفی ازبکستان و رونمایی از کتاب «معراج آب» برگزار شد ۶۸
بزرگداشت صادقین و افتتاح نمایشگاه آثار این هنرمند در مؤسسه فرهنگی اکو ۷۰
رئیس موسسه فرهنگی اکو در مراسم افتتاحیه نمایشگاه آثار سید صادقین احمد نقوی ۷۴

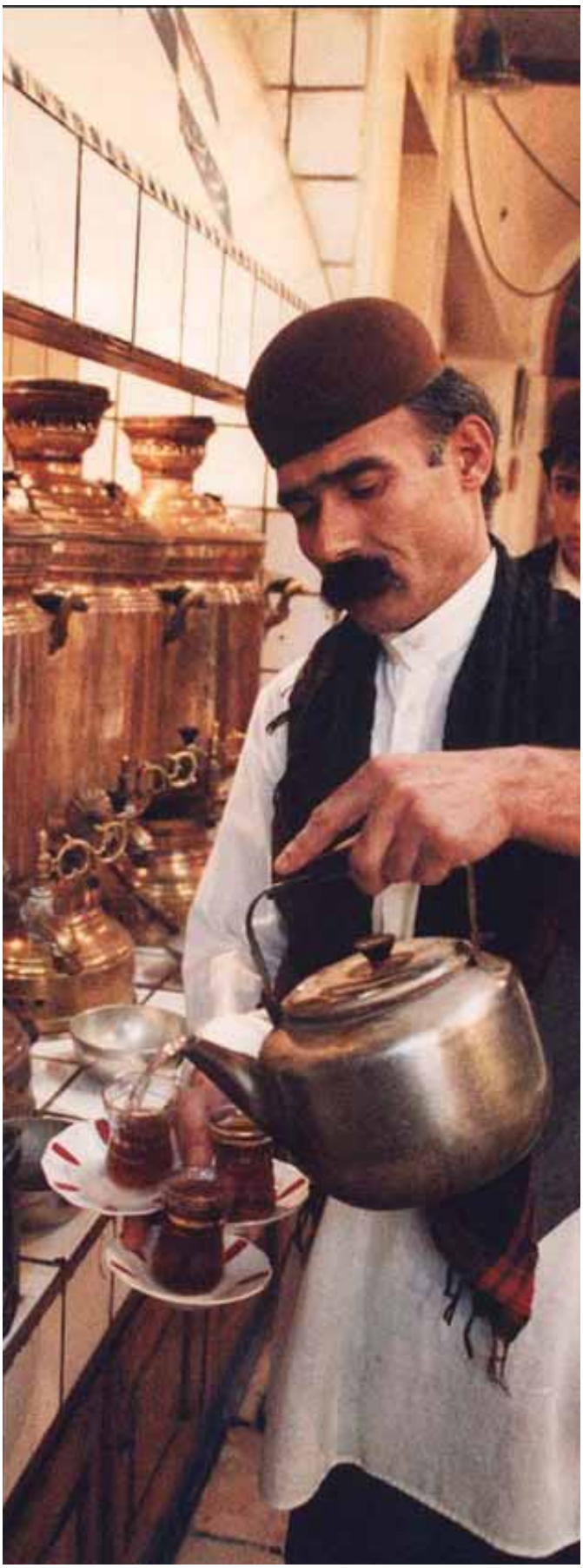
خوشنویسی نقاشانه صادقین: همگرایی مسیرهای هنر مدرن در پاکستان و ایران در دهه ۱۹۷۰ ۷۵
سخنرانی آقای سلمان احمد (بنیاد صادقین) ۷۸
تأکید رئیس مؤسسه فرهنگی اکو بر پاسداشت یاد و آرمان‌های شهدای جمهوری آذربایجان ۸۱
مؤسسه فرهنگی اکو فرارسیدن روز استقلال ترکمنستان را تبریک گفت ۸۲
نشست هماهنگی توسعه همکاری‌های فرهنگی و هنری مؤسسه فرهنگی اکو و شهر اصفهان برگزار شد ۸۳
آیین بزرگداشت شمس و مولانا ۸۴
تجلیل از مستنصر حسین تارر در لاهور با عنوان «فراتر از مرزها» ۸۸
نمایشگاه «ز آفاق دور»؛ روایتی متفاوت از خوشنویسی امیر جلیلوند در مؤسسه فرهنگی اکو ۹۰
پنجمین شماره خبرنامه مؤسسه فرهنگی اکو منتشر شد ۹۲
نتایج جشنواره عکاسی موبایلی اکو با موضوع «انتقال میراث ناملموس» اعلام شد ۹۳
فصل سوم ۱۰۱
رویدادها، برنامه‌ها و اخبار فرهنگی منطقه اکو و مروری بر رویدادهای آتی ۱۰۱
نشست شعر «از هریوا تا نیشابور» در هرات ۱۰۲
گفت‌وگو درباره حفاظت از میراث تاریخی افغانستان ۱۰۲
برگزاری رقابت نقاشی با حضور ۱۶۰ دختر در کابل ۱۰۲
اجرای ۱۲ پروژه برای مرمت آثار تاریخی بامیان ۱۰۳
بازدید سفیر جمهوری آذربایجان از گالری ملی افغانستان ۱۰۳
نمایشگاه صنایع‌دستی و آثار هنری در ارگ اختیارالدین هرات ۱۰۳
برگزاری هجدهمین جشنواره بین‌المللی موسیقی اوزییر حاجی‌بیگف ۱۰۴
برگزاری پنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر شکی ۱۰۴
برگزاری رویدادهای فرهنگی به مناسبت روز شهر جبرئیل ۱۰۵
معرفی فرهنگ کتاب و ادبیات آذربایجان در نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت ۱۰۵
معرفی موسیقی آذربایجان در کرواسی ۱۰۵
گلباران آرامگاه حافظ در شیراز ۱۰۶
برگزاری شب عباس یاری در خانه هنرمندان ایران ۱۰۶
برگزاری رویداد هنری «بر خط آواز» در موزه خوشنویسی ایران ۱۰۷
برگزاری جشن مهرگان در غار تاریخی کرفتو ۱۰۷
درخشش نمایش «قاراگوز» قزاقستان در جشنواره تئاتر ترک‌سوی ۱۰۸
برگزاری چهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر» در آستانه ۱۰۹

بزرگداشت صد و بیست‌وپنجمین سالروز تولد ماناربک یرژانوف، هنرمند موسیقی سنتی قزاقستان ۱۰۹
برگزاری جشنواره بین‌المللی شعر «آلیکول فست» ۱۱۰
برگزاری جشنواره بین‌المللی تئاتر «ایمپالس» در بیشکک ۱۱۱
برگزاری کارگاه‌های پاییزی هنرهای سنتی در موزه هنرهای زیبای قرقیزستان ۱۱۱
افتتاح نمایشگاه آثار آسانبک تورومبکوف در بیشکک ۱۱۱
برگزاری جشنواره موسیقی پاکستان در کراچی ۱۱۲
برگزاری جشنواره بین‌المللی فیلم صلح آسیا در اسلام‌آباد ۱۱۲
اجرای موسیقی جَز اتریشی در کراچی ۱۱۳
برگزاری شب فرهنگی تاجیکستان در اسلام‌آباد ۱۱۳
برگزاری نخستین جشنواره بین‌المللی هنر سیرک در دوشنبه ۱۱۴
آغاز مرحله سوم مسابقه ملی «فروغ صبح دانایی، کتاب است» ۱۱۴
نمایشگاه آثار هنری «مدرن‌نامه» در موزه ملی تاجیکستان ۱۱۵
برگزاری جشنواره ملی فیلم «تاجی سومون» در دوشنبه ۱۱۵
برگزاری بیست‌ویکمین نمایشگاه بین‌المللی صنایع‌دستی در استانبول ۱۱۶
برگزاری روزهای میراث فرهنگی اروپا در شهرهای ترکیه ۱۱۶
برگزاری جشنواره جَز آکبانک در استانبول ۱۱۷
برگزاری بیست‌ویکمین نمایشگاه هنر معاصر استانبول ۱۱۷
برگزاری جشنواره فرهنگی استانبول در قالب مسیر فرهنگی ترکیه ۱۱۷
برگزاری نمایشگاه گسترده هنرهای تجسمی به مناسبت سی‌وپنجمین سالگرد استقلال ترکمنستان ۱۱۸
برگزاری کنسرت موسیقی به مناسبت سالگرد استقلال ترکمنستان ۱۱۸
برگزاری نمایشگاه‌های هنری در عشق‌آباد با محوریت حافظه تاریخی و میراث فرهنگی ۱۱۹
برگزاری شب موسیقی کلاسیک با عنوان «سفرهای موسیقایی» ۱۱۹
بزرگداشت هشتادمین سالگرد تولد استاد موسیقی یوری سارکیسوف ۱۱۹
برگزاری روزهای فرهنگی ترکمنستان در کره جنوبی ۱۱۹
برگزاری هفتمین جشنواره بین‌المللی «اطلس بایرامی» در مرغلان ۱۲۰
برگزاری جشنواره بین‌المللی هنر تجربی «یونار» در قره‌قالپاقستان ۱۲۰
برگزاری چهارمین جشنواره بین‌المللی «طنین صحرا» در قره‌قالپاقستان ۱۲۱
برگزاری روزهای سینمای ترکیه در تاشکند ۱۲۱
افتتاح نمایشگاه «میان‌جریان‌ها» در گالری آرتپا ۱۲۱

برگزاری یازدهمین دوسالانه بین‌المللی هنر معاصر تاشکند ۱۲۱
رویدادهای آتی ۱۲۲
نمایشگاه «نخ‌های پیوند؛ روایت‌های گلدوزی از افغانستان و جوامع مهاجر» ۱۲۲
جشنواره بین‌المللی هنر باکو ۱۲۲
آخر هفته هنر باکو؛ «پرواز به باکو، آینده را از دریچه هنر تجربه کنید» ۱۲۲
دوازدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب باکو ۱۲۲
نمایشگاه «سرزمین فرش‌ها» ۱۲۲
سی‌ویکمین جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان ۱۲۳
جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت ۱۲۳
جشنواره «سیباگا» ۱۲۳
افتتاح فصل زمستان گردشگری ۲۰۲۶ ۱۲۳
جشنواره زمستانی «سرزمین شگفتی آستانه») ۱۲۳
آغاز فصل اسکی ۱۲۳
جوایز «بیو» ۱۲۴
جشنواره زمستانی «مجیک بورابای» ۱۲۴
دوی سال نو خزر ۱۲۴
روز حماسه «ماناس» ۱۲۴
جشنواره جهانی فرهنگ کراچی ۱۲۴
جشنواره مردمی لوک‌ویرسا ۱۲۴
جشنواره بسنت ۱۲۴
جشنواره بسنت لاهور ۱۲۴
روز قانون اساسی تاجیکستان ۱۲۵
جشن نوروز تاجیکستان ۱۲۵
جشنواره بین‌المللی یادبود مولانا؛ شب عروس (شب عُرس) ۱۲۵
نمایشگاه بین‌المللی هنر و عتیقه استانبول ۱۲۵
نمایشگاه بین‌المللی کتاب چوکوروا ۱۲۵
جشن نوروز ترکمنستان ۱۲۵
جشنواره بین‌المللی آشپزی «ازبکستان خوشمزه ۲۰۲۶» ۱۲۵

سی‌ویکمین نمایشگاه بین‌المللی گردشگری تاشکند؛ «گردشگری در جاده ابریشم» ۱۲۶
مسابقه بین‌المللی هنرهای نمایشی دانشجویی ۱۲۶





فصل اول

قهوه‌خانه و چایخانه سنتی؛ روایتی تطبیقی از قهوه‌خانه و چایخانه در کشورهای اکو

چای، قهوه و قصه

چکیده

این مقاله، قهوه‌خانه و چایخانه را به‌عنوان فضاهایی اجتماعی برای گفت‌وگو، خبر، قصه و مهمان‌نوازی در ده کشور عضو سازمان همکاری اقتصادی بررسی می‌کند: افغانستان، جمهوری آذربایجان، ایران، قزاقستان، قرقیزستان، پاکستان، تاجیکستان، ترکیه، ترکمنستان و ازبکستان.
بحث در چهار مسیر پیش می‌رود: پیدایش و کارکرد اجتماعی این فضاها؛ روایت تصویری، شفاهی و موسیقایی؛ آیین چای و قهوه در پذیرایی؛ و سرنوشت امروزین قهوه‌خانه‌ها و چایخانه‌ها. مقاله نشان می‌دهد که این نهادها در همه‌ی کشورها شکل یکسانی نداشته‌اند؛ آن‌ها را یکی نمی‌گیرد و می‌پرسد کجا و چگونه کارکردهای مشابهی در معاشرت، پذیرایی، گفت‌وگو و انتقال روایت داشته‌اند. در ایران و ترکیه شواهد تاریخی غنی‌تر است؛ در آسیای مرکزی چایخانه با معاشرت، پلو، موسیقی و حافظه‌ی شهری پیوند دارد؛ و در پاکستان، نمونه‌هایی مانند پاک تی‌هاوس، نقش ادبی این فضا را نشان می‌دهند. درباره‌ی برخی کشورهای دیگر منابع در دسترس پراکنده است و بخش‌های مربوط به آن‌ها کوتاه‌تر آمده است.
بخش چهارم جایگاه زنان را هم بررسی می‌کند: از قهوه‌خانه‌ی مردانه‌ی سنتی تا کافه‌هایی که امروز برای بسیاری از زنان شهری مکان سوم را از نو تعریف می‌کنند. نتیجه‌ی کلی این است که اگرچه بسیاری از ساختمان‌ها و کارکردهای سنتی در برابر کافه‌های مدرن، رسانه‌های نو و بازسازی شهری عقب نشسته‌اند، آیین مهمان‌نوازی، روایت و نشستن در کنار نوشیدنی همچنان در قالب‌های تازه ادامه دارد.

کلیدواژه‌ها: قهوه‌خانه، چایخانه، اکو، مهمان‌نوازی، نقالی، مکان سوم، میراث فرهنگی، آسیای مرکزی

مقدمه: نوشیدنی‌هایی برای نشستن

برای بسیاری از مردم منطقه‌ی ما، چای و قهوه پیش از آنکه نوشیدنی باشند، بهانه‌ی نشستن‌اند. کسی که در بازار بخارا، در چایخانه‌ای کنار جاده‌ی مزارشریف، در قهوه‌خانه‌ای محله‌ای در استانبول یا در چایخانه‌ای در باکو می‌نشیند، فقط تشنگی‌اش را برطرف نمی‌کند؛ وارد فضایی می‌شود که قاعده‌های خودش را دارد: جای نشستن، ترتیب پذیرایی، حدّ گفت‌وگو و رسم بلند شدن.

این مقاله می‌خواهد همین فضا را در ده کشور عضو سازمان همکاری اقتصادی بشناسد. اکو در سال ۱۹۸۵ با عضویت ایران، پاکستان و ترکیه شکل گرفت و در سال ۱۹۹۲ با پیوستن افغانستان، جمهوری آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان به ده عضو رسید. این حوزه، از آناتولی تا پامیر و از قفقاز تا دره‌ی سند، فقط یک محدوده‌ی سیاسی نیست؛ بلکه منطقه‌ای با راه‌های بازرگانی، زبان‌ها، آیین‌ها و خاطرات فرهنگی درهم‌تنیده می‌باشد.

بااین‌حال، قهوه‌خانه و چایخانه تاریخ یکسانی ندارند. قهوه‌خانه از سنت‌های عثمانی و صفوی گسترش یافت، درحالی‌که چایخانه در آسیای مرکزی و شبه‌قاره مسیر تاریخی دیگری داشت. این مقاله آن‌ها را همانند نمی‌شمارد و یکی را جای دیگری نمی‌گذارد: «پاک تی‌هاوس» لاهور معادل چایخانه‌ی سنتی بخارا نیست، و «گپ» در ازبکستان، چنان‌که خواهیم دید، نهادی خانگی است و نه چایخانه.

آنچه این مقاله در کنار یکدیگر قرار می‌دهد، مفهوم «هم‌کارکردی» است: در مکان‌هایی که این

فضاها، یا نهادهای مشابه آن‌ها، وجود داشتند، چه کارکردهای مشترکی برای معاشرت، پذیرایی، گفت‌وگو و انتقال روایت ایفا می‌کردند؟

چهار پرسش اصلی در این مقاله دنبال می‌شود: این فضاها چگونه به محل گفت‌وگو، تبادل خبر و سرگرمی تبدیل شدند؟ روایت‌های حماسی و مذهبی چگونه در آن‌ها انتقال یافتند؟ چای و قهوه چه نقشی در فرهنگ مهمان‌نوازی ایفا کردند؟ و در شهرهای امروز، قهوه‌خانه‌ها و چایخانه‌ها تا چه اندازه احیا شده‌اند و یا شکل و کارکرد خود را تغییر داده‌اند؟

عنوان فرعی مقاله، «بررسی تطبیقی بر پایه‌ی شواهد موجود»، بر همین رویکرد تأکید دارد. شواهد و منابع درباره ایران و ترکیه فراوان‌تر است، در حالی که درباره برخی دیگر از کشورهای مورد بررسی، شواهد محدودتری در دسترس است. این تفاوت در میزان پرداختن به کشورها در بخش‌های مختلف مقاله نیز منعکس شده است؛ با این حال، نباید آن را نشانه تفاوت در اهمیت فرهنگی کشورها دانست. کشورهایی که شواهد کمتری درباره آن‌ها در دسترس بوده، صرفاً به دلیل محدودیت منابع، با اختصار بیشتری بررسی شده‌اند و برای ایجاد توازن ظاهری، مطالبی فراتر از شواهد موجود به آن‌ها افزوده نشده است.

روش و محدودیت‌ها

روش این مقاله تاریخی–تطبیقی است. منابع در چهار گروه بررسی شده‌اند: پژوهش‌های تاریخی درباره پیدایش و تحول قهوه‌خانه؛ مطالعات مردم‌شناختی و جامعه‌شناختی؛ خاطرات، سفرنامه‌ها و متون ادبی؛ و اسناد رسمی، به‌ویژه پرونده‌های یونسکو. گزارش‌های خبری و منابع اینترنتی عمدتاً برای بررسی رویدادها و وضعیت‌های معاصر و در کنار منابع پژوهشی و رسمی به کار رفته‌اند.

پوشش هر ده کشور عضو اکو در این مقاله به معنای برابری حجم یا تنوع شواهد موجود درباره آن‌ها نیست. درباره ایران و ترکیه پژوهش‌های بیشتری در دسترس است، در حالی که درباره افغانستان، قزاقستان، قرقیزستان و ترکمنستان داده‌های مستقل و مطالعات قابل دسترس کمتری یافت شد. بخش عمده منابع مورد استفاده به زبان انگلیسی است و شمار محدودی از منابع فارسی و ترکی نیز بررسی شده‌اند. پژوهش‌های منتشرشده به زبان‌های روسی، ازبکی، قزاقی، قرقیزی، ترکمنی و اردو، و نیز بخش قابل توجهی از منابع فارسی و ترکی، در دامنه این بررسی قرار نگرفته‌اند. بنابراین، هرجا در متن عبارت «منبعی یافت نشد» به کار رفته است، منظور آن است که در محدوده منابع بررسی‌شده شاهدی برای آن ادعا پیدا نشده، نه اینکه لزوماً هیچ پژوهشی درباره آن موضوع وجود ندارد. برای نمونه، قهوه‌خانه‌های اصفهان در دوره صفوی با تفصیل در پژوهش امامی (۲۰۱۶) بررسی شده‌اند، در حالی که درباره چایخانه‌های معاصر اوش در قرقیزستان در منابع بررسی‌شده شواهد مستقیمی به دست نیامد. چنین خلأهایی نیازمند بررسی منابع محلی و پژوهش‌های میدانی است.

برای شفاف‌تر شدن میزان اتکاپذیری ادعاها، در سراسر مقاله سه سطح از وضعیت شواهد از یکدیگر تفکیک شده است. «مستند» به ادعایی اطلاق می‌شود که دست‌کم یک منبع پژوهشی معتبر یا سند رسمی مشخص آن را تأیید می‌کند. «ادعای تک‌منبعی» به ادعایی گفته می‌شود که تنها در یک منبع گزارش شده و در این بررسی با منبع مستقل دیگری تطبیق داده نشده است. «یافت نشد» نیز صرفاً نشان می‌دهد که در مجموعه منابع بررسی‌شده شاهدی برای آن ادعا پیدا نشده است. این سه تعبیر ناظر به وضعیت

شواهد در فرایند پژوهش‌اند و نباید به‌عنوان داوری قطعی درباره وجود، قدمت یا اهمیت تاریخی قهوه‌خانه‌ها و چایخانه‌ها تلقی شوند.

در هر بخش، نام کوتاه انگلیسی کشورها به ترتیب الفبای انگلیسی آمده است تا ترتیب ارائه کشورها هیچ‌گونه اولویتی را القا نکند. هر ده کشور نیز دارای زیربخش مستقل هستند، حتی در مواردی که شواهد موجود برای ارائه بحثی مفصل کافی نبوده است.

در کنار این ملاحظات کلی، دو محدودیت مشخص نیز باید مورد توجه قرار گیرد. نخست، تمایز پیشنهادی میان جوامع یکجانشین و کوچ‌نشین‌تبار در شکل‌گیری یا رواج نهاد سنتی چایخانه تنها بر یک منبع، یعنی قاسیموف (۲۰۲۴)، استوار است؛ منبعی که در قالب مقاله کنفرانسی منتشر شده است. ازاین‌رو، این گزاره در مقاله به‌عنوان یک فرضیه تفسیری و نه یک یافته قطعی در نظر گرفته شده است. همچنین، دامنه این ادعا صرفاً به نهاد سنتی چایخانه مربوط می‌شود و نباید به نوشیدن چای، فرهنگ مهمان‌نوازی یا شیوه‌های مصرف چای به‌طور کلی تعمیم داده شود.

دوم، دانشنامه ترکی «کوره»، که خود را اثری «تولیدشده با پشتیبانی هوش مصنوعی» معرفی می‌کند، تنها برای توصیف برخی گونه‌ها و کارکردهای قهوه‌خانه‌های عثمانی مورد استفاده قرار گرفته است. ارقام مربوط به شمار قهوه‌خانه‌های استانبول، به دلیل اتکاپذیری محدود این منبع، در مقاله استفاده نشده‌اند. افزون بر این، بخش قابل توجهی از توصیف‌های تاریخی درباره قهوه‌خانه‌ها و فضاهای اجتماعی مشابه از سوی مسافران و نویسندگان اروپایی ثبت شده است. این منابع با توجه به جایگاه، زمینه فرهنگی و نگاه بیرونی نویسندگانشان، با احتیاط و در کنار سایر شواهد خوانده و ارزیابی شده‌اند.

نگاهی برای مقایسه

برای مقایسه میان ده کشور، دو دسته مفهوم به کار گرفته می‌شود. ری اولدنبورگ (Oldenburg, ۱۹۸۹) مفهوم «مکان سوم» را برای فضاهایی به کار می‌برد که نه خانه‌اند و نه محل کار؛ از جمله کافه، و برخی فضاهای اجتماعی محله. در این دیدگاه، مکان سوم فضایی نسبتاً بی‌طرف و در دسترس است که گفت‌وگو و معاشرت در آن اهمیت دارد و معمولاً از حضور مشتریان و استفاده‌کنندگان ثابت برخوردار است. یورگن هابرماس (Habermas, ۱۹۶۲؛ ترجمه انگلیسی، ۱۹۸۹) نیز در بحث خود درباره شکل‌گیری حوزه عمومی، به نقش فضاهایی مانند قهوه‌خانه‌های انگلستان و سالن‌های فرانسه در گسترش گفت‌وگو و شکل‌گیری افکار عمومی توجه دارد. مارکمن الیس (Ellis, ۲۰۰۴) و برایان کوان (Cowan, ۲۰۰۵) این روایت را بررسی و در برخی جنبه‌ها تعدیل کرده‌اند. همچنین هتوکس (Hattox, ۱۹۸۵) و اوزکوچاک (Özkoçak, ۲۰۰۷) نشان داده‌اند که قهوه‌خانه‌های عثمانی در جابه‌جایی مرز میان فضای عمومی و خصوصی نقش داشتند و از سوی حکومت هم به‌عنوان محل گفت‌وگو و معاشرت و هم به‌عنوان فضایی بالقوه سیاسی و مسئله‌زا دیده می‌شدند.

با این حال، این مفاهیم باید در مقایسه میان جوامع مختلف با احتیاط به کار گرفته شوند. مفهوم «مکان سوم» اساساً بر تجربه اجتماعی و شهری جوامع مدرن، به‌ویژه در زمینه آمریکایی، استوار است و نمی‌توان ویژگی‌های آن را بدون تعدیل به همه جوامع تعمیم داد. در منطقه مورد بررسی نیز شیوه نشستن، ترتیب پذیرایی، جایگاه افراد و حضور ریش‌سفیدان یا چهره‌های صاحب نفوذ گاه بیش از برابری اجتماعی، وجود سلسله‌مراتب را نشان می‌داده است. افزون بر این، در منابع بررسی‌شده، چایخانه و قهوه‌خانه سنتی عمدتاً به‌عنوان فضاهایی با حضور غالب

مـردان توصیـف شـده‌اند. ازایـن‌رو، مفاهیـم «مـکان سـوم» و «حـوزه عمومـی» در ایـن مقالـه ابزارهایـی بـرای مقایسـه و تفسیـر هستنـد، نـه الگوهایـی از پیـش تعیین‌شـده کـه ویژگی‌هـای همـه جوامـع را بـر اسـاس آن‌هـا بسـنجیم.

روایـت و قصه‌گویـی نیـز یکـی از کارکردهـای مهـم بسـیاری از ایـن فضاهـا بـوده اسـت. والتـر جـی. اونـگ (Walter J. Ong, ۱۹۸۲) در مطالعـه فرهنگ‌هـای شـفاهی نشـان می‌دهـد کـه شیـوه سـازمان‌یافتن روایـت در جوامـع شـفاهی بـا نیـاز بـه حفـظ، به‌یادسـپاری و اجـرای شـفاهی پیونـد دارد.

در جوامـع مـورد بررسـی ایـن مقالـه، سـنت‌های گوناگـون روایت‌گـری و اجـرای شـفاهی، از جملـه نقالـی، مداحـی، عاشـیقی، بخشـی‌گری و قصه‌خوانـی، در دوره‌هـا و زمینه‌هـای متفـاوت وجـود داشته‌انـد. در برخـی از ایـن سـنت‌ها، قهوه‌خانـه و چایخانـه نیـز از فضاهـای مهـم اجـرای روایـت و انتقـال میـراث شـفاهی بوده‌انـد. البتـه میـزان و شـکل حضـور ایـن سـنت‌ها در کشـورهای مختلـف یکسـان نبـوده و در هـر مـورد بایـد بـر اسـاس شـواهد تاریخـی و محلـی بررسـی شـود.

بخش نخست: پاتوق، خبر و گفت‌وگو

پرسـش ایـن بخـش ایـن اسـت کـه قهوه‌خانـه و چایخانـه چگونـه محـل گفت‌وگـو، خبـر و سـرگرمی مـردم بوده‌انـد. نخسـت پیدایـش ایـن نهـاد و معیارهـای مقایسـه را روشـن می‌کنیـم.

پیدایش و انتشار

پژوهـش کلاسـیک رالـف هتوکـس، *Coffee and Coffeehouses: The Origins of a Social Beverage in the Medieval Near East* (۱۹۸۵)، خاستـگاه



مصـرف قهـوه را بـه حلقه‌هـای صوفیـان یمـن مرتبـط می‌دانـد. بـر اسـاس ایـن پژوهـش، صوفیـان در حـدود میانـه سـده پانزدهـم مـیلادی از قهـوه در پیونـد بـا مناسـک عبـادی و بـرای افزایـش بیـداری اسـتفاده می‌کردنـد. فرشـید امامـی (۲۰۲۱) نیـز اشـاره می‌کنـد کـه قهـوه در سـده چهاردهـم یـا پانزدهـم در یمـن به‌عنـوان نوشـیدنی گـرم رواج یافـت و در سـده شـانزدهم از شـبه‌جزیره عربسـتان فراتـر رفـت و همـراه بـا گسـترش قهوه‌خانه‌هـا در سـرزمین‌های شـرقی مدیترانـه تحـت حکومـت عثمانـی توسـعه یافـت. از همـان مراحـل نخسـت، مصـرف قهـوه بـا گردهمایـی و معاشـرت اجتماعـی پیونـد داشـت و به‌تدریـج بـه موضوعـی در مباحـث دینـی و سیاسـی نیـز تبدیل شـد؛ پیامدهـای ایـن امـر در بحـث مربـوط بـه قـدرت و نظـارت بـر قهوه‌خانه‌هـا بررسـی خواهـد شـد.

قهوه‌خانـه به‌عنـوان یـک فضـای اجتماعـی و عمومـی در سـده شـانزدهم مـیلادی در شـهرهای عثمانـی گسـترش یافـت. ابراهیـم پچـوی، مـورخ عثمانـی، تأسـیس نخسـتین قهوه‌خانه‌هـای استانبـول را بـه دو تـن از حلـب و دمشـق، بـا نام‌هـای حکـم و شـمس، نسـبت می‌دهـد کـه حـدود سـال‌های ۱۵۵۴–۱۵۵۵ در محلـه تحته‌قلعـه، از مراکـز مهـم تجـارت و بارگیـری شـهر، قهوه‌خانه‌هایـی دایـر کردنـد. در مقابـل، مصطفـی عالـی تاریـخ نخسـتین قهوه‌خانـه استانبـول را بـه سـال‌های ۱۵۵۲ یـا ۱۵۵۳ نسـبت می‌دهـد (Ottoman Encounters, ۲۰۲۶؛ کـوره). بنابرایـن، تاریـخ دقیـق آغـاز قهوه‌خانـه در استانبـول همچنـان محـل اختلاف در منابـع اسـت. شـمار قهوه‌خانه‌هـا در سـده‌های بعـد افزایـش یافـت، امـا بـه دلیـل تفـاوت در منابـع و محدودیـت اتکاپذیـری برخـی برآوردهـا، ارقـام مربـوط بـه تعـداد آن‌هـا در ایـن مقالـه اسـتفاده نشـده اسـت.

در منابـع بررسی‌شـده، قهوه‌خانـه عثمانـی نـه صرفـاً محـل مصـرف یـک نوشـیدنی، بلکـه یکـی از فضاهـای جدیـد معاشـرت شـهری توصیـف شـده اسـت؛ فضایـی کـه بیـرون از نهادهـای سـنتی ماننـد کاخ، مدرسـه و مسـجد، امـکان گفت‌وگـو، فراغـت و تعامـل اجتماعـی را فراهـم می‌کـرد. مجموعـه ویراسـته دانـا صجـدی، *The Ottoman Tulip, Ottoman Coffee* (۲۰۰۷)، نیـز بـه نقـش ایـن فضاهـا در فرهنـگ فراغـت و زندگـی اجتماعـی شـهر عثمانـی پرداختـه اسـت.

قهـوه در دوره صفـوی بـه ایـران راه یافـت و در سـده هفدهـم مـیلادی در فضاهـای شـهری مـورد اسـتفاده قـرار گرفـت (امامـی، ۲۰۲۱). ادعـای رایجـی کـه تأسـیس نخسـتین قهوه‌خانـه ایـران را بـه قزویـن و دوره شـاه طهماسـب نسـبت می‌دهـد، بـه گفتـه امامـی (۲۰۱۶)، پشـتوانه مستنـد کافـی نـدارد. امامـی در مقالـه «قهوه‌خانه‌هـا، فضاهـای شـهری و شـکل‌گیری حـوزه عمومـی در اصفهـان صفـوی» (Muqarnas, ۲۰۱۶) نشـان می‌دهـد کـه قهوه‌خانه‌هـای اصفهـان در فضاهـای مهـم شـهری، از جملـه میـدان نقـش جهـان و خیابـان چهارباغ، مستقـر بودنـد و محـل گردهمایـی گروه‌هایـی چـون شـاعران، هنرمنـدان، پیشـه‌وران و نقـالان بـه شـمار می‌رفتنـد. در ایـن میـان، تفـاوت میـان قهوه‌خانه‌هـای «اصفهـان نـو» و بخـش کهـن شـهر نیـز از نظـر ترکیـب مخاطبـان قابـل توجـه بـود؛ قهوه‌خانه‌هـای اصفهـان نـو بیشـتر پذیـرای گروه‌هـای نخبـه بودنـد، در حالـی کـه قهوه‌خانه‌هـای شـهر کهـن طیـف متنوع‌تـری از اسـتفاده‌کنندگان را جـذب می‌کردنـد.

مسیـر گسـترش چـای در ایـران متفـاوت بود. نخسـتین بـاغ چـای ایـران در بهـار ۱۹۰۱ بـه دسـت محمدمیـرزا کاشف‌السـلطنه در روسـتای شـیخانور لاهیجـان ایجـاد شـد. بـا ایـن حـال، دربـاره میـزان موفقیـت نخسـتین تلاش‌هـای او بـرای گسـترش کشـت چـای اختلاف نظـر وجـود دارد؛ سـنجری (مترجـم، ۱۴۰۱) ایـن تلاش‌هـا را چنـدان موفـق ارزیابـی نمی‌کنـد. دربـاره تاریـخ ایـن رویـداد نیـز در منابـع اختلافـی جزئـی دیـده می‌شـود و برخـی منابـع سـال ۱۲۷۹ شمسـی را ذکـر کرده‌انـد، در حالـی کـه سـنجری بهـار ۱۲۸۰ را آورده اسـت. در شـبه‌قاره نیـز گسـترش چـای تـا حـد زیـادی بـا کشـت اسـتعماری و راهبردهـای بازاریابـی بریتانیـا پیونـد داشـت؛ موضوعـی کـه راپاپـورت در کتـاب عطـش امپراتـوری A Thirst for Empire (۲۰۱۷) بررسـی کـرده اسـت.

در ادامـه ایـن رونـد تاریخـی، مـرز میـان «قهوه‌خانـه»

و «چایخانه» در برخی جوامع ثابت نمانده است. در ایران و ترکیه، «قهوه‌خانه» به‌عنوان نام یک نهاد یا فضای اجتماعی همچنان رایج است، حتی در شرایطی که چای به نوشیدنی غالب آن تبدیل شده است. در بخش‌هایی از آسیای مرکزی نیز چایخانه یا *چای‌خانه* صرفاً محل نوشیدن چای نیست و ممکن است کارکردهای پذیرایی، صرف غذا و معاشرت را نیز دربرگیرد. ازاین‌رو، این مقاله قهوه‌خانه و چایخانه را نه به‌عنوان دو نهاد کاملاً یکسان، بلکه به‌عنوان فضاهایی با هم‌پوشانی تاریخی و کارکردی بررسی می‌کند.

مقایسه اصفهان و استانبول نشان می‌دهد که یک الگوی اجتماعی مشابه می‌توانست در دو محیط شهری متفاوت، کارکردهای متمایزی پیدا کند. در اصفهان صفوی، قهوه‌خانه‌ها در فضاهای مهم شهری مانند میدان نقش جهان و چهارباغ مستقر بودند و، بر اساس پژوهش امامی (۲۰۱۶)، نقش مهمی در شعر، نقالی و گردهمایی هنرمندان و پیشه‌وران داشتند. در استانبول، نخستین قهوه‌خانه‌ها در محیطی تجاری و پرتردد مانند تحته‌قلعه شکل گرفتند و بعدها گونه‌های متنوع‌تری از این فضاها پدید آمد. اوزکوچاک (۲۰۰۷) و شاوک (۲۰۲۴) نشان می‌دهند که مرز میان فضای عمومی و خصوصی در قهوه‌خانه‌های عثمانی همواره روشن و ثابت نبود. با وجود تفاوت‌های تاریخی و شهری، در هر دو مورد قهوه‌خانه به فضایی تبدیل شد که حکومت آن را هم محل معاشرت و تبادل نظر و هم، در مقاطع مختلف، فضایی بالقوه مسئله‌زا از نظر سیاسی تلقی می‌کرد.

گفت‌وگو، خبر و سرگرمی

هر یک از این کارکردها بر اساس شواهد موجود بررسی می‌شود و سپس سه موضوع مرتبط با آن، یعنی معامله، جنسیت و قدرت، مورد توجه قرار می‌گیرد.

گفت‌وگو

اولدنبورگ (۱۹۸۹) گفت‌وگو را یکی از فعالیت‌های اصلی «مکان سوم» می‌داند. در جهان اکو، امامی (۲۰۱۶) قهوه‌خانه‌های اصفهان صفوی را از جمله فضاهای گردهمایی ادبی و محل حضور هنرمندان، پیشه‌وران، شاعران و نقالان توصیف می‌کند. یونسکو نیز در توصیف عنصر «فرهنگ و سنت قهوه ترک» به قهوه‌خانه به‌عنوان فضایی برای گردهمایی، گفت‌وگو، تبادل خبر و کتاب‌خوانی اشاره می‌کند.

در آسیای مرکزی، «گپ» نمونه‌ای نزدیک از یک شبکه اجتماعی مبتنی بر گردهمایی و گفت‌وگو است، هرچند محل برگزاری آن معمولاً خانه است، نه چایخانه. هیواتاری (۲۰۰۸) گپ را در ازبکستان نوعی انجمن سنتی با پیوندهایی بر پایه همسایگی، هم‌مدرسه‌ای‌بودن، خویشاوندی یا دوستی توصیف می‌کند که اعضای آن به‌نوبت در خانه‌های یکدیگر گرد می‌آیند و در فعالیت‌های متقابل و کمک‌رسانی مشارکت می‌کنند. به گفته هیواتاری، گپ در شکل سنتی خود عمدتاً مردانه بوده است، اما در دوره معاصر گپ‌های زنانه ــ که حتی می‌توانند رایج‌تر از برخی انواع دیگر باشند ــ و گپ‌های مختلط نیز شکل گرفته‌اند. الکساندروف (۲۰۱۷) نیز گپ را «دورهمی غیررسمی و منظم هم‌سن‌وسالان» و شکلی از مشارکت جمعی و جامعه مدنی توصیف می‌کند و به شکل‌های جدیدتر آن، از جمله گپ‌های اینترنتی، اشاره دارد. بنابراین، اگرچه گپ را نمی‌توان معادل چایخانه دانست، نمونه‌ای از اهمیت شبکه‌های پایدار معاشرت و گفت‌وگو در فرهنگ اجتماعی آسیای مرکزی به شمار می‌رود.

در مورد آزادی گفتار نیز باید میان وجود فضای گفت‌وگو و آزادی سیاسی تمایز گذاشت. امامی (۲۰۱۶) در بررسی قهوه‌خانه‌های اصفهان صفوی از «خصلت براندازانه» این فضاها سخن می‌گوید. این تعبیر مشخصاً به تفسیر او از قهوه‌خانه‌های اصفهان در قرن هفدهم مربوط است و نمی‌توان آن را بدون شواهد مستقل به سایر شهرها، دوره‌ها

یـا جوامـع تعمیـم داد.

خبر

توصیـف یونسـکو از «فرهنـگ قهـوه تـرک» تبـادل خبـر را نیـز از کارکردهـای اجتماعـی قهوه‌خانـه برمی‌شـمارد. همان‌گونـه کـه در بخـش «پیدایـش و انتشـار» اشـاره شـد، بـر اسـاس برخـی روایت‌هـای تاریخـی، نخسـتین قهوه‌خانه‌هـای استانبـول در تحته‌قلعـه، یکـی از مراکـز مهـم تجـارت و بارگیـری شـهر، شـکل گرفتنـد. قـرار گرفتـن ایـن قهوه‌خانه‌هـا در چنیـن محیطـی، از نظـر تاریخـی امـکان ارتبـاط آن‌هـا بـا جریـان رفت‌وآمـد بازرگانـان و گـردش اطلاعـات در فضـای بـازار را مطـرح می‌کنـد؛ بـا ایـن حـال، بایـد میـان ایـن استنبـاط و شـواهد مستقیـم دربـاره نقـش قهوه‌خانه‌هـا در انتقـال خبـر تمایـز گذاشـت.

پژوهـش آکبابـا و گوکایـا نیـز تحـول برخـی قهوه‌خانه‌ها از «قهوه‌خانـه» بـه «قرائت‌خانـه» و سـپس «کافـه» را بررسـی می‌کنـد. ایـن تحـول نشـان می‌دهـد کـه برخـی کارکردهـای مرتبـط بـا خوانـدن، دریافـت و تبـادل اطلاعـات و گفت‌وگـو، بـا تغییـر شـکل فضاهـای اجتماعـی شـهری، در قالب‌هـای جدیـد نیـز ادامـه یافته‌انـد.

بـا ایـن حـال، گـردش اطلاعـات و تجمـع در قهوه‌خانه‌هـا در همـه دوره‌هـا از نظـر قـدرت امـری خنثـی تلقـی نمی‌شـد. ممنوعیـت قهـوه در مکـه در سـال ۱۵۱۱ و تعطیلـی یـا ممنوعیـت قهوه‌خانه‌هـای استانبـول در دوره‌هـای بعـد، از جملـه در سـال ۱۶۳۳، نشـان می‌دهنـد کـه تجمـع عمومـی پیرامـون قهـوه و قهوه‌خانـه در برخـی مقاطـع می‌توانسـت بـرای مقامـات سیاسـی یـا مذهبـی مسـئله‌زا باشـد. البتـه ایـن شـواهد به‌تنهایـی ثابـت نمی‌کننـد کـه تبـادل خبـر یـا آزادی گفتـار علـت مستقیـم ایـن ممنوعیت‌هـا بـوده اسـت؛ انگیزه‌هـای مذهبـی، اجتماعـی و سیاسـی هـر مـورد بایـد در زمینـه تاریخـی خـاص خـود بررسـی شـود.

سرگرمی

سـرگرمی در ایـن فضاهـا بیـش از هـر چیـز بـا قصه‌گویـی، روایـت و اجـرا پیونـد داشتـه اسـت. یونسـکو در پرونـده «نقالـی» (۲۰۱۱) اشـاره می‌کنـد کـه نقالـی در گذشتـه در فضاهـای گوناگونـی، از جملـه قهوه‌خانه‌هـا، چادرهـای کوچ‌نشـینان، خانه‌هـا و کاروان‌سـراها اجـرا می‌شـده اسـت. امامـی (۲۰۱۶) نیز از حضـور نقـالان و شـاعران در قهوه‌خانه‌هـای اصفهـان صفـوی یـاد می‌کنـد. در آسـیای مرکـزی، یونسـکو در پرونـده «اوشـی پـالاو» (۲۰۱۶) نیـز از گردهمایـی گروه‌هایـی از مـردان یـا زنـان در خانـه یـا چایخانه‌هـا هنـگام تهیـه ایـن غـذا و همراهـی آن بـا معاشـرت، موسـیقی و آواز سـخن می‌گویـد. ایـن شـواهد نشـان می‌دهنـد کـه چایخانـه و قهوه‌خانـه، در برخـی زمینه‌هـای تاریخـی و اجتماعـی، می‌توانسـتند محـل پیونـد خـوردن پذیرایـی، معاشـرت و اجـرای شـفاهی یـا موسـیقایی باشـند.

در مـورد ترکیـه، متیـن اَنـد در آثـار خـود، از جملـه کاراگـوز: نمایـش سـایه‌ای ترکـی *Karagöz: Turkish Shadow Theatre* (۱۹۷۵) و *A History of Turkish Theatre and Popular Entertainment* (۱۹۶۳–۱۹۶۴)، تاریـخ گونه‌هایـی چـون مـداح، کاراگـوز و اورتـا اویونـو را بررسـی کـرده اسـت. بـا ایـن حـال، بـر اسـاس منابعـی کـه در ایـن پژوهـش بررسـی شـده‌اند، نمی‌تـوان بـا اطمینـان تعییـن کـرد کـه هـر یـک از ایـن گونه‌هـای نمایشـی در چـه دوره‌هـا و بـا چـه میـزان تداومـی در قهوه‌خانه‌هـا اجـرا می‌شـده‌اند. بنابرایـن، در ایـن مقالـه صرفـاً از آثـار اَنـد بـرای نشـان دادن اهمیـت ایـن سـنت‌های نمایشـی در فرهنـگ سـرگرمی ترکیـه اسـتفاده می‌شـود و حضـور مستقیـم آن‌هـا در قهوه‌خانـه بـه شـواهد جداگانـه نیـاز دارد.

ثبت‌هـای یونسـکو همچنیـن از تـداوم سـنت‌های روایـی، موسـیقایی و اجرایـی در دیگـر کشـورهای منطقـه خبـر می‌دهنـد؛ از جملـه موقـام در جمهـوری آذربایجـان (۲۰۰۸)، عاشـیقی در جمهـوری آذربایجـان (۲۰۰۹)، آکین‌هـا در قرقیزسـتان (۲۰۰۸)، حماسـه «مانـاس» در قرقیزسـتان (۲۰۱۳)، آیتیـس در قزاقسـتان و قرقیزسـتان (۲۰۱۵)، شـش‌مقام در تاجیکسـتان و ازبکسـتان (۲۰۰۸) و بخشـی‌گری در ازبکسـتان (۲۰۲۱). بـا ایـن حـال، ثبـت ایـن سـنت‌ها در فهرسـت‌های

یونسکو به خودی خود نشان‌دهنده اجرای آن‌ها در قهوه‌خانه یا چایخانه نیست. این شواهد را می‌توان برای نشان دادن تداوم سنت‌های روایت و موسیقی در جوامع مورد بررسی به کار گرفت، اما برای اثبات پیوند مستقیم آن‌ها با چایخانه و قهوه‌خانه، به شواهد تاریخی یا مردم‌نگارانه مستقل نیاز است.

معامله

کارکرد اقتصادی این فضاها در مقایسه با نقش اجتماعی و فرهنگی آن‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، برخی شواهد نشان می‌دهند که قهوه‌خانه و چایخانه در مجاورت یا در پیوند با فضاهای تجاری شکل گرفته‌اند. همان‌گونه که در بخش «خبر» اشاره شد، برخی از نخستین قهوه‌خانه‌های استانبول در تحته‌قلعه، از مراکز مهم تجارت و بارگیری شهر، قرار داشتند. این همجواری می‌توانست قهوه‌خانه را با رفت‌وآمد بازرگانان و فعالیت‌های اقتصادی پیوند دهد؛ با این حال، در منابع بررسی‌شده شواهد کافی برای آنکه معامله را یکی از کارکردهای اصلی یا عمومی قهوه‌خانه در همه کشورهای مورد مطالعه بدانیم، وجود ندارد. بنابراین، در این مقاله نقش اقتصادی این فضاها بیشتر به‌عنوان کارکردی وابسته به موقعیت شهری و شبکه‌های اجتماعی آن‌ها در نظر گرفته می‌شود، نه ویژگی‌ای مشترک و ثابت در سراسر منطقه.

جنسیت و طبقه

جنسیت در شکل‌گیری و استفاده از این فضاها یکی از متغیرهای مهم مقایسه‌ای است، اما شواهد موجود برای کشورهای مختلف یکسان نیست. درباره ازبکستان، روزین (۲۰۲۱) چایخانه را از دیرباز یکی از فضاهای معاشرت مردان معرفی می‌کند و توضیح می‌دهد که دولت شوروی نیز از محبوبیت این فضا در قالب‌هایی مانند «چایخانه سرخ» بهره گرفت. این شواهد نشان می‌دهند که چایخانه در برخی زمینه‌های تاریخی آسیای مرکزی با معاشرت مردانه پیوند داشته است؛ اما نمی‌توان این ویژگی را بدون بررسی منابع محلی به همه کشورهای منطقه تعمیم داد.

در عین حال، برخی شواهد مربوط به سنت‌های فرهنگی نشان‌دهنده تغییر یا تنوع در مشارکت جنسیتی‌اند. یونسکو در معرفی سنت آیتیس اشاره می‌کند که این سنت در گذشته به‌طور سنتی عمدتاً توسط مردان اجرا می‌شده، اما زنان نیز در دوره معاصر مشارکت گسترده‌تری یافته‌اند.

در مورد اوشی پالاو نیز از حضور گروه‌هایی از مردان یا زنان در فرایند تهیه و صرف این غذا و همراهی آن با معاشرت و اجرای موسیقی سخن گفته شده است. این موارد نشان‌دهنده تنوع و تغییر در الگوهای مشارکت جنسیتی در برخی فضاهای اجتماعی‌اند، اما به‌تنهایی برای اثبات تغییر جنسیتی در خود نهاد چایخانه کافی نیستند.

از این منظر، کاربرد مفهوم «حوزه عمومی» هابرماسی نیز نیازمند احتیاط است. اگر یک فضای اجتماعی در عمل عمدتاً در اختیار مردان بوده باشد، نمی‌توان آن را بدون توجه به این محدودیت، نمونه‌ای کامل از یک حوزه عمومی فراگیر دانست. با این حال، میزان و شکل این محدودیت در کشورهای مختلف و در دوره‌های تاریخی متفاوت بوده است و باید برای هر مورد بر اساس شواهد مستقل بررسی شود. مطالعات مربوط به تاریخ اجتماعی زنان در آسیای مرکزی، از جمله آثار کمپ (۲۰۰۶) و نورثروپ (۲۰۰۴)، می‌توانند برای فهم این تحولات در بستر دوره شوروی و پس از آن مورد استفاده قرار گیرند.

در مورد «طبقه» نیز باید میان دسترسی اجتماعی به این فضاها و جایگاه اقتصادی یا منزلت اجتماعی استفاده‌کنندگان تمایز گذاشت. شواهد مربوط به اصفهان صفوی، برای نمونه، از تفاوت میان قهوه‌خانه‌های «اصفهان نو» و بخش کهن شهر از نظر ترکیب مخاطبان حکایت دارد (امامی، ۲۰۱۶). این نمونه نشان می‌دهد که قهوه‌خانه را نمی‌توان به‌طور پیشینی فضایی کاملاً برابر و فارغ

از تمایـزات اجتماعـی دانسـت. بـا ایـن حـال، بـرای تعمیـم ایـن الگـو بـه سـایر کشـورهای اکـو، به شـواهد تاریخـی و مردم‌نگارانـه بیشـتری نیـاز اسـت.

دربـاره حضـور زنـان در کافه‌هـا و چایخانه‌هـای معاصـر نیـز شـواهد بایـد بـه تفکیـک کشـور و دوره زمانـی بررسـی شـود. بنابرایـن، در ایـن مقالـه از تعمیـم یـک الگـوی واحـد دربـاره «مردانـه بـودن» یـا «فراگیـر بـودن» ایـن فضاهـا بـه کل منطقـه پرهیـز می‌شـود و جنسـیت و طبقـه به‌عنـوان متغیرهایـی در نظـر گرفتـه می‌شـوند کـه بایـد در هـر جامعـه بـر اسـاس شـواهد موجـود سـنجیده شـوند.

قدرت و نظارت

رابطـه قهوه‌خانـه بـا قـدرت از نخسـتین مراحـل گسـترش ایـن نهـاد موضوعـی مناقشـه‌برانگیز بـوده اسـت. نخسـتین ممنوعیـت ثبت‌شـده قهـوه در مکـه بـه سـال ۱۵۱۱ بازمی‌گـردد. در ایـن ماجـرا، محتسـب بـازار، خایـر بیـگ، قهـوه و گردهمایـی پیرامـون آن را از جهاتـی مشـابه فضـای میکـده تلقـی کـرد و دسـتور بـه منـع مصـرف آن داد. جزئیـات ایـن واقعـه و انگیزه‌هـای دقیـق آن در منابـع محـل بحـث اسـت؛ بـا ایـن حـال، هتوکـس (۱۹۸۵) نشـان می‌دهـد کـه ممنوعیـت دوام زیـادی نداشـت و در نهایـت مقـام بالاتـر مملوکـی نوشـیدن قهـوه را مجـاز دانسـت. ایـن رویـداد را می‌تـوان یکـی از نخسـتین نمونه‌هـای واکنـش قـدرت سیاسـی و مذهبـی بـه شـکل‌گیری الگوهـای جدیـد گردهمایـی پیرامـون قهـوه دانسـت، هرچنـد نمی‌تـوان آن را صرفـاً بـه نگرانـی از گفت‌وگـو یـا تبـادل خبـر فروکاسـت.

در دوره عثمانـی نیـز قهوه‌خانه‌هـا در مقاطـع مختلـف بـا محدودیـت و نظـارت روبـه‌رو شـدند. در سـال ۱۶۳۳، در دوره سـلطان مـراد چهـارم، قهوه‌خانه‌هـای استانبـول بسـته شـدند و کاتـب چلبـی چنـد دهـه بعد از کاهـش حضـور و رونـق آن‌هـا سـخن گفتـه اسـت (Ottoman Encounters, ۲۰۲۶؛ Atlas Obscura, ۲۰۲۵). ایـن مـوارد نشـان می‌دهنـد کـه قهوه‌خانـه صرفـاً بـه دلیـل نوشـیدنی عرضه‌شـده در آن موضـوع نظـارت نبـود؛ تجمـع افـراد، معاشـرت و شـکل‌گیری شـبکه‌های اجتماعـی در ایـن فضاهـا نیـز می‌توانسـت آن‌هـا را در حـوزه توجـه حکومـت قـرار دهـد. بـا ایـن حـال، انگیزه‌هـای هـر یـک از محدودیت‌هـا متفـاوت بـوده و نبایـد همـه آن‌هـا را صرفـاً واکنشـی بـه «آزادی گفتـار» یـا فعالیـت سیاسـی دانسـت.

در ایـران صفـوی نیـز قهوه‌خانه‌هـا در برخـی مقاطـع از نظـر اجتماعـی و سیاسـی اهمیـت یافتنـد. امامـی (۲۰۱۶) در بررسـی قهوه‌خانه‌هـای اصفهـان از «خصلـت براندازانـه» ایـن فضاهـا سـخن می‌گویـد. ایـن تعبیـر، مشـخصاً بـه تحلیـل امامـی از قهوه‌خانه‌هـای اصفهـان صفـوی مربـوط اسـت و در ایـن مقالـه به‌عنـوان توصیفـی عـام از قهوه‌خانـه در همـه جوامـع یـا دوره‌هـا بـه کار نمـی‌رود.

ایـن رابطـه میـان فضـای اجتماعـی و قـدرت در دوره معاصـر نیـز، بـا اشـکال متفـاوت، ادامـه یافتـه اسـت. دربـاره آسـیای مرکـزی، روزیـن (۲۰۲۱) نشـان می‌دهـد کـه دولـت شـوروی در قالـب «چایخانـه سـرخ» کوشـید نهـادی بـا سـابقه اجتماعـی و محبوبیـت عمومـی را در چارچـوب نهادهـای رسمـی و دولتـی بازتعریـف کنـد. بنابرایـن، شـواهد موجـود دو شـیوه متفـاوت مواجهـه قـدرت بـا ایـن فضاهـا را نشـان می‌دهنـد: از یـک سـو، محـدود کـردن یـا نظـارت بـر تجمع‌هایـی کـه می‌توانسـتند خـارج از کنتـرل رسمـی شـکل گیرنـد؛ و از سـوی دیگـر، بهره‌گیـری از همـان فضاهـای اجتماعـی و ظرفیـت ارتباطـی آن‌هـا بـرای اهـداف نهـادی و رسمـی. ایـن دوگانـه، بیـش از آنکـه یـک الگـوی ثابـت تاریخـی باشـد، در دوره‌هـا و نظام‌هـای سیاسـی مختلـف بـه شـکل‌های متفـاوت ظاهـر شـده اسـت.

پنج پرسش برای مقایسه

بـرای آنکـه بررسـی ده کشـور بـه مجموعـه‌ای پراکنـده از توصیف‌هـای جداگانـه تبدیـل نشـود، تحلیـل هـر کشـور بـر اسـاس پنـج پرسـش ثابـت انجـام می‌گیـرد: نخسـت، ایـن نهـاد بـا چـه نـام و در چـه شـکل و قالبـی شـناخته می‌شـود؟ دوم، نوشـیدنی غالـب در آن چیسـت و چـه تغییراتـی در طـول زمـان داشـته اسـت؟ سـوم، چـه گروه‌هایـی از نظـر جنسـیت، طبقـه و پیشـه یـا صنـف در آن حضـور داشته‌انـد؟

چهـارم، مهم‌تریـن کارکـرد اجتماعـی آن، از میـان گفت‌وگـو، تبـادل خبـر، سـرگرمی و دیگـر فعالیت‌هـای مرتبـط، چـه بـوده اسـت؟ و پنجـم، رابطـه آن بـا دولـت و نهادهـای قـدرت چگونـه شـکل گرفتـه اسـت؟ ایـن چارچـوب امـکان می‌دهـد شـباهت‌ها و تفاوت‌هـای میـان کشـورهای عضـو اکـو بـر اسـاس معیارهـای یکسـان بررسـی شـود، بـدون آنکـه ویژگی‌هـای یـک کشـور به‌طـور پیشـینی بـه کشـورهای دیگـر تعمیـم داده شـود. در پایـان ایـن بخـش نیـز یافته‌هـای مقایسـه‌ای بـر اسـاس همیـن پنـج محـور و بـه تفکیـک کشـورها جمع‌بنـدی می‌شـوند.



ده کشور، یک فنجان چای

افغانستان

چایخانـه، کـه در برخـی گویش‌هـا و کاربردهـای محلـی بـا عنـوان «قهوه‌خانـه» یـا «چای‌خانـه» نیـز شـناخته می‌شـود، در افغانسـتـان نهـادی شناخته‌شـده اسـت؛ بـا ایـن حـال، در منابـع بررسی‌شـده پژوهـش مستقلـی کـه سـاختار اجتماعـی چایخانـه، ترکیـب حاضـران یـا رابطـه آن بـا نهادهـای دولتـی را به‌طـور مشـخص بررسـی کـرده باشـد، یافـت نشـد.

شـواهد موجـود بـرای تعییـن نوشـیدنی غالـب و کارکردهـای اصلـی چایخانـه در مناطـق مختلـف افغانسـتان کافـی نیسـت. بـا ایـن حـال، پژوهش‌هایـی دربـاره فضاهـای اجتماعـی مرتبـط بـا فرهنگ‌هـای محلـی، به‌ویـژه در میـان پشـتون‌ها، امـکان مقایسـه‌ای محـدودی فراهـم می‌کننـد. در جامعـه پشـتون، «حجـره» به‌عنـوان فضایـی بـرای گردهمایـی مـردان، معاشـرت و پذیرایـی از مهمـان توصیـف شـده اسـت (Barth, ۱۹۵۹; Lindholm, ۱۹۸۲). هـر دو پژوهـش مـورد اشـاره دربـاره جوامـع پشـتون در سـوات پاکستان‌انـد و نـه افغانسـتان؛ بنابرایـن، اسـتفاده از آن‌هـا بـرای تحلیـل افغانسـتـان صرفـاً در حـد یـک قیـاس احتمالـی اسـت و نمی‌تـوان بـر اسـاس آن وجـود یـا کارکـرد مشـابه حجـره در افغانسـتـان را نتیجـه گرفـت.

شـواهد مستقیـم و کافـی دربـاره ترکیـب جنسـیتی و طبقاتـی اسـتفاده‌کنندگان از چایخانه‌هـای افغانسـتـان در منابـع بررسی‌شـده بـه دسـت نیامـد. ازایـن‌رو، نمی‌تـوان بـر اسـاس شـواهد موجـود، الگـوی واحـدی دربـاره مردانـه یـا فراگیـر بـودن ایـن فضاهـا در سراسـر افغانسـتـان ارائـه کـرد.

دربـاره رابطـه چایخانـه بـا دولـت و نهادهـای قـدرت نیـز در منابـع بررسی‌شـده داده مستقیمـی یافـت نشـد. در نتیجـه، بـرخلاف برخـی نمونه‌هـای عثمانـی

یـا آسـیای مرکـزی کـه شـواهد تاریخـی دربـاره نظـارت یـا بهره‌گیـری دولتـی از ایـن فضاهـا وجـود دارد، در مـورد افغانسـتان نمی‌تـوان در چارچـوب ایـن پژوهـش داوری مشـخصی ارائـه کـرد.

در مجمـوع، افغانسـتـان در ایـن مقایسـه نمونـه‌ای مهـم از محدودیـت شـواهد اسـت. چایخانـه به‌عنـوان یـک نهـاد اجتماعـی شـناخته شـده اسـت، امـا منابـع مـورد اسـتفاده بـرای ایـن مقالـه امـکان بازسـازی دقیـق تاریـخ، سـاختار اجتماعـی، کارکردهـای غالـب و رابطـه آن بـا دولـت را فراهـم نمی‌کننـد. بنابرایـن، هرگونـه مقایسـه تفصیلـی افغانسـتـان بـا دیگـر کشـورهای عضـو اکـو نیازمنـد اسـتفاده از منابـع محلـی و پژوهش‌هـای مردم‌نگارانـه و میدانـی اسـت.

جمهوری آذربایجان

چایخانـه (çayxana) در جمهـوری آذربایجـان از نهادهـای شناخته‌شـده فرهنـگ چـای اسـت. یونسـکو در پرونـده «فرهنـگ چـای، نمـاد هویـت، مهمان‌نـوازی و تعامـل اجتماعـی» (۲۰۲۲)، «صاحبـان چایخانـه» را در شـمار دارنـدگان و انتقال‌دهنـدگان ایـن فرهنـگ قـرار می‌دهـد. بـر اسـاس ایـن پرونـده، چـای تـازه‌دم و داغ در فنجان‌هـای گلابی‌شـکل سـرو می‌شـود و معمـولاً بـا شیرینـی، قنـد، لیمـو، مربـا و خشـکبار همـراه اسـت. در جمهـوری آذربایجـان و ترکیـه، چـای سـیاه نوشـیدنی غالـب ایـن سـنت اسـت و چـای جایـگاه مهمـی در مهمان‌نـوازی دارد؛ به‌گونـه‌ای کـه تعـارف چـای بـه مهمـان بخشـی از ایـن فرهنـگ بـه شـمار مـی‌رود. ایـن عنصـر فرهنگـی در سـال ۲۰۲۲ به‌صـورت مشـترک بـا ترکیـه در فهرسـت میـراث فرهنگـی ناملمـوس یونسـکو ثبـت شـد.

از نظـر سـنت‌های روایـی و موسـیقایی، یونسـکو «موقـام آذربایجانـی» را در سـال ۲۰۰۸ و «هنـر عاشـیق آذربایجانـی» را در سـال ۲۰۰۹ ثبـت کـرده اسـت. ایـن ثبت‌هـا نشـان‌دهنده تـداوم سـنت‌های موسـیقایی و روایـی در جمهـوری آذربایجان‌انـد، امـا به‌خودی‌خـود حضـور ایـن سـنت‌ها در چایخانـه را اثبـات نمی‌کننـد. در منابـع بررسی‌شـده نیـز شـواهد مستقیمـی دربـاره نقـش چایخانه‌هـای جمهـوری آذربایجـان در انتقـال خبـر، اجـرای روایـت یـا سـرگرمی بـه دسـت نیامـد. دربـاره ترکیـب جنسـیتی، طبقاتـی و صنفـی حاضـران در چایخانـه و همچنیـن رابطـه ایـن نهـاد بـا دولـت و نهادهـای قـدرت نیـز در منابـع بررسی‌شـده شـواهد مستقیمـی یافـت نشـد. بنابرایـن، نمی‌تـوان بـر اسـاس ایـن مجموعـه منابـع، الگـوی مشـخصی دربـاره مردانـه یـا فراگیـر بـودن چایخانـه، نقـش آن در گـردش خبـر یـا میـزان نظـارت و مداخلـه دولـت ارائـه کـرد.

در مجمـوع، شـواهد موجـود جایـگاه چایخانـه را در فرهنـگ چـای، مهمان‌نـوازی و تعامـل اجتماعـی جمهـوری آذربایجـان تأییـد می‌کننـد؛ امـا بـرای بررسـی دقیق‌تـر سـاختار اجتماعـی، کارکردهـای ارتباطـی و رابطـه آن بـا قـدرت، اسـتفاده از منابـع محلـی و مطالعـات تاریخـی و مردم‌نگارانـه دربـاره çayxana ضـروری اسـت.



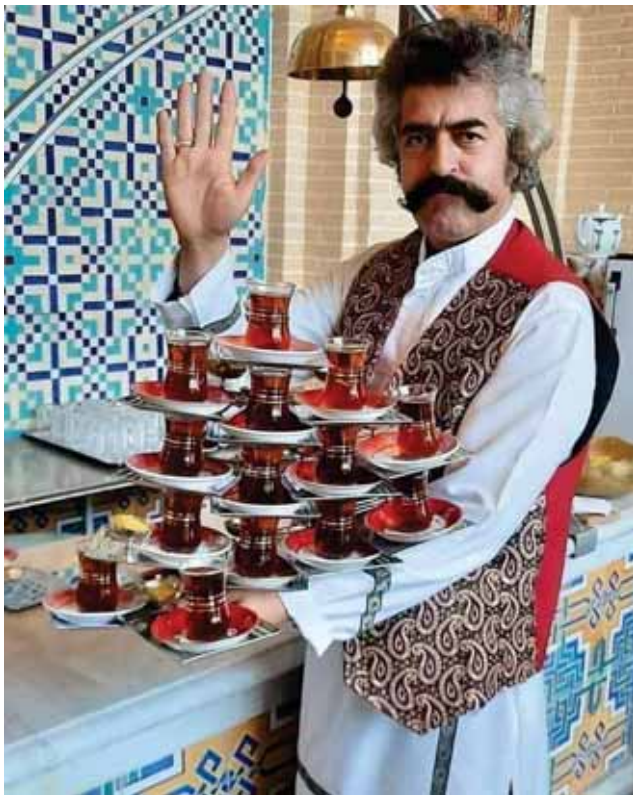
ایران

ایـران، در کنـار ترکیـه، از کشـورهایی اسـت کـه دربـاره تاریـخ و کارکردهـای قهوه‌خانـه پژوهش‌هـای بیشـتری در دسـترس اسـت. در دوره صفـوی، قهوه‌خانه‌هـا بـه بخشـی از فضـای اجتماعـی شـهر تبدیـل شـدند و پژوهـش امامـی (۲۰۱۶) نشـان می‌دهد کـه در اصفهان، میـدان نقـش جهـان و خیابـان چهارباغ از مهم‌تریـن فضاهـای استقـرار و فعالیـت آن‌هـا بودنـد. ترکیـب اجتماعـی ایـن قهوه‌خانه‌هـا نیـز یکدسـت نبـود؛ قهوه‌خانه‌هـای «اصفهـان نـو» بیشـتر بـا گروه‌هـای نخبـه ارتبـاط داشتنـد، در حالـی کـه قهوه‌خانه‌هـای بخـش کهـن شـهر مخاطبـان متنوع‌تـری را جـذب می‌کردنـد.

بـا گسـترش چـای در دوره قاجـار و پس از آن، نوشـیدنی غالـب در بسـیاری از ایـن فضاها تغییـر کـرد، امـا نـام «قهوه‌خانـه» باقـی مانـد. از ایـن نظـر، ایـران نمونـه‌ای روشـن از تـداوم یـک نهـاد اجتماعـی در کنـار تغییـر نوشـیدنی و بخشـی از کارکردهـای آن اسـت.

قهوه‌خانـه در ایـران همچنیـن بـا سـنت‌های روایـت و اجـرای شـفاهی، به‌ویـژه نقالـی و شـاهنامه‌خوانی، پیونـد داشـت. یونسـکو در پرونـده «نقالـی» (۲۰۱۱) قهوه‌خانـه را یکـی از فضاهـای سـنتی اجـرای نقالـی معرفـی می‌کنـد. در نتیجـه، قهوه‌خانـه ایرانـی را می‌تـوان نـه صرفـاً محـل صـرف نوشـیدنی، بلکـه فضایـی بـرای معاشـرت، روایت، سـرگرمی و شـکل‌گیری شـبکه‌های اجتماعـی دانسـت.

از نظـر رابطـه بـا قـدرت نیـز شـواهد مربوط بـه اصفهان صفـوی اهمیـت دارد. امامـی (۲۰۱۶) در تحلیـل خـود از قهوه‌خانه‌هـای اصفهـان از «خصلـت براندازانـه» ایـن فضاهـا سـخن می‌گویـد. بـا توجـه بـه اینکـه ایـن تعبیـر بـه تحلیـل تاریخـی او از قهوه‌خانه‌هـای اصفهـان صفـوی مربـوط اسـت، نمی‌تـوان آن را بـدون شـواهد مستقـل بـه همـه دوره‌هـای تاریـخ قهوه‌خانـه در ایـران تعمیـم داد.
در مجمـوع، ایـران در ایـن مقایسـه نمونـه‌ای اسـت کـه در آن نـام و نهـاد قهوه‌خانـه بـا وجـود تغییـر نوشـیدنی، تـداوم یافـت و ایـن فضـا در دوره‌هـای مختلـف کارکردهایـی چـون معاشـرت، روایـت، سـرگرمی و گردهمایـی اجتماعـی پیـدا کـرد. بـا ایـن حـال، میـزان دسترسـی گروه‌هـای مختلـف اجتماعـی و رابطـه قهوه‌خانـه بـا قـدرت در دوره‌هـای تاریخـی متفـاوت یکسـان نبـوده اسـت.



قزاقستان

دربـاره نهـاد سـنتی چایخانـه در قزاقسـتان، شـواهد موجـود محـدود اسـت. قاسـیموف (۲۰۲۴) در یـک مقالـه کنفرانسـی مدعـی اسـت کـه چایخانـه سـنتی در جوامـع کوچ‌نشین‌تبـار آسـیای مرکـزی، از جملـه قزاق‌هـا، وجـود نداشـته اسـت. ایـن ادعـا تک‌منبعـی اسـت و فقـط دربـاره نهـاد چایخانـه اسـت؛ بنابرایـن نمی‌تـوان آن را بـه چای‌نوشـی، مهمان‌نـوازی یـا دیگـر شـکل‌های گردهمایـی اجتماعـی تعمیـم داد. اولـکات (۱۹۹۵) زمینـه اجتماعـی قزاق‌هـا، از جملـه یکجانشـینی

اجباری و قحطی اوایل دهه ۱۹۳۰، را بررسی می‌کند، اما در منابع مورد استفاده این مقاله شواهدی درباره تأثیر این تحولات بر چایخانه یا فضاهای مشابه به دست نیامد.

در حوزه روایت و اجرای شفاهی، یونسکو «آیتیس، هنر بداهه‌گویی» را در سال ۲۰۱۵ به‌صورت مشترک برای قزاقستان و قرقیزستان ثبت کرد. در این سنت، دو آکین با همراهی دومبرا در قزاقستان یا کوموز در قرقیزستان، در برابر یکدیگر بداهه‌سرایی می‌کنند و موضوع اجرا می‌تواند از سوی مخاطبان تعیین شود. این سنت در گذشته عمدتاً توسط مردان اجرا می‌شد، اما زنان نیز در دوره معاصر در آن مشارکت دارند. با این حال، این شواهد مربوط به سنت آیتیس است و نه چایخانه.

در نتیجه، درباره نام و شکل چایخانه، ترکیب اجتماعی حاضران، کارکردهای خبری و سرگرمی و رابطه این نهاد با دولت، در منابع بررسی‌شده شواهد مستقیمی برای ارائه یک تصویر تاریخی روشن از قزاقستان به دست نیامد.

قرقیزستان

درباره قرقیزستان نیز ادعای قاسیموف (۲۰۲۴) درباره نبود چایخانه سنتی در جوامع کوچ‌نشین‌تبار آسیای مرکزی، تنها بر یک منبع استوار است و باید به‌عنوان ادعایی تک‌منبعی و نیازمند بررسی بیشتر در نظر گرفته شود.

در مقابل، درباره سنت‌های روایت و اجرای شفاهی شواهد بیشتری وجود دارد. یونسکو «هنر آکین‌ها، قصه‌گویان حماسی قرقیز» را در سال ۲۰۰۸ و سه‌گانه حماسی «ماناس، سِمِتی و سِیتِک» را در سال ۲۰۱۳ ثبت کرده است. بر اساس توضیحات یونسکو، این روایت‌ها در مناسبت‌های عمومی گوناگون، از رویدادهای روستایی تا جشن‌های ملی، اجرا می‌شوند و قصه‌گویان حماسی در موقعیت‌های اجتماعی مختلف نقش فرهنگی و معنوی دارند. با این حال، در منابع بررسی‌شده شاهد مستقیمی برای اجرای این سنت‌ها در چایخانه به دست نیامد.

بنابراین، در مورد نهاد چایخانه در قرقیزستان، شواهد مورد استفاده در این پژوهش برای تعیین ساختار، ترکیب اجتماعی، کارکردهای غالب و رابطه با دولت کافی نیست و بررسی آن به منابع محلی و مطالعات مردم‌نگارانه بیشتری نیاز دارد.

پاکستان

پاکستان از معدود نمونه‌هایی است که در آن یک چایخانه مشخص، یعنی «پاک تی‌هاوس» لاهور، به‌طور مستقیم با زندگی ادبی و فکری شهر پیوند خورده است. این مکان در اصل با نام «ایندیا تی‌هاوس» و پیش از استقلال پاکستان فعالیت می‌کرد و پس از ۱۹۴۷ به «پاک تی‌هاوس» تغییر نام داد. منابع درباره تاریخ دقیق آغاز فعالیت آن اختلاف جزئی دارند و آن را به اوایل دهه ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۰ نسبت می‌دهند.

پاک تی‌هاوس محل رفت‌وآمد نویسندگان و شاعران و نشست‌های ادبی بود و با انجمن نویسندگان ترقی‌خواه و حلقه ارباب ذوق ارتباط داشت. از چهره‌هایی که در منابع به حضورشان در این محفل اشاره شده است می‌توان به فیض احمد فیض، سعادت حسن منتو، ناصر کاظمی، ابن انشا، منیر نیازی و انتظار حسین اشاره کرد (Pakistan Today, ۲۰۱۵; APP, ۲۰۲۲). این چایخانه در اواخر قرن بیستم برای مدتی تعطیل شد و در مارس ۲۰۱۳ دوباره بازگشایی شد.

در کنار آن، «ایندیا کافی‌هاوس» نیز یکی از فضاهای مهم گردهمایی و بحث فکری لاهور در میانه قرن بیستم بود. کی.کی. عزیز در خاطرات خود با عنوان The Coffee House of Lahore, ۱۹۴۲–۱۹۵۷ به این مکان پرداخته و موفت (Moffat, ۲۰۱۲) آن را در کنار تی‌هاوس از فضاهای مهم زندگی فکری شهر

می‌داند. این دو مکان از نظر تاریخی نباید یکی تلقی شوند.

در پیشاور، «بازار قصه‌خوانی» (Qissa Khwani Bazaar) نیز با سنت شفاهی و زندگی اجتماعی شهر پیوند داشته است (Dani, ۱۹۶۹). با این حال، این بازار را نمی‌توان بدون شواهد بیشتر معادل چایخانه دانست؛ بنابراین در این مقاله صرفاً به‌عنوان زمینه شهری و فرهنگی مرتبط با سنت قصه‌گویی از آن یاد می‌شود.

گسترش چای سیاه در شبه‌قاره نیز با سیاست‌های تولید و بازاریابی بریتانیا ارتباط داشت (Rappaport, ۲۰۱۷). در مجموع، شواهد پاکستان، به‌ویژه نمونه لاهور، نشان می‌دهد که چایخانه در برخی زمینه‌های شهری می‌توانست به فضای مهمی برای معاشرت، ادبیات و گفت‌وگوی فکری تبدیل شود.



تاجیکستان

چایخانه در تاجیکستان یکی از فضاهای شناخته‌شده معاشرت و پذیرایی است. یونسکو در پرونده «اوشی پالاو» (۲۰۱۶) از چایخانه‌ها به‌عنوان یکی از فضاهای تهیه این غذا و گردهمایی اجتماعی یاد می‌کند. این شاهد، حضور چایخانه را در حیات اجتماعی تاجیکستان و دیگر بخش‌های آسیای مرکزی تأیید می‌کند، هرچند اطلاعات تفصیلی درباره ساختار اجتماعی آن ارائه نمی‌دهد.

تاجیکستان همچنین در سنت‌های موسیقایی منطقه جایگاه مهمی دارد. «شش‌مقام» در سال ۲۰۰۸ به‌صورت مشترک برای تاجیکستان و ازبکستان در فهرست میراث فرهنگی ناملموس یونسکو ثبت شد. با این حال، این ثبت به‌خودی‌خود نشان‌دهنده اجرای شش‌مقام در چایخانه نیست و در منابع بررسی‌شده شاهد مستقیمی برای چنین پیوندی به دست نیامد.

«چایخانه روحت» در دوشنبه، ساخته‌شده در حدود سال ۱۹۵۸، نمونه‌ای از حضور این نهاد در فضای شهری دوره شوروی بود و در مارس ۲۰۲۵ تخریب شد. این نمونه نشان می‌دهد که چایخانه می‌توانست علاوه بر کارکرد پذیرایی و معاشرت، بخشی از منظر شهری و فرهنگی دوره شوروی نیز باشد.

در مجموع، شواهد موجود حضور چایخانه را در زندگی اجتماعی تاجیکستان تأیید می‌کنند، اما درباره ترکیب جنسیتی و طبقاتی حاضران، نقش آن در گردش خبر و رابطه تاریخی آن با دولت، داده‌های کافی در منابع بررسی‌شده وجود ندارد.



ترکیه

ترکیه پرپژوهش‌ترین نمونه در این مطالعه است. قهوه‌خانه‌ها پس از شکل‌گیری نخستین نمونه‌ها در استانبول در میانه قرن شانزدهم، در محله‌ها و شهرهای مختلف گسترش یافتند. پژوهش اوزکوچاک (۲۰۰۷) نشان می‌دهد که مرز میان فضای عمومی و خصوصی در قهوه‌خانه‌های استانبول ثابت و مطلق نبود. شاوک (۲۰۲۴) نیز به‌جای تقابل ساده میان «عمومی» و «خصوصی»، بر درجات متفاوت خلوت و دسترسی در فضاهای شهری استانبول سده‌های هفدهم و هجدهم تأکید می‌کند.

قهوه‌خانه‌ها از نظر مخاطب و کارکرد نیز یکدست نبودند و گونه‌های مختلفی از آن‌ها در محیط‌های شهری وجود داشت. سنت‌های نمایشی عامه، از جمله مداح، کاراگوز و اورتا اویونو، نیز بخش مهمی از تاریخ سرگرمی عمومی ترکیه را تشکیل می‌دهند؛ با این حال، در منابع بررسی‌شده برای این مقاله شواهد کافی برای تعمیم حضور هر یک از این گونه‌ها در قهوه‌خانه‌ها به همه دوره‌ها وجود ندارد.

«فرهنگ و سنت قهوه ترک» در سال ۲۰۱۳ و «فرهنگ چای» در سال ۲۰۲۲ در فهرست میراث



فرهنگی ناملموس یونسکو ثبت شدند. این دو ثبت، جایگاه پایدار هر دو نوشیدنی را در فرهنگ اجتماعی ترکیه نشان می‌دهند، هرچند مسیر تاریخی گسترش آن‌ها متفاوت بوده است.

رابطه قهوه‌خانه با قدرت نیز در تاریخ عثمانی پرتنش بود. در سال ۱۶۳۳، در دوره مراد چهارم، قهوه‌خانه‌های استانبول بسته شدند و ممنوعیت قهوه و دخانیات نیز اعمال شد. کاتب چلبی در دهه ۱۶۵۰ از خلوتی و کاهش رونق قهوه‌خانه‌های استانبول سخن گفته است. این شواهد نشان می‌دهند که قهوه‌خانه در برخی مقاطع به دلیل ماهیت تجمعی و اجتماعی خود در معرض مداخله حکومت قرار می‌گرفت.

ترکمنستان

درباره نهاد سنتی چایخانه در ترکمنستان، منابع بررسی‌شده شواهد مستقلی ارائه نمی‌کنند. قاسیموف (۲۰۲۴) ترکمن‌ها را در شمار جوامع یکجانشین آسیای مرکزی قرار می‌دهد که دارای سنت چایخانه بوده‌اند، اما این ادعا نیز تک‌منبعی است و برای نتیجه‌گیری درباره تاریخ، ساختار یا کارکرد چایخانه در ترکمنستان کافی نیست.

ثبت «نوروز» در سال ۲۰۱۶ و «قصه‌گویی ملانصرالدین» در سال ۲۰۲۲ در فهرست میراث فرهنگی ناملموس یونسکو بخشی از زمینه فرهنگی کشور را نشان می‌دهد، اما هیچ‌یک شاهد مستقیمی درباره چایخانه نیستند.

بنابراین، درباره نوشیدنی غالب، ترکیب اجتماعی حاضران، کارکردهای ارتباطی و سرگرمی و رابطه چایخانه با دولت ترکمنستان، در دامنه منابع بررسی‌شده شواهد کافی به دست نیامد.

ازبکستان

چایخانه (choyxona) در ازبکستان یکی از شناخته‌شده‌ترین فضاهای معاشرت اجتماعی است. شواهد تاریخی و مردم‌نگارانه موجود نشان می‌دهند که این نهاد، به‌ویژه در محیط‌های شهری، با شبکه‌های معاشرت و زندگی محله‌ای پیوند داشته است.

مهم‌ترین شاهد برای رابطه چایخانه و دولت به دوره شوروی مربوط می‌شود. روزین (۲۰۲۱) نشان می‌دهد که «چایخانه سرخ» در دهه ۱۹۳۰ به یکی از گسترده‌ترین نهادهای مورد حمایت دولت در ازبکستان تبدیل شد. دولت شوروی از محبوبیت چایخانه به‌عنوان فضای معاشرت، به‌ویژه معاشرت مردان، استفاده کرد و آن را در قالب نهادی رسمی و تحت حمایت دولت بازتعریف کرد. در عین حال، شکل‌های غیررسمی معاشرت نیز ادامه یافتند و برخی فعالیت‌های موسیقایی در همین فضاها برگزار می‌شدند.

این نمونه برای بحث رابطه نهاد و قدرت اهمیت ویژه‌ای دارد: دولت در اینجا نه چایخانه را صرفاً محدود کرد و نه آن را نادیده گرفت، بلکه کوشید یک فضای اجتماعی موجود را در چارچوب نهادهای رسمی خود سازمان دهد. خالد (۲۰۱۵) زمینه گسترده‌تر سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی ازبکستان شوروی را بررسی کرده است.

از نظر جنسیت نیز روزین (۲۰۲۱) پیوند تاریخی چایخانه با معاشرت مردان را برجسته می‌کند. با این حال، این ویژگی را نمی‌توان بدون شواهد مستقل به همه چایخانه‌ها و همه دوره‌های تاریخی ازبکستان تعمیم داد.

در مجموع، ازبکستان یکی از روشن‌ترین نمونه‌های این پژوهش برای نشان دادن پیوند میان چایخانه، معاشرت اجتماعی و سیاست دولتی است؛ به‌ویژه در دوره شوروی که چایخانه به‌عنوان نهادی اجتماعی، در قالبی رسمی و تحت حمایت دولت بازتعریف شد.

فضا و معماری

قهوه‌خانه و چایخانه، افزون بر کارکردهای اجتماعی، در برخی جوامع دارای ویژگی‌های فضایی و معماری مشخصی بوده‌اند. امامی (۲۰۱۶) نشان می‌دهد که قهوه‌خانه‌های اصفهان صفوی در فضاهای مهم شهری، از جمله میدان نقش جهان و خیابان چهارباغ، مستقر بودند و از این نظر با ساختار شهری و برنامه‌های شهرسازی دوره شاه عباس ارتباط داشتند. در استانبول نیز نخستین قهوه‌خانه‌ها در تحته‌قلعه، از مراکز مهم تجارت و بارگیری شهر، شکل گرفتند. برخی قهوه‌خانه‌های شهری نیز دارای حیاط‌های کوچک و درخت‌کاری‌شده بودند (دیلی صباح، ۲۰۱۵).

در آسیای مرکزی، رابطه میان چایخانه و محیط پیرامونی نیز در برخی نمونه‌ها قابل توجه است. فضاهای پیرامون آب و درخت، از جمله مجموعه‌های تاریخی مانند لب‌حوض بخارا، در فرهنگ شهری این منطقه اهمیت داشته‌اند؛ با این حال، برای آنکه بتوان چنین نمونه‌هایی را به‌طور مشخص به‌عنوان الگوی معماری چایخانه معرفی کرد، به شواهد مستقیم‌تری نیاز است. قاسیموف (۲۰۲۴) نیز در بررسی خود درباره تحول معماری و تزئینات داخلی چایخانه‌های آسیای مرکزی، بر جنبه فضایی و هویتی این بناها تأکید دارد. بر اساس شواهد موجود، نمی‌توان یک الگوی معماری واحد برای قهوه‌خانه‌ها و چایخانه‌های کشورهای مورد بررسی ترسیم کرد؛ بااین‌حال، در برخی نمونه‌ها چند ویژگی تکرارشونده دیده می‌شود: قرارگیری در فضاهای شهری پرتردد، ارتباط با محیط‌های تجاری یا عمومی، استفاده از حیاط و فضای باز، و توجه به آب، درخت و عناصر تزئینی. این ویژگی‌ها البته بسته به اقلیم، ساختار شهری

و سنت‌های معماری هر منطقه تغییر کرده‌اند.

تزئینات داخلی و دیوارها نیز بخشی از هویت بصری این فضاها بوده‌اند. در ایران، دیوار قهوه‌خانه در دوره‌های بعد به یکی از بسترهای مهم شکل‌گیری و گسترش نقاشی قهوه‌خانه‌ای تبدیل شد؛ موضوعی که در بخش مربوط به هنر و سرگرمی بررسی می‌شود. در مورد قهوه‌خانه‌های عثمانی نیز برخی منابع به استفاده از لوح‌ها و تصاویر برای تزئین فضای داخلی اشاره کرده‌اند. با این حال، این موارد را نمی‌توان به‌عنوان یک ویژگی مشترک همه قهوه‌خانه‌ها و چایخانه‌های منطقه تعمیم داد.

چای و قهوه به‌مثابه کالا

چای و قهوه تنها نوشیدنی‌هایی برای مصرف روزمره نبودند، بلکه در بسیاری از جوامع به‌عنوان کالاهای تجاری و بخشی از شبکه‌های گسترده‌تر مبادله و مصرف عمل می‌کردند. متی (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که قهوه، و تنباکو در ایران نه‌تنها اهمیت تجاری داشتند، بلکه مصرف آن‌ها با برخی فضاهای اجتماعی، از جمله قهوه‌خانه، پیوند یافته بود. راپاپورت (۲۰۱۷) نیز گسترش مصرف چای را در ارتباط با تجارت جهانی، تولید استعماری و سیاست‌های امپراتوری بررسی می‌کند.

قرار دادن این دو روند در کنار یکدیگر نشان می‌دهد که تفاوت میان نوشیدنی غالب در سنت‌های مختلف منطقه را نمی‌توان صرفاً با ترجیحات ذائقه‌ای توضیح داد. مسیرهای تجارت، دسترسی به کالا، سیاست‌های تولید و توزیع و تحولات سیاسی و اقتصادی نیز در شکل‌گیری الگوهای مصرف نقش داشته‌اند. از این منظر، تغییر از قهوه به چای در برخی جوامع را می‌توان بخشی از تحولات گسترده‌تر در شبکه‌های تجاری و فرهنگ مصرف دانست. ابزارها و شیوه‌های ارائه نوشیدنی نیز بخشی از این فرهنگ مصرف را شکل داده‌اند. یونسکو در پرونده «فرهنگ چای» (۲۰۲۲) از کتری‌های ساخته‌شده توسط صنعتگران، فنجان‌های گلابی‌شکل و سماور به‌عنوان عناصر مرتبط با این فرهنگ یاد می‌کند و شیرینی، قند، لیمو، مربا و خشکبار را از همراهان رایج چای برمی‌شمارد. در پرونده «فرهنگ قهوه ترک» نیز فنجان کوچک قهوه و لیوان آب از عناصر مرتبط با شیوه پذیرایی معرفی شده‌اند. بنابراین، نوشیدنی را نمی‌توان جدا از ابزار، نحوه سرو و الگوی پذیرایی آن مطالعه کرد؛ موضوعی که در بخش مربوط به پذیرایی و مهمان‌نوازی بررسی می‌شود.

قهوه‌خانه در ادبیات و حافظه

بخشی از شناخت ما از قهوه‌خانه‌ها و چایخانه‌ها از طریق خاطرات، زندگی‌نامه‌ها و سفرنامه‌ها شکل گرفته است. برای نمونه، کتاب The Coffee House of Lahore, ۱۹۴۲–۱۹۵۷ نوشته کی. کی. عزیز (K. K. Aziz) تصویری خاطره‌محور از قهوه‌خانه لاهور و فضای فکری و اجتماعی پیرامون آن ارائه می‌کند. همچنین برخی خاطرات و روایت‌های منتشرشده درباره بخارا، از جمله ترجمه انگلیسی Sands of the Amu Darya (۱۹۹۸)، می‌توانند برای بازسازی تجربه زیسته و فضای اجتماعی شهر مورد استفاده قرار گیرند.

سفرنامه‌های اروپایی نیز از منابع مهم برای شناخت فضاهای اجتماعی و شهری منطقه‌اند، اما توصیف‌های آن‌ها همواره متأثر از جایگاه، پیش‌فرض‌ها و نگاه بیرونی نویسندگانشان بوده است. از سوی دیگر، خاطره‌نویسی معمولاً با انتخاب و بازسازی گذشته همراه است و ممکن است در آن نوستالژی، برجسته‌سازی خاطرات و حس فقدان پررنگ شود. بنابراین، این منابع در این مقاله بیشتر برای شناخت تجربه زیسته، توصیف فضا و بازتاب حافظه اجتماعی به کار می‌روند و ادعاهای تاریخی آن‌ها، تا حد امکان، با منابع پژوهشی و اسناد دیگر سنجیده می‌شوند.

مکان سوم به‌عنوان ابزار مقایسه

اولدنبورگ مفهوم مکان سوم را برای کافه‌ها و میخانه‌های آمریکا ساخت و آن را برای قهوه‌خانه‌ها و چایخانه‌های حوزه‌ی اکو نساخته بود. پس این مقاله نمی‌خواهد ثابت کند این نهادها نمونه‌ی اولدنبورگ‌اند؛ فقط می‌پرسد اگر مفهوم را ابزاری برای مقایسه بگیریم، کجا خوب می‌نشیند و کجا نه. فروغانفر (۲۰۲۰) در پژوهش میدانی درباره‌ی قهوه‌خانه‌های سنتی تبریز می‌نویسد که این قهوه‌خانه‌ها بیشتر معیارهای اولدنبورگ را برآورده می‌کنند: بی‌طرف‌اند، در ساعت‌های گوناگون باز می‌مانند، مشتری ثابت دارند و گفت‌وگو کار اصلی‌شان است. همان پژوهش اما می‌گوید این قهوه‌خانه‌ها یک‌جنسیتی مانده‌اند و از این رو به‌عنوان فضای فراگیر محدودند.

در منابع این مقاله، مفهوم مکان سوم سه چیز را درباره‌ی قهوه‌خانه و چایخانه‌ی شهری روشن می‌کند: این فضاها میان خانه و محل کار قرار داشتند، گفت‌وگو و پاتوق‌بودن در آن‌ها اصل بود، و بازی، شعر و قصه به آن‌ها حالتی کم‌ادعا می‌داد (امامی، ۲۰۱۶؛ فروغانفر، ۲۰۲۰). دو چیز را روشن نمی‌کند: چرا نشستن و پذیرایی در آن‌ها گاه سلسله‌مراتب سن و مرتبه را نشان می‌داد و نه برابری، و چرا دسترسی جنسیتی بود. درباره‌ی جوامع کوچ‌نشین‌تبار هم با این ابزار نمی‌توان داوری کرد؛ اگر ادعای قاسیموف درست باشد، اجتماع‌گاه اصلی آنجا خانه‌ی مهمان و مجلس بوده است، که مرز «خانه» و «مکان سوم» را در هم می‌ریزد. این فقط فرضیه است.

جمع‌بندی تطبیقی

فهرست زیر خلاصه‌ای از وضعیت شواهد درباره قهوه‌خانه و چایخانه در ده کشور عضو اکو ارائه می‌کند. منظور از «وضعیت شواهد» میزان و کیفیت منابع موجود در مجموعه منابع بررسی‌شده است، نه داوری درباره اهمیت فرهنگی این نهادها.

۱. افغانستان: چایخانه به‌عنوان نهادی شناخته‌شده مطرح است، اما درباره ساختار و کارکرد اجتماعی آن شواهد مستقیم محدودی به دست آمد. حجره در مطالعات مربوط به جوامع پشتون، به‌عنوان فضایی برای معاشرت و پذیرایی مردان، مطرح شده است (Barth, ۱۹۵۹; Lindholm, ۱۹۸۲)، اما این منابع مستقیماً درباره افغانستان یا چایخانه نیستند. وضعیت شواهد: پراکنده و ناکافی.

۲. جمهوری آذربایجان: چایخانه در منابع مربوط به فرهنگ چای به‌عنوان یکی از فضاهای مرتبط با این سنت شناخته شده است. یونسکو (۲۰۲۲) مهم‌ترین شاهد مورد استفاده در این بخش است. وضعیت شواهد: نسبتاً کافی.

۳. ایران: قهوه‌خانه و چایخانه سابقه و کارکردهای اجتماعی مستندتری دارند. پژوهش امامی (۲۰۱۶)، پرونده یونسکو درباره نقالی و منابع مربوط به تاریخ چای، مهم‌ترین شواهد این بخش‌اند. وضعیت شواهد: قوی.

۴. قزاقستان: در منابع بررسی‌شده شاهد مستقیمی برای وجود نهاد سنتی چایخانه به دست نیامد. قاسیموف (۲۰۲۴) این موضوع را در قالب یک ادعای تک‌منبعی مطرح می‌کند. وضعیت شواهد: پراکنده و ناکافی.

۵. قرقیزستان: همانند قزاقستان، در منابع بررسی‌شده شاهد مستقیمی برای نهاد سنتی چایخانه به دست نیامد و مهم‌ترین منبع موجود قاسیموف (۲۰۲۴) است. وضعیت شواهد: پراکنده و ناکافی.

۶. پاکستان: پاک تی هاوس نمونه‌ای مستند از چایخانه به‌عنوان فضای ادبی، فکری و اجتماعی است. منابعی مانند Pakistan Today و آثار مربوط به تاریخ فرهنگی لاهور، از جمله دانی، مهم‌ترین



شـواهد ایـن بخش‌انـد. وضعیت شـواهد: نسـبتاً کافی.

۷. تاجیکستـان: چایخانـه به‌عنـوان فضـای اجتماعـی و پذیرایـی در منابـع موجـود شـناخته شـده اسـت. پرونـده یونسـکو دربـاره اوشـی پـالاو و منابـع مربـوط بـه چایخانـه روحـت از شـواهد اصلی‌انـد. وضعیـت شـواهد: نسـبتاً کافـی.
۸. ترکیـه: قهوه‌خانـه از مستندتریـن نمونه‌هـای مـورد بررسـی اسـت و منابـع تاریخـی و پژوهشـی متعـددی دربـاره پیدایـش، سـاختار اجتماعـی و رابطـه آن بـا قـدرت وجـود دارد؛ از جملـه پچـوی، اوزکوچـاک، کـوره و یونسـکو. وضعیـت شـواهد: غنـی.
۹. ترکمنسـتـان: وجـود چایخانـه سـنتی در منابـع بررسی‌شـده بـه قاسـیموف (۲۰۲۴) مستنـد اسـت، امـا شـواهد مستقـل دیگـری بـرای بررسـی سـاختار و کارکرد آن محـدود اسـت. وضعیـت شـواهد: پراکنـده و ناکافی.

۱۰. ازبکسـتـان: چایخانـه به‌عنـوان فضـای مهـم معاشـرت اجتماعـی، به‌ویـژه در سـنت‌های مردانـه و در دوره شـوروی، مستنـد شـده اسـت. روزیـن (۲۰۲۱) و هیواتـاری (۲۰۰۸) از منابـع اصلـی ایـن بخش‌انـد. وضعیـت شـواهد: نسـبتاً کافـی.

نتیجـه کلـی: حجـم و کیفیـت شـواهد در میـان ده کشـور یکسـان نیسـت. ایـران و ترکیـه از نظـر منابـع تاریخـی و پژوهشـی وضعیـت غنی‌تـری دارنـد؛ پاکسـتـان و ازبکسـتـان نیـز نمونه‌هـای مشـخصی از پیونـد چایخانـه بـا زندگـی اجتماعـی و فرهنگـی ارائـه می‌کننـد. در مقابـل، دربـاره افغانسـتـان، قزاقسـتـان، قرقیزسـتـان و ترکمنسـتـان، منابـع بررسی‌شـده امـکان



داوری تفصیلی را فراهم نمی‌کنند. این تفاوت بیش از آنکه نشان‌دهنده تفاوت در اهمیت فرهنگی این نهادها باشد، بازتاب تفاوت در دسترس‌پذیری و دامنه منابع بررسی‌شده است.

بخش دوم: وقتی قصه تصویر می‌شود

پرسش محوری این بخش آن است که روایت‌های حماسی و مذهبی چگونه در نقاشی قهوه‌خانه‌ای بازنمایی می‌شدند و این شیوه تصویری چه نسبتی با سنت‌های قصه‌گویی و اجرای شفاهی در ایران داشت. در مجموعه منابع بررسی‌شده، نقاشی قهوه‌خانه‌ای به‌عنوان ژانری مشخص و عمدتاً ایرانی، با هنرمندان، آثار و ویژگی‌های روایی شناخته‌شده معرفی شده است. در مقابل، برای دیگر کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی (ECO)، در منابع بررسی‌شده نمونه‌ای هم‌ارز از یک ژانر نقاشی روایی که به‌طور مشخص با چایخانه پیوند داشته باشد، شناسایی نشد.

این تفاوت البته به معنای فقدان سنت‌های روایی در دیگر کشورهای منطقه نیست. ثبت‌های یونسکو و مطالعات مربوط به میراث ناملموس کشورهای عضو اکو نشان می‌دهند که روایت‌های حماسی، ادبی، مذهبی و تاریخی در بسیاری از این جوامع از طریق قصه‌گویی شفاهی، شعرخوانی، موسیقی و اجراهای نمایشی منتقل شده‌اند. بنابراین، در این بخش، ایران به‌دلیل وجود یک

سنت تصویری مستند و مشخص، در کانون بحث قرار می‌گیرد و در ادامه، امکان مقایسه آن با دیگر شیوه‌های انتقال روایت در منطقه بررسی خواهد شد.

نقاشی قهوه‌خانه‌ای در ایران

تعریف و ریشه‌ها

پروژه خمسین (Khamseen) دانشگاه میشیگان، نقاشی قهوه‌خانه‌ای (Naqqashi-ye Qahveh-Khaneh) را ژانری مدرن از نقاشی روایی معرفی می‌کند که صحنه‌هایی از مقتل‌نگاری شیعی، حماسه‌ها و داستان‌های عاشقانه ادبیات فارسی را به تصویر می‌کشید. این منبع، محمد مدبر و حسین قوللر آقاسی را دو استاد بزرگ این سنت معرفی می‌کند و برای زندگی‌نامه هر دو به پژوهش سیف (۱۹۹۰) ارجاع می‌دهد.

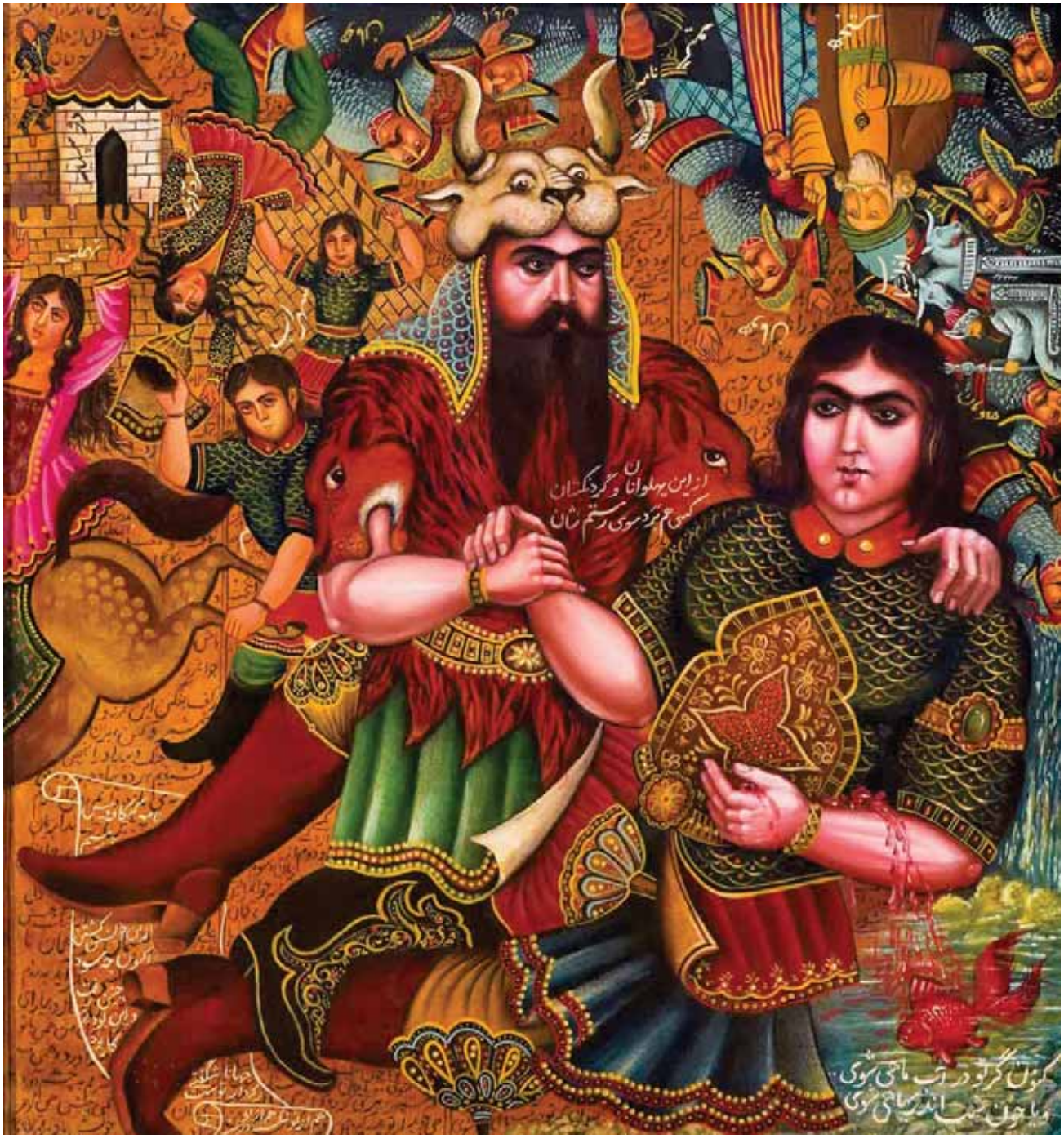
ریشه‌های این هنر را نمی‌توان صرفاً به خود قهوه‌خانه محدود کرد. نقاشی قهوه‌خانه‌ای بر بستر سنت‌های قدیمی‌تر روضه‌خوانی و نقالی شکل گرفت و از نظر بصری نیز با «پرده» یا بوم‌های روایی بزرگی پیوند داشت که برخی نقالان برای تسهیل روایت خود از آن‌ها استفاده می‌کردند. پروژه خمسین نیز این ارتباط میان نقاشی قهوه‌خانه‌ای و سنت‌های قصه‌گویی و پرده‌خوانی را تصریح می‌کند.

در کنار این پیوندهای روایی، قهوه‌خانه خود نیز از دوره صفوی به بعد به یکی از فضاهای مهم گردهمایی هنرمندان، شاعران، اهل اندیشه و دیگر گروه‌های اجتماعی تبدیل شده بود و در ماه محرم، روایت و بازسازی وقایع مربوط به شهادت امام حسین نیز در این فضاها انجام می‌شد.
با این حال، درباره تاریخ دقیق پیدایش نقاشی قهوه‌خانه‌ای به‌عنوان یک ژانر مستقل باید با احتیاط سخن گفت. پژوهش‌های مختلف تاریخ‌های متفاوتی برای شکل‌گیری و تثبیت این سنت مطرح کرده‌اند. یک پژوهش ایرانی، شکل‌گیری آن را در دوره جنبش مشروطیت و بر پایه سنت‌های هنر مردمی و دینی دانسته و رشد آن را در قهوه‌خانه‌های دوره قاجار توضیح می‌دهد. از سوی دیگر، برخی روایت‌های پژوهشی آغاز این جریان را به دهه‌های نخست سده بیستم نسبت می‌دهند.

وجود آثار باقی‌مانده از اواخر دوره قاجار نیز نشان می‌دهد که روند شکل‌گیری این سنت را باید تدریجی در نظر گرفت، نه حاصل یک نقطه آغاز دقیق و واحد. برای نمونه، موزه بروکلین اثر نبرد کربلا» (Battle of Karbala از عباس الموسوی را متعلق به اصفهان و مربوط به اواخر سده نوزدهم تا اوایل سده بیستم می‌داند و آن را در شمار نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای قرار می‌دهد. بنابراین، این اثر برای بررسی تاریخ شکل‌گیری و تحول ژانر اهمیت دارد، هرچند یک اثر منفرد به‌تنهایی نمی‌تواند تاریخ قطعی پیدایش کل سنت را تعیین کند.

موزه بروکلین همچنین توضیح می‌دهد که این نوع نقاشی‌ها که پیش‌تر در قالب‌های بزرگ و برای مخاطبان درباری تولید می‌شدند، در اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم برای مخاطبان عام بازتفسیر شدند. برخی از این بوم‌ها به‌صورت پرده‌های قابل حمل در اجرای روایت‌های مذهبی مورد استفاده قرار می‌گرفتند و راوی یا پرده‌دار با اشاره به بخش‌های مختلف تصویر، داستان شهادت امام حسین را برای مخاطبان روایت می‌کرد. به همین دلیل، از آنجا که این بوم‌ها در قهوه‌خانه‌ها نیز ارائه می‌شدند، عنوان «نقاشی قهوه‌خانه‌ای» درباره این آثار رواج یافت.

ارتباط این هنر با نقالی نیز مستقیم‌تر از یک تشابه موضوعی است. یونسکو در پرونده «نقالی، قصه‌گویی نمایشی ایرانی» (Naqqāli, Iranian


از این پهلوانان و گردنکشان
کسی هم‌گرد سوی رستم نشان
گهی گرگ در آب ماهی شوی
وگاهی بپرّی اندر هوا ماهی شوی

Dramatic Story-telling) ثبت کرده است که نقالی در گذشته در قهوه‌خانه‌ها، چادرهای کوچ‌نشینان، خانه‌ها و کاروان‌سراها اجرا می‌شد و نقال در برخی اجراها از پرده‌های نقاشی‌شده نیز استفاده می‌کرد. بنابراین، تصویر در این سنت نه صرفاً یک عنصر تزئینی، بلکه می‌توانست بخشی از ابزار اجرای روایت باشد.

موضوع‌ها

از نظر موضوعی، نقاشی قهوه‌خانه‌ای دامنه‌ای متنوع داشت و مضامین مذهبی، حماسی و بزمی یا عامه‌پسند را دربرمی‌گرفت. پژوهش‌های ایرانی نیز این سه حوزه را در بررسی آثار نقاشی قهوه‌خانه‌ای تشخیص داده‌اند.

در میان مضامین مذهبی، داستان‌های مرتبط با واقعه کربلا و شهادت امام حسین و یارانش جایگاه ویژه‌ای داشتند. این موضوع در آثار برجای‌مانده از استادان این سنت و نیز در مجموعه موزه‌های بین‌المللی به‌روشنی قابل مشاهده است. پروژه خمسین، برای نمونه، اثر محمد مدبر با عنوان «سفر مسلم بن عقیل به کوفه» را معرفی می‌کند که روایت آن به حوادث منتهی به واقعه کربلا مربوط است.

در حوزه حماسی نیز داستان‌های شاهنامه جایگاه مهمی داشتند. دانشنامه ایرانیکا از صحنه‌هایی مانند داستان رستم و سهراب و نبردهای اسفندیار در میان موضوعات پرده‌های روایی قهوه‌خانه‌ای نام می‌برد. همین منبع همچنین به داستان‌های عاشقانه‌ای مانند «یوسف و زلیخا» و روایت‌های مربوط به امامان شیعه اشاره می‌کند.

بنابراین، نقاشی قهوه‌خانه‌ای را می‌توان نقطه تلاقی چند لایه از حافظه فرهنگی ایران دانست: حافظه حماسی، ادبی و مذهبی. اهمیت آن



فقـط در انتخـاب موضوعـات نیسـت، بلکـه در تبدیـل روایت‌هایـی کـه پیش‌تـر عمدتـاً از طریـق گفتـار، شـعر و اجـرا منتقـل می‌شـدند، بـه یـک روایـت بصـری قابـل مشـاهده نیـز نهفتـه اسـت.

شیوه روایت تصویری

یکـی از ویژگی‌هـای مهـم نقاشـی قهوه‌خانـه‌ای، هم‌نشـینی چنـد صحنـه روایـی در یـک ترکیـب تصویری واحـد اسـت. اثـر «نبـرد کـربلا» از عبـاس الموسـوی در مـوزه بروکلیـن نمونـه روشـنی از ایـن شیـوه اسـت. در مرکـز اثـر، حضـرت عبـاس بـر اسـب سـفید دیـده می‌شـود و در اطـراف او، صحنه‌هـای کوچک‌تـر و جداگانـه‌ای از وقایـع نبـرد و رنـج امـام حسیـن و یارانـش قـرار گرفتـه اسـت. در بخـش دیگـر تصویـر نیـز بهشـت و دوزخ در برابـر یکدیگـر قـرار گرفته‌انـد؛ امـام حسیـن و یارانـش در بهشـت و مخالفـان آنـان در دوزخ نمایـش داده شـده‌اند.

نکتـه مهـم آن اسـت کـه صحنه‌هـای تصویـر لزومـاً یـک روایـت خطـی و مرحله‌به‌مرحلـه را دنبـال نمی‌کننـد. مـوزه بروکلیـن تصریـح می‌کنـد کـه رخدادهـای مختلـف زندگـی امـام حسیـن و وقایـع نبـرد در کنـار یکدیگـر قـرار گرفته‌انـد، بـدون آنکـه الزامـاً از یـک توالـی منطقـی واحـد پیـروی کننـد. در نتیجـه، مخاطـب با یک «تصویـر واحـد» روبـه‌رو نیسـت، بلکـه بـا مجموعـه‌ای از واحدهـای روایـی به‌هم‌پیوسـته مواجـه اسـت کـه در کنـار هـم داسـتان را شـکل می‌دهنـد.

در برخـی نمونه‌هـا، ایـن ترکیـب بـا تقابل‌هـای معنایـی نیـز تقویـت می‌شـود؛ بـرای مثـال، تقابـل خیـر و شـر یـا بهشـت و دوزخ. در اثـر عبـاس الموسـوی، جای‌گیـری شـخصیت‌های مرتبـط بـا امـام حسیـن در فضـای بهشـت و مخالفـان آنـان در فضـای دوزخ، تنهـا یـک عنصـر بصـری نیسـت، بلکـه موضـع اخلاقـی و دینـی روایـت را نیـز به‌صـورت تصویـری بیـان می‌کنـد.

کتیبه‌هـا و نوشته‌هـای موجـود در برخـی آثـار نیـز در شناسـایی شـخصیت‌ها و ثبـت اطلاعـات مربـوط بـه اثـر اهمیـت دارنـد. مـوزه بروکلیـن در مـورد اثـر عبـاس الموسـوی بـه کتیبه‌هایـی اشـاره می‌کنـد کـه نـام هنرمنـد، محـل تولیـد و اطلاعـات مربـوط بـه سـفارش‌دهنده را ثبـت کرده‌انـد. از ایـن رو، متـن و تصویـر می‌تواننـد در کنـار یکدیگـر بـه شناسـایی و انتقـال معنـا کمـک کننـد.

بـا ایـن حـال، مهم‌تریـن ویژگـی ایـن شیـوه را بایـد در رابطـه میـان تصویـر و اجـرا جسـت‌وجو کـرد. مـوزه بروکلیـن توضیـح می‌دهـد کـه ایـن بوم‌هـا در اجـرای روایـت به‌عنـوان پـرده یـا زمینـه قابـل حمـل بـه کار می‌رفتنـد و پـرده‌دار هنـگام روایـت داسـتان بـه صحنه‌هـای مختلـف اشـاره می‌کـرد. مـوزه متروپولیتـن نیـز دربـاره نمونـه‌ای از «نبـرد کـربلا» توضیـح می‌دهـد کـه پرده‌هـای مشـابه بـه دیـوار نصـب می‌شـدند و راوی هنـگام روایـت، بخش‌هـای مرتبـط تصویـر را نشـان مـی‌داد؛ در ایـن نمونـه، روایـت از چـپ بـه راسـت پیـش مـی‌رود.

از ایـن منظـر، نقاشـی قهوه‌خانـه‌ای را نبایـد صرفـاً یـک نقاشـی دیـواری یـا تابلـوی مسـتقل دانسـت. در برخـی نمونه‌هـای مسـتند، تصویـر، راوی و مخاطـب سـه جـزء یـک فراینـد روایـی واحـد بوده‌انـد. تصویـر بـه مخاطـب امـکان دیـدن شـخصیت‌ها و صحنه‌هـا را مـی‌داد، راوی پیونـد میـان آن صحنه‌هـا را از طریـق گفتـار برقـرار می‌کـرد و مخاطـب داسـتان را از ترکیـب آنچـه می‌دیـد و می‌شـنید دنبـال می‌کـرد. یونسـکو نیـز نقالـی را هنـری می‌دانـد کـه در آن راوی داسـتان را بـا شـعر یـا نثـر، حـرکات و گاه موسـیقی و پرده‌هـای نقاشی‌شـده اجـرا می‌کـرد.

بنابرایـن، اهمیـت نقاشـی قهوه‌خانـه‌ای در تاریـخ فرهنگـی ایـران فقـط بـه ارزش هنـری یـا موضوعـات مذهبـی و حماسـی آن محـدود نمی‌شـود. ایـن سـنت نمونـه‌ای از تبدیـل روایـت شـفاهی بـه روایـت تصویـری و پیونـد میـان هنـر تجسمـی، قصه‌گویـی و اجـرای نمایشـی اسـت. در ایـن معنـا، قهوه‌خانـه تنهـا محـل نمایـش یـک نقاشـی نبـود؛ در برخـی مـوارد، خـودِ فضـای قهوه‌خانـه بخشـی از شـبکه‌ای بـود کـه در آن داسـتان، تصویـر، اجـرا و مخاطـب در کنـار یکدیگـر قـرار می‌گرفتنـد.

گریگوریان، سقاخانه و هنر مدرن

نقاشی قهوه‌خانه‌ای در نیمه دوم قرن بیستم، علاوه بر ادامه حیات در میان هنرمندان و مخاطبان سنتی، با جریان‌های جدید هنر ایران نیز وارد گفت‌وگو شد. مارکوس گریگوریان، هنرمند ایرانی-ارمنی، از جمله چهره‌هایی بود که به این سنت توجه نشان داد و در معرفی و حفظ آن نقش داشت. او به هنر عامه و میراث تصویری ایران علاقه‌مند بود و در معرفی نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای به مخاطبان هنر مدرن نیز مشارکت کرد (Elephant، ۲۰۲۱).

یکی از نمونه‌های این توجه، نمایشگاه «نقاشان عامه؛ افسانه ایرانی» (Popular Painters: Iranian Legend) است که در سال ۱۹۷۰ در خانه ایران در پاریس برگزار شد و به نمایش نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای اختصاص داشت (Khamseen). برگزاری چنین نمایشگاهی را می‌توان نشانه‌ای از ورود این هنر به عرصه معرفی بین‌المللی و قرار گرفتن آن در گفت‌وگو با تاریخ هنر مدرن ایران دانست.

در همین دوره، مکتب سقاخانه نیز در هنر مدرن ایران شکل گرفت. عنوان «سقاخانه» از سقاخانه‌ها و اشیای آیینی و نذری مرتبط با فرهنگ شیعی گرفته شده است. ایرانیکا نام‌گذاری این جریان



را به کریم امامی در سال ۱۹۶۲ نسبت می‌دهد، در حالی که موزه متروپولیتن تاریخ ۱۹۶۳ را برای کاربرد این عنوان ذکر می‌کند. هنرمندان سقاخانه از عناصر بصری و اشیای آیینی، از جمله مهرها، طلسم‌ها، کتیبه‌ها و دیگر عناصر مرتبط با فرهنگ مذهبی و عامه، در آثار خود بهره گرفتند.

با وجود برخی شباهت‌های بصری و موضوعی، مکتب سقاخانه را نباید ادامه مستقیم نقاشی قهوه‌خانه‌ای دانست. این دو جریان در زمینه، هدف و زبان هنری یکسان نبودند. نقاشی قهوه‌خانه‌ای اساساً در پیوند با روایت‌های حماسی و مذهبی، مخاطب عام و فضای قهوه‌خانه شکل گرفته بود، در حالی که سقاخانه بخشی از جریان هنر مدرن ایران بود و عناصر سنتی و مذهبی را در قالب زبان بصری جدید بازآفرینی می‌کرد. ارتباط میان این دو را می‌توان تا حدی از مسیر توجه هنرمندانی مانند گریگوریان به هنر عامه و سنت‌های تصویری ایران دنبال کرد، اما برای اثبات یک تداوم مستقیم سبکی یا نهادی، شواهد کافی در منابع بررسی‌شده وجود ندارد.

افول

افول نقاشی قهوه‌خانه‌ای را نمی‌توان جدا از تغییر جایگاه خود قهوه‌خانه در زندگی اجتماعی ایران بررسی کرد. یونسکو در پرونده نقالی (۲۰۱۱) تصریح می‌کند که کاهش محبوبیت قهوه‌خانه‌ها و ظهور شکل‌های جدید سرگرمی، به کاهش علاقه به نقالی انجامید. از آنجا که نقالی یکی از مهم‌ترین بسترهای اجرای روایت‌های حماسی و مذهبی در قهوه‌خانه بود، این تحول، دست‌کم از نظر زمینه اجتماعی و اجرایی، برای سنت‌های تصویری مرتبط با آن نیز اهمیت داشت.

فکور (۲۰۱۶) نیز از افول کارکرد فرهنگی قهوه‌خانه سنتی و تغییر جایگاه آن در جامعه معاصر سخن می‌گوید. با این حال، نباید از این شواهد نتیجه گرفت که افول قهوه‌خانه مستقیماً و به‌تنهایی

موجب افول نقاشی قهوه‌خانه‌ای شده است. رابطه میان این دو، به‌ویژه از نظر زمانی و علّی، نیازمند بررسی مستقل تاریخ تولید، سفارش و نمایش نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای در قرن بیستم است.

بنابراین، آنچه با اطمینان بیشتری می‌توان گفت این است که تغییر کارکرد قهوه‌خانه و کاهش نقش نقالی، بستر اجتماعی و اجرایی‌ای را که این هنر در آن شکل گرفته بود، تضعیف کرد؛ اما میزان و چگونگی تأثیر این تحول بر تولید و تداوم خود نقاشی قهوه‌خانه‌ای را نمی‌توان تنها بر اساس منابع موجود تعیین کرد. در مقابل، توجه هنرمندان و پژوهشگران به این سنت در نیمه دوم قرن بیستم و برگزاری نمایشگاه‌هایی مانند نمایشگاه پاریس در سال ۱۹۷۰، نشان می‌دهد که نقاشی قهوه‌خانه‌ای هم‌زمان از یک هنر مردمیِ وابسته به فضای سنتی، به موضوعی برای حفاظت، بازشناسی و مطالعه در تاریخ هنر ایران نیز تبدیل شد.

روایت در دیگر کشورهای اکو

پرسش این بخش دیگر این نیست که آیا در کشورهای اکو سنتی مشابه «نقاشی قهوه‌خانه‌ای» ایران وجود داشته است، بلکه این است که چه شکل‌هایی از روایت در ارتباط با چایخانه و قهوه‌خانه، یا در سنت‌های شفاهی و اجرایی مرتبط با این فضاها، در هر یک از کشورهای دیگر اکو مستند شده است.

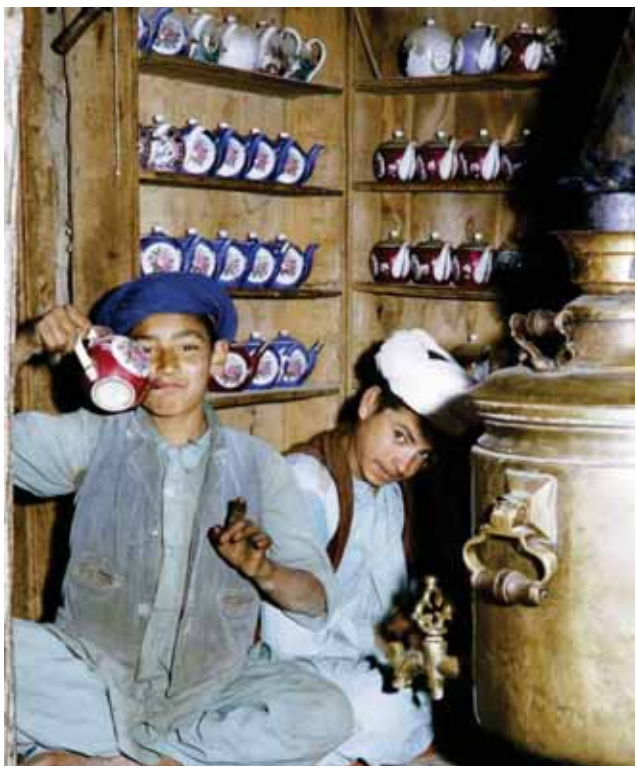
در ایران، همان‌گونه که در بخش پیشین بررسی شد، روایت‌های حماسی و مذهبی در مواردی از طریق ترکیب تصویر، نقالی و اجرا منتقل شده‌اند.

در دیگر کشورهای اکو، در منابع بررسی‌شده نمونه‌ای هم‌سنگ از یک ژانر نقاشی روایی وابسته به چایخانه یا قهوه‌خانه یافت نشد؛ بااین‌حال، سنت‌های نیرومندی از حماسه‌خوانی، قصه‌گویی، آواز، موسیقی و نمایش شفاهی وجود دارد که نشان می‌دهد روایت در این جوامع بیشتر از طریق رسانه‌های شفاهی و اجرایی انتقال یافته است. در ادامه، این سنت‌ها بر اساس ترتیب الفبایی نام انگلیسی کشورها بررسی می‌شوند.

افغانستان

در مورد افغانستان، در منابع بررسی‌شده شواهد کافی برای شناسایی یک شکل مشخص از روایت که به‌طور مستقیم با چایخانه پیوند داشته باشد به دست نیامد. وجود چایخانه و دیگر فضاهای اجتماعی و مهمان‌نوازی قابل توجه است، اما برای نسبت دادن حماسه‌خوانی، قصه‌گویی یا موسیقی روایی به چایخانه به شواهد مستقیم‌تری نیاز است.

ازاین‌رو، در وضعیت فعلی پژوهش نمی‌توان برای افغانستان یک «روایت چایخانه‌ای» مشخص معرفی کرد. این نتیجه به معنای نبود چنین سنتی نیست، بلکه نشان‌دهنده محدودیت شواهد قابل بررسی در مجموعه منابع این مقاله است.



جمهوری آذربایجان

در جمهوری آذربایجان، «موقام آذربایجانی» (Azerbaijani Mugham) و «هنر عاشیق آذربایجانی» (Art of Azerbaijani Ashiqs) دو سنت مهم موسیقایی و روایی‌اند که یونسکو به‌ترتیب در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ ثبت کرده است.

این دو سنت جایگاه مهم موسیقی، شعر و روایت شفاهی را در فرهنگ آذربایجان نشان می‌دهند؛ بااین‌حال، در منابع بررسی‌شده ارتباط مستقیم آن‌ها با چایخانه به‌طور مستقل مستند نشده است. بنابراین، صرف وجود این سنت‌ها را نمی‌توان شاهدی بر اجرای آن‌ها در چایخانه دانست.

در نتیجه، برای جمهوری آذربایجان سنت روایی و موسیقایی مستند است، اما شکل مشخصی از روایت چایخانه‌ای در منابع بررسی‌شده اثبات نشده است.

قزاقستان

در قزاقستان، «آیتیس» (Aitys) نمونه برجسته‌ای از بداهه‌گویی و روایت منظوم است که در سال ۲۰۱۵ به‌صورت مشترک با قرقیزستان در فهرست میراث ناملموس یونسکو ثبت شد. این سنت بر رقابت بداهه میان اجراکنندگان و استفاده از شعر و موسیقی استوار است و اهمیت گفتار بداهه و روایت منظوم را در فرهنگ منطقه نشان می‌دهد. بااین‌حال، در منابع بررسی‌شده شواهد مستقیمی برای قرار دادن آیتیس در چارچوب چایخانه وجود ندارد. بنابراین، آیتیس را می‌توان سنت روایی و اجرایی مستند قزاقستان دانست، اما نه لزوماً شکلی از روایت چایخانه‌ای.

قرقیزستان

در قرقیزستان، «هنر آکین‌ها» (Art of Akyns)، «آیتیس» و سه‌گانه حماسی «مناس، سمتی و سایتک» از مهم‌ترین نمونه‌های ثبت‌شده فرهنگ شفاهی و روایی‌اند. یونسکو «هنر آکین‌ها» را در سال ۲۰۰۸ و سه‌گانه «مناس، سمتی و سایتک» را در سال ۲۰۱۳ ثبت کرده است؛ آیتیس نیز در سال ۲۰۱۵ به‌صورت مشترک با قزاقستان ثبت شد.

«مناس» به‌ویژه نمونه مهمی از انتقال روایت حماسی از طریق اجراست. راوی، داستان را با استفاده از شعر، موسیقی، بیان و بداهه‌پردازی اجرا می‌کند و این روایت در مناسبت‌ها و گردهمایی‌های عمومی ارائه می‌شود.

بااین‌حال، منابع بررسی‌شده برای نسبت دادن این سنت‌ها به چایخانه به اندازه کافی مستقیم نیستند. بنابراین، در مورد قرقیزستان نیز باید میان سنت روایی مستند و روایت چایخانه‌ای مستند تمایز گذاشت.

پاکستان

در پاکستان، بازار قصه‌خوانی پیشاور (Qissa Khwani Bazaar) در منابع تاریخی با سنت‌های شفاهی و قصه‌گویی شهری پیوند دارد. بااین‌حال، این فضا یک بازار و محور شهری بوده و نباید بدون شاهد مستقیم با چایخانه یکسان دانسته شود.

در مقابل، «پاک تی‌هاوس» (Pak Tea House) در لاهور نمونه مستندتری از چایخانه به‌عنوان فضای ادبی و روشنفکری است که در بخش نخست مقاله بررسی شد. این مکان محل گردهمایی ادیبان، شاعران و روشنفکران بود و با محافل ادبی مهمی ارتباط داشت.

بنابراین، در پاکستان دو حوزه قابل تشخیص است: قصه‌گویی در فضای شهری و بازار و گردهمایی ادبی در چایخانه. بااین‌حال، در منابع بررسی‌شده نمونه‌ای از نقاشی روایی وابسته به چایخانه، مشابه آنچه در ایران شکل گرفت، مستند نشده است.

تاجیکستان

در تاجیکستان، «شش‌مقام» (Shashmaqom) یکی از مهم‌ترین سنت‌های موسیقایی منطقه است که به‌صورت مشترک با ازبکستان در سال ۲۰۰۸ در فهرست میراث ناملموس یونسکو ثبت شد. این سنت ترکیبی از موسیقی، آواز و شعر است و بخشی از میراث مشترک فرهنگی آسیای مرکزی را تشکیل می‌دهد.

چایخانه نیز در فرهنگ اجتماعی تاجیکستان جایگاه

شناخته‌شده‌ای دارد. پرونده یونسکو درباره «اوشی پالاو» (Oshi Palav) در سال ۲۰۱۶ نشان می‌دهد که گروه‌هایی از مردان یا زنان در خانه‌ها یا چایخانه‌ها هنگام تهیه پالاو گرد هم می‌آیند و به معاشرت، نواختن موسیقی و آوازخوانی می‌پردازند. این شواهد ارتباط چایخانه با فعالیت موسیقایی و اجتماعی را تأیید می‌کنند، اما برای اینکه شش‌مقام یا یک سنت روایی مشخص را به‌عنوان شکل معمول روایت در چایخانه معرفی کنیم، شواهد کافی در مجموعه منابع بررسی‌شده وجود ندارد.

ترکیه

در ترکیه، سنت‌های نمایش و روایت عامه مانند مداح (Meddah)، کاراگوز (Karagöz) و اورتا اویونو (Orta Oyunu) سابقه‌ای طولانی دارند. متین آند این گونه‌های نمایشی را در مطالعات خود درباره تاریخ نمایش عامه ترکی بررسی کرده است.
از سوی دیگر، توصیف یونسکو از فرهنگ قهوه ترک، قهوه‌خانه را فضایی برای گفت‌وگو، تبادل خبر و کتاب‌خوانی معرفی می‌کند. قهوه‌خانه‌های عثمانی نیز در طول زمان با اشکال مختلفی از فرهنگ شهری و سرگرمی پیوند داشته‌اند.

بااین‌حال، شواهد موجود برای نسبت دادن همه این گونه‌های نمایشی به قهوه‌خانه یکسان نیست. بنابراین، نمی‌توان صرفاً بر اساس وجود مداح، کاراگوز و اورتا اویونو، هر سه را به‌طور یکسان «روایت قهوه‌خانه‌ای» دانست. آنچه با اطمینان بیشتری می‌توان گفت این است که قهوه‌خانه در ترکیه یکی از فضاهای مهم تعامل اجتماعی، گفت‌وگو، تبادل خبر و فعالیت فرهنگی بوده است.

ترکمنستان

ترکمنستان نمونه مهم دیگری از سنت‌های حماسی و شفاهی آسیای مرکزی را در خود حفظ کرده است. باغشی/بخشی (Bagshy/Bakhshi) در سنت ترکمنی با موسیقی، آواز و روایت پیوند دارد. در میان گونه‌های آن، dessanchy bagshy به اجرای روایت‌های حماسی و ترکیب داستان‌گویی، آواز و بداهه‌خوانی مربوط است.

یونسکو در پرونده «ساخت دوتار و هنر اجرای موسیقی سنتی همراه با آواز» به نقش dessanchy bagshy در اجرای روایت، آواز و بداهه‌خوانی اشاره می‌کند. همچنین «هنر حماسی گوراوغلی» (Epic Art of Gorogly) در سال ۲۰۱۵ در فهرست میراث ناملموس یونسکو ثبت شد. این سنت شامل داستان‌گویی، آواز، نثر، شعر و بداهه‌خوانی است. بنابراین، درباره ترکمنستان می‌توان با پشتوانه مستند از سنت حماسه‌خوانی و روایت شفاهی باغشی/بخشی سخن گفت. بااین‌حال، در منابع بررسی‌شده شواهد کافی برای اینکه این سنت را به‌طور مشخص یکی از اشکال «روایت در چایخانه» بدانیم، وجود ندارد.
این نکته دارای اهمیت است، بخشی را نباید صرفاً به ازبکستان نسبت داد. سنت باغشی/بخشی در ترکمنستان نیز سابقه مستقل و مستندی دارد؛ تفاوت در این است که عنوان مشخص «Art of Bakhshi» در ثبت یونسکو در سال ۲۰۲۱ مربوط به ازبکستان است، در حالی که سنت ترکمنی در پرونده‌های یونسکو در پیوند با باغشی، دوتار و گوراوغلی مستند شده است.

ازبکستان

در ازبکستان، چایخانه (choykhona) یکی از فضاهای مهم اجتماعی و فرهنگی بوده است. روزین (۲۰۲۱) به نقش «چایخانه سرخ» (Red Teahouse) در دوره شوروی اشاره می‌کند و از شکل‌گیری حلقه‌های موسیقی در این فضا سخن می‌گوید. بنابراین، برای ازبکستان شواهد مشخص‌تری از پیوند چایخانه با فعالیت فرهنگی و موسیقایی در دست است.
در کنار این فضا، سنت بخشی (Bakhshi) جایگاه مهمی در فرهنگ روایی ازبکستان دارد. یونسکو در سال ۲۰۲۱ «هنر بخشی» (Bakhshi Art) را در فهرست میراث ناملموس ثبت کرد. این سنت شامل اجرای داستان‌های حماسی و آثار اصیل همراه با موسیقی و سازهایی مانند دوتار و کوبوز است و بخشی‌ها داستان‌ها را از حفظ و در مناسبت‌های مختلف اجرا می‌کنند.

از این رو، در ازبکستان می‌توان دو حوزه مستند را در کنار یکدیگر قرار داد: چایخانه به‌عنوان فضای اجتماعی و موسیقایی و بخشی به‌عنوان سنت حماسی و روایی. بااین‌حال، منابع بررسی‌شده به اندازه‌ای نیستند که بتوان بر اساس آن‌ها ادعا کرد اجرای بخشی به‌طور معمول یا تاریخی در چایخانه انجام می‌شده است.

جمع‌بندی تطبیقی

مقایسه کشورهای بررسی‌شده نشان می‌دهد که در دیگر کشورهای اکو، روایت بیشتر در قالب آواز، موسیقی، حماسه‌خوانی، بداهه‌گویی و نمایش شفاهی استمرار یافته است. جمهوری آذربایجان با موقام و عاشیقی، قزاقستان و قرقیزستان با آیتیس، آکین و مناس، تاجیکستان و ازبکستان با شش‌مقام، ازبکستان با بخشی و ترکمنستان با باغشی و گوراوغلی، نمونه‌هایی از این تنوع‌اند. در عین حال، باید میان وجود یک سنت روایی در فرهنگ یک کشور و اجرای آن در چایخانه یا قهوه‌خانه تمایز گذاشت. شواهد مستقیم درباره این پیوند در برخی موارد، مانند فعالیت موسیقایی در چایخانه‌های ازبکستان و برخی فعالیت‌های اجتماعی و موسیقایی در چایخانه‌های تاجیکستان، روشن‌تر است؛ در بسیاری از موارد دیگر، چنین پیوندی در منابع بررسی‌شده اثبات نشده است. در مجموع، در منابع بررسی‌شده برای کشورهای دیگر اکو، نمونه‌ای از نقاشی روایی وابسته به چایخانه یا قهوه‌خانه، مشابه نقاشی قهوه‌خانه‌ای ایران، شناسایی نشد. تفاوت اصلی نه در وجود یا نبود روایت، بلکه در رسانه و شیوه انتقال آن است: در بخش مهمی از منطقه، روایت از طریق موسیقی، آواز، حماسه‌خوانی و اجرای شفاهی منتقل شده و چایخانه نیز در برخی کشورها یکی از فضاهای اجتماعی این فعالیت‌ها بوده است.

بخش سوم: چای و قهوه در آیین پذیرایی

پرسش اصلی این بخش آن است که چای و قهوه چه جایگاهی در آداب پذیرایی و روابط مهمان و میزبان داشته‌اند؟ بخش نخست مقاله از فضای عمومی چایخانه و قهوه‌خانه آغاز کرد؛ این بخش به فضاهای خصوصی و نیمه‌خصوصی، از جمله خانه، حجره و مجلس، می‌پردازد. در اینجا چای و قهوه نه به‌عنوان نهاد اجتماعی، بلکه به‌عنوان نوشیدنیِ پذیرایی و بخشی از مناسبات مهمان‌نوازی بررسی می‌شوند.

شواهد موجود در این زمینه میان کشورهای اکو یکسان نیست. محکم‌ترین شواهد در منابع بررسی‌شده مربوط به دو پرونده یونسکو درباره فرهنگ چای در جمهوری آذربایجان و ترکیه و فرهنگ قهوه ترک است. درباره ایران، پژوهش‌های زبان‌شناختی درباره «تعارف» امکان بررسی دقیق‌تر رابطه میان پیشکش نوشیدنی، ادب و مناسبات اجتماعی را فراهم می‌کنند. برای تاجیکستان و ازبکستان نیز بخشی از شواهد از توصیف آیین‌های مرتبط با پالاو و گردهمایی‌های اجتماعی در چایخانه به دست می‌آید. درباره برخی دیگر از کشورهای اکو، در منابع بررسی‌شده اطلاعات مستقیمی درباره نقش چای یا قهوه در آیین پذیرایی محدودتر است.

نکته‌ای درباره منابع و روش بررسی

برخلاف قهوه‌خانه‌های عثمانی و صفوی که درباره تاریخ و کارکرد اجتماعی آن‌ها پژوهش‌های تاریخی نسبتاً گسترده‌ای وجود دارد، آیین پذیرایی در بیشتر کشورهای اکو، دست‌کم در مجموعه منابع بررسی‌شده، کمتر به‌عنوان موضوعی مستقل مطالعه شده است. در مقابل، یونسکو برخی عناصر مرتبط با چای، قهوه، مهمان‌نوازی و گردهمایی اجتماعی را در پرونده‌های میراث ناملموس ثبت کرده است. این پرونده‌ها، به دلیل داشتن توصیف رسمی و تاریخ ثبت مشخص، در این

بخش اهمیت ویژه‌ای دارند.

ازاین‌رو، این بخش عمدتاً بر توصیف‌های رسمی میراث ناملموس و پژوهش‌های دانشگاهی موجود درباره زبان، ادب و روابط اجتماعی تکیه می‌کند. در تحلیل موارد مختلف، میان شواهد مستقیم درباره آیین پذیرایی و شواهدی که صرفاً زمینه اجتماعی یا فرهنگی آن را روشن می‌کنند تمایز گذاشته می‌شود.

چارچوب مفهومی

برای تحلیل آیین پذیرایی، می‌توان از مفهوم مبادله و مهمان‌نوازی استفاده کرد. مارسل موس در مقاله «هدیه» (۱۹۲۵) دادن، دریافت کردن و پاسخ دادن به هدیه را بخشی از سازوکار ایجاد و حفظ پیوندهای اجتماعی می‌داند. جولین پیت-ریورز نیز در مقاله «قانون مهمان‌نوازی» در The Fate of Shechem (۱۹۷۷)، مهمان‌نوازی را نهادی اجتماعی با قواعد و تعهدات متقابل بررسی می‌کند.

در این چارچوب، پیشکش چای یا قهوه را می‌توان نه صرفاً ارائه یک نوشیدنی، بلکه به‌عنوان کنشی اجتماعی میان میزبان و مهمان بررسی کرد. پیشکش، پذیرش و در برخی موقعیت‌ها پاسخ متقابل یا دعوت متقابل می‌توانند حلقه‌هایی از یک رابطه اجتماعی باشند. این چارچوب در ادامه برای مقایسه به کار می‌رود، بدون آنکه ویژگی‌های یک جامعه به‌طور پیشینی به جوامع دیگر تعمیم داده شود.

تعارف در ایران

در ایران، این منطق اجتماعی در بسیاری از موقعیت‌ها با مفهوم تعارف پیوند می‌خورد. سوفیا کوتلاکی (۲۰۰۲) در مقاله «پیشکش و ابراز سپاس به‌مثابه کنش‌های آبروافزا: تعارف در فارسی» (Offering and Expressing Thanks as Face-Enhancing Acts: Taarof in Persian)، پیشکش و سپاس را از نمودهای اصلی ادب آیینی فارسی می‌داند. او نشان می‌دهد که ملاحظه دو جنبه آبرو، یعنی «شخصیت» یا غرور و «احترام»، در تعامل میان دو طرف نقش مهمی در شکل‌گیری و مدیریت ادب دارد. داده‌های این پژوهش از مصاحبه با خانواده‌های ایرانی و مشاهده موقعیت‌هایی مانند دید و بازدیدهای نوروزی و دیدارهای سرزده به دست آمده است.

کوتلاکی، برخلاف برخی پیش‌فرض‌های نظریه ادب براون و لوینسون، این کنش‌ها را در چارچوبی آبروافزا تحلیل می‌کند. بااین‌حال، پژوهش‌های بعدی درباره این تفسیر اتفاق نظر ندارند. ایزدی (۲۰۲۰) در مقاله‌ای کنفرانسی، بر پایه گفت‌وگوهای ضبط‌شده، دعوت‌های صوری و رد کردن آن‌ها را نمونه‌ای از تعارف می‌داند و نشان می‌دهد که تعارف می‌تواند هم‌زمان پیوند اجتماعی ایجاد کند و فاصله اجتماعی را حفظ کند. او، با استناد به نانبخش (۲۰۰۹)، به این دیدگاه نیز اشاره می‌کند که تعارف، به‌ویژه در صورت اغراق‌آمیز، ممکن است آبروی طرفین را در معرض تهدید قرار دهد. در این بحث، دیدگاه نانبخش در برابر تفسیر کوتلاکی (۲۰۰۲) و اسلامی (۲۰۰۵) قرار می‌گیرد. پژوهش‌های دیگری نیز تعارف را از زوایای متفاوت بررسی کرده‌اند. اسدجودی (۲۰۰۱) آن را با مفهوم «لیمائو» (lim o) در زبان و فرهنگ چینی مقایسه کرده و ویلیام بیمن در Language, Status, and Power in Iran (۱۹۸۶) آن را در ارتباط با منزلت و قدرت اجتماعی تحلیل کرده است.

این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که در ایران، پیشکش نوشیدنی را نمی‌توان صرفاً یک رفتار ساده پذیرایی دانست؛ در برخی موقعیت‌ها، چنین کنشی می‌تواند با ادب، آبرو، منزلت، رابطه متقابل و مدیریت فاصله اجتماعی پیوند پیدا کند. در ادامه، ایران به‌عنوان موردی با ادبیات پژوهشی مشخص درباره تعارف بررسی می‌شود و این مفهوم به دیگر کشورهای اکو تعمیم داده نخواهد شد.

قاب رسمی: نوروز، چای، قهوه و پلو

چهار عنصر ثبت‌شده در فهرست میراث ناملموس یونسکو، یعنی نوروز، فرهنگ چای، قهوه ترک و پلو، امکان مشاهده برخی زمینه‌های مشترک فرهنگی در میان کشورهای اکو را فراهم می‌کنند؛ هرچند تنها چای و قهوه مستقیماً به موضوع نوشیدنی‌های این مقاله مربوط‌اند.
نوروز در سال ۲۰۰۹ به‌صورت مشترک از سوی جمهوری آذربایجان، هند، ایران، قرقیزستان، پاکستان، ترکیه و ازبکستان ثبت شد و در سال ۲۰۱۶ با پیوستن افغانستان، عراق، قزاقستان، تاجیکستان و ترکمنستان گسترش یافت. در توصیف یونسکو، دیدار خویشان، به‌ویژه سالمندان، و همسایگان از عناصر این آیین است. بنابراین، نوروز در اینجا نه به‌عنوان آیینی درباره چای یا قهوه، بلکه به‌عنوان زمینه‌ای مشترک برای دید و بازدید و پذیرایی اهمیت دارد. قهوه ترک در سال ۲۰۱۳ ثبت شد و «فرهنگ چای» (Tea Culture) در سال ۲۰۲۲ برای جمهوری آذربایجان و ترکیه به ثبت رسید. همچنین، «اوشی پالاو» (Oshi Palav) در تاجیکستان و «پلو» در ازبکستان در سال ۲۰۱۶ در فهرست یونسکو قرار گرفتند.

این ثبت‌ها را باید در چارچوب ماهیت خودشان خواند. پرونده‌های میراث ناملموس از سوی دولت‌ها تهیه و برای ثبت پیشنهاد می‌شوند و ثبت‌های چندملیتی، مانند نوروز و فرهنگ چای، افزون بر مستندسازی یک سنت، می‌توانند بازتابی از همکاری و ارائه مشترک میراث فرهنگی میان کشورهای مشارکت‌کننده نیز باشند. توصیف یونسکو نیز صورت رسمی و منتخب یک سنت را ثبت می‌کند و لزوماً به معنای آن نیست که رفتار توصیف‌شده در همه خانواده‌ها، مناطق و گروه‌های اجتماعی یک کشور به یک شکل انجام می‌شود.

ازاین‌رو، در ادامه این بخش، این پرونده‌ها به‌عنوان شواهد رسمی درباره وجود و اهمیت یک سنت یا آیین به کار می‌روند، نه به‌عنوان اثبات‌کننده یک رفتار روزمره و یکسان در سراسر جامعه. هرجا امکان داشته باشد، این شواهد در کنار پژوهش‌های مردم‌شناختی و زبان‌شناختی، از جمله مطالعات لیندهولم، کوتلاکی، ایزدی، هیواتاری و کورکمن، قرار می‌گیرند تا فاصله میان توصیف رسمی یک سنت و نحوه اجرای آن در زندگی اجتماعی بهتر دیده شود.

افغانستان

افغانستان از سال ۲۰۱۶ در ثبت چندملیتی نوروز مشارکت دارد؛ این ثبت، دید و بازدید و روابط خویشاوندی را به‌عنوان بخشی از آیین نوروز توصیف می‌کند. در جامعه پشتون، حجره نیز فضایی مردانه برای پذیرایی، گردهمایی و گفت‌وگو بوده است. لیندهولم (۱۹۸۲) در پژوهش میدانی خود درباره پشتون‌های سوات در پاکستان، مهمان‌نوازی را در کنار شرف، دوستی و روابط اجتماعی بررسی می‌کند. این پژوهش برای فهم زمینه اجتماعی مهمان‌نوازی در میان پشتون‌ها سودمند است، اما به‌خودی‌خود درباره نقش چای یا قهوه در پذیرایی افغانستان شاهد مستقیمی ارائه نمی‌کند.

جمهوری آذربایجان

مستقیم‌ترین شاهد برای جمهوری آذربایجان، پرونده یونسکو درباره «فرهنگ چای» (Tea Culture) است که در سال ۲۰۲۲، در هفدهمین نشست کمیته میراث ناملموس در رباط، برای جمهوری آذربایجان و ترکیه ثبت شد. یونسکو چای را رفتاری اجتماعی و بخشی از مهمان‌نوازی می‌داند که به ایجاد و حفظ پیوندهای اجتماعی و بزرگداشت لحظه‌های مهم زندگی جمعی کمک می‌کند.
چای تازه‌دم و داغ معمولاً در استکان‌ها یا فنجان‌های گلابی‌شکل از جنس شیشه، چینی، سفال لعابی یا نقره سرو می‌شود و در کنار آن

شیرینی، قند، لیمو، مربا و خشکبار قرار می‌گیرد. در برخی مناطق نیز دارچین، زنجبیل و آویشن به چای افزوده می‌شود. بر اساس توصیف یونسکو، مهمان معمولاً پیش از ترک خانه چای می‌نوشد. وب‌سایت رسمی یونسکوی جمهوری آذربایجان نیز بر کارکرد اجتماعی چای تأکید می‌کند: نوشیدن آن فرصتی برای استراحت پس از سفر، گفت‌وگو و تبادل خبر فراهم می‌کند. پیشکش چای در آیین‌هایی مانند «رضایت ازدواج» نیز ادامه یافته است.

بنابراین، در میان شواهد بررسی‌شده، جمهوری آذربایجان یکی از روشن‌ترین نمونه‌ها برای پیوند مستقیم چای، مهمان‌نوازی و تعامل اجتماعی است. این کشور همچنین از سال ۲۰۰۹ در ثبت چندملیتی نوروز مشارکت دارد.

ایران

در ایران، مفهوم تعارف امکان بررسی دقیق‌تری از رابطه میان پذیرایی و تعامل اجتماعی فراهم می‌کند. همان‌گونه که در بخش «چارچوب مفهومی» آمد، بیمن (۱۹۸۶)، کوتلاکی (۲۰۰۲) و ایزدی (۲۰۲۰) تعارف را از منظر منزلت، ادب، آبرو و رابطه متقابل بررسی کرده‌اند.

بااین‌حال، داده‌های این پژوهش‌ها عمدتاً به خانه و موقعیت‌های دید و بازدید مربوط‌اند و نه به قهوه‌خانه. ازاین‌رو، می‌توان درباره نقش تعارف در پذیرایی ایرانی سخن گفت، اما پیوند مستقیم آن با فرهنگ قهوه‌خانه یا چایخانه نیازمند شواهد دیگری است. ایران نیز از سال ۲۰۰۹ در ثبت چندملیتی نوروز مشارکت دارد.

قزاقستان

قزاقستان از سال ۲۰۱۶ در ثبت چندملیتی نوروز مشارکت دارد. این ثبت، دید و بازدید و مناسبات اجتماعی مرتبط با نوروز را دربرمی‌گیرد. همچنین آیتیس، سنت بداهه‌خوانی و رقابت شعری در میان قزاقستان و قرقیزستان، در سال ۲۰۱۵ در فهرست میراث ناملموس یونسکو ثبت شد.

این شواهد زمینه‌ای از گردهمایی و تعامل اجتماعی را نشان می‌دهند، اما در منابع بررسی‌شده شاهد مستقیمی که نقش چای یا قهوه را در آیین پذیرایی قزاقستان مشخص کند، به دست نیامد.

قرقیزستان

قرقیزستان از سال ۲۰۰۹ در ثبت چندملیتی نوروز مشارکت دارد و سه‌گانه حماسی مناس نیز در سال ۲۰۱۳ در فهرست یونسکو ثبت شد. یونسکو اجرای این روایت را در مناسبت‌های عمومی و موقعیت‌های گوناگون اجتماعی توصیف می‌کند. این سنت‌ها اهمیت گردهمایی و روایت شفاهی را نشان می‌دهند، اما منابع بررسی‌شده پیوند مستقیمی میان اجرای آن‌ها و آیین چای یا پذیرایی با چای ارائه نمی‌کنند. بنابراین، در مورد قرقیزستان شواهد موجود بیشتر زمینه اجتماعی و فرهنگی پذیرایی را روشن می‌کنند تا نقش مشخص چای یا قهوه را.

پاکستان

پاکستان از سال ۲۰۰۹ در ثبت چندملیتی نوروز مشارکت دارد. برای بررسی مهمان‌نوازی در بخشی از جامعه پاکستان، پژوهش لیندهولم (۱۹۸۲) درباره پشتون‌های سوات نیز قابل استفاده است؛ او مهمان‌نوازی را در کنار مفاهیمی چون شرف و دوستی در ساختار اجتماعی پشتون بررسی می‌کند. بااین‌حال، این شواهد برای تعیین جایگاه چای یا قهوه در آیین پذیرایی سراسر پاکستان کافی نیستند. بنابراین، در مجموعه منابع بررسی‌شده، پاکستان از نظر شواهد مستقیم درباره نوشیدنی و آیین پذیرایی نسبت به جمهوری آذربایجان و ترکیه مستندات محدودتری دارد.

تاجیکستان

مهم‌ترین شاهد تاجیکستان، پرونده یونسکو درباره

«اوشی پالاو، غذایی سنتی و بافت‌های اجتماعی و فرهنگی آن در تاجیکستان» است که در سال ۲۰۱۶ ثبت شد. یونسکو پالاو را غذایی می‌داند که هم در وعده‌های معمول و هم در گردهمایی‌ها، جشن‌ها و آیین‌ها تهیه می‌شود.

در این توصیف، گروه‌هایی از مردان یا زنان در خانه یا چایخانه به تهیه اوش می‌پردازند و این کار با معاشرت، نواختن موسیقی و خواندن همراه می‌شود. ضرب‌المثل‌هایی درباره اوش نیز بر نقش آن در ایجاد و حفظ روابط اجتماعی تأکید دارند. در یکی از این سنت‌ها، شاگرد پس از آموختن فن پخت اوش برای استاد و مهمانان او غذا فراهم می‌کند و ابزار کار را به‌عنوان نشانه استقلال دریافت می‌کند.
این شواهد مستقیماً جایگاه چایخانه به‌عنوان فضای معاشرت و پذیرایی را نشان می‌دهند، هرچند موضوع اصلی پرونده اوش است، نه چای.
تاجیکستان همچنین از سال ۲۰۱۶ در ثبت چندملیتی نوروز مشارکت دارد.

ترکیه
ترکیه یکی از مستندترین نمونه‌های این بخش است. یونسکو «فرهنگ و سنت قهوه ترک» را در سال ۲۰۱۳ ثبت کرد. در توصیف رسمی، قهوه ترک به‌آرامی روی اجاق آماده می‌شود تا کف مطلوب شکل بگیرد و سپس در فنجان‌های کوچک، معمولاً همراه با یک لیوان آب، سرو می‌شود.

قهوه ترک در این پرونده با مهمان‌نوازی، دوستی، ظرافت و سرگرمی پیوند خورده است. قهوه‌خانه‌ها از فضاهایی معرفی می‌شوند که مردم در آن برای گفت‌وگو، تبادل خبر و کتاب‌خوانی گرد می‌آیند.

دعوت به قهوه میان دوستان نیز فرصتی برای گفت‌وگوی صمیمانه تلقی می‌شود و قهوه در مناسبت‌هایی مانند نامزدی و اعیاد جایگاه خاصی دارد. دانش و آیین تهیه آن نیز به‌صورت غیررسمی و عمدتاً در خانواده منتقل می‌شود.

فال‌گیری از تفاله قهوه نیز بخشی از این فرهنگ است. کورکمن (۲۰۲۳) نشان می‌دهد که فال قهوه در ترکیه سابقه‌ای طولانی در فرهنگ معاشرت زنان دارد و زنان در خانه گرد فنجان قهوه جمع می‌شدند. به گفته او، این رسم در دهه‌های اخیر در برخی کافه‌ها نیز به یک خدمت تجاری تبدیل شده است. این مورد در بخش چهارم، در بحث «زنان و مکان سوم»، دوباره بررسی خواهد شد.
ترکیه همچنین، همراه جمهوری آذربایجان، در سال ۲۰۲۲ در ثبت «فرهنگ چای» مشارکت کرد و از سال ۲۰۰۹ نیز در ثبت چندملیتی نوروز حضور دارد.

ترکمنستان
ترکمنستان از سال ۲۰۱۶ در ثبت چندملیتی نوروز مشارکت دارد و در سال ۲۰۲۲ نیز در ثبت «قصه‌گویی ملانصرالدین» به‌صورت چندملیتی حضور یافت.
بااین‌حال، این ثبت‌ها به‌تنهایی اطلاعات کافی درباره نقش چای یا قهوه در آیین پذیرایی ترکمنستان ارائه نمی‌کنند. در منابع بررسی‌شده، شواهد مستقیمی درباره ساختار پذیرایی با چای یا قهوه در خانه یا چایخانه محدود است و بنابراین نمی‌توان از این ثبت‌ها فراتر از زمینه فرهنگی مهمان‌نوازی و گردهمایی اجتماعی نتیجه‌گیری کرد.

ازبکستان یونسکو «سنت و فرهنگ پلو» را در سال ۲۰۱۶ برای ازبکستان ثبت کرد. پلو در اینجا فقط یک غذا نیست، بلکه با مهمانی، مناسبت‌های اجتماعی و گردهمایی پیوند دارد. ازبکستان همچنین از سال ۲۰۰۹ در ثبت چندملیتی نوروز مشارکت دارد.

در سطحی دیگر، هیواتاری (۲۰۰۸) در مطالعه خود درباره گپ در منطقه اندیجان نشان می‌دهد که اعضای این گروه‌ها به‌صورت نوبتی در خانه یکدیگر گرد می‌آیند و در چارچوب این روابط، کمک متقابل و پذیرایی میان اعضا جریان دارد. از این

منظر، پذیرایی در گپ بخشی از یک رابطه اجتماعی چرخشی است، نه صرفاً وظیفه یک میزبان منفرد. این شواهد برای فهم پیوند پذیرایی، گردهمایی و روابط متقابل در جامعه ازبک مفیدند، هرچند مستقیماً درباره چای یا قهوه نیستند.

خانه و چایخانه: دو صحنه از یک منطق اجتماعی

مقایسه بخش نخست با شواهد این بخش نشان می‌دهد که در برخی موارد، خانه و چایخانه دو فضای جدا اما مرتبط برای شکل‌گیری و اجرای مناسبات پذیرایی و معاشرت بوده‌اند. در پرونده یونسکو درباره قهوه ترک، قهوه‌خانه فضایی برای گفت‌وگو، تبادل خبر و کتاب‌خوانی معرفی می‌شود، در حالی که دعوت به قهوه در محیط خصوصی نیز با مناسبت‌هایی مانند نامزدی و اعیاد پیوند دارد.

در پرونده «اوشی پالاو» نیز تهیه این غذا هم در خانه و هم در چایخانه‌ها توصیف شده است. بنابراین، دست‌کم در شواهد مربوط به ترکیه و تاجیکستان، فضای خصوصی پذیرایی و فضای عمومی معاشرت را نمی‌توان کاملاً از یکدیگر جدا کرد؛ برخی روابط اجتماعی و آیین‌های پذیرایی در هر دو فضا حضور دارند، هرچند شکل و کارکرد آن‌ها یکسان نیست.

تفاوت مهم دیگر به جنسیت و دامنه مشارکت اجتماعی مربوط می‌شود. شواهد بخش نخست نشان داد که چایخانه و قهوه‌خانه سنتی در بسیاری از موارد فضاهایی عمدتاً مردانه بوده‌اند. در مقابل، پرونده یونسکو درباره اوشی پالاو از «گروه‌هایی از مردان یا زنان» سخن می‌گوید و مشارکت در این سنت را مستقل از سن، جنسیت، زمینه اجتماعی، قومی یا دینی توصیف می‌کند. در مورد آیتیس نیز یونسکو اشاره می‌کند که این سنت در گذشته عمدتاً مردانه بود، اما زنان در دوره معاصر مشارکت گسترده‌تری پیدا کرده‌اند.

این نمونه‌ها نشان می‌دهند که مرزهای جنسیتی و اجتماعی برخی سنت‌های گردهمایی می‌توانند در طول زمان تغییر کنند؛ اما این شواهد برای اثبات یک روند واحد در سراسر کشورهای اکو کافی نیستند. در نتیجه، تفاوت میان فضای سنتی مردانه و شکل‌های جدیدتر مشارکت را باید در هر جامعه و بر پایه شواهد همان جامعه بررسی کرد.

بخش چهارم: احیا، دگردیسی یا فراموشی؟

پرسش این بخش آن است که چایخانه‌ها و قهوه‌خانه‌ها در شهرهای امروز چه سرنوشتی پیدا کرده‌اند: احیا شده‌اند، دگرگون شده‌اند یا رو به فراموشی رفته‌اند؟ پاسخ به این پرسش به اطلاعاتی درباره وضعیت معاصر نیاز دارد؛ ازاین‌رو، علاوه بر پژوهش‌های دانشگاهی، از اسناد سازمانی، گزارش‌های خبری معتبر و مقاله‌های تحلیلی نیز استفاده شده است. بخش عمده شواهد این قسمت تا پایان سال ۲۰۲۵ را دربرمی‌گیرد؛ در مورد ایران و پاکستان، برخی از مهم‌ترین شواهد موجود به‌ترتیب به سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۳ بازمی‌گردند.

سه سرنوشت ممکن

مقایسه شواهد کشورهای اکو را می‌توان با سه دسته تحلیلی توصیف کرد. نخست، زوال یا تخریب: ساختمان یا نهاد از میان می‌رود، یا فضای موجود بخش مهمی از کارکرد اجتماعی پیشین خود را از دست می‌دهد. دوم، میراث‌شدن: یک نهاد، فضا یا بخشی از میراث مرتبط با آن، مانند آیین، نوشیدنی یا هنر روایی، به‌عنوان میراث فرهنگی شناسایی و برای حفظ آن اقدام می‌شود؛ حتی اگر این فرایند لزوماً به معنای تداوم همان نقش در زندگی روزمره نباشد. سوم، دگردیسی: فضای سنتی در قالبی جدید ظاهر می‌شود؛ برای مثال، به کافه مدرن، زنجیره قهوه، چایخانه فرهنگی یا فضایی با

کارکردهـای ترکیبـی تبدیـل می‌شـود و ممکـن اسـت بخشـی از کارکردهـای اجتماعـی گذشتـه را حفـظ کنـد.

ایـن سـه وضعیـت لزومـاً رقیـب یکدیگـر نیستنـد. یـک فضـای تاریخـی ممکـن اسـت هم‌زمـان از نظـر کالبـدی تخریـب شـود، بخشـی از میـراث آن بـه ثبـت و حفاظـت برسـد و کارکـرد اجتماعـی آن در قالبـی جدیـد ادامـه پیـدا کنـد.

عوامـل مؤثـر بـر ایـن تحـولات را می‌تـوان در پنـج گـروه اصلـی قـرار داد: شهرسـازی و بازسـازی شـهری؛ رسـانه‌های نـو و انتقـال بخشـی از کارکـرد خبـر و سـرگرمی بـه رسـانه‌های جدیـد؛ تحـولات اقتصـادی و گسـترش کسـب‌وکارها و زنجیره‌هـای تجـاری؛ سیاسـت، مقـررات و سانسـور؛ و تغییـر جایـگاه جنسـیتی در فضـای عمومـی. ایـن عوامـل در همـه کشـورها بـه یـک انـدازه حضـور ندارنـد و در ادامـه، هـر کشـور بـر اسـاس شـواهد مربـوط بـه خـود بررسـی می‌شـود.

درباره معنای «میراث‌شدن»

در ایـن بخـش، ثبت‌هـای یونسـکو بارهـا مـورد اسـتفاده قـرار می‌گیرنـد، امـا بایـد میـان شناسـایی رسمـی میـراث و تـداوم یـک نهـاد در زندگـی روزمـره تمایـز گذاشـت. ثبـت در فهرسـت‌های میـراث ناملمـوس، کـه دولت‌هـا آن را پیشـنهاد می‌کننـد، نشـانه شناسـایی رسمـی و تعهـد بـه صیانـت اسـت، امـا به‌خودی‌خـود وضعیـت روزمـره یـک چایخانـه یـا قهوه‌خانـه را نشـان نمی‌دهـد. ثبت‌هـای چندملیتـی نیـز می‌تواننـد علاوه بـر حفاظـت از میـراث، بازتابـی از همـکاری و دیپلماسـی فرهنگـی میـان کشـورهای مشـارکت‌کننده باشـند.

نمونـه ایـران ایـن تفـاوت را به‌خوبـی نشـان می‌دهـد. نقالـی در سـال ۲۰۱۱ در فهرسـت میـراث ناملمـوس نیازمنـد صیانـت فـوری ثبـت شـد؛ تصمیم‌هـای کمیتـه در سـال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۴ نیـز نشـان می‌دهنـد کـه برنامه‌هـای صیانـت و اقدامـات انجام‌شـده در فاصلـه پـس از ثبـت مـورد ارزیابـی قـرار گرفته‌انـد. در مقابـل، قهـوه تـرک و فرهنـگ چـای در فهرسـت نماینـده میراث فرهنگـی ناملمـوس ثبـت شـده‌اند و ایـن ثبت‌هـا دربـاره میـزان رواج روزمـره چایخانـه یـا قهوه‌خانـه در شـهرهای امـروز داوری نمی‌کننـد.

بنابرایـن، در ادامـه هـرگاه از «میراث‌شـدن» سـخن گفتـه می‌شـود، منظـور پیـش از هـر چیـز شناسـایی و حفاظـت نهـادی از یـک عنصـر فرهنگـی اسـت، نـه تضمیـن تـداوم حضـور زنـده و گسـترده چایخانـه یـا قهوه‌خانـه در زندگـی روزمـره.

زنان و مکان سوم

یکـی از مهم‌تریـن پرسـش‌ها دربـاره دگردیسـی چایخانـه و قهوه‌خانـه در شـهر معاصـر، تغییـر ترکیـب جنسـیتی ایـن فضاهـا اسـت. در بخش‌هـای پیشـین دیدیـم کـه بسـیاری از چایخانه‌هـا و قهوه‌خانه‌هـای سـنتی، به‌ویـژه در نمونه‌هـای تاریخـی ایـران، عثمانـی و بخش‌هایـی از آسـیای مرکـزی، عمدتـاً فضاهایـی مردانـه بودنـد. ایـن ویژگـی فقـط بـه حضـور بیشـتر مـردان محـدود نمی‌شـد؛ کارکـرد اجتماعـی فضـا نیـز بـا شـبکه‌های مردانـه، گفت‌وگـوی صنفـی، خبررسـانی و روابـط میـان گروه‌هـای شـغلی و اجتماعـی پیونـد داشـت.

از ایـن منظـر، مفهـوم «مـکان سـوم» اولدنبـرگ نیـز نیازمنـد احتیـاط اسـت. اگـر مـکان سـوم را فضایـی بـرای تعامـل اجتماعـی خـارج از خانـه و محـل کار بدانیـم، چایخانـه و قهوه‌خانـه سـنتی را می‌تـوان نمونـه‌ای از آن دانسـت؛ امـا دسترسـی نابرابـر زنـان بـه ایـن فضاهـا نشـان می‌دهـد کـه مـکان سـوم الزامـاً بـه معنـای فضـای عمومـی برابـر و فراگیـر نیسـت. در بسـیاری از مـوارد، آنچـه بـرای مـردان فضایـی عـادی بـرای معاشـرت بـود، بـرای زنـان یـا در دسـترس نبـود یـا بـه شـکل دیگـری تجربـه می‌شـد.

در شـهر معاصـر، ایـن مـرز در برخـی کشـورها تغییـر کـرده اسـت. تغییـر الگـوی اشـتغال و تحصیـل، گسـترش کافه‌هـا و فضاهـای تجـاری جدیـد و تغییـر هنجارهـای حضـور زنـان در فضـای عمومـی، امـکان حضـور زنـان در بخشـی از فضاهایـی را کـه پیش‌تـر

عمدتاً مردانه بودند افزایش داده است. بااین‌حال، این تحول را نمی‌توان یک روند یکسان و هم‌زمان در سراسر کشورهای اکو دانست؛ نوع فضا، شهر، نسل و زمینه اجتماعی در آن نقش دارد.

نمونه ترکیه در این زمینه اهمیت خاصی دارد. کورکمن (۲۰۲۳) نشان می‌دهد که فال قهوه در فرهنگ معاشرت زنان ترکیه سابقه‌ای طولانی داشته و زنان در خانه گرد فنجان قهوه جمع می‌شدند. این سنت در دوره معاصر در برخی کافه‌ها نیز به خدمتی تجاری تبدیل شده است. در اینجا، یک فعالیت که پیش‌تر عمدتاً در فضای خصوصی و در میان زنان انجام می‌شد، بخشی از آن به فضای تجاری و عمومی منتقل شده است. بنابراین، دگردیسی فقط به تغییر خودِ نوشیدنی یا معماری فضا مربوط نیست؛ می‌تواند جابجایی یک فعالیت اجتماعی از خانه به فضای عمومی را نیز دربرگیرد.

نمونه تاجیکستان نیز از زاویه دیگری اهمیت دارد. پرونده یونسکو درباره اوشی پالاو از مشارکت «گروه‌هایی از مردان یا زنان» در تهیه این غذا در خانه یا چایخانه سخن می‌گوید. این توصیف نشان می‌دهد که در این سنت خاص، مشارکت اجتماعی به یک جنس محدود نشده است؛ هرچند نمی‌توان از آن نتیجه گرفت که همه چایخانه‌های تاجیکستان یا دیگر کشورهای اکو به فضاهایی مختلط تبدیل شده‌اند.

در مورد آیتیس نیز یونسکو تغییر مشابهی را در خودِ سنت روایت نشان می‌دهد: این سنت در گذشته عمدتاً مردانه بود، اما زنان در دوره معاصر مشارکت گسترده‌تری پیدا کرده‌اند. اهمیت این نمونه در آن است که دگرگونی جنسیتی الزاماً به تغییر معماری یا نام یک فضا وابسته نیست؛ گاهی تغییر از طریق ورود گروه‌های جدید به یک سنت اجتماعی و فرهنگی رخ می‌دهد.

از این رو، حضور زنان را می‌توان یکی از شاخص‌های مهم برای سنجش دگردیسی مکان‌های سوم در جهان اکو دانست، اما نه به‌عنوان معیار ساده‌ای برای «مدرن‌شدن». پرسش دقیق‌تر این است که چه کسانی به فضا دسترسی دارند، در چه زمان‌هایی حضور دارند، چه فعالیت‌هایی انجام می‌دهند و آیا حضور آنان کارکرد اجتماعی فضا را نیز تغییر داده است یا نه. بر همین اساس، وضعیت زنان در ادامه، هرجا شواهد کافی وجود داشته باشد، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های تحول چایخانه و قهوه‌خانه بررسی می‌شود.

امروز در هر کشور

افغانستان

درباره‌ی وضعیت امروز چایخانه در افغانستان، در منابع بررسی‌شده پژوهش دانشگاهی یا گزارش مستقلی که مستقیماً به تداوم، افول یا دگرگونی این نهاد بپردازد، پیدا نشد. بنابراین نمی‌توان بر اساس شواهد موجود درباره‌ی شمار، پراکندگی یا وضعیت کنونی چایخانه‌ها داوری قطعی کرد.

آنچه مستندتر است، تغییر در برخی کارکردهای فرهنگی و اجتماعی فضای عمومی پس از بازگشت طالبان در ۲۰۲۱ است. بیلی در گزارش «می‌توان پرندگان را از آواز بازداشت؟» (۲۰۰۱) پیش‌تر به محدودیت موسیقی و پیامدهای آن برای زندگی فرهنگی افغانستان پرداخته بود. در سال‌های پس از ۲۰۲۱، این محدودیت‌ها بار دیگر به موضوع گزارش‌های متعدد تبدیل شد. بر اساس گزارش‌های آژانس پناهندگی اتحادیه اروپا، موسیقی در عمل در بسیاری از فضاهای عمومی محدود شده و قانون امر به معروف و نهی از منکر مصوب ژوئیه ۲۰۲۴ نیز پخش موسیقی از گردهمایی‌ها یا خانه‌ها را در شمار اعمال ممنوع قرار داده است. گزارش خبرگزاری فرانسه در مه ۲۰۲۵ نیز از بازداشت ۱۴ نفر در شمال افغانستان به دلیل نواختن ساز و آوازخوانی خبر داد و تصریح کرد که محدودیت‌ها شامل اجراهای زنده، گردهمایی‌ها و موسیقی در رستوران‌ها نیز می‌شود. این شواهد مستقیماً درباره‌ی چایخانه نیستند، اما برای فهم تغییر محیط فرهنگی و اجتماعی‌ای که چایخانه‌ها و دیگر

فضاهـای معاشـرت در آن فعالیـت می‌کننـد اهمیـت دارنـد.

از سـوی دیگـر، گزارش‌هـای مربـوط بـه کابـل نشـان می‌دهنـد کـه محدودیت‌هـای جدیـد تنهـا بـه موسـیقی محـدود نمانـده و بـر حضـور و فعالیـت اجتماعـی زنـان در فضاهـای عمومـی نیـز اثـر گذاشتـه اسـت. در سـال ۲۰۲۴، افتتـاح یـک کافـه و کتابخانـه‌ی ایجادشـده به‌دسـت چهـار زن در کابـل متوقـف شـد؛ ایـن مـورد، هرچنـد بـه چایخانـه سـنتی مربـوط نیسـت، نمونـه‌ای مشـخص از دشـواری ایجاد فضاهـای عمومی جدیـد بـرای زنـان اسـت.

بنابرایـن، در مـورد افغانسـتان بهتر اسـت از «دگردیسـی فضـای عمومـی تحـت محدودیـت» سـخن گفـت، نـه از «فراموشـی چایخانـه». شـواهد موجـود بـرای اثبـات افـول خـودِ چایخانـه کافی نیسـت؛ امـا نشـان می‌دهند کـه بخشـی از فعالیت‌هـای فرهنگـی، موسـیقایی و اجتماعـی کـه می‌توانسـت در فضاهـای عمومـی شـکل بگیـرد، در سـال‌های اخیـر بـا محدودیت‌هـای بیشـتری مواجـه شـده اسـت. در نتیجـه، وضعیـت چایخانـه در افغانسـتان در منابـع بررسی‌شـده پراکنـده و ناکافـی بـرای داوری قطعـی اسـت، در حالـی کـه شـواهد دربـاره‌ی تغییـر محیـط فرهنگـی و جنسـیتی فضـای عمومـی نسـبتاً روشـن‌ترند.

جمهوری آذربایجان

در جمهـوری آذربایجـان، مهم‌تریـن شـاهد رسـمی دربـاره تـداوم جایـگاه اجتماعـی چـای، ثبـت «فرهنـگ چـای، نمـاد هویـت، مهمان‌نـوازی و تعامـل اجتماعـی» در فهرسـت میـراث فرهنگـی ناملمـوس یونسـکو در سـال ۲۰۲۲ اسـت. ایـن عنصـر به‌صـورت مشـترک از سـوی جمهـوری آذربایجـان و ترکیـه پیشـنهاد شـد و یونسـکو چـای را در هـر دو کشـور بخشـی از زندگـی روزمـره، مهمان‌نـوازی و حفـظ پیوندهـای اجتماعـی معرفـی می‌کنـد. در تصاویـر پرونـده نیـز به‌صراحـت از «نوشـیدن چـای در چایخانـه» در جمهـوری آذربایجـان یـاد شـده اسـت.

بااین‌حـال، شـواهد معاصـر دربـاره خـود چایخانـه به‌عنـوان فضـای عمومـی تصویـر متفاوتـی ارائـه می‌کننـد. یـک مطالعـه دربـاره شـهر سـالیان کـه در سـال ۲۰۲۵ منتشـر شـده، چایخانه‌هـا را از معـدود فضاهـای معاشـرت پـس از سـاعات فعالیـت بـازار معرفـی می‌کنـد و تصریـح دارد کـه ایـن فضاهـا به‌شـدت مردانه‌انـد؛ حضـور زنـان در آن‌هـا بسـیار نـادر و حضـور زنـان محلـی حتـی نادرتـر توصیـف شـده اسـت. ایـن شـاهد، هرچنـد مربـوط بـه یـک شـهر اسـت و نمی‌تـوان آن را بـه همـه جمهـوری آذربایجـان تعمیـم داد، نشـان می‌دهـد کـه چایخانـه سـنتی هنـوز در برخـی شـهرهای خـارج از پایتخـت بـا الگـوی جنسـیتی مردانـه عمـل می‌کنـد.

در مقابـل، شـواهد مربـوط بـه فضـای عمومـی شـهری نشـان می‌دهـد کـه مسـئله حضـور و دسترسـی زنـان بـه فضاهـای اجتماعـی در آذربایجـان همچنـان موضوع سیاسـت‌گذاری و برنامه‌ریـزی شـهری اسـت. در سـال ۲۰۲۵، در چارچـوب برنامه‌ریـزی شـهری آذربایجـان و بـا همـکاری UN-Habitat، بحـث «شـهرهای امـن و فراگیـر بـا رویکـرد جنسـیتی» بـا تمرکـز بـر ایمنـی، تحـرک و مشـارکت زنـان در محیـط شـهری مطـرح شـد. همچنیـن یـک پژوهـش دانشـگاهی دربـاره دختـران در باکـو نشـان داده اسـت کـه آنـان در خـارج از خانـواده بـا محدودیـت فضاهـای قابـل تجربـه و استنـاد مواجه‌انـد؛ ایـن یافتـه مستقیمـاً دربـاره چایخانـه نیسـت، امـا بـرای فهـم نابرابـری دسترسـی بـه برخـی فضاهـای اجتماعـی شـهری اهمیـت دارد.

در عیـن حـال، نبایـد ایـن وضعیـت را بـه معنـای نبودن زنـان در فرهنـگ چـای یـا مناسـبات پذیرایـی دانسـت. پرونـده یونسـکو چـای را بخشـی از زندگـی روزمـره «همه لایه‌هـای جامعـه» می‌دانـد و از کاربـرد آن در مناسـبات خانوادگـی و اجتماعـی سـخن می‌گویـد. بنابرایـن، بایـد میـان فرهنـگ چـای در جامعـه و چایخانـه به‌عنـوان

یک مکان عمومی مشخص تفاوت گذاشت.

در نتیجه، جمهوری آذربایجان نمونه جالبی از هم‌زمانی تداوم میراث و تداوم تفکیک جنسیتی فضا است: فرهنگ چای در سطح ملی و رسمی همچنان بخشی زنده از هویت و مهمان‌نوازی است، اما دست‌کم در شواهد مستقیم موجود برای سالیان، چایخانه همچنان عمدتاً فضایی مردانه باقی مانده است. بنابراین، در این مورد نمی‌توان از دگردیسی جنسیتی چایخانه به معنای گسترش حضور زنان سخن گفت؛ بلکه شواهد موجود بیشتر از تداوم یک الگوی سنتی در کنار تلاش‌های جدید برای ایجاد فضاهای شهری فراگیرتر حکایت دارند.

ایران
در ایران، شواهد موجود از هم‌زمانی دو تحول حکایت می‌کنند: گسترش فضاهای کافه‌ای جدید و کاهش نقش سنتی قهوه‌خانه در برخی کارکردهای فرهنگی.

گزارش رویترز در سال ۲۰۱۱ از گسترش کافه‌های سبک جدید در تهران خبر می‌دهد و به زنجیره‌ای مانند «رئیس» اشاره می‌کند که نخستین شعبه‌اش در دسامبر ۲۰۰۱ افتتاح شده بود و در سال ۲۰۱۱ چهار شعبه داشت. به‌گفته‌ی مالک آن، این مجموعه نخستین قهوه‌ی بیرون‌بر را نیز عرضه می‌کرد. گزارش، کافه‌های دارای وای‌فای و فضای متفاوت از قهوه‌خانه‌های سنتی را بخشی از تغییر الگوی معاشرت جوانان شهری معرفی می‌کند. با توجه به تاریخ این گزارش، این شواهد را باید نشانه‌ای از یک روند در دهه‌ی ۱۳۸۰ و اوایل دهه‌ی ۱۳۹۰ دانست، نه توصیفی از وضعیت امروز.

در سوی دیگر، مهرداد فکور در سخنرانی سال ۲۰۱۶ گفته است که کارکرد اصلی قهوه‌خانه‌ی سنتی در اشاعه‌ی فرهنگ عامه و میراث هنری تا حد زیادی از میان رفته است. پرونده‌ی یونسکو درباره‌ی نقالی نیز در زمان ثبت این هنر در سال ۲۰۱۱ در فهرست میراث فرهنگی ناملموس نیازمند صیانت فوری، کاهش محبوبیت قهوه‌خانه‌ها و ظهور سرگرمی‌های جدید را از عواملی می‌داند که به کاهش علاقه به نقالی انجامیده‌اند. بنابراین، در این دوره می‌توان میان افول بخشی از کارکرد فرهنگی قهوه‌خانه و کاهش حضور نقالی در این فضا ارتباطی مستند مشاهده کرد.

بااین‌حال، وضعیت نقالی در سال‌های بعد یک روند صرفاً نزولی را نشان نمی‌دهد. کمیته‌ی یونسکو در تصمیم COM.15 ۷٫۳ در سال ۲۰۲۰ از افزایش شمار نقالان، مشارکت بیشتر زنان، تأسیس بنیاد نقالی ایران و افتتاح پنج «خانه‌ی نقالی» جدید یاد کرد. در تصمیم COM.19 ۱۳.A.۶ در سال ۲۰۲۴ نیز از بهبود پایداری این هنر و پیشنهاد کارشناسان برای انتقال آن به فهرست نماینده سخن گفته شد.

در نتیجه، بخشی از فعالیت‌های مرتبط با حفظ و انتقال نقالی در سال‌های اخیر در فضاهایی خارج از قهوه‌خانه‌ی سنتی نیز دنبال شده است. بااین‌حال، نمونه‌هایی از تداوم اجرای نقالی در قهوه‌خانه نیز ثبت شده است؛ از جمله پخش زنده‌ی نقالی شاهنامه از یک قهوه‌خانه‌ی سنتی در محله‌ی دروازه‌غار تهران در نوامبر ۲۰۱۶، در چارچوب پروژه‌ی «هنر، فضای اجتماعی و گفتمان عمومی» و هم‌زمان با گشایش همایشی در موزه‌ی هنر آسیایی سان‌فرانسیسکو.

پژوهش فروغانفر (۲۰۲۰) درباره‌ی تبریز تصویر دیگری از همین وضعیت را نشان می‌دهد. او در بررسی دو قهوه‌خانه، از افزایش علاقه به قهوه‌خانه‌های سنتی در یک دهه‌ی پیش از پژوهش و از شکل‌گیری ارتباط میان هنرمندان جوان و مشتریان قدیمی سخن می‌گوید. در عین حال، بر اساس همان مطالعه، بخش بزرگی از قهوه‌خانه‌های شهر همچنان به‌عنوان محل تجمع صنف‌ها و گروه‌های کم‌درآمد عمل می‌کردند و شماری نیز در نتیجه‌ی کاهش رونق یا نوسازی

شـهری تعطیـل یـا تخریـب شـده بودنـد.
از نظر جنسـیتی نیز تغییرات یکدسـت نیسـت. شـواهد یونسـکو دربـاره‌ی نقالـی از افزایـش مشـارکت زنـان در ایـن هنـر در سـال‌های اخیـر خبـر می‌دهـد، امـا ایـن تغییـر را نمی‌تـوان مستقیمـاً بـه معنـای زنانه‌شـدن قهوه‌خانـه دانسـت؛ زیـرا بخشـی از فعالیت‌هـای جدیـد نقالـی در «خانه‌هـای نقالـی» و دیگـر فضاهـای فرهنگـی انجـام می‌شـود. در نتیجـه، در ایـران تغییـر ترکیـب جنسـیتیِ خـودِ قهوه‌خانـه بـه انـدازه‌ی تغییـر مسیـر فعالیت‌هـای فرهنگـی مرتبـط بـا آن مستنـد نیسـت.

تصویـر ایـران، بنابرایـن، بیشـتر از یـک هم‌زیسـتی و جابه‌جایـی کارکردهـا حکایـت دارد تـا جایگزینـی کامـل یـک فضـا بـا فضـای دیگـر: کافه‌هـای جدیـد بخشـی از معاشـرت شـهری را بـر عهـده گرفته‌انـد، در حالـی کـه قهوه‌خانـه‌ی سـنتی در برخـی نقـاط کارکردهـای پیشـین خـود را از دسـت داده، در برخـی مـوارد تعطیـل یـا تخریـب شـده و در مـواردی نیـز به‌عنـوان فضـای فرهنگـی یـا محـل تـداوم برخـی سـنت‌ها باقـی مانـده اسـت. از ایـن شـواهد می‌تـوان از دگردیسـی قابل‌توجـه سـخن گفـت، امـا نـه از ناپدیدشـدن کامـل قهوه‌خانـه.

قزاقستان

در قزاقسـتان، در منابـع بررسی‌شـده شـاهد مستقیمـی کـه وضعیـت امـروز چایخانـه را از نظـر تـداوم، افـول یـا دگردیسـی بررسـی کنـد، بـه دسـت نیامـد. مهم‌تریـن شـاهد مرتبـط بـا میـراث روایـی، ثبـت «سـنت قصه‌گویـی ملانصرالدیـن» در سـال ۲۰۲۲ اسـت کـه قزاقسـتان نیـز در ثبـت چندملیتـی آن مشـارکت دارد. ایـن ثبـت نشـان‌دهنده‌ی شناسـایی و حمایـت نهـادی از یـک سـنت شـفاهی و روایـی مشـترک در منطقـه اسـت، امـا ارتبـاط مستقیمـی بـا چایخانـه یـا تـداوم قصه‌گویـی در ایـن فضـا نشـان نمی‌دهـد.
از نظـر جنسـیتی نیـز در منابـع بررسی‌شـده شـواهد مستقیمـی دربـاره‌ی تغییر حضـور زنـان در چایخانه‌های قزاقسـتان پیـدا نشـد. بنابرایـن، نمی‌تـوان از ثبـت ملانصرالدیـن یـا دیگـر عناصـر میـراث ناملمـوس، دربـاره‌ی میـزان حضـور زنـان در چایخانه‌هـای امـروز یـا تغییـر کارکـرد ایـن فضاهـا نتیجه‌گیـری کـرد.
در نتیجـه، بـرای قزاقسـتان شـواهد موجـود بیشـتر از میراث‌شـدن یـک سـنت شـفاهی حکایـت دارنـد تـا از وضعیـت کنونـی چایخانـه به‌عنـوان یـک فضـای اجتماعـی. دربـاره‌ی احیـا، دگردیسـی یا افـول چایخانه و نیـز تغییـر ترکیـب جنسـیتی آن، اطلاعـات بررسی‌شـده بـرای داوری قطعـی کافـی نیسـت.

قرقیزستان

در قرقیزسـتان، در منابع بررسی‌شـده شـاهد مستقیمی کـه وضعیـت امـروز چایخانـه را در شـهرهایی ماننـد بیشـکک یـا اوش از نظـر تـداوم، افـول یـا دگردیسـی بررسـی کنـد، بـه دسـت نیامـد. ایـن کشـور در ثبـت چندملیتـی «سـنت قصه‌گویـی ملانصرالدیـن» در سـال ۲۰۲۲ مشـارکت دارد و سـنت حماسـی «منـاس» نیـز از سـال ۲۰۱۳ در فهرسـت میـراث فرهنگـی ناملمـوس یونسـکو ثبـت شـده اسـت. ایـن ثبت‌هـا شناسـایی رسمـی و حمایـت نهادی از سـنت‌های روایی و حماسـی را نشـان می‌دهنـد، امـا به‌خودی‌خـود اطلاعاتـی دربـاره‌ی تـداوم ایـن سـنت‌ها در چایخانه‌هـای امـروز ارائـه نمی‌کننـد.

از نظـر جنسـیتی نیـز شـواهد بررسی‌شـده بـرای ارزیابی تغییـر حضـور زنـان در چایخانه‌هـای قرقیزسـتان کافـی نیسـت. وجـود یـا تـداوم یـک سـنت روایـی در سـطح میـراث ناملمـوس را نمی‌تـوان معـادل تغییـر ترکیـب جنسـیتی فضاهـای اجتماعـی دانسـت و در منابـع موجـود، شـاهد مستقیمـی دربـاره‌ی حضـور زنـان در چایخانه‌هـای معاصـر بیشـکک یـا اوش پیـدا نشـد.
بنابرایـن، در مـورد قرقیزسـتان نیـز شـواهد موجـود بیشـتر بـه میراث‌شـدن و تـداوم رسمـی سـنت‌های روایـی مربـوط اسـت تـا وضعیـت کنونـی چایخانـه به‌عنـوان یـک مـکان اجتماعـی. دربـاره‌ی احیـا، دگردیسـی یـا افـول چایخانـه و همچنیـن تغییـر الگـوی

حضـور زنـان در ایـن فضـا، اطلاعـات بررسی‌شـده بـرای داوری قطعـی کافـی نیسـت.

پاکستان

«پـاک تی‌هـاوس» لاهـور نمونـه‌ای روشـن از تلاش بـرای احیـای یـک فضـای تاریخـی اسـت، هرچنـد بازگشـایی آن لزومـاً بـه معنـای بازگشـت کامـل کارکردهـای گذشـته نیسـت. ایـن چایخانـه، کـه از مهم‌تریـن فضاهـای ادبـی و روشـنفکری لاهـور در سـده‌ی بیسـتم بـود، در منابـع مختلـف در سـال ۱۹۹۹ یـا ۲۰۰۰ تعطیل‌شـده ثبـت شـده اسـت. بـر اسـاس گـزارش اینترنیـوز در ۱۰ مـارس ۲۰۱۳، سـاختمان پـس از حـدود سیـزده سـال تعطیلـی، بـا مداخلـه‌ی دادگاه عالـی لاهـور دوبـاره بـاز شـد و در ایـن فاصلـه بـرای نگهـداری پارچـه مـورد اسـتفاده قـرار گرفتـه بـود.

در اکتبـر ۲۰۱۳، اداره‌ی ایـن مـکان بـه «مرجـع لاهـور شـهر دیوارهـا» (Walled City of Lahore Authority) سپـرده شـد. در سـال‌های بعـد نیـز گزارش‌هایـی از ادامـه‌ی فعالیـت محافـل ادبـی مرتبـط بـا آن منتشـر شـد و «حلقـه‌ی ارباب ذوق» همچنـان به‌عنـوان یکـی از پیوندهـای تاریخـی ایـن مـکان بـا حیـات ادبـی لاهور مطـرح بـوده اسـت.

بااین‌حـال، میـان بازگشـایی یـک مـکان و احیـای کامـل کارکـرد اجتماعـی تاریخـی آن بایـد تفـاوت گذاشـت. اهمیـت پـاک تی‌هـاوس در دوره‌ی اوج خـود فقـط بـه سـاختمان یـا چایخانـه بـودن آن محـدود نبـود، بلکـه بـه شـبکه‌ای از نویسـندگان، شـاعران و روشـنفکرانی مربـوط می‌شـد کـه در آن گـرد می‌آمدنـد. بنابرایـن، بازگشـت فعالیـت بـه مـکان تاریخـی را نمی‌تـوان به‌تنهایـی معـادل بازگشـت همـان شـبکه‌ی اجتماعـی و فرهنگـی دانسـت.

از نظـر جنسـیتی نیـز شـواهد موجـود بـرای ارزیابـی تغییـر حضـور زنـان در پـاک تی‌هـاوس امـروز کافـی نیسـت. حضـور زنـان در حیـات ادبـی و فرهنگـی پاکسـتان موضوعـی گسـترده‌تر اسـت، امـا نمی‌تـوان بـدون شـاهد مستقیـم، آن را بـه تغییـر ترکیـب جنسـیتی ایـن چایخانـه تعمیـم داد.

در نتیجـه، پاکسـتان نمونـه‌ای از احیـای یـک مـکان تاریخـی همـراه بـا تـداوم بخشـی از پیوندهـای فرهنگی آن اسـت، امـا میـزان بازگشـت کارکـرد اجتماعـی و ترکیـب مخاطبـان تاریخـی آن را نمی‌تـوان صرفـاً از بازگشـایی سـاختمان نتیجـه گرفـت.

تاجیکستان

تاجیکسـتان در میـان نمونه‌هـای بررسی‌شـده، مـورد روشـنی از زوال یـک فضـای تاریخـی در پـی بازسـازی شـهری اسـت. «چایخانـه‌ی روحـت» در دوشـنبه، ساخته‌شـده در حـدود سـال ۱۹۵۸ در خیابـان رودکـی، نمونـه‌ای از ترکیـب معمـاری دوره‌ی شـوروی بـا عناصـر تزیینـی و معمـاری سـنتی تاجیـک بـود و ظرفیـت پذیـرش حـدود هـزار نفـر را داشـت. ایـن بنا در سـال‌های بعـد بـه یکـی از فضاهـای شناخته‌شـده‌ی شـهری دوشـنبه تبدیـل شـد و حتـی در گزارش‌هایـی از آن به‌عنـوان یکـی از چایخانه‌هـای شـاخص جهـان یـاد شـده اسـت.

طـرح تخریـب بنـا پیش‌تـر نیـز بـا واکنـش عمومـی روبـه‌رو شـده بـود. منابـع مختلـف ایـن اعتراض‌هـا را بـه دوره‌هـای متفاوتـی، از جملـه سـال‌های ۲۰۱۵، ۲۰۱۷ و ۲۰۲۲، نسـبت داده‌انـد. در ژوئیـه‌ی ۲۰۲۲ نیـز گزارش‌هایـی منتشـر شـد کـه بـر اسـاس آن مقامـات وعـده داده بودنـد سـاختمان حفـظ خواهـد شـد. بااین‌حـال، گزارش‌هـای منتشرشـده در سـال ۲۰۲۵ از تخریـب آن در چارچـوب طرح‌هـای بازسـازی و توسـعه‌ی شـهری دوشـنبه خبـر دادنـد. بـر اسـاس ایـن گزارش‌هـا، در مـارس ۲۰۲۵ سـاختمان چایخانـه از میـان رفـت و ساخت‌وسـاز جدیـدی در محـل آن انجـام شـد.

ایـن مـورد از آن جهـت اهمیـت دارد کـه «روحـت»

صرفاً یک محل پذیرایی نبود، بلکه بخشی از منظر شهری و حافظه‌ی معماری دوشنبه محسوب می‌شد. بااین‌حال، تخریب آن نشان می‌دهد که شناخته‌شدن یک چایخانه به‌عنوان مکان نمادین لزوماً مانع از حذف فیزیکی آن در فرایند بازسازی شهری نمی‌شود.
در مورد زنان نیز این نمونه اطلاعات مستقیمی درباره‌ی تغییر ترکیب جنسیتی چایخانه در اختیار نمی‌گذارد. بنابراین، نمی‌توان از تخریب «روحت» نتیجه‌ای درباره‌ی افزایش یا کاهش حضور زنان در چایخانه‌های تاجیکستان گرفت. آنچه در این مورد با اطمینان بیشتری می‌توان گفت، از میان رفتن یک فضای تاریخی در نتیجه‌ی تحول کالبدی شهر است.

در نتیجه، «چایخانه‌ی روحت» نمونه‌ای روشن از زوال کالبدی در اثر بازسازی شهری است. گزارش‌های موجود، علت اصلی این تغییر را در طرح‌های توسعه و نوسازی شهری قرار می‌دهند، نه در شواهدی درباره‌ی کاهش علاقه‌ی عمومی به چایخانه.

ترکیه

در ترکیه، شواهد موجود از هم‌زمانی دگردیسی فضاهای مرتبط با قهوه و چای و میراث‌شدن برخی عناصر سنتی حکایت دارند. بر پایه‌ی تحلیل «پورتال جهانی قهوه» در سال ۲۰۲۴، بازار قهوه‌ی زنجیره‌ای و برندشده در ترکیه در فاصله‌ی ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۳ حدود ۹ درصد رشد کرده و شمار شعب آن از ۳۱۰۰ واحد فراتر رفته است. همان گزارش، با استناد به داده‌های مؤسسه‌ی آمار ترکیه، از افزایش قابل‌توجه مصرف قهوه از سال ۲۰۱۲ سخن می‌گوید. این داده‌ها بیشتر بیانگر رشد بخش تجاری و مدرن بازار قهوه‌اند و نمی‌توان از آن‌ها درباره‌ی وضعیت قهوه‌خانه‌های سنتی نتیجه‌گیری کرد.

پژوهش اکبابا و گوکایا، بر اساس ۲۰ مصاحبه در شهر کارابوک، تحول برخی فضاهای قهوه‌خانه‌ای را از «قهوه‌خانه» به «قرائت‌خانه»، سپس «کافه و شیرینی‌فروشی» و در نهایت «قهوه‌فروشی‌های نسل نو» دنبال می‌کند. نویسندگان این فضاها را مکان‌هایی برای معاشرت می‌دانند که به‌ویژه برای جوانان جذاب‌اند. بااین‌حال، حجم نمونه‌ی این پژوهش کوچک و محدود به یک شهر است و نمی‌توان مسیر توصیف‌شده را به کل ترکیه تعمیم داد.

در کنار این دگردیسی، عناصر سنتی نیز در سطح رسمی همچنان حفظ و بازنمایی می‌شوند. «فرهنگ و سنت قهوه‌ی ترک» در سال ۲۰۱۳ و «فرهنگ چای» در سال ۲۰۲۲ در فهرست میراث فرهنگی ناملموس یونسکو ثبت شدند. ثبت دوم، که به‌صورت مشترک از سوی ترکیه و جمهوری آذربایجان انجام شد، چای را در پیوند با مهمان‌نوازی، تعامل اجتماعی و زندگی روزمره معرفی می‌کند. این ثبت‌ها نشان‌دهنده‌ی شناسایی نهادی و تداوم فرهنگی این عناصرند، اما درباره‌ی میزان فعالیت قهوه‌خانه‌ها و چایخانه‌های سنتی در شهرهای



امـروز آمـار مستقیمـی ارائـه نمی‌کننـد.

از نظـر جنسـیتی، تحـول فضاهـای قهوه‌نوشـی را نمی‌تـوان صرفـاً بـا الگـوی سـنتی قهوه‌خانـه‌ی مردانـه توضیـح داد. پژوهـش کورکمـن (۲۰۲۳) دربـاره‌ی فـال قهـوه نشـان می‌دهـد کـه ایـن فعالیـت در سـنت معاشـرت زنـان جایـگاه داشتـه و عمدتـاً در خانـه انجـام می‌شـده، امـا در دوره‌ی معاصـر بخشـی از آن بـه کافه‌هـا و فضاهـای تجـاری نیـز راه یافتـه اسـت. ایـن جابه‌جایـی، نمونـه‌ای از تغییـر مـرز میـان فضـای خصوصـی و عمومـی در فرهنـگ قهـوه اسـت، هرچنـد به‌تنهایـی بـرای اثبـات تغییـر ترکیـب جنسـیتی قهوه‌خانه‌هـای سـنتی کافـی نیسـت.

در نتیجـه، شـواهد ترکیـه بیشـتر از هم‌زیسـتی سـه رونـد حکایـت دارنـد: گسـترش فضاهـای تجـاری جدیـد قهـوه، تـداوم قهـوه و چـای به‌عنـوان عناصـر فرهنگـی، و انتقـال برخـی مناسـبات مرتبـط بـا قهـوه از فضـای خصوصـی یـا سـنتی بـه فضاهـای عمومـی جدیـد. رشـد بـازار مـدرن نیـز لزومـاً بـه معنـای جایگزینـی قهـوه‌ی تـرک یـا قهوه‌خانـه‌ی سـنتی نیسـت؛ شـواهد مـورد بررسـی بیشـتر از هم‌زمانـی و تغییـر شـکل‌های مختلـف مصـرف و معاشـرت خبـر می‌دهنـد.

ترکمنستان

در ترکمنسـتان، در منابـع بررسی‌شـده شـاهد مستقیمـی دربـاره‌ی وضعیـت امـروز چایخانه‌هـا، میـزان تـداوم یـا افـول آن‌هـا و تغییـر ترکیـب جنسـیتی ایـن فضاهـا بـه دسـت نیامـد. ایـن کشـور در ثبـت چندملیتـی «سـنت قصه‌گویـی ملانصرالدیـن» در سـال ۲۰۲۲ مشـارکت دارد. ایـن ثبـت، ماننـد نمونه‌هـای قزاقسـتان و قرقیزسـتان، نشـان‌دهنده‌ی شناسـایی رسمـی و حمایـت نهـادی از یـک سـنت روایـی مشـترک اسـت، امـا اطلاعاتـی دربـاره‌ی تـداوم ایـن سـنت در چایخانه‌هـای امـروز ارائـه نمی‌کنـد.

ازایـن‌رو، در مـورد ترکمنسـتان نمی‌تـوان بـر پایـه‌ی منابـع بررسی‌شـده دربـاره‌ی احیـا، دگردیسـی یـا زوال چایخانـه و نیـز دربـاره‌ی تغییـر حضـور زنـان در ایـن فضاهـا داوری قطعـی کـرد. شـواهد موجـود در ایـن بخـش بیشـتر بـه میراث‌شـدن یـک سـنت شـفاهی مربـوط اسـت تـا وضعیـت معاصـر چایخانـه به‌عنـوان یـک فضـای اجتماعـی.

ازبکستان

در ازبکسـتان، شـواهد موجـود بیشـتر از تـداوم و دگردیسـی نهادهـای معاشـرت اجتماعـی حکایـت دارنـد تـا از تغییـر مستقیـم چایخانـه. قاسـیموف (۲۰۲۴) در بررسـی خـود از چایخانه‌هـای آسـیای مرکـزی بـه تحـول معمـاری و تزییـن داخلـی ایـن فضاهـا می‌پـردازد و نشـان می‌دهـد کـه چایخانـه در سـنت اجتماعـی منطقـه همچنـان موضوعـی قابـل بررسـی اسـت.

در کنـار آن، هیواتـاری (۲۰۰۸) و الکسـاندروف (۲۰۱۷) نهـاد اجتماعـی «گـپ» را بررسـی کرده‌انـد. ایـن مطالعـات نشـان می‌دهنـد کـه گـپ همچنـان به‌عنـوان شـکلی از گردهمایـی و معاشـرت اجتماعـی ادامـه دارد و در دوره‌ی معاصـر شـکل‌های جدیـدی، از جملـه گپ‌هـای زنانـه و شـکل‌های آنلایـن، پیـدا کـرده اسـت. بااین‌حـال، موضـوع اصلـی ایـن پژوهش‌هـا خـودِ گـپ اسـت و نـه چایخانـه؛ بنابرایـن، نمی‌تـوان از آن‌هـا مستقیمـاً دربـاره‌ی وضعیـت چایخانه‌هـای امـروز ازبکسـتان نتیجه‌گیـری کـرد.

از نظـر جنسـیتی، وجـود گپ‌هـای زنانـه اهمیـت دارد، زیـرا نشـان می‌دهـد کـه بخشـی از مناسـباتی کـه در گذشتـه در قالـب شـبکه‌های اجتماعـی و گردهمایی‌هـای سـنتی شـکل می‌گرفـت، در قالبـی بـا مشـارکت زنـان نیـز ادامـه یافتـه اسـت. بااین‌حـال، ایـن تحـول را نبایـد بـه معنـای زنانه‌شـدن چایخانه‌هـا دانسـت؛ بـرای چنیـن نتیجـه‌ای بـه شـواهد مستقیـم دربـاره‌ی حضـور زنـان در چایخانه‌هـای معاصـر نیـاز اسـت.

در نتیجـه، شـواهد موجـود بـرای ازبکسـتان بیشـتر نشـان‌دهنده‌ی تـداوم همـراه بـا دگردیسـی مناسـبات معاشـرت اسـت. چایخانـه به‌عنـوان یـک نهـاد تاریخـی در منابـع منطقـه‌ای همچنـان قابـل شناسـایی اسـت، امـا بخشـی از روابـط اجتماعـی مرتبـط بـا آن در قالب‌هایـی ماننـد گـپ زنانـه و گـپ آنلایـن نیـز

بازتولید شده‌اند. درباره‌ی میزان این تغییرات در خودِ چایخانه‌ها و تغییر ترکیب جنسیتی آن‌ها، منابع بررسی‌شده برای داوری قطعی کافی نیستند.

زنان و بازتعریف «مکان سوم»

توصیف‌های بخش‌های پیشین نشان داد که قهوه‌خانه و چایخانه‌ی سنتی در بسیاری از منابع، بیشتر به‌عنوان فضاهای گردهمایی مردان معرفی شده‌اند. از این رو، پرسش درباره‌ی زنان فقط این نیست که آیا در این فضاها حضور داشته‌اند یا نه؛ بلکه باید پرسید چه فضاهایی امکان معاشرت اجتماعی زنان را فراهم کرده‌اند و آیا این فضاها همان نهادهای سنتی بوده‌اند یا شکل‌های دیگری از مکان سوم را به خود گرفته‌اند؟

در ایران، فروغانفر (۲۰۲۰) در پژوهش میدانی خود درباره‌ی دو قهوه‌خانه‌ی سنتی در تبریز، این فضاها را از بسیاری جهات نزدیک به معیارهای «مکان سوم» اولدنبورگ می‌داند، اما هم‌زمان به غلبه‌ی حضور مردان در آن‌ها اشاره می‌کند. در یکی از دو قهوه‌خانه، حضور گردشگران زن و عکاسانی که برای یک جشنواره‌ی عکاسی به بازار تبریز آمده بودند، به‌تدریج بخشی از الگوی معمول حضور در فضا را تغییر داده بود. این نمونه نشان می‌دهد که ترکیب استفاده‌کنندگان از یک فضای سنتی می‌تواند در اثر تغییر نوع مراجعه‌کنندگان و کارکردهای جدید، به‌تدریج متنوع‌تر شود؛ بدون آنکه بتوان از این نمونه، روندی عمومی در همه‌ی قهوه‌خانه‌های ایران نتیجه گرفت.

در شهرهای بزرگ ایران، پژوهش‌های جدیدتر توجه خود را بیشتر به کافه به‌عنوان یکی از فضاهای معاشرت اجتماعی زنان معطوف کرده‌اند. عنایت و افضلی (۲۰۲۴)، بر اساس مصاحبه با ۳۰ دختر مجرد ۱۶ تا ۳۵ ساله در شیراز، کافه را در چارچوب



مفهوم «زندگی پنهان» بررسی کرده‌اند. در این پژوهش، کافه برای برخی مشارکت‌کنندگان فضایی برای معاشرت، فاصله گرفتن از برخی فشارهای روزمره و تجربه‌ی شکل‌های متفاوتی از حضور اجتماعی توصیف شده است. پژوهش همچنین نقش عواملی مانند آگاهی و استقلال مالی را بررسی می‌کند. از آنجا که این مطالعه محدود به گروهی مشخص در شهر شیراز است، یافته‌های آن را باید در همان محدوده خواند و نمی‌توان آن را تصویری از تجربه‌ی همه‌ی زنان یا همه‌ی شهرهای ایران دانست.

در پاکستان نیز نمونه‌ای از تلاش برای گسترش حضور زنان در فضاهای اجتماعی مرتبط با چای شکل گرفت. در سال ۲۰۱۵، سادیا خطری، روزنامه‌نگار کراچی، تصویری از حضور خود در یک دهابا منتشر کرد و با هشتگ #GirlsAtDhabas توجه عمومی را

به حضور زنان در این فضاها جلب کرد. این اقدام در ادامه به شکل‌گیری فعالیت‌هایی در چند شهر پاکستان انجامید. گزارش‌های مربوط به این جریان، موضوع حضور زنان در دهابا را در چارچوب تجربه‌ی روزمره‌ی حضور آنان در فضاهای عمومی و اجتماعی بررسی کرده‌اند. اهمیت این نمونه برای بحث حاضر در این است که دهابا، که معمولاً فضایی مردانه تلقی می‌شد، در اینجا به موضوعی برای تجربه و بازتعریف حضور اجتماعی زنان تبدیل شد. بااین‌حال، این نمونه نیز بیشتر یک حرکت اجتماعی مشخص در دهه‌ی ۲۰۱۰ است و نمی‌توان از آن درباره‌ی وضعیت همه‌ی چایخانه‌های پاکستان یا روندی یکسان در سراسر کشور نتیجه گرفت.

در ترکیه، کورکمن (۲۰۲۳) نوع دیگری از این دگردیسی را در کافه‌های فال قهوه بررسی می‌کند. در این فضاها، معاشرت زنان پیرامون قهوه که سابقه‌ای طولانی در محیط‌های خانگی دارد، در قالبی عمومی و تجاری نیز دیده می‌شود. پژوهش مذکور بر نوع خاصی از کافه‌ها تمرکز دارد و بنابراین نمی‌توان نتایج آن را به همه‌ی کافه‌ها یا قهوه‌خانه‌های ترکیه تعمیم داد. اهمیت آن برای بحث حاضر در این است که نشان می‌دهد یک الگوی اجتماعی قدیمی می‌تواند با تغییر فضا، شکل جدیدی از معاشرت عمومی پیدا کند.

در ازبکستان نیز هیواتاری (۲۰۰۸) از گپ‌های زنانه در کنار دیگر شکل‌های گپ سخن می‌گوید و الکساندروف (۲۰۱۷) به تداوم و شکل‌های جدید این نهاد اجتماعی، از جمله صورت‌های آنلاین، پرداخته است. این مطالعات مستقیماً درباره‌ی چایخانه نیستند؛ بنابراین، گپ زنانه را نباید شاهدی برای تغییر ترکیب جنسیتی چایخانه‌ها دانست. بااین‌حال، این نمونه نشان می‌دهد که برخی الگوهای سنتی معاشرت می‌توانند در قالب‌های جدید و با ترکیب اجتماعی متفاوت ادامه پیدا کنند.

مقایسه‌ی این نمونه‌ها نشان می‌دهد که «مکان سوم» برای زنان الزاماً با ورود آنان به قهوه‌خانه یا چایخانه‌ی سنتی تعریف نمی‌شود. در برخی موارد، همان نهاد سنتی ممکن است پذیرای گروه‌های جدید شود؛ در موارد دیگر، کافه، دهابا، نشست خانگی یا شکل‌های جدید گپ، بخشی از همان کارکرد اجتماعی را بر عهده می‌گیرند. بنابراین، در بررسی جایگاه زنان، باید میان تغییر در خودِ نهاد و انتقال یک کارکرد اجتماعی به فضای جدید تفاوت گذاشت.

همچنین دسترسی به این فضاها برای همه‌ی زنان یکسان نیست و عواملی مانند سن، موقعیت اقتصادی، محل زندگی، نوع فضا و الگوهای اجتماعی می‌توانند در تجربه‌ی آن نقش داشته باشند. به همین دلیل، نمونه‌های مورد بررسی بیشتر از تنوع مسیرهای شکل‌گیری مکان سوم برای زنان حکایت دارند تا از یک روند واحد در کشورهای اکو.

در مورد افغانستان، قزاقستان، قرقیزستان و ترکمنستان، در مجموعه‌ی منابع بررسی‌شده شواهد مستقیمی درباره‌ی حضور زنان در چایخانه‌ها یا کافه‌های معاصر به دست نیامد. از این رو، درباره‌ی این کشورها در این بخش از داوری فراتر از شواهد موجود پرهیز می‌شود.

جمع‌بندی

پاسخ به پرسش «احیا یا فراموشی؟» یکسان نیست و در کشورهای مختلف، مسیرهای متفاوتی دیده می‌شود. در ایران و ترکیه، هم‌زمان با تداوم محبوبیت چای و قهوه، بخشی از معاشرت اجتماعی از قهوه‌خانه و چایخانه‌ی سنتی به کافه‌ها و فضاهای جدیدتر منتقل شده است. در پاکستان، بازگشایی پاک تی‌هاوس لاهور نمونه‌ای از بازگشت یک مکان تاریخی به چرخه‌ی فرهنگی شهر است، هرچند تداوم یک مکان تاریخی لزوماً به معنای

بازگشت کامل همه‌ی کارکردهای اجتماعی گذشته‌ی آن نیست. در تاجیکستان، چایخانه‌ی روخات در جریان تحولات و نوسازی شهری از میان رفت و نمونه‌ای روشن از آسیب‌پذیری کالبدی این نوع فضاها در برابر تغییرات شهری به دست داد.
در جمهوری آذربایجان، ترکیه و شماری دیگر از کشورهای عضو اکو، بخش‌هایی از فرهنگ مرتبط با چای، قهوه، قصه‌گویی و حماسه در فهرست‌های یونسکو ثبت شده‌اند. این ثبت‌ها نشان‌دهنده‌ی شناسایی رسمی عناصر فرهنگی و تلاش برای پاسداری از آن‌ها هستند، اما به‌تنهایی نمی‌توانند میزان حضور این عناصر در زندگی روزمره یا تداوم چایخانه و قهوه‌خانه به‌عنوان یک نهاد اجتماعی را اندازه‌گیری کنند. برای سنجش این موضوع، پژوهش‌های میدانی و مطالعات شهری و اجتماعی معاصر ضروری‌اند. درباره‌ی افغانستان، قزاقستان، قرقیزستان و ترکمنستان نیز منابع بررسی‌شده برای داوری قطعی درباره‌ی سرنوشت امروز چایخانه‌ها و قهوه‌خانه‌ها کافی نیستند.

در کنار این تفاوت‌ها، دو روند قابل توجه است. نخست، تغییر در الگوهای حضور اجتماعی زنان است. در برخی نمونه‌های بررسی‌شده، از جمله ایران، پاکستان و ترکیه، زنان بخشی از معاشرت اجتماعی خود را در فضاهایی مانند کافه، دهابا یا دیگر محیط‌های عمومی و نیمه‌خصوصی دنبال کرده‌اند؛ در ازبکستان نیز شکل‌هایی مانند گپ زنانه نشان می‌دهد که برخی سنت‌های معاشرت می‌توانند در قالب‌های متفاوت ادامه پیدا کنند.
این نمونه‌ها را نمی‌توان به همه‌ی کشورهای اکو تعمیم داد، اما نشان می‌دهند که «مکان سوم» الزاماً به شکل تاریخی خود باقی نمی‌ماند و ممکن است کارکردهای آن در فضاهای جدید بازتولید شود.

دوم، تحولات فضای شهری و اجتماعی بر سرنوشت این نهادها اثر گذاشته است. در برخی موارد، مانند چایخانه‌ی روخات، تغییرات شهری به از میان رفتن کالبد یک مکان انجامیده‌اند؛ در برخی دیگر، تغییر شیوه‌های معاشرت، ظهور کافه‌های جدید و گسترش رسانه‌های نو، بخشی از کارکردهای پیشین را به فضاها و ابزارهای دیگری منتقل کرده‌اند. در افغانستان نیز تحولات مربوط به فعالیت‌های فرهنگی و هنری بر برخی شکل‌های اجرای سنتی اثر گذاشته است. این نمونه‌ها بیشتر از آنکه نشان‌دهنده‌ی یک مسیر واحد باشند، تنوع رابطه‌ی میان فضا، جامعه و میراث فرهنگی را آشکار می‌کنند.

سخن پایانی: شیوه‌ای برای باهم‌بودن

نقشه‌ی شواهد خود بخشی از یافته‌های این بررسی است. ایران و ترکیه از نظر منابع پژوهشی در این مطالعه پرشاهدترین موارد بودند؛ ازبکستان، تاجیکستان، پاکستان و جمهوری آذربایجان شواهد قابل توجه اما محدودتری داشتند؛ و درباره‌ی افغانستان، قزاقستان، قرقیزستان و ترکمنستان، در منابع بررسی‌شده بخش مهمی از شواهد به ثبت‌های یونسکو و چند منبع منفرد محدود بود.

این نابرابری را نباید به تفاوت در اهمیت یا غنای فرهنگی جوامع نسبت داد. بخش زیادی از آن به دسترس‌پذیری منابع، زبان‌های مورد بررسی و میزان پژوهش‌های دانشگاهی و میدانی موجود مربوط است. پژوهش‌های بعدی، به‌ویژه با استفاده از منابع محلی و کار میدانی، می‌توانند این تصویر را کامل‌تر کنند و برخی فرضیه‌های مطرح‌شده در این مقاله، از جمله تمایز میان جوامع یک‌جانشین و کوچ‌نشین‌تبار در بحث چایخانه، را دقیق‌تر بیازمایند.

سه مضمون در بخش‌های مختلف مقاله تکرار شد. نخست، پیوند میان فضای عمومی و خصوصی است. توصیف یونسکو از فرهنگ قهوه‌ی ترک و پرونده‌ی اوشی پالاو در تاجیکستان و ازبکستان نشان می‌دهد که در برخی زمینه‌ها، پذیرایی و معاشرت هم در فضای عمومی مانند چایخانه یا قهوه‌خانه و هم در خانه و مجالس خصوصی حضور داشته‌اند.

دوم، روایت و موسیقی شفاهی است که در برخی

جوامع با فضاهای معاشرتی پیوند داشته و امروز، در کنار تداوم برخی اجراها، از طریق سازوکارهای میراث فرهنگی نیز مورد شناسایی و حمایت قرار می‌گیرد.

سوم، رابطه‌ی این فضاها با نهادهای قدرت و تحولات اجتماعی در دوره‌های مختلف تغییر کرده است: از مقررات و محدودیت‌های تاریخی درباره‌ی قهوه‌خانه‌ها در برخی شهرها، تا شکل‌های نهادمندشده‌ی چایخانه در دوره‌ی شوروی و تأثیر تحولات شهری معاصر بر برخی فضاهای تاریخی. فضاهای زنان در منابع تاریخی کمتر دیده شده‌اند، اما تصویر مردانه‌ی چایخانه و قهوه‌خانه کامل نیست. شواهد مربوط به گپ‌های زنانه در ازبکستان، حضور زنان در برخی آیین‌های جمعی، و پژوهش‌های معاصر درباره‌ی کافه‌ها و دیگر فضاهای معاشرت در ایران، پاکستان و ترکیه، نشان می‌دهند که زنان نیز در دوره‌های مختلف و به شیوه‌های متفاوت، فضاهای اجتماعی خود را شکل داده‌اند. این شواهد در عین حال یادآور می‌شوند که تجربه‌ی «مکان سوم» برای زنان و مردان الزاماً یکسان نبوده است. مطالعه‌ی نشست‌های خانگی و شکل‌های زنانه‌ی پذیرایی و معاشرت در دیگر کشورهای اکو می‌تواند در آینده تصویر کامل‌تری از این بخش فراهم کند.

اگر بخواهیم در میان این تفاوت‌ها وجه مشترکی پیدا کنیم، همانندی نهادها نیست، بلکه برخی کارکردهای اجتماعی آن‌هاست. قهوه‌خانه‌ی صفوی، قهوه‌خانه‌ی عثمانی، چایخانه‌ی بخارا و پاک تی‌هاوس لاهور تاریخ، ساختار و جایگاه یکسانی نداشته‌اند و نباید یکی را الگوی دیگری دانست. بااین‌حال، در مواردی که شواهد امکان مقایسه می‌دهد، همه‌ی آن‌ها در مقاطعی فضایی برای معاشرت، پذیرایی، گفت‌وگو و انتقال روایت فراهم کرده‌اند. با تغییر یا از میان رفتن برخی از این نهادها، بخشی از این کارکردها نیز به خانه و نشست‌های اجتماعی، به کافه‌ها و دهاباها، یا به رسانه‌ها و سازوکارهای جدید انتقال میراث فرهنگی منتقل شده است.

از این منظر، مفهوم «مکان سوم» در این مقاله نه برچسبی برای یکسان دانستن همه‌ی قهوه‌خانه‌ها و چایخانه‌ها، بلکه ابزاری برای دیدن یک کارکرد مشترک در میان نهادهای متفاوت است: ایجاد فضایی برای باهم‌بودن، گفت‌وگو، پذیرایی و انتقال فرهنگ. ساختمان‌ها ممکن است تغییر کنند، نام‌ها جابه‌جا شوند و شکل‌های معاشرت دگرگون شوند؛ اما بخشی از این کارکردها می‌توانند در فضاهای تازه ادامه پیدا کند. آنچه در این میان بیش از همه تداوم می‌یابد، نه لزوماً خودِ چایخانه و قهوه‌خانه، بلکه شیوه‌هایی است که جوامع برای باهم‌بودن و انتقال تجربه و روایت‌های خود پیدا می‌کنند.



منابع

کتاب‌ها و مقالات پژوهشی

Aghaie, Kamran Scot. ۲۰۰۴. The Martyrs of Karbala: Shi'i Symbols and Rituals in Modern Iran. Seattle: University of Washington Press.

Aini, Sadriddin. ۱۹۹۸. The Sands of the Oxus: Boyhood Reminiscences of Sadriddin Aini. Translated by John R. Perry and Rachel Lehr. Costa Mesa: Mazda.

Akbaba, Ömer, and Samet Gökkaya. " 'Howard-Sheth' Modeli Çerçevesinde Tüketicilerin Yeni Nesil Kahve İşletmelerini Tercihleri Üzerine Bir Araştırma." ISAR. Abstract; based on a master's thesis at Karabük University.

Alexandrov, Timur. ۲۰۱۷. "'Shaking Hands with Money': The Phenomenon of Gap in Modern Uzbekistan and Kazakhstan." Europe-Asia Studies ۹۲۰–۸۹۷ :(۶) ۶۹. https://doi.org/۰۹۶۶۸۱۳/۱۰/۱۰۸۰۶/۲۰۱۷/۱۳۵۵۹۶۵.

And, Metin. ۶۴–۱۹۶۳. A History of Theatre and Popular Entertainment in Turkey.

———. ۱۹۷۵. Karagöz: Turkish Shadow Theatre.

Asdjodi, Minoo. ۲۰۰۱. "A Comparison between Ta'arof in Persian and Limao in Chinese." International Journal of the Sociology of Language ۹۲–۷۱ :۱۴۸.

Aziz, K. K. ۲۰۰۸. The Coffee House of Lahore: A Memoir, ۵۷–۱۹۴۲. Lahore: Sang-e-Meel Publications. Distinct from Pak Tea House.

Baily, John. ۲۰۰۱. Can You Stop the Birds Singing? The Censorship of Music in Afghanistan. Copenhagen: Freemuse.

Barth, Fredrik. ۱۹۵۹. Political Leadership among Swat Pathans. London: Athlone.

Beeman, William O. ۱۹۸۶. Language, Status, and Power in Iran. Bloomington: Indiana University Press.

Chelkowski, Peter, ed. ۱۹۷۹. Ta'ziyeh: Ritual and Drama in Iran. New York: New York University Press.

Cowan, Brian. ۲۰۰۵. The Social Life of Coffee: The Emergence of the British Coffeehouse. New Haven: Yale University Press.

Dani, Ahmad Hasan. ۱۹۶۹. Peshawar: Historic City of the Frontier.

Ellis, Markman. ۲۰۰۴. The Coffee-House: A Cultural History. London: Weidenfeld & Nicolson.

Emami, Farshid. ۲۰۱۶. "Coffeehouses, Urban Spaces, and the Formation of a Public Sphere in Safavid Isfahan." Muqarnas ۲۲۰–۱۷۷ :۳۳.

———. ۲۰۲۱. "Coffee and Coffeehouses in Ottoman and Safavid Lands, ۱۸۰۰–۱۵۰۰." Khamseen: Islamic Art History Online. University of Michigan.

Enayat, H., and N. Afzali. ۲۰۲۴. "A Qualitative Exploration of Café Culture as a Hidden Life for Girls." Social Problems of Iran ۱۹۲–۱۴۹ :(۲) ۱۵. https://doi.org/۱۰/۶۱۱۸۶/jspi.۱۵/۲/۱۴۹. Abstract consulted online; full text should be checked before publication.

Eslami, Zohreh R. ۲۰۰۵. "Invitations in Persian and English: Ostensible or Genuine?" Intercultural Pragmatics ۴۸۰–۴۵۳ :(۴) ۲.

Foroughanfar, Laleh. ۲۰۲۰. "Coffeehouses (Re) Appropriated: Counterpublics and Cultural Resistance in Tabriz, Iran." Urban Planning :(۴) ۵ ۱۹۲–۱۸۳. https://doi.org/۱۰/۱۷۶۴۵/up.v۵i۴/۳۳۰۹.

Habermas, Jürgen. ۱۹۸۹. The Structural Transformation of the Public Sphere. Originally published ۱۹۶۲.

Hattox, Ralph S. ۱۹۸۵. Coffee and Coffeehouses: The Origins of a Social Beverage in the Medieval Near East. Seattle: University of Washington Press.

Hiwatari, Masato. ۲۰۰۸. "Traditions and the Informal Economy in Uzbekistan: A Case Study of Gaps in the Andijan Region." Acta Slavica Iaponica ۶۶–۴۳ :۲۵.

Izadi, Ahmad. ۲۰۲۰. "Iranian Ritual Politeness

Linguistic Politeness and Rudeness, Lancaster University. Cited through Izadi (۲۰۲۰); original paper not examined.

Nevile, Pran. ۱۹۹۳. Lahore: A Sentimental Journey.

Northrop, Douglas. ۲۰۰۴. Veiled Empire: Gender and Power in Stalinist Central Asia. Ithaca, NY: Cornell University Press.

Olcott, Martha Brill. ۱۹۹۵. The Kazakhs. ۲nd ed. Stanford, CA: Hoover Institution Press.

Oldenburg, Ray. ۱۹۸۹. The Great Good Place.

Ong, Walter J. ۱۹۸۲. Orality and Literacy.

Özkoçak, Selma Akyazıcı. ۲۰۰۷. “Coffeehouses: Rethinking the Public and Private in Early Modern Istanbul.” Journal of Urban History ۳۳ :(۶) ۹۶۵– ۹۸۶.

Pitt-Rivers, Julian. ۱۹۷۷. “The Law of Hospitality.” In The Fate of Shechem, or the Politics of Sex. Cambridge: Cambridge University Press.

Rappaport, Erika. ۲۰۱۷. A Thirst for Empire: How Tea Shaped the Modern World. Princeton, NJ: Princeton University Press.

Roosien, Claire. ۲۰۲۱. “‘Not Just Tea Drinking’: The Red Teahouse and the Soviet State Public in Interwar Uzbekistan.” Kritika ۲۲. :(۳) ۴۷۹–۵۱۰

Sajdi, Dana, ed. ۲۰۰۷. Ottoman Tulips, Ottoman Coffee: Leisure and Lifestyle in the Eighteenth Century. London: I.B. Tauris.

Sanjary, Seyyed Mohsen, trans. ۲۰۲۲. “Kāsht-e Chāy dar Ostānhā-ye Mojāver-e Daryā-ye Kāspīn” [“The Cultivation of Tea in the Caspian Provinces of Persia”]. Pajhuhesh dar Tārikh ۱۲) ۲), no. :۳۳ ۱۲۳–۱۳۴. First tea garden date (spring ۱۲۸۰ SH / ۱۹۰۱) taken from the online abstract; full text should be checked before publication.

Şavk, Serkan. ۲۰۲۴. “Doors, Privacy and the Public Sphere: A Conceptual Discussion on the Spatial Structure of Early Modern Istanbul.” Urban History ۳۵۰– ۳۷۱ :۵۱. Published online ۲۰۲۲. https://doi.org/۱۰/۱۰۱۷/S۰۹۶۳۹۲۶۸۲۲۰۰۰۶۵۷.

Yaşar, Ahmet, ed. ۲۰۱۸. Osmanlı Kahvehaneleri: System: Taarof in Invitation-Refusal Exchanges.” Proceedings of the International Conference on English Language and Culture (ICELC ۲۰۱۹), Koya University. https://doi.org/۱۰/۱۴۵۰۰/icelc۲۰۱۹.dst۱۳۳.

Kamp, Marianne. ۲۰۰۶. The New Woman in Uzbekistan. Seattle: University of Washington Press.

Kasimov, Oybek S. ۲۰۲۴. “Architectural Evolution and Developmental Phases of Chayxana Teahouses.” In Proceedings of the ۲nd Pamir Transboundary Conference for Sustainable Societies (PAMIR۲-۱۴۶۵–۱۴۷۰ ,(۲۰۲۳. SCITEPRESS. https://doi.org/۰۰۱۲۹۷۵۳۰۰۰۰۳۸۸۲/۱۰/۵۲۲۰.

Khalid, Adeeb. ۲۰۱۵. Making Uzbekistan: Nation, Empire, and Revolution in the Early USSR. Ithaca, NY: Cornell University Press.

Korkman, Zeynep K. ۲۰۲۳. Gendered Fortunes: Divination, Precarity, and Affect in Postsecular Turkey. Durham, NC: Duke University Press. Cited via publisher description and author’s conference abstract; book not directly examined.

Koutlaki, Sofia A. ۲۰۰۲. “Offers and Expressions of Thanks as Face Enhancing Acts: Tæ’arof in Persian.” Journal of Pragmatics ۱۷۳۳–۱۷۵۶ :۳۴.

KÜRE Ansiklopedi. Yüce, Yunus Emre. ۲۰۲۵. “Osmanlı Kahvehaneleri.” May ۲۰۲۵ ,۱۸. Entry produced with AI support; used only for descriptive points, not for statistical counts.

Lindholm, Charles. ۱۹۸۲. Generosity and Jealousy: The Swat Pukhtun of Northern Pakistan. New York: Columbia University Press.

Matthee, Rudi. ۲۰۰۵. The Pursuit of Pleasure: Drugs and Stimulants in Iranian History, ۱۵۰۰– ۱۹۰۰. Princeton, NJ: Princeton University Press.

Mauss, Marcel. ۱۹۲۵. The Gift.

Moffat, Chris. ۲۰۱۲. “KK Aziz and the Coffee House of Lahore.” Kafila, June ۲۰۱۲ ,۱.

Nanbakhsh, G. ۲۰۰۹. “Social Constraints on Persian Politeness Ritual: Taarof.” Conference paper,

Cultural Heritage of Humanity.
UNESCO. ۲۰۱۶. “Oshi Palav, a Traditional Meal and Its Social and Cultural Contexts in Tajikistan.” Inscribed on the Representative List of the Intangible Cultural Heritage of Humanity.
UNESCO. ۲۰۲۱. “Bakhshi Art.” Uzbekistan. Inscribed on the Representative List of the Intangible Cultural Heritage of Humanity.
UNESCO. ۲۰۲۲. “Culture of Çay (Tea), a Symbol of Identity, Hospitality and Social Interaction.” Inscribed on the Representative List of the Intangible Cultural Heritage of Humanity. Decision ۱۷.COM ۷.b.۴۴.

منابع موزه‌ای و تاریخ هنر

Brooklyn Museum. n.d. “Abbas al-Musavi, Battle of Karbala.” Late ۱۹th–early ۲۰th century. Accession no. ۲۰۰۲٫۶.
Encyclopaedia Iranica. n.d. “Saqqā-K̲āna School of Art.”
Khamseen: Islamic Art History Online, University of Michigan. n.d. “Naqqashi-ye Qahveh-Khaneh (Coffeehouse Painting).” Exhibition catalogue entry; Seyf (۱۹۹۰) cited therein.
The Metropolitan Museum of Art. n.d. Entries on Karbala narrative paintings (qahvehkhaneh paintings) and the Saqqakhaneh movement.

منابع خبری و اینترنتی

AFP. ۲۰۲۵. “Taliban Arrest ۱۴ People for Playing Music and Singing.” May ۲۰۲۵ ,۱۱.
Al Jazeera. ۲۰۲۳. “‘Wedding or a Funeral?’ Taliban Bans Music at Kabul Wedding Halls.” June ,۱۲ ۲۰۲۳.
Elephant magazine. ۲۰۲۱. “From the Grounds Up: Coffeeshops and the History of Iranian Art.” March ۲۰۲۱ ,۳۰.
Eurasianet. ۲۰۲۲. “Tajikistan: Dushanbe’s Rohat Teahouse Saved from Wrecking Ball.” July ,۲۲ ۲۰۲۲.
Fakour, Mehrdad. ۲۰۱۶. “A Talk by Mehrdad Mekân, Sosyalleşme, İktidar. ۳rd ed. Istanbul: Kitap Yayınevi. Cited through KÜRE Ansiklopedi; volume not directly examined.
Zanca, Russell. ۲۰۱۱. Life in a Muslim Uzbek Village: Cotton Farming after Communism. Belmont, CA: Wadsworth.

اسناد و پرونده‌های رسمی و میراث فرهنگی

UNESCO. ۲۰۰۸. “Azerbaijani Mugham.” Inscribed on the Representative List of the Intangible Cultural Heritage of Humanity.
UNESCO. ۲۰۰۸. “Art of Akyns, Kyrgyz Epic Tellers.” Inscribed on the Representative List of the Intangible Cultural Heritage of Humanity.
UNESCO. ۲۰۰۸. “Shashmaqom Music.” Tajikistan and Uzbekistan. Inscribed on the Representative List of the Intangible Cultural Heritage of Humanity.
UNESCO. ۲۰۰۸. “Cultural Space of Boysun District.” Uzbekistan. Inscribed on the Representative List of the Intangible Cultural Heritage of Humanity.
UNESCO. ۲۰۰۹. “Art of Azerbaijani Ashiq.” Inscribed on the Representative List of the Intangible Cultural Heritage of Humanity.
UNESCO. ۲۰۱۶/۲۰۰۹. “Nawrouz, Novruz, Nowrouz, Nauryz, Nooruz, Navruz, Nevruz.” Inscribed in ۲۰۰۹ and extended in ۲۰۱۶.
UNESCO. ۲۰۱۱. “Naqqāli, Iranian Dramatic Story-Telling.” Inscribed on the List of Intangible Cultural Heritage in Need of Urgent Safeguarding. See also Decisions ۱۵.COM ۲۰۲۰) ۷٫۳) and ۱۹.COM ۶.A.۱۳ ۲۰۲۴)).
UNESCO. ۲۰۱۳. “Kyrgyz Epic Trilogy: Manas, Semetey, Seytek.” Inscribed on the Representative List of the Intangible Cultural Heritage of Humanity.
UNESCO. ۲۰۱۳. “Turkish Coffee Culture and Tradition.” Inscribed on the Representative List of the Intangible Cultural Heritage of Humanity.
UNESCO. ۲۰۱۵. “Aitysh/Aitys, Art of Improvisation.” Kazakhstan and Kyrgyzstan. Inscribed on the Representative List of the Intangible

Rozanskij, Vladimir. ۲۰۲۵. “The Demolition of Dushanbe’s History.” AsiaNews, March ۲۰۲۵ ,۲۴.
The Women’s Media Center. n.d. “Tea and Selfies Driving a Revolution in Pakistan.” Accessed October ۲۰۲۶ ,۴.
World Coffee Portal. ۲۰۲۴. “How Turkey Keeps the Coffee Hot.” June ۲۰۲۴.

منابع اینترنتی تکمیلی و منابع با اطلاعات محدود

Associated Press of Pakistan. ۲۰۲۲. Coverage of the history and literary clientele of Pak Tea House.
Atlas Obscura. ۲۰۲۵. Account of Kâtip Çe

Fakour.” Talk presented at the Asian Art Museum, San Francisco, November ۲۰۱۶ ,۳, as part of the Art, Social Space and Public Discourse project.
Internews. ۲۰۱۳. “Famed Lahore Tea House Reopens after Court Order.” The Peninsula (Qatar), March ۲۰۱۳ ,۱۰.
JURIST. ۲۰۲۱. “Afghanistan Dispatches: ‘The Taliban Have Banned Live Music in Hotels’.” October ۲۰۲۱.
Khatri, Sadia. n.d. “The Right to Public Space.” Jinnah Institute. Accessed October ۲۰۲۶ ,۴.
Pakistan Today. ۲۰۱۵. Coverage of the history and literary clientele of Pak Tea House.
Reuters. ۲۰۱۱. “Iran’s Youth Culture Revives Coffee House Tradition.” February ۲۰۱۱ ,۱۸. Reprinted by Daily FT.
RFE/RL. ۲۰۲۵. “The ‘Decommunization’ of Dushanbe.”





فصل دوم

رویدادها و تازه‌های فرهنگی موسسه اکو (گزارش فعالیت‌ها، نشست‌ها، نمایشگاه‌ها و همکاری‌های اخیر)

نشست معرفی ازبکستان و رونمایی از کتاب «معراج آب» برگزار شد

نشست اختصاصی معرفی کشور ازبکستان از سلسله نشست‌های معرفی کشورهای عضو اکو، همراه با آیین رونمایی از مجموعه شعر «معراج آب»، روز چهارشنبه ۱ مهرماه ۱۴۰۵ با همکاری سفارت جمهوری ازبکستان در ایران در مؤسسه فرهنگی اکو برگزار شد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی مؤسسه فرهنگی اکو، در این نشست که با حضور سفرای محترم قزاقستان و قرقیزستان، دیپلمات‌ها و مقامات ارشد تاجیکستان و نمایندگان دیپلماتیک منطقه، جمعی از فرهیختگان، دانشگاهیان و نمایندگان نهادهای علمی و هنری تشکیل شد، ضمن اشاره به جایگاه ممتاز و راهبردی ازبکستان در تاریخ و جغرافیا و تجلیل از مفاخر و مشاهیر این سرزمین، بر حفاظت از گنجینه‌های دیرپای معنوی به عنوان شریان حیات‌بخشِ دیپلماسی فرهنگی میان کشورهای عضو اکو تأکید شد.

در ابتدای این برنامه، جناب آقای سفیر محمد حسن، رئیس مؤسسه فرهنگی اکو، با تأکید بر جایگاه ویژه ازبکستان به عنوان یکی از مهم‌ترین چهارراه‌های فرهنگی منطقه، این کشور را پل پیوند میان جهان ترکی، فرهنگ فارسی و جنوب آسیا دانست. وی با اشاره به سفرهای تاریخی ظهیرالدین محمد بابُر، تأثیرات فرهنگی متقابل آسیای مرکزی و جنوب آسیا را تبیین کرد و نقش پویای شهرهای تاریخی سمرقند، بخارا و اندیجان را در حیات فکری منطقه ستود.

در ادامه، جناب آقای فریدالدین نصریوف، سفیر جمهوری ازبکستان در ایران، به عنوان یکی از سخنرانان اصلی برنامه بر تقویت دیپلماسی فرهنگی و تعمیق روابط میان کشورهای عضو اکو تأکید نمود و با اشاره به لزوم ارتقای هم‌افزایی منطقه‌ای خاطرنشان کرد: «امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند آن هستیم که با تکیه بر ریشه‌های عمیق تاریخی، منافع و پیوندهای مشترک را گسترش دهیم تا این تعاملات بتواند به عنوان پُلی استوار، رونق مجدد مسیر جاده ابریشم را رقم بزند.» وی در ادامه افزود که تعمیق این ارتباطات به تجلی ظرفیت‌های تازه در همکاری‌های چندجانبه کشورها خواهد انجامید. سپس دکتر محمود جعفری دهقی، رئیس انجمن علمی ایران‌شناسی، به معرفی ارزش‌های اجتماعی، سنت مهمان‌نوازی و معماری شهرهای تاریخی ازبکستان پرداخت. وی با اشاره به جلوه‌های میراث ناملموس این سرزمین همچون موسیقی سنتی شش‌مقام، نقش عید باستانی نوروز به عنوان روز ملی دوستی و جایگاه والای نهاد خانواده را در حفظ هویت ملی و انسجام اجتماعی این دیار تشریح نمود.

پروفسور دکتر کامل‌جان رحیم‌اف، رئیس مؤسسه شرق‌شناسی ابوریحان بیرونی ازبکستان نیز سیر تاریخی شکل‌گیری مکاتب زهد و تصوف در ماوراءالنهر و آموزه‌های طریقت خواجگان-نقشبندیه را تشریح کرد و به اقدامات اخیر دولت ازبکستان در احیا و پژوهش این میراث معنوی اشاره نمود. در بخش دیگری از نشست، دکتر سید جواد جلالی کیاسری، کارشناس فرهنگی اداره ایران‌شناسی و زبان فارسی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، به پیوندهای عمیق و خویشاوندی دیرینه فرهنگی و تاریخی میان ایران و ازبکستان پرداخت و چهره‌های درخشانی همچون رودکی، ابن‌سینا، بیرونی و امیرعلی‌شیر نوایی را پشتوانه‌ای ارزشمند برای دوستی دو ملت برشمرد.

در ادامه نشست که به دبیری خانم دکتر زهرا اصلانی اجرا شد، پروفسور دکتر جعفر محمد ترمذی، استاد گروه علوم انسانی و علوم طبیعی در دانشگاه بین‌المللی فناوری مالی و علوم تاشکند، پیشینه ادبیات فارسی در ازبکستان و جریان‌های معاصر آن را تبیین کرد و در بخش پایانی این رویداد آیین رونمایی کتاب «معراج آب» برگزار شد. «معراج آب» مجموعه غزل‌ها، شعرهای نیمایی، آزاد و سپید، سروده دکتر ترمذی است که به همت انتشارات آرین‌زمین در ۲۱۲ صفحه به صورت تمام‌رنگی به زیور چاپ آراسته شده است.











بزرگداشت صادقین و افتتاح نمایشگاه آثار این هنرمند در مؤسسه فرهنگی اکو

آیین بزرگداشت صادقین (Sadequain)، از برجسته‌ترین و تأثیرگذارترین هنرمندان معاصر پاکستان، همراه با افتتاح نمایشگاهی از آثار این هنرمند، روز دوشنبه ۶ مهر ۱۴۰۵ برابر با ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۶ در مؤسسه فرهنگی اکو در تهران برگزار شد.
تهران – ۶ مهر ۱۴۰۵ برابر با ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۶

این برنامه با عنوان «نگاهی به زندگی، هنر و میراث ماندگار صادقین» با همکاری بنیاد صادقین (Sadequain Foundation) و شورای ملی هنرهای پاکستان (– Pakistan National Council of Arts PNCA) و با هدف معرفی ابعاد مختلف زندگی و فعالیت هنری این هنرمند و بررسی جایگاه او در هنر معاصر پاکستان و منطقه برگزار شد. این رویداد همچنین فرصتی برای گفت‌وگو درباره پیوندهای فرهنگی و هنری ایران و پاکستان و جایگاه مشترک خط، ادبیات و هنر در فرهنگ منطقه فراهم آورد.

این آیین با حضور جناب آقای دکتر محمد حسن، رئیس مؤسسه فرهنگی اکو، جناب آقای عمران احمد صدیقی، سفیر جمهوری اسلامی پاکستان در جمهوری اسلامی ایران، دکتر سلمان احمد، بنیان‌گذار و رئیس بنیاد صادقین، دکتر محمدرضا مریدی، دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه هنر ایران، و جمعی از دیپلمات‌ها، استادان دانشگاه، پژوهشگران و علاقه‌مندان به هنر برگزار شد. همچنین پیام‌های ویدیویی و سخنرانی‌های تخصصی دیگری در معرفی جایگاه هنری صادقین ارائه شد.

سخنان دبیر نشست؛ تأکید بر ظرفیت هنر برای گفت‌وگوی فرهنگی

برنامه با خوش‌آمدگویی و سخنان دکتر الهه سادات موسوی‌نژاد، دبیر نشست و کارشناس فرهنگی مؤسسه فرهنگی اکو، آغاز شد.

وی با اشاره به جایگاه صادقین در تاریخ هنر معاصر پاکستان، بر ظرفیت چنین برنامه‌هایی برای ایجاد گفت‌وگو میان هنرمندان، پژوهشگران و علاقه‌مندان به هنر در کشورهای منطقه تأکید کرد و برگزاری بزرگداشت و نمایشگاه آثار این هنرمند در مؤسسه فرهنگی اکو را فرصتی برای بازخوانی پیوندهای فرهنگی و هنری میان کشورهای منطقه دانست.

رئیس مؤسسه فرهنگی اکو: صادقین؛ هنرمندی فراتر از مرزهای جغرافیایی

در ادامه، جناب آقای دکتر محمد حسن، رئیس مؤسسه فرهنگی اکو، ضمن خوش‌آمدگویی به میهمانان و حاضران، به جایگاه صادقین در هنر معاصر پاکستان پرداخت.

رئیس مؤسسه فرهنگی اکو با اشاره به گستره فعالیت‌های صادقین در نقاشی، خوشنویسی و شعر، او را هنرمندی چندوجهی دانست که آثارش از مرزهای جغرافیایی پاکستان فراتر رفته و در بخش مهمی از میراث هنری منطقه جای گرفته است.

وی در تشریح انگیزه برگزاری این برنامه در تهران اظهار داشت که هدف از برگزاری چنین رویدادهایی صرفاً معرفی یک چهره برجسته هنری نیست، بلکه آثار صادقین می‌تواند دریچه‌ای برای شناخت حوزه فرهنگی مشترکی باشد که ایران، پاکستان، ترکیه و کشورهای آسیای مرکزی را از طریق شعر، خط، ادبیات و سنت‌های هنری به یکدیگر پیوند می‌دهد.

دکتر محمد حسن همچنین در سخنان خود به ویژگی‌های بصری آثار صادقین اشاره کرد و گفت که در آثار او خط ماهیتی پویا و پرتحرک پیدا می‌کند و پیکره‌های انسانی نیز با کشیدگی و اغراق، بیش از آنکه صرفاً بازنمایی آناتومیک باشند، بیانگر مفاهیمی همچون وضعیت انسان، رنج،

مبـارزه، تنهایـی، ایمـان و کرامـت انسـانی‌اند.

وی در ادامـه، بـا اشـاره بـه برخـی جریان‌هـای هنـر معاصـر ایـران و هنرمنـدان فعـال در حـوزه نقاشـی‌خط، از جملـه رضـا مافـی، فرامـرز پـیلارام و حسیـن زنـده‌رودی، بـه تفاوت‌هـا و شـباهت‌های رویکردهـای هنـری ایـران و پاکستـان پرداخـت و بـر ظرفیـت مطالعـه تطبیقـی آثـار صادقیـن بـا جریان‌هـای هنـر مـدرن ایـران تأکیـد کـرد.

سـفیر پاکستـان: صادقیـن، بخشـی از هویـت فرهنگی پاکستان

در ادامـه مراسـم، عمـران احمـد صدیقـی، سـفیر جمهـوری اسلامـی پاکستـان در جمهـوری اسلامـی ایـران، ضمـن قدردانـی از مؤسسـه فرهنگـی اکـو بـرای برگـزاری ایـن برنامـه، دربـاره جایـگاه صادقیـن در تاریـخ فرهنگـی و هنـری پاکستـان سـخن گفـت.

وی صادقیـن را نـه تنهـا هنرمنـدی برجستـه، بلکـه یکـی از چهره‌هـای مهـم هویـت فرهنگـی پاکستـان دانسـت و بـر گسـتره تأثیـر آثـار او فراتـر از مرزهـای ملـی تأکیـد کـرد.

سـفیر پاکستـان همچنیـن بـر اهمیـت برگـزاری رویدادهایـی از ایـن دسـت در تقویـت شـناخت متقابل فرهنگـی میـان ایـران و پاکستـان تأکیـد کـرد و برگـزاری نمایشـگاه آثـار صادقیـن در تهـران را زمینـه‌ای بـرای آشـنایی بیشـتر مخاطبـان ایرانـی بـا میـراث هنـری ایـن هنرمنـد دانسـت.

روایـت بنیـاد صادقیـن از زندگـی و میـراث هنـری ایـن هنر مند

بخـش دیگـری از برنامـه بـه پخـش پیـام ویدیویـی دکتـر سـلمان احمـد، بنیان‌گـذار و رئیـس بنیـاد صادقیـن، اختصـاص داشـت.

دکتـر سـلمان احمـد در سـخنان خـود بـه ابعـاد مختلـف شـخصیت، اندیشـه و کارنامـه هنـری صادقین پرداخـت و او را هنرمنـدی چندوجهـی توصیـف کـرد کـه در حوزه‌هـای نقاشـی، خوشنویسـی و شـعر فعالیـت داشـت.

وی بـا اشـاره بـه نـگاه صادقیـن بـه هنـر و زندگـی، بـر روحیـه سـاده‌زیستانه و فاصلـه گرفتـن او از مادیـات تأکیـد کـرد و نمونه‌هایـی از دیدگاه‌هـای شـخصی ایـن هنرمنـد دربـاره هنـر و ارزش‌هـای انسـانی را بازگـو کـرد.

بخشـی از سـخنان وی نیـز بـه حجـم و گسـتره آثـار صادقیـن اختصـاص داشـت. بـر اسـاس اطلاعـات منتشرشـده از سـوی بنیـاد صادقیـن، ایـن هنرمنـد بیـش از ۱۵ هـزار اثـر شـامل نقاشـی، طراحـی، خوشنویسـی و دیوارنـگاره خلـق کـرده و بیـش از ۴۵ دیوارنـگاره از او در طـول دوران فعالیـت هنـری‌اش در پاکستـان، هنـد، خاورمیانـه، اروپـا و دیگـر مناطـق اجـرا شـده اسـت.

بنیـاد صادقیـن همچنیـن دیوارنگاره‌هـای ایـن هنرمنـد را از مهم‌تریـن بخش‌هـای میـراث هنـری او معرفـی کـرده و بـه حضـور آثـار وی در اماکـن و نهادهـای فرهنگـی و دانشـگاهی مختلـف، از جملـه مـوزه لاهـور، دانشـگاه پنجـاب، سـد منـگلا، فریـر هـال کراچـی و دانشـگاه علیگـر هنـد اشـاره کـرده اسـت.

دکتـر سـلمان احمـد در بخـش دیگـری از سـخنان خـود بـه دیـدگاه صادقیـن دربـاره هنـر و رابطـه آن بـا زندگـی انسـان پرداخـت و بـا نقـل دیـدگاه ایـن هنرمنـد، تأکیـد کـرد کـه صادقیـن بیـش از آنکـه در پـی بازنمایـی موضوعـات تزئینـی باشـد، دغدغـه انسـان، تلاش او بـرای بقـا و واقعیت‌هـای زندگـی اجتماعـی را دنبـال می‌کـرد.

نشسـت تخصصـی؛ صادقیـن و همگرایـی مسیرهـای هنـر مـدرن ایـران و پاکستـان

در ادامـه برنامـه، دکتـر محمدرضـا مریـدی، دانشـیار و عضـو هیئـت علمـی دانشـگاه هنـر ایـران، سـخنرانی تخصصـی خـود را بـا موضـوع «خوشنویسـی نقاشـانه صادقیـن: همگرایـی مسیرهـای هنـر مـدرن در

پاکستـان و ایـران در دهـه ۱۹۷۰» ارائـه کـرد.

دکتـر مریـدی در سـخنان خـود بـه مسـئله رابطـه سـنت و مدرنیتـه در هنـر ایـران و پاکسـتان پرداخـت و اظهـار داشـت کـه هنرمنـدان دو کشـور در دهه‌هـای ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بـا مسـئله‌ای مشـترک مواجـه بودنـد: چگونگـی بازخوانـی میـراث بومـی و سـنت‌های هنـری در چارچـوب زبـان هنـر مـدرن.

وی در ادامـه، شیـوه اسـتفاده صادقیـن از حـروف و عناصـر خوشنویسـی را مـورد بررسـی قـرار داد و توضیـح داد کـه در آثـار ایـن هنرمنـد، حـروف از کارکـرد صرفـاً نوشتـاری فاصلـه گرفتـه و بـه عناصـر مستقـل تصویـری تبدیـل می‌شـوند؛ عناصـری کـه دارای حرکـت، وزن، جهـت و سـاختار بصـری هستنـد.

بـه گفتـه دکتـر مریـدی، بررسـی هنـر مـدرن در منطقـه نیازمنـد توجـه بـه ارتباطـات و تبـادلات میـان مراکـز مختلـف هنـری در منطقـه، از جملـه تهـران، کراچـی، لاهـور، بغـداد و بیـروت اسـت و صادقیـن را می‌تـوان در چنیـن شـبکه‌ای از تعـاملات هنـری مـورد مطالعـه قـرار داد.

افتتاح نمایشگاه آثار صادقین

در پایـان مراسـم، بـا حضـور سـخنرانان و میهمانـان ویـژه، نمایشـگاه آثـار صادقیـن در گالـری مؤسسـه فرهنگـی اکـو افتتـاح شـد.

حاضـران در ایـن نمایشـگاه از مجموعـه‌ای از آثـار صادقیـن در حوزه‌هـای نقاشـی، نقاشـی‌خط و خوشنویسـی بازدیـد کردنـد و از نزدیـک بـا بخشـی از میـراث هنـری ایـن هنرمنـد و ویژگی‌هـای بصـری آثـار او آشـنا شـدند.

ایـن نمایشـگاه در کنـار نشسـت تخصصـی، فرصتـی بـرای معرفـی بخشـی از میـراث هنـری صادقیـن بـه مخاطبـان ایرانـی و تأکیـد بـر ظرفیـت هنـر و میـراث فرهنگـی مشـترک بـرای تقویـت تعـاملات فرهنگـی میـان ایـران، پاکسـتان و دیگـر کشـورهای منطقـه فراهـم کـرد.

برگـزاری ایـن برنامـه در مؤسسـه فرهنگـی اکـو، بـا همـکاری بنیـاد صادقیـن (Sadequain Foundation) و شـورای ملـی هنرهـای پاکسـتان (PNCA) و در چارچـوب مأموریـت ایـن نهـاد بـرای تقویـت همکاری‌هـای فرهنگـی و هنـری میـان کشـورهای عضـو سـازمان همـکاری اقتصـادی، زمینـه‌ای بـرای معرفـی چهره‌هـای برجسته هنـری منطقـه و ایجـاد فرصـت بـرای گفت‌وگـوی بیشـتر میـان هنرمنـدان، پژوهشـگران و نهادهـای فرهنگـی کشـورهای منطقـه فراهـم آورد. سـخنان جنـاب سـفیر محمـد حسـن،

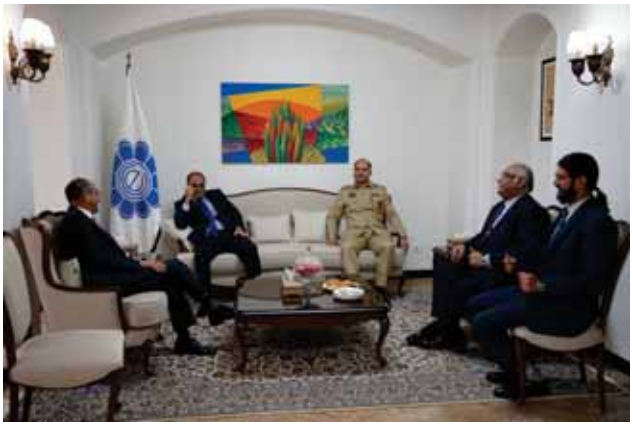





A TRIBUTE TO
SADEQUAIN










A TRIBUTE TO
SADEQUAIN


A TRIBUTE TO
SADEQUAIN



رئیس موسسه فرهنگی اکو در مراسم افتتاحیه نمایشگاه آثار سید صادقین احمد نقوی

سفرا،عالیجنابان، دوستان عزیز و هنردوستان گرامی،
خانم‌ها و آقایان،

باعث کمال مسرت است که امشب حضور شما را در این نمایشگاه از آثار سید صادقین احمد نقوی، یکی از برجسته‌ترین و اصیل‌ترین هنرمندان پاکستان، خیرمقدم عرض کنم.
صادقین هنرمندی در سطح جهانی است؛ نقاش، خوشنویس و شاعر. او با خلق بیش از ۱۵,۰۰۰ شاهکار، لقب «پیکاسوی پاکستان» را از آن خود کرده است.

اما دلیل برگزاری این نمایشگاه این نیست. برای ما در موسسه فرهنگی اکو، انگیزه معرفی آثار صادقین در اینجا، در تهران، این است که آثار او ما را به دنیای فرهنگی مشترک میان پاکستان، ایران، ترکیه و کشورهای آسیای مرکزی می‌برد؛ دنیایی که با شعر، ادب، خوشنویس و قرن‌ها تبادل هنری شکل گرفته است.

من درباره اینکه صادقین کیست، سخن نخواهم گفت؛ این موضوع توسط سخنرانان محترمی که پس از من سخنرانی خواهند کرد، پوشش داده خواهد شد. من به سبک نقاشی او خواهم پرداخت.
وقتی در برابر اثر هنری صادقین می‌ایستید، چیزی هست که تقریباً بلافاصله متوجه آن می‌شوید: خط.
خط او هرگز ایستا نیست. انرژی دارد. کشیده می‌شود، خم می‌شود، می‌پیچد و روی سطح حرکت می‌کند. گاهی اوقات به نظر می‌رسد تقریباً در تلاش است تا از بوم رها شود.
همین امر در مورد پیکره‌های او نیز صدق می‌کند. آن‌ها اغلب کشیده، اغراق‌شده و گاهی تقریباً اسکلتی هستند.



اما صادقین به دقت آناتومیک علاقه‌مند نبود. دغدغه او وضعیت انسان بود؛ رنج و مبارزه، تنهایی و ایمان، و همچنین کرامتی که علیرغم همه این‌ها باقی می‌ماند.
و سپس به خوشنویسی او می‌رسیم.
شاید اینجاست که صادقین بیش از هر چیز به خودِ واقعی‌اش تبدیل می‌شود.
در خوشنویسی او، نقطه، حرف، الف و کشیده صرفاً اجزای یک خط نیستند، بلکه بخشی از خود نقاشی می‌شوند. او حروف را کشید، بزرگ کرد، تکرار کرد و اجازه داد روی بوم حرکت کنند. گاهی نوشته کاملاً خوانا است؛ و گاهی دیگر، حروف به سمت انتزاع حرکت می‌کنند.

این همان چیزی است که ما آن را به نام «خطِ صادقین» می‌شناسیم.
و اکنون، در اینجا در تهران، احساس می‌کنم ارتباط بسیار طبیعی و خویشاوندی با ایران وجود دارد.
آنچه در صفِ استادان بزرگ خوشنویس و نقاشان خوشنویس ایرانی مانند رضا ماعی، چارلز حسین زنده‌رودی و فرامرز پیلارام قرار دارد.
اما در میان آن‌ها تفاوت‌هایی وجود دارد:
ماعی به لطف و حرکت سیال نستعلیق و شکسته نزدیک ماند، اما با حروف به عنوان عناصر نقاشی برخورد کرد.

پیلارام حروف را بیشتر به سمت ریتم، تکرار، هندسه و انتزاع هدایت کرد.

زنده‌رودی نیز عمیقاً از حروف و نشانه‌های سنتی بهره برد و آن‌ها را به زبان بصری جدیدی تبدیل کرد.

صادقین راه خود را رفت. خط او سنگین‌تر، پرقدرت‌تر و نمایشی‌تر است. چیزی تقریباً جسمانی در آن وجود دارد. به نظر می‌رسد حرف با انرژی خاص خود روی سطح حرکت می‌کند.
شاید بتوان آن را به سادگی بیان کرد: جایی که یک خوشنویس ایرانی ممکن است کشیده را به آواز درآورد، صادقین گاهی خط را به فریاد وا می‌دارد.
در آسیای مرکزی، می‌توانیم او را با کمال‌الدین بهزاد مقایسه کنیم. میراث بهزاد همچنان بخشی از داستان نقاشی مینیاتور است. در تاجیکستان و جمهوری آذربایجان، سنت‌های هنر نسخه‌خطی، مینیاتور و خوشنویسی بخش مهمی از میراث فرهنگی آن‌ها را تشکیل می‌دهد.

سبک‌ها متفاوتند. تاریخچه‌ها متفاوتند. اما پیوندی وجود دارد.
به نظر می‌رسد صادقین تحت تأثیر این هنرمندان بزرگ قرار داشته است. اما مانند هر هنرمند بزرگی، او صرفاً وارث یک سنت نبود.
او این سنت را از آنِ خود ساخت.
او آنچه را از گذشته دریافت کرده بود گرفت و به آن زبانی نو بخشید.
و شاید به همین دلیل است که آثار او همچنان با ما سخن می‌گوید.
در حین بازدید از این نمایشگاه که بلافاصله پس از این مراسم افتتاح خواهیم کرد، امیدوارم نه تنها به عنوان یک هنرمند بزرگ پاکستانی، بلکه به عنوان هنرمندی که آثارش پیوندهای عمیق فرهنگی میان آسیای جنوبی، آسیای مرکزی و آسیای غربی را به یاد ما می‌آورد، به صادقین نگاه کنیم.

در پایان، بار دیگر با کمال مسرت حضور همه شما را در این نمایشگاه خوش‌آمد می‌گویم. مطمئنم که امروز نمایشگاهی بی‌نظیر را خواهید دید.
از صبوری شما سپاسگزارم.



خوشنویسی نقاشانه صادقین: همگرایی مسیرهای هنر مدرن در پاکستان و ایران در دهه ۱۹۷۰

سخنران: محمدرضا مریدی
سلام عرض می‌کنم.
از برگزارکنندگان محترم این نشست، جناب آقای وزیر محترم پاکستان و رئیس محترم مؤسسه اکو سپاسگزارم که فرصت پرداختن به موضوعی را فراهم کردند که موجب آشنایی بیشتر با آثار استاد صادقین و کندوکاوی بر همسویی هنر مدرن در ایران و پاکستان و هم جستجویی در مطالعات منطقه‌ای هنر است.

در این گفتار کوتاه به دو نکته می‌پردازم:
۱. چگونه می‌توان خوشنویسی نقاشانه استاد صادقین را در زمینه گسترده‌تری از تحولات هنر مدرن در منطقه و به‌طور مشخص در ارتباط با فضای هنری ایران در دهه ۱۹۷۰ مطالعه کرد؟
۲. جستجوی مسیرهای همگرا میان تجربه هنری در ایران، پاکستان و دیگر کشورهای همسایه چگونه امکان طرح تاریخ‌نگاری منطقه‌ای هنر را به وجود می‌آورد؟

ویژگی آثار صادقین
استاد صادقین را باید در زمانه‌اش و در همسویی با دیگر جریان‌های هنری در منطقه همچون ایران و ترکیه شناخت.

ایشـان بخشـی از هنرمنـدان نوگـرای پاکستـان بـود کـه تلاش می‌کردنـد حروف‌نـگاری را بـه مثابـه میـراث و پیشـینه هویتـی ایـن کشـور بـا تجربه‌هـای هنـر مـدرن تلفیـق کننـد. محمـد حنیـف رامـی، اقبـال جعفـری، انـور جلال شـمزا و صادقیـن از آغازکننـدگان خوشنویسـی مـدرن و نقاشـی بـا خطـوط قرآنـی و نوشتـار اردو در پاکستـان بودنـد:

۱. Hanif Ramay (۱۹۳۰–۲۰۰۶)
۲. Iqbal Geoffrey (۱۹۳۹)
۳. ۳Anwar Jalal Shemza (۱۹۲۸–۱۹۸۵)

صادقیـن هـم حروف‌نـگاری قرآنـی می‌کـرد و هـم بـر پایـه اشـعاری از اقبـال لاهـوری و میـرزا غالـب دهلـوی نقاشـی‌خط آفریـد. بـرای اغلـب آنهـا خوشنویسـی بیش از آنکـه بیانگـر نگـرش اسلامـی باشـد، نشـان‌دهنده میـراث فرهنگـی و دارای جنبـه هویتـی بـود.
در ایـران نیـز هنرمنـدان در دهـه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ (دهـه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰) چنیـن مواجهـه‌ای بـا میـراث اسلامـی داشتنـد. تلاش می‌کردنـد فرمالیسـم غربـی و نقـوش سـنتی را تلفیـق کننـد و انتزاع‌گرایـی در هنـر مـدرن را بـا تداعی‌هایـی از هنرهـای بومـی ترکیـب نماینـد.

جریـان نقاشـی سـقاخانه و جریـان نقاشـی‌خط در ایران در همیـن بسـتر شـکل گرفـت. اصـطلاح «سـقاخانه» در سـال ۱۹۶۲ بـرای توصیـف آثـار گروهـی از هنرمنـدان ایرانـی بـه کار رفـت کـه از عناصـر مذهبـی عامه‌پسـند و سـنتی در سـاخت آثـار مـدرن اسـتفاده می‌کردنـد. هنرمندانـی ماننـد حسیـن زنده‌رودی و فرامـرز پیـلارام از خـط، اعـداد، نشـانه‌های طلسمـی و عناصـر بصـری مذهبـی اسـتفاده کردنـد.

ایـن هنرمنـدان در پـی بازسـازی هنـر سـنتی نبودنـد؛ آنهـا می‌خواستنـد سـنت را در زبـان مـدرن بازیابـی و بازتعریـف کننـد. مسـئله آنـان ایـن بـود کـه چگونـه سـنت می‌توانـد در بسـتر هنـر مـدرن دوبـاره معنـا پیـدا کنـد؟ ایـن پرسـش دقیقـاً همـان نقطـه‌ای اسـت کـه امـکان مقایسـه هنـر مـدرن ایـران و پاکسـتان را فراهـم می‌کنـد.

بـرای اسـتاد صادقیـن نیـز خـط و خوشنویسـی واسـطه‌ای بـرای مذاکـره میـان سـنت و مدرنیتـه بـود. در آثـار ایشـان خوشنویسـی کارکـرد سـنتی خـود را نـدارد، بلکـه تبدیـل بـه تصویـر می‌شـود؛ حـروف حرکـت می‌کننـد، کشـیده می‌شـوند، در یکدیگـر فـرو می‌رونـد، فضـای بـوم را اشـغال می‌کننـد و گاهـی از معنـای لغـوی خـود فاصلـه می‌گیرنـد تـا بـه یـک عنصـر بصـری مستقـل و مـدرن تبدیـل شـوند.

در سـنت کلاسـیک خوشنویسـی، قواعـد خـط، نسـبت حـروف، تناسـب کلمـات و سـاختار صفحـه، چارچوب‌هایـی نسـبتاً تثبیت‌شـده دارنـد. صادقیـن ایـن چارچـوب را از درون متحـول می‌کنـد؛ او حـروف را می‌کشـد، بـزرگ می‌کنـد، می‌پیچانـد، تکـرار می‌کنـد و در سـطح بـوم گسـترش می‌دهـد. بـه ایـن ترتیـب، حـروف از یـک نظـام نوشتـاری بـه یـک زبـان بصـری تبدیـل می‌شـوند. ایـن همـان جایـی اسـت کـه خوشنویسـی وارد قلمـرو هنـر مـدرن می‌شـود و وجـه اشـتراک هنرمنـدان مدرنیسـت ایرانـی و پاکستانـی اسـت کـه در جسـتجوی مدرنیتـه بومـی هنـر بودنـد. اسـتاد صادقیـن ماننـد هنرمنـد ایرانـی، آقـای زنده‌رودی، در آثـارش بـا حـروف ماننـد یـک نقـاش بـا پیکـره رفتـار می‌کنـد. در آثـار آنهـا:

- حرف دارای وزن است.
- دارای حرکت است.
- دارای جهت است.
- می‌توانـد فضـا را پـر کنـد یـا فضـای خالـی ایجـاد کنـد.
- می‌توانـد کشـیده شـود، خـم شـود، بچرخـد و بـا حـرف دیگـری درهم‌آمیـزد.

از شـباهت‌های تجربـه اسـتاد صادقیـن و برخـی هنرمنـدان نقاشـی‌خط ایـران گفتـه شـد، امـا بایـد بـه تفاوت‌هـا نیـز اشـاره کـرد:

- در تجربـه بخشـی از هنرمنـدان ایرانـی گرایـش بـه سـمت انتـزاع و فرمالیسـم بیشـتر بـود (ماننـد کارهایـی از فرامـرز پیـلارام و زنـده‌رودی).
- امـا صادقیـن معمـولاً بـه متـن ادبـی یـا قرآنـی وفادارتـر بـود؛ بـا ایـن حـال خوشنویسـی کارکـرد تصویـری داشـت. ولـی در مجمـوع، ایـن رویکردهـا بیشـتر همسـو و همگـرا بودنـد تـا واگـرا.

صادقین در ایران

مقایسه ایران و پاکستان در هنر مدرن البته بدون زمینه و پیشینه نیست. در پنجمین بی‌ینال هنر ایران در سال ۱۳۴۵، از پروفسور زین‌العابدین از بنگلادش و صبری کل از ترکیه به عنوان داور بینال دعوت شد و به ایران آمدند. در این نمایشگاه علاوه بر آثار هنرمندان ایرانی، آثاری از ۵۸ هنرمند پاکستانی و ۶۶ هنرمند ترکیه‌ای نمایش داده شد. این تجربه‌ای بی‌سابقه بود که باعث شد هنرمندان بدانند بدل‌ها و همزادهایی در دیگر کشورها دارند؛ آثاری که گاه چنان به هم نزدیک می‌شوند که همچون «توارد» هستند (یعنی همزادهای از هم ناآگاه). این بی‌ینال بخشی را با همکاری آر.سی.دی (R.C.D - وابسته به پیمان سنتو) برگزار کرد.

پس از آن، استاد صادقین ارتباط نزدیک‌تری با ایران پیدا می‌کند. نمایشگاه آثار ایشان بین سال‌های ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۶ چند بار در ایران برگزار شد.

تهران در آن زمان فقط محل نمایش آثار نبود؛ تهران در دهه ۱۹۷۰ از مراکز اصلی شکل‌گیری هنر مدرن در منطقه بود و حضور صادقین در تهران را می‌توان لحظه‌ای دانست که دو مسیر هنری (حتی برای مدتی کوتاه) در یک فضای فرهنگی مشترک قرار گرفتند.

به‌ویژه که آثار صادقین برای مخاطب ایرانی هم‌زمان دو چیز بودند:

۱. ۱از یک سو آشنا: زیرا با سنت خط و فرهنگ اسلامی و ادبی منطقه ارتباط داشت.
۲. از سوی دیگر غریب و تازه: زیرا این سنت در ابعاد، ترکیب‌بندی و زبان نقاشانه‌ای ظاهر می‌شد که با خوشنویسی کلاسیک تفاوت بنیادین داشت.

این دوگانگی می‌تواند از عوامل جذابیت هنر صادقین برای مخاطب منطقه بوده باشد.
هنر ایران در دهه ۱۹۷۰ در شبکه بین‌المللی هنر قرار داشت؛ گالری‌ها، دوسالانه‌ها و نمایشگاه‌های مشترک زمینه‌ای برای شکل دادن به این شبکه هنر بود. پس از انقلاب اسلامی نیز تلاش‌هایی برای همگرایی منطقه‌ای در هنر شد؛ از جمله برگزاری نمایشگاه «هنر جهان اسلام» که سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۱ در فرهنگستان هنر برگزار شد و هنرمندان زیادی از پاکستان در این رویداد حاضر بودند. اما متأسفانه این رویدادها تداوم نیافتند.
پس از سال ۲۰۰۶، با برگزاری نمایشگاه‌های فروش منطقه‌ای در دبی توسط خانه حراج کریستیز، بار دیگر شباهت و قرابت هنر مدرن در ایران، پاکستان، ترکیه و دیگر کشورهای منطقه توجه‌ها را جلب کرد و مسئله تازه‌ای پیش رو بود که باید تاریخ هنر منطقه‌ای را نوشت.

تاریخ‌نگاری هنر منطقه‌ای

تاریخ هنر مدرن ایران و پاکستان را نه به صورت دو خط موازی، بلکه باید به شکل یک شبکه تصور کنیم. در این شبکه، تهران، کراچی، لاهور، بیروت، بغداد و قاهره نقاطی هستند که هنرمندان و آثار در آنها حرکت می‌کنند. تاریخ این شبکه ارتباطات هنری نوشته نشده است. تاریخ این هنر منطقه‌ای نوشته نشده است.
بررسی تجربه‌های هنری همسو و گاه مشابه در ایران، ترکیه، پاکستان، عراق و حتی امروزه قطر و امارات، پارادایم تازه‌ای در نگارش تاریخ هنر غیرغربی شکل می‌دهد:

- اغلب این کشورها در جستجوی تاریخ هنر غیرغربی به تاریخ هنر ملی پرداخته‌اند.
- اما باید از مرزهای ملی فراتر رفت و تاریخ هنر منطقه‌ای را بر اساس شبکه همسویی‌های هنری نگارش کرد.

در مطالعات منطقه‌ای هنر، پرسش‌های اصلی این‌ها هستند:

- چگونه تجربه‌های مشترک هنری میان هنرمندان کشورهای منطقه (که هم پیشینه فرهنگی مشترک در طول تاریخ و هم زمینه‌های سیاسی مشترک در دوران مدرن دارند) شکل گرفته است؟
- چگونه هنر مدرن غیرغربی در پیوند با هنرهای بومی، محلی، ملی و منطقه‌ای، تجربه‌های هویتی تازه و همسو به وجود آوردند؟
- برای پاسخ به این پرسش‌ها:
- هم به تأمل نظری درباره تاریخ هنر نیاز

داریـم.

- هـم بـه برگـزاری نمایشـگاه‌های مشـترک منطقه‌ای نیـاز داریم.
- بایـد بتوانیـم ایـن شـبکه هنـر منطقـه‌ای را ترسـیم کنیم .

صادقیـن یکـی از گره‌هـای ایـن شـبکه اسـت؛ او در پاکستـان شـکل می‌گیـرد، در اروپـا تجربـه می‌انـدوزد، در خاورمیانـه نمایشـگاه برگـزار می‌کنـد، بـه ایـران می‌آیـد و سـپس بـه دیگـر نقـاط منطقـه سـفر می‌کنـد. او هنرمنـدی پاکستانـی اسـت امـا زبـان هنـری‌اش در شـبکه‌ای گسـترده‌تر از مرزهـای پاکسـتـان عمـل می‌کنـد؛ او را بایـد هنرمنـد منطقـه‌ای توصیـف کـرد. امیـدوارم جـای مهمـی چـون سـازمان فرهنگـی اکـو کانـون اصلـی نـگارش مطالعـات منطقـه‌ای هنـر باشـد. در دانشـگاه هنـر ایـران، آمادگـی، اشـتیاق و دانـش لازم از تاریـخ هنـر بـرای ایـن همـکاری وجـود دارد.

سخنرانی آقای سلمان احمد (بنیاد صادقین)

سلام، مـن سـلمان احمـد از بنیـاد صادقیـن هسـتم؛ یـک سـازمان پژوهشـی کـه وقـف مستندسـازی و حفـظ میـراث صادقیـن شـده اسـت. می‌خواهـم از جنـاب سـفیر، آقـای محمدحسـن و مؤسسـه فرهنگـی اکـو بـرای برگـزاری نمایشـگاه صادقیـن و اعطـای ایـن فرصـت بـرای سـخن گفتـن دربـاره صادقیـن تشـکر کنـم.



مراتـب سپاسـگزاری خالصانـه خـود را بـه مهمانانـی کـه در ایـن رویـداد حضـور دارنـد ابـراز مـی‌دارم. بـا ایـن فـرض کـه ممکـن اسـت مهمانـان آشـنایی کاملـی بـا صادقیـن نداشـته باشـند، تمرکـز خـود را به‌جـای هنـر یـا شـعر او، بـر شـخصیت و جایـگاه والای صادقیـن معطـوف خواهـم کـرد.

چـرا کـه هنـر او به‌قـدری عمیـق و پیچیـده اسـت کـه در ایـن زمـان کوتـاه حتـی نمی‌توانیـم سـطحی از آن را بکافیـم؛ بـا ایـن حـال، بـه چنـد نقطـه برجسته از هنـر او اشـاره خواهـم کـرد. صادقیـن در ۳۰ ژوئـن ۱۹۳۰ متولـد شـد و در ۱۰ فوریـه ۱۹۸۷ در کراچـی پاکسـتـان درگذشـت.

تخمیـن زده می‌شـود کـه او حـدود ۱۵,۰۰۰ اثـر خلـق کـرده اسـت. او هرگـز آثـارش را نفروخـت و بـه محـض اتمـام نقاشـی، آن‌هـا را اهـدا می‌کـرد. او می‌گفـت: «نمی‌خواهـم هنـرم را مثـل سـبزیجات بفروشـم.»

صادقیـن بزرگ‌تریـن نمـاد فرهنگـی ملـت بـود. هنـر و فرهنـگ، هویـت یـک ملـت هستنـد و صادقیـن شـایسته‌ترین سـفیر هویـت ایـن ملـت بـود.

پیـش از ظهـور رسـانه‌های اجتماعـی کـه اخبـار بـه آرامـی منتقـل می‌شـد، پیـش از اختـراع رایانه‌هـای همـراه (لپ‌تـاپ) و حتـی پیـش از آنکـه تلویزیـون بـه یـک وسـیله معمولـی در خانه‌هـا تبدیـل شـود، صادقیـن در هـر پنـج قـاره جهـان (اسـترالیا، آسـیا، آفریقـا، اروپـا و آمریـکای شـمالی) شـناخته شـده بـود. بیاییـد راز و رمـز صادقیـن را بکاویـم؛ اینکـه او کـه بـود و چـه اهمیتـی در عرصـه هنـر و بـرای ملتـش داشـت. صادقیـن یـک جامع‌الاطـراف (همه‌چیـزدان) بـود؛ نقطه‌تلاقـی پیکاسـو، میکل‌آنـژ، عمـر خیـامِ شـاعر و یاقـوتِ خوشـنویس؛ چهـره‌ای والامقـام، فراتـر از ابعـاد معمولـی، آینده‌نگـر، هنرمنـدی کـه قرنـی یک‌بـار ظهـور می‌کنـد و اسـتـادی تعیین‌کننـده در عصـر خـود.

ماننـد او تـا قرن‌هـا متولـد نمی‌شـود. کار او بی‌نظیـر و یگانـه، نوآورانـه و بـا هـر معیـاری، غیرقابـل همانندسـازی و تکثیـر بـود. بـه بـاور مـن، صادقیـن در

میان معدود افرادی در پاکستان است که نام و اثرش در آزمون زمان سربلند باقی خواهد ماند.

و علت این ادعای من این است: من یک معیار سه‌گانه برای سنجش دستاوردهای یک فرد و تثبیت جایگاه او در جراید تاریخ دارم: اثر او باید یگانه باشد، نوآورانه باشد و غیرقابل همانندسازی باشد.

برای نمونه، دستاورد تنها برنده جایزه نوبل پاکستان، دکتر عبدالسلام را در نظر بگیرید؛ هیچ‌کس در میان جمعیت ۲۴۰ میلیونی این کشور نمی‌تواند مرزهای کشف او را فراتر ببرد یا افق پژوهش او را گسترش دهد. به همین ترتیب، هیچ‌کس حتی نمی‌تواند به آنچه صادقین به‌عنوان نقاش، خوشنویس و شاعر دست یافته است نزدیک شود.

کار او در این سه حوزه، یگانه، نوآورانه و بازتولید آن دشوار است. بر کسی پوشیده نیست که به جز چند اثر بزرگ سفارشی – مانند دیوارنگاره عظیم در سد منگلا با عنوان «حماسه کار» در ابعاد ۱۷۰ در ۲۰ پا که توسط بانک جهانی تأمین مالی شد – صادقین هرگز پاداش مالی برای کارهایش نپذیرفت. او آن‌ها را بدون هیچ چشم‌داشتی به افراد و نهادها اهدا می‌کرد.

آثار هنری صادقین – همان‌طور که می‌گویند یک تصویر باارزش‌تر از هزار کلمه است – بیش از یک میلیارد دلار (میلیارد با حرف م) ارزش‌گذاری می‌شدند. اغراق نیست اگر بگوییم او بیش از هر مرد یا زن دیگری به ملتش بخشید، اما به انتخاب خود، بی‌چیز و تهیدست درگذشت. کل دارایی‌های دنیوی او در زمان مرگ شامل چند تکه لباس، یک جفت کفش مندرس و یک چمدان پر از بریده‌های روزنامه و عکس بود. حتی نگاهی گذرا به پالت رنگ صادقین، گویای استعداد والای اوست و روح ما را لمس می‌کند.

ترکیب‌بندی‌های صادقین، چه ساده و چه پیچیده، با پیچیدگیِ یک سمفونیِ خوش‌نوازی‌شده، جادویی عمل می‌کنند. آن‌ها نماینده شعرِ رنگ، هماهنگیِ ریتم و قدرتِ یک طوفان هستند. نقاشی‌های صادقین که در زمره هنر مدرن دسته‌بندی می‌شوند، بازتاب‌دهنده سخنان خود اوست که گفت: «مردم می‌پرسند چرا گل، پروانه یا منظره نمی‌کِشم. به آن‌ها می‌گویم من جویای حقیقت و در پی واقعیت هستم. من از کسی که در برابر گلدان رز یا پرده‌های صورتی ژست گرفته الهام نمی‌گیرم؛ آنچه به من الهام می‌بخشد انسانی است که ساعت‌ها گرسنگی کشیده و برای بقا می‌جنگد. برنامه‌ای که پس از یافتن چند تکه غذا در پایان روز بر چهره‌اش می‌نشیند، همان چیزی است که مرا تحت تأثیر قرار می‌دهد. من نقاشِ تجلیِ واقعیت هستم.» صادقین بر این باور بود که دست کشیدن از وسوسه‌ها و پرهیز از دام‌های مادی می‌تواند انسان را به والاترین مرتبه عروج دهد.

مجموعه گسترده نقاشی‌های او، دستاوردی یگانه از هنرمندی در والاترین سطح است. کارنامه صادقین وسیع و عمیق است و سبک‌های گوناگونی را در بر می‌گیرد؛ از جمله: چهره‌نگاری (پورتریت)، امپرسیونیسم، رئالیسم، سورئالیسم، مدرنیسم، نمادگرایی (سمبولیسم)، عرفان، تفسیر رمز و رازهای شعر غالب، تفسیر خودآگاهی در شعر اقبال، و تفسیر اگزیستانسیالیسم آلبر کامو (برنده جایزه نوبل) آن‌گونه که در رمان «بیگانه» روایت شده است.

می‌خواهم اشاره ویژه‌ای به هنر دیوارنگاری (مورال) داشته باشم. اگر صادقین تنها دیوارنگاره می‌کشید، باز هم بزرگ‌ترین هنرمند کشور محسوب می‌شد. دیوارنگاری سخت‌ترین شکل هنر به شمار می‌رود زیرا نیازمند تخیل، مهارت، استقامت و منابع است. به همین دلیل است که دیوارنگاران زیادی وجود نداشته‌اند؛ میکل‌آنژ و دیه‌گو ریورا برجسته‌ترین نام‌ها در این عرصه هستند. حال این را تصور کنید: تعداد و مساحت دیوارنگاره‌های صادقین از مجموع کارهای میکل‌آنژ و دیه‌گو ریورا بیشتر است! دیوارنگاره‌های عظیم

صادقین بدنه بی‌نظیری از نبوغ هنری او را نشان می‌دهند. او بیش از ۴۰ دیوارنگاره در طول دوران کاری خود از دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ به تصویر کشید.

دیوارنگاری با شایستگی بالا. چند نمونه از دیوارنگاره‌های او که نصب شده‌اند عبارت‌اند از: موزه بانک مرکزی پاکستان در کراچی؛ نیروگاه سد منگلا در ابعاد ۱۷۰ در ۲۰ پا که یکی از بزرگ‌ترین دیوارنگاره‌های جهان است؛ سقف موزه لاهور و هشت دیوارنگاره در گالری اسلامی آن؛ دو دیوارنگاره در شورای ملی هنرهای پاکستان (هر کدام ۵۶ در ۹ پا)؛ دو دیوارنگاره در دانشگاه اسلامی علیگر در هند؛ دیوارنگاره دانشگاه هندو در بنارس هند؛ سقف فریار هال در کراچی؛ و بسیار موارد دیگر در خاورمیانه، اروپا و آمریکای شمالی.

برای درک بهتر عظمت کار او: آثار او در مؤسسه تحقیقات اسلامی هند در دهلی نو، اگر پشت سر هم چیده شوند، ۷۰۰ پا طول خواهند داشت و بیش از ۳,۰۰۰ پا مربع فضا را می‌پوشانند.

کلامی درباره شعر صادقین: او بیش از ۴,۰۰۰ رباعی سروده است. بیشتر رباعیات او به مفاهیم اجتماعی و عرفانی می‌پردازند. برای نمونه او می‌گوید (با ترجمه مضمون):
«الهام‌گرفته از فرم‌های خوشنویسی، خجسته و سعادتمندم. نزدیک‌تر بیا تا رازِ فاش‌شده از سوی پروردگار را بشنوی؛ دستی را چنان نرم و لطیف، چون کودکی، هدایت می‌کند؛ زمزمه‌ای در سکوت، بسیار مهربان، پاک و ملایم.»

از آنجا که این نمایشگاه پیش از هر چیز خوشنویسی‌های صادقین را به نمایش می‌گذارد، چند کلمه‌ای درباره هنر خوشنویسی او می‌گویم:

صادقین مهارت حرفه‌ای خوشنویسی را به یک «هنر خوشنویسانه» ارتقا داد و خوشنویسان تجاری را که وظیفه‌شان خطاطی برای روزنامه‌ها و مجلات اردو بود، به مرتبه هنرمندان رساند. امروزه هنر خوشنویسی تصویری (نقاشی‌خط) در حال شکوفایی است و امکانات تازه‌ای می‌آفریند. هنر خوشنویسی در گذشته در شبه‌قاره دارای جایگاهی والامقام بود و در دوران شکوه امپراتوری مغول (تیموریان هند) در قرن‌های ۱۷ و ۱۸ به اوج خود رسید. اما پس از سقوط امپراتوری، هنر خوشنویسی قربانی بی‌توجهی شد و چنان از رونق افتاد که در پاکستانِ پس از تجزیه، تنها یک مهارت حرفه‌ای ساده و نه یک شاخه جدی از هنر خلاقانه به شمار می‌رفت. صادقین سدها را شکست و راه را برای پذیرش گسترده خوشنویسی نقاشانه در کشور هموار کرد و خود به جایگاهی ملی و فراتر از آن دست یافت که همچنان بی‌بدیل است.

همان‌طور که در تصاویر بعدی همراه با رهبران کشورها و شخصیت‌های برجسته دیده می‌شود، هنر خوشنویسی صادقین به موثرترین سفیر کشور در سرزمین‌های خارجی تبدیل شد و تأثیر او چنان عمیق بود که در چندین نوبت، پاکستان در مجامع بین‌المللی تنها با شاهکارهای صادقین نمایندگی می‌شد.

در ادامه چند نقل‌قول برگزیده از روزنامه‌های خاورمیانه درباره خوشنویسی‌های صادقین آمده است (تنها به روزنامه‌های خاورمیانه بسنده کرده‌ام و از روزنامه‌های آمریکا، فرانسه، بریتانیا، استرالیا و غیره صرف‌نظر کرده‌ام):

روزنامه الأهرام، قاهره، مصر (۲ نوامبر ۱۹۷۴):
«نقاشی‌های او با لمس انسان‌دوستانه‌ای مشخص می‌شوند که از ویرانی و مرگ بیزار است و زندگی را فرا می‌خواند. زیبایی و ظرافت نفس‌گیر الفبای عربی در ترکیب‌های افقی، عمودی و معلق، هنرمندان مصری را مجذوب خود ساخت.»

میلی گازِت، استانبول، ترکیه (۱۱ دسامبر ۱۹۷۵):
نوشت: «صادقین، پیشگام نقاشی اسلامی.»

الدستور، عمان، اردن (۲۹ نوامبر ۱۹۷۴): ذکر کرد:
«برای اولین بار در تاریخ معاصر، یک هنرمند اسلامی خود و دیگران را در شرق و غرب شگفت‌زده

کـرد.»

الأردن، عمـان، اردن (۲۷ نوامبـر ۱۹۷۴): نوشـت: «وقتـی قلـم در دستانـش بـه حرکـت درمی‌آیـد، گویـی تمـام طبیعـت از جملـه گذشتـه، حـال و آینـده بـه حرکـت درمی‌آیـد.»

کیهـان اینترنشـنال، ایـران (۴ ژانویـه ۱۹۷۶): ایـن تجلیـل را بـه عمـل آورد: «خوشنویسـی بـه فضـا اوج می‌گیـرد.»

خلیـج فـارس تایمـز، امـارات (۲۰ ژوئـن ۱۹۸۰): نوشـت: «رستاخیـز خوشنویسـی اسلامـی؛ هنرمنـدی عـارف از پاکستـان کـه در زمـان حیـات خـود بـه یـک افسـانه تبدیـل شـده اسـت. داسـتـان شـگفت‌انگیز صادقیـن کـه بـه دنبـال الهـام الهـی نبـود، بلکـه بـه او عطـا شـد.»

رستاخیـز، تهـران، ایـران (۴ ژانویـه ۱۹۷۴): «از رنـج تـا اوج لـذت (خلصـه).»

یو.ای.ئـی نیـوز (UAE News)، امـارات (۲۶ نوامبـر ۱۹۷۴): نوشـت: «نمایشـگاه او در ابوظبـی توسـط افـراد زیـادی بازدیـد شـده و بیشـتر بازدیدکننـدگانـی کـه از کارهـای او بازدیـد کردنـد می‌خواسـتنـد آن‌هـا را بخرنـد، امـا او بـه آن‌هـا گفـت کـه آثـار فروشـی نیسـتنـد.»

دیلـی نیـوز، کویـت (۲۶ نوامبـر ۱۹۷۴): نوشـت: «صادقیـن ماننـد یـک درویـش زندگـی می‌کنـد.»

تهـران ژورنـال، ایـران (۲ ژانویـه ۱۹۷۶): نوشـت: «بـا ایـن حـال، هیچ‌یـک از آثـار به‌نمایش‌درآمـده فروشـی نیسـتنـد و بسـیاری از خریـداران مشتـاق از ایـن جنبـه نمایشـگاه او ناامیـد شـده‌اند.»

خانم‌هـا و آقایـان، در پایـان بـرای جمع‌بنـدی، صادقیـن بـه ایـن پرسـش پاسـخ می‌دهـد کـه: رابطـه میـان هنـر و زندگـی چیسـت؟ ایـن پرسشـی اسـت کـه پژوهشـگران بی‌وقفـه در پـی پاسـخ بـه آن هستنـد. ایـن رابطـه، همـان غریـزه بنیـادی انسـان بـرای دسـتیابی بـه هماهنگـی، تعـادل و ریتـم از طریـق ارتبـاط جهانـی اسـت. ارتبـاط انسـان‌ها بـا یکدیگـر و بـا محیـط، در هسـته تمـام تلاش‌هـا در هنـر و ادبیـات قـرار دارد و تمـام تلاش‌هـای هنـری، بازتابـی از حقیقتِ زندگـی هستنـد.

خانم‌هـا و آقایـان، از اینکـه ایـن فرصـت را بـه مـن دادیـد تـا دربـاره صادقیـن سـخن بگویـم، سپاسـگزارم. متشـکرم.

تأکید رئیس مؤسسه فرهنگی اکو بر پاسداشت یاد و آرمان‌های شهدای جمهوری آذربایجان

تهـران – رئیـس مؤسسـه فرهنگـی اکـو در مراسـم بزرگداشـت «روز یادبـود» جمهـوری آذربایجـان کـه روز ۲۷ سـپتامبر در سـفارت جمهـوری آذربایجـان در تهـران برگـزار شـد، بـا ادای احتـرام بـه شـهدای ایـن کشـور، بر ضـرورت حفـظ یـاد و میـراث آنـان و انتقـال ارزش‌هـای صلـح، کرامـت انسـانی و همدلـی بـه نسـل‌های آینـده تأکیـد کـرد.

بـه گـزارش مؤسسـه فرهنگـی اکـو، سـفیر محمـد حسـن در سـخنان خـود بـا عنـوان «روز یادبـود؛ زندگـی وقـف میهـن، شـهدایی کـه تاریـخ را سـاختند»، ایـن



مناسبت را فرصتی برای گرامیداشت یاد کسانی دانست که جان خود را در راه میهن فدا کردند و با خانواده‌های آنان که همچنان رنج فقدان عزیزان خود را به دوش می‌کشند، ابراز همدردی کرد.

وی با اشاره به جایگاه شهدا در تاریخ و حافظه جمعی جمهوری آذربایجان اظهار داشت که یادبود صرفاً به معنای نگاه به گذشته نیست، بلکه بیانگر قدردانی از کسانی است که فداکاری کردند و یادآور مسئولیت نسل حاضر برای حفظ ارزش‌ها، کرامت و آرمان‌هایی است که این جان‌فشانی‌ها برای آن صورت گرفته است.

رئیس مؤسسه فرهنگی اکو همچنین با اشاره به بُعد معنوی مفهوم یادبود، به آیه ۱۶۹ سوره آل‌عمران اشاره کرد و گفت که در نگاه دینی، زندگی و معنای فداکاری کسانی که در راه یک هدف والا جان خود را تقدیم کرده‌اند، با مرگ پایان نمی‌یابد و از طریق خاطره، ارزش‌ها و آرمان‌هایی که از خود به جای می‌گذارند، استمرار پیدا می‌کند.

وی در ادامه با اشاره به وقایع ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰ و آغاز جنگ ۴۴ روزه، از شکل‌گیری فصل جدیدی در تاریخ جمهوری آذربایجان سخن گفت و یادآور شد که «روز یادبود» به منظور گرامیداشت سربازان و افسرانی که جان خود را در راه تمامیت ارضی کشور از دست دادند، نام‌گذاری شده است.

سفیر محمد حسن همچنین تأکید کرد که تاریخ تنها در کتاب‌ها نوشته نمی‌شود، بلکه در زندگی مردم عادی، شجاعت یک سرباز جوان، دعای یک مادر، صبر یک خانواده و سکوتی که پس از فقدان یک عزیز فرا می‌رسد نیز خود را نشان می‌دهد. وی با تأکید بر اینکه یاد شهدا متعلق به نسل حاضر نیست، افزود که این یاد و میراث به نسل‌های آینده نیز تعلق دارد و مسئولیت زندگان آن است که این خاطره را به آینده منتقل کنند. رئیس مؤسسه فرهنگی اکو با اشاره به پیشینه فرهنگی و تاریخی جمهوری آذربایجان و منطقه اکو خاطرنشان کرد که قدرت یک ملت تنها در نهادها و دستاوردهای آن خلاصه نمی‌شود، بلکه ارزش‌ها، خاطرات و سنت‌هایی که مردم را به یکدیگر پیوند می‌دهند نیز بخش مهمی از قدرت و هویت ملت‌ها را تشکیل می‌دهند.

وی همچنین منطقه اکو را سرزمینی با تمدن‌های کهن، خاطرات مشترک و پیوندهای عمیق فرهنگی توصیف کرد و گفت: از آناتولی و قفقاز تا ایران، آسیای مرکزی و جنوب آسیا، ملت‌های این منطقه هم تجربه تلخ منازعات و درگیری‌ها را داشته‌اند و هم قدرت ماندگار فرهنگ را در ایجاد ارتباط میان مردم فراتر از مرزها تجربه کرده‌اند.

در پایان این مراسم، رئیس مؤسسه فرهنگی اکو ضمن ادای احترام به شهدای جمهوری آذربایجان، با خانواده‌ها و بازماندگان آنان ابراز همدردی کرد و ابراز امیدواری نمود که آینده منطقه با بهره‌گیری از درس‌های تاریخ، در مسیر درک متقابل، ثبات و صلح حرکت کند.

وی سخنان خود را با این عبارت به پایان رساند: «باشد که یاد شهدای جمهوری آذربایجان جاودانه بماند و فداکاری آنان همواره با احترام و قدردانی به یاد آورده شود.»

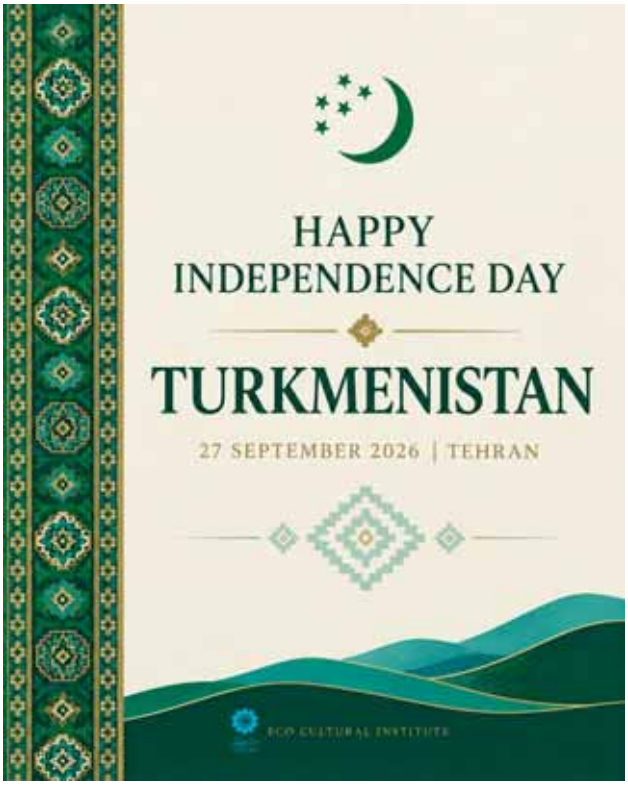
مؤسسه فرهنگی اکو فرارسیدن روز استقلال ترکمنستان را تبریک گفت

مؤسسه فرهنگی اکو فرارسیدن روز استقلال ترکمنستان را به دولت و مردم این کشور تبریک گفت و بر نقش ارزشمند ترکمنستان در توسعه همکاری‌های فرهنگی منطقه‌ای تأکید کرد.
در پیام تبریک مؤسسه فرهنگی اکو آمده است:

«روز استقلال ترکمنستان، یادآور هویت ملی، تاریخ پربار و میراث فرهنگی غنی مردم این کشور است. ترکمنستان با برخورداری از پیشینه تمدنی ارزشمند، هنرهای سنتی، صنایع‌دستی، ادبیات و آیین‌های

فرهنگی متنوع، سهمی مهم در غنای فرهنگی منطقه اکو دارد.»

مؤسسه فرهنگی اکو همچنین با اشاره به پیوندهای تاریخی و فرهنگی میان ملت‌های منطقه، بر اهمیت تقویت همکاری‌های فرهنگی میان کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی (اکو) و نقش فرهنگ به‌عنوان بستری برای گفت‌وگو، تفاهم و همگرایی منطقه‌ای تأکید کرد. در این پیام، برای دولت و مردم ترکمنستان، صلح، رفاه، توسعه و شکوفایی روزافزون آرزو شده است. مؤسسه فرهنگي اکو در چارچوب مأموریت خود، همچنان به حمایت از تعاملات فرهنگی، معرفی میراث مشترک منطقه و گسترش همکاری‌های فرهنگی میان کشورهای عضو اکو ادامه خواهد داد.



نشست هماهنگی توسعه همکاری‌های فرهنگی و هنری مؤسسه فرهنگی اکو و شهر اصفهان برگزار شد

تهران – ۶ مهر ۱۴۰۵ برابر با ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۶

نشست هماهنگی و هم‌اندیشی با هدف بررسی زمینه‌های همکاری مشترک و برنامه‌ریزی برای برگزاری رویدادهای فرهنگی و هنری پیش‌رو، روز دوشنبه ۶ مهر ۱۴۰۵ برابر با ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۶، در مؤسسه فرهنگی اکو برگزار شد.

این نشست با حضور سرکار خانم فرزانه کلاهدوزان، عضو هیئت‌رئیسه شورای اسلامی شهر اصفهان، نمایندگان مؤسسه توسعه و ترویج فرهنگ و هنر، آقای زارع و سرکار خانم گل‌محمدی، و هیئتی از مؤسسه فرهنگی اکو (ECI) به ریاست آقای محمد حسن، رئیس مؤسسه فرهنگی اکو، برگزار شد.

در این نشست، حاضران درباره زمینه‌های همکاری مشترک میان مؤسسه فرهنگی اکو، نهادهای شهری اصفهان و مؤسسه توسعه و ترویج فرهنگ و هنر و همچنین برنامه‌ریزی برای برگزاری رویدادهای فرهنگی و هنری در اصفهان به بحث و تبادل نظر پرداختند.

افزون بر آن، ظرفیت‌های موجود برای میزبانی از برنامه‌های فرهنگی و هنری، نحوه هماهنگی میان نهادهای مشارکت‌کننده، الزامات اجرایی و پشتیبانی و چگونگی میزبانی از مهمانان و هنرمندان بین‌المللی مورد بررسی قرار گرفت.

در ادامه، طرف‌های حاضر درباره برنامه‌های پیش‌رو و اقدامات لازم برای اجرای مشترک این رویدادها گفت‌وگو کردند و بر تداوم هماهنگی و همکاری میان مؤسسه فرهنگی اکو و مجموعه‌های فرهنگی و شهری اصفهان تأکید شد.

این نشست در راستای توسعه همکاری‌های فرهنگی و هنری میان مؤسسه فرهنگی اکو و

شـهر اصفهـان و بـا هـدف بهره‌گیـری از ظرفیت‌هـای فرهنگـی و هنـری ایـن شـهر بـرای اجـرای برنامه‌هـای منطقـه‌ای برگـزار شـد.



آیین بزرگداشت شمس و مولانا

هفـت قـرن پـس از یـک دیـدار؛ میراثـی کـه هنـوز زنـده اسـت

آییـن بزرگداشـت شـمس و مولانـا، بـا حضـور پرشـمار اسـتادان زبـان و ادبیـات فارسـی و چهره‌هـای فرهنگـی جهـان پارسـی زبـان و علاقـه منـدان بـه شـعر و ادب پارسـی، سه‌شـنبه ۷ مهرمـاه ۱۴۰۵ در تـالار اجتماعـات شـهید مطهـری(ره) انجمـن آثـار و مفاخـر فرهنگـی برگـزار شـد.

محمـود شـالویی، رئیـس انجمـن آثـار و مفاخـر فرهنگـی، در ابتـدای ایـن مراسـم بـا تقدیـر از حضـور اسـتادان ایرانـی و نماینـدگان فرهنگـی کشـورهای ترکیـه، پاکسـتان، روسـیه و رئیـس مؤسسـه فرهنگـی اکـو در ایـن آییـن گفـت: حضـور اسـتادان و چهره‌هـای فرهنگـی از کشـورهای مختلـف در ایـن رویـداد، نشـان‌دهنده جایـگاه گسـترده شـمس و مولانـا در جهـان فرهنـگ و اندیشـه اسـت.

وی بـا اشـاره بـه حضـور جلیـل رسـولی اسـتاد برجسـته هنـر خوشنویسـی در ایـن مراسـم افـزود: اسـتاد رسـولی در طـول سـالیان متمـادی آثـار ارزشـمندی دربـاره مفاخـر ایرانـی، به‌ویـژه شـمس و مولانـا، خلـق کـرده اسـت. از جملـه آثـار ایشـان نمایشـگاه و کتـاب «مـرغ بـاغ ملکـوت» اسـت کـه سـال‌ها پیـش در کاخ سـعدآباد برگـزار و منتشـر شـد. امیـدوارم همچنـان شـاهد آثـار و نمایشـگاه‌های بیشـتری از ایـن اسـتاد گرانقـدر باشـیم.

وی در ادامـه گفـت: شـمس و مولانـا را می‌تـوان نـه دو تـن، بلکـه یـک تـن دانسـت؛ چنان‌کـه مولانـا می‌گویـد: «مـن کیـم لیلـی و لیلـی کیسـت مـن / هـر دو یـک روحیـم انـدر دو بـدن». اگرچـه ایـن دو در ظاهر دو شـخصیت بودنـد، در حقیقـت میـان آنـان وحدتـی عمیـق شـکل گرفتـه بـود.

رئیـس انجمـن آثـار و مفاخـر فرهنگـی افـزود: شـمس و مولانـا هـر دو در جسـت‌وجوی حقیقـت بودنـد و گمشـده‌ای در وجـود خویـش داشتنـد. خوشـا بـه حـال مولانـا کـه «شـمس» را یافـت و از سـرگردانی خویـش بـه درآمـد؛ همـان آرزویـی کـه خـود می‌گویـد: «دی شیـخ بـا چراغـی همـه گشـت گـرد شـهر / کـز دیـو و دد ملولـم و انسـانم آرزوسـت».

شـالویی بـا اشـاره بـه تأثیـر شـمس بـر مولانـا گفـت: شـمس آتشـی در وجـود مولانـا برافروخـت و زمینـه پختگـی او را فراهـم کـرد. مولانـا پـس از ایـن دیـدار، بـه مرتبـه‌ای رسـید کـه اندیشـه‌هایش پـس از گذشـت قرن‌هـا همچنـان زنـده و اثرگـذار اسـت و در عیـن بهره‌گیـری از اندیشـه‌های پیشـینیان، در فهـم و ارائـه آنهـا یکتاسـت.

ظرفیت‌هـای مغفـول مولانـا در مطالعـات میان رشتـه ای

در ادامـه سـید علی‌اصغـر میرباقری‌فـرد اسـتاد زبـان و ادبیـات فارسـی دانشـگاه اصفهـان از تلاش‌هـای انجمـن آثـار و مفاخـر فرهنگـی در زمینـه ترویـج زبـان و ادب فارسـی قدردانـی کـرد و گفـت: آنچـه امـروز دربـاره مولانـا و شـمس مطـرح می‌کنـم، حاصـل بیـش از ۲۵ سـال مطالعـه برنامه‌محـور در حـوزه ادبیـات عرفانـی و بـا تمرکـز بـر مولـوی اسـت و هـدف آن، ارائه گزارشـی از یـک برنامـه جامـع مولوی‌پژوهـی متناسـب بـا شـرایط و نیازهـای دنیـای امـروز اسـت.

وی افـزود: اگـر قـرار اسـت شـخصیت بزرگـی ماننـد مولـوی را بـه درسـتی معرفـی کنیـم و از میـراث او بـرای ارتقـای حیـات امـروز بشـر بهـره ببریـم، ایـن کار نیازمند الگوهـای عمیـق علمـی، اسـتفاده از تجربه‌هـای مشـابه در سـطح بین‌المللـی و برنامه‌ریـزی متناسـب بـا شـأن ایـن بـزرگان اسـت.

میرباقری‌فـرد بـا اشـاره بـه شـکل‌گیری قطـب علمـی مطالعـات بنیـادی و کاربـردی ادب عرفانـی در دانشـگاه اصفهـان اظهـار کـرد: فعالیـت ایـن قطـب بـا آسیب‌شناسـی وضعیـت میـراث ادب عرفانـی آغـاز شـد و در سـال ۱۳۹۵، کرسـی مولوی‌پژوهـی در بنیـاد ملـی علـم ایـران بـر اسـاس همـان برنامـه جامـع مولوی‌پژوهـی فعالیـت خـود را آغـاز کـرد. پـس از سـال‌ها آزمـون و خطـا، رصـد و پایـش، شـاکله ایـن برنامـه بـر اسـاس مطالعـات طولانـی و هدفمنـد متخصصـان داخـل و خـارج کشـور شـکل گرفته اسـت.

وی ادامـه داد: برنامـه جامـع مولوی‌پژوهـی در ۹ سـاحت طراحـی شـده اسـت کـه از جملـه آنهـا می‌توان بـه مبانـی فکـری و تعالیـم عرفانـی مولـوی، زبـان عرفانـی، بررسـی تاریخـی احـوال مولانـا، متن‌پژوهـی و مطالعـات کاربـردی اشـاره کرد. در حـوزه مبانـی عرفانی، هنـوز پرسـش‌های مهمـی دربـاره نسـبت مولـوی بـا ابن‌عربـی و جایـگاه او در سـنت عرفانـی وجـود دارد کـه نیازمنـد پژوهش‌هـای دقیق‌تـر اسـت.

استـاد دانشـگاه اصفهـان تأکیـد کـرد: مولـوی را نبایـد تنهـا در جلسـات و نشسـت‌ها بـه عنـوان یکـی از مفاخـر گذشـته معرفـی کـرد، بلکـه بایـد تعالیـم و آرای او را بـه گونـه‌ای بررسـی و آمـاده کـرد کـه بتوانـد بـه نیازهـای متنـوع انسـان امـروز پاسـخ دهـد. مولـوی خـود در مثنـوی همیـن رویکـرد را دنبـال کـرده و مسـائل دشـوار فکـری و کلامـی را در قالـب حکایـت و تمثیـل بـرای مخاطبـان مطـرح کـرده اسـت.

میرباقری‌فـرد افـزود: در حـوزه مطالعـات میان‌رشتـه‌ای نیـز ظرفیـت بزرگـی در اختیـار داریـم؛ از روان‌شناسـی و مشـاوره گرفتـه تـا علـوم تربیتـی، ادبیـات کـودک و نوجـوان، هنـر، موسـیقی و سـینما. بـا وجـود کارهایـی کـه انجـام شـده، هنـوز از ایـن ظرفیـت بـه انـدازه کافـی اسـتفاده نکرده‌ایـم.

وی در پایـان گفـت: بایـد متناسـب بـا شـخصیت مولانا و دیگـر مفاخـر بـزرگ فرهنگـی برنامه‌ریـزی کنیـم تـا چهـره درسـت آنـان بـه جهـان معرفـی شـود و خـود مـا نیـز بتوانیـم از ایـن میـراث بـزرگ بـه شـکلی مناسـب بهـره بگیریـم. اگـر ایـن برنامـه دربـاره مولانـا به درسـتی اجـرا شـود، می‌توانـد الگویـی بـرای برنامه‌ریـزی دربـاره دیگـر شـخصیت‌های بـزرگ عرفانـی و فرهنگـی مـا نیـز باشـد.

نی نوازی استاد منوچهر غیوری

در ادامـه مراسـم منوچهـر غیـوری اسـتاد برجسـته سـاز نـی بـه اجـرای مراسـم هنـری نـی نـوازی پرداخـت کـه بـا اسـتقبال ویـژه حاضـران در برنامـه همـراه بـود.

پیوند مولانا و شمس

علی‌اصغـر شعردوسـت، شـاعر و اسـتاد زبـان و ادبیـات فارسـی نیـز در ایـن آییـن بـا اشـاره بـه جایـگاه انجمـن آثـار و مفاخـر فرهنگـی گفـت: برگـزاری چنیـن برنامه‌هایـی بـا حضـور پرشـور اسـتادان و پژوهشـگران، نشـان‌دهنده هوشـمندی و برنامه‌ریـزی در پاسداشـت مفاخـر فرهنگـی ایـران اسـت.

وی افـزود: مـن از دهـه ۱۳۶۰، در دوره‌هـای مختلـف مسـئولیتی خـود، همـواره فعالیت‌هـای انجمـن آثـار و مفاخـر فرهنگـی را دنبـال کـرده‌ام و امـروز نیـز برگـزاری ایـن مناسـبت‌ها و گردهـم آوردن اسـتادان و فرهیختـگان را اقدامـی ارزشـمند می‌دانـم.

شعردوسـت بـا اشـاره بـه حضـور اخیـر خـود در تاجیکسـتان و انتشـار آثـار فارسـی در ایـن کشـور اظهـار کـرد: در دوران مسـئولیت مـن در تاجیکسـتان، حـدود ۲۰۰ عنـوان کتـاب منتشـر شـد کـه یکـی از آنهـا «غزلیـات شـمس» بـود. در مقدمـه‌ای کـه بـرای ایـن اثر نوشـتم، بـر ایـن نکتـه تأکیـد کـردم کـه پرداختـن بـه آفرینش‌هـای ادبـی و فرهنگـی مولانـا حـد و مـرز زمـان و مـکان نمی‌شناسـد و پژوهشـگران و علاقه‌منـدان در دوره‌هـای مختلـف، هـر یـک نشـانی از حقیقـت گمشـده خـود را در آثـار او جسـت‌وجو کرده‌انـد.

وی ادامه داد: مردم تاجیکستان در تبیین هویت فرهنگی خود و برای پر کردن خلأهای روحی خویش، به مولانا و آثار او احساس نیاز می‌کنند. انتشار گزیده‌ای از غزلیات شمس نیز با هدف ابراز دوستی تاریخی و فرهنگی و پاسخ گفتن به نیازهای فرهنگی خویشاوندان ما در تاجیکستان انجام شد؛ به این امید که درخت دوستی و همدلی دو ملت هرچه پربارتر و سرسبزتر به حیات خود ادامه دهد.
وی در ادامه با اشاره به ارادت مردم تبریز به شمس گفت: وقتی صحبت از شمس تبریزی است، نمی‌توان از تبریز و شهریار سخن نگفت. استاد شهریار در چکامه بلند «مولانا در خانقاه شمس»، تصویری زیبا از پیوند مولانا، شمس و تبریز ارائه کرده است.

شعردوست تأکید کرد: شهریار در این شعر، مولانا را مهمانی می‌بیند که به شهر تبریز آمده و در پایان نیز با پیوند دادن شمس و مولانا می‌گوید: «لیک ملا شمس را جویا بود / هر کجا شمس است آنجا می‌رود». این شعر، از ارادت عمیق شهریار به مولانا و شمس و پیوند ناگسستنی آنان با فرهنگ تبریز حکایت دارد.

مولانا؛ عشق، کرامت انسان و مدارا

در بخش دیگری از این آیین محمد حسن رئیس موسسه فرهنگی اکو به ایراد سخن پرداخت.
وی گفت: مایه افتخار است که در چنین محفل فرهیخته‌ای سخن بگویم و نام خود را در شمار ارادتمندان و دوستداران مولانا و شمس ثبت کنم و سهم کوچکی در ادای احترام به این دو قله بلند فرهنگ و معنویت داشته باشم.

حسن افزود: شمس و مولانا تنها متعلق به یک شهر، کشور یا حتی یک ملت نیستند، بلکه بخشی از میراث مشترک فرهنگی منطقه اکو و سرمایه معنوی ملت‌هایی هستند که در طول قرن‌ها در این گستره تمدنی، با زبان، فرهنگ، ادب، اندیشه و معنویت با یکدیگر سخن گفته‌اند.

رئیس مؤسسه فرهنگی اکو ادامه داد: منطقه اکو سرزمینی است که تمدن‌ها، زبان‌ها و فرهنگ‌های گوناگون قرن‌ها در کنار یکدیگر زیسته‌اند؛ از همین رو بزرگان و اندیشمندانی چون مولانا، حافظ، سعدی، رودکی، اقبال، فردوسی و جامی را نباید صرفاً متعلق به یک جغرافیا دانست. آنان در عین تعلق به سرزمین خویش، سرمایه‌های مشترک حوزه تمدنی و میراثی برای همه بشریت هستند.
وی رابطه شمس و مولانا را یکی از زیباترین نمادهای این میراث مشترک دانست و گفت: این رابطه نشان داد که دیدار دو انسان می‌تواند مسیر اندیشه و حتی مسیر زندگی را دگرگون کند. شمس، مولانا را به سفری درونی فراخواند؛ سفری از ظاهر به معنا، از اختلاف به یگانگی، از خودمحوری به انسان‌دوستی.
محمد حسن با اشاره به پیام‌های انسانی آثار مولانا افزود: مولانا از عشق، کرامت انسان، مدارا،





شناخت خویشتن و جست‌وجوی حقیقت سخن می‌گوید؛ مفاهیمی که امروز شاید بیش از هر زمان دیگری به آنها نیاز داریم. در روزگاری که جهان با جنگ، خشونت، افراط‌گرایی، بی‌اعتمادی و فاصله‌های فزاینده میان انسان‌ها روبه‌روست، بازگشت به میراث فرهنگی بزرگانی چون شمس و مولانا تنها یک کار فرهنگی و ادبی نیست و می‌تواند بخشی از پاسخ به بحران‌های انسانی و معنوی عصر حاضر باشد.

وی تأکید کرد: باید این میراث مشترک را از کتاب‌ها و موزه‌ها به زندگی امروز آورد و آن را به زبان نسل جوان، زبان گفت‌وگو، همکاری، هنر و ادبیات ترجمه کرد. مؤسسه فرهنگی اکو نیز خود را متعهد می‌داند از چنین رویکردی حمایت کند؛ زیرا فرهنگ یکی از نیرومندترین ابزارهای نزدیک کردن ملت‌ها و میراث مشترک، یکی از محکم‌ترین پایه‌های دوستی و تفاهم میان کشورهای منطقه اکو است.

وی در پایان گفت: امروز در بزرگداشت شمس و مولانا، در حقیقت پیوند انسان‌ها را گرامی می‌داریم. امید است نور اندیشه شمس و مولانا راهی به سوی شناخت، عشق، گفت‌وگو و همدلی باشد و میراث مشترک فرهنگی ما پلی برای ساختن آینده‌ای باشد که ملت‌های منطقه بیش از گذشته یکدیگر را بشناسند و در کنار هم برای صلح و سعادت انسان گام بردارند.

مولانا ما را به یکدیگر نزدیک‌تر می کند

سخنران پایانی این مراسم نیز گوکهان چتین‌کایا رایزن فرهنگی ترکیه در ایران بود.
وی گفت: سخن گفتن از مولانا و شمس، تنها یادکرد دو شخصیت بزرگ تاریخ اندیشه و عرفان نیست، بلکه روایتگر یک جغرافیای گسترده فرهنگی و تمدنی است که خراسان، تبریز و آناتولی را به یکدیگر پیوند داده است.

او افزود: مولانا پس از سفرهای طولانی به قونیه رسید و بخش مهمی از زندگی خود را در آناتولی گذراند و آثار ارزشمندش را به زبان فارسی پدید آورد؛ آثاری که طی قرن‌ها در ایران، آناتولی و جغرافیاهای گسترده‌تر خوانده، شرح و تفسیر شده‌اند. بنابراین، میراث مولانا را نمی‌توان در چارچوب مرزهای سیاسی امروز محدود کرد.
رایزن فرهنگی ترکیه در ایران با اشاره به دیدار تاریخی شمس تبریزی و مولانا اظهار کرد: شمس در زندگی مولانا و به‌ویژه در جهان شعری او تأثیری عمیق گذاشت و شاید بتوان گفت نقش شمس، بیش از آنکه انتقال دانش تازه‌ای باشد، به حرکت درآوردن ظرفیت‌هایی بود که از پیش در وجود مولانا نهفته بود.

چتین‌کایا ادامه داد: رابطه شمس و مولانا را نمی‌توان صرفاً در قالب رابطه استاد و شاگرد توضیح داد؛ زیرا از این دیدار، حقیقتی فراتر از هر





دو شخصیت شکل گرفت؛ حقیقتی که در شعر، عشق، عرفان و حافظه فرهنگی ملت‌ها طی قرن‌ها تداوم یافته است.

وی با تأکید بر پیوندهای تاریخی ایران و آناتولی گفت: روابط فرهنگی ایران و ترکیه در طول تاریخ، رابطه‌ای یک‌سویه نبوده است و دو حوزه فرهنگی در زمینه‌هایی همچون ادبیات، عرفان، موسیقی، معماری، زبان و اندیشه از یکدیگر تأثیر پذیرفته و یکدیگر را غنی‌تر کرده‌اند.

وی افزود: امروز به جای اینکه بپرسیم مولانا به کدام سرزمین تعلق دارد، پرسش مهم‌تر این است که میراث مولانا چگونه می‌تواند ما را به یکدیگر نزدیک‌تر کند. استمرار پژوهش‌های مشترک، ترجمه متقابل آثار، برگزاری نمایشگاه‌ها و برنامه‌های موسیقی و هنری و اجرای طرح‌های فرهنگی مشترک برای نسل جوان، می‌تواند این میراث مشترک را به آینده منتقل کند.

چتین‌کایا در پایان خاطرنشان کرد: دیدار شمس و مولانا پس از بیش از هفت قرن همچنان یکی از ارزشمندترین عناصر حافظه فرهنگی مشترک ایران و ترکیه است و می‌تواند زمینه‌ساز دیدارهای تازه، آثار تازه و ارزش‌های فرهنگی مشترک میان دو کشور باشد.

در بخش پایانی این رویداد فرهنگی و هنری، پس از تجلیل از فخرالدین مخبری از نقاشان برجسته کشور و نمایش تابلوی نقاشی او با موضوع شمس و مولانا، گروه هنری «وصل یار» به اجرای برنامه‌ای موسیقایی با محوریت اشعار شمس و مولانا پرداختند.

تجلیل از مستنصر حسین تارر در لاهور با عنوان «فراتر از مرزها»

مراسم تجلیل و بزرگداشت مستنصر حسین تارر، نویسنده برجسته پاکستانی و چهره ماندگار ادبیات منطقه اکو، با عنوان «فراتر از مرزها» (Beyond Borders)، روز ۱۹ مهرماه ۱۴۰۵ (۱۱ اکتبر ۲۰۲۶)، با همکاری مشترک مؤسسه فرهنگی اکو (ECI) و شورای هنری لاهور (الحمرا) در مرکز هنری الحمرا در شهر لاهور پاکستان برگزار شد.

این رویداد فرهنگی با حضور و سخنرانی جمعی از شخصیت‌های برجسته فرهنگی، دانشگاهی و ادبی و همچنین مشارکت ویدئویی شماری از چهره‌های علمی و فرهنگی، به پاسداشت جایگاه ادبی و میراث ارزشمند مستنصر حسین تارر اختصاص داشت.

سخنرانان و شخصیت‌های حاضر در برنامه
در این مراسم، شخصیت‌های زیر به بررسی جایگاه ادبی، آثار و نقش فرهنگی مستنصر حسین تارر پرداختند:

- جناب آقای سفیر محمد حسن، رئیس مؤسسه فرهنگی اکو
- جناب آقای محمد نواز گوندل، مدیر اجرایی شورای هنری لاهور (الحمرا)
- پروفسور دکتر صغیر اعوان، رئیس دانشگاه سیتی پیشاور
- دکتر اسامه صدیق، پژوهشگر حقوقی، مشاور و نویسنده
-

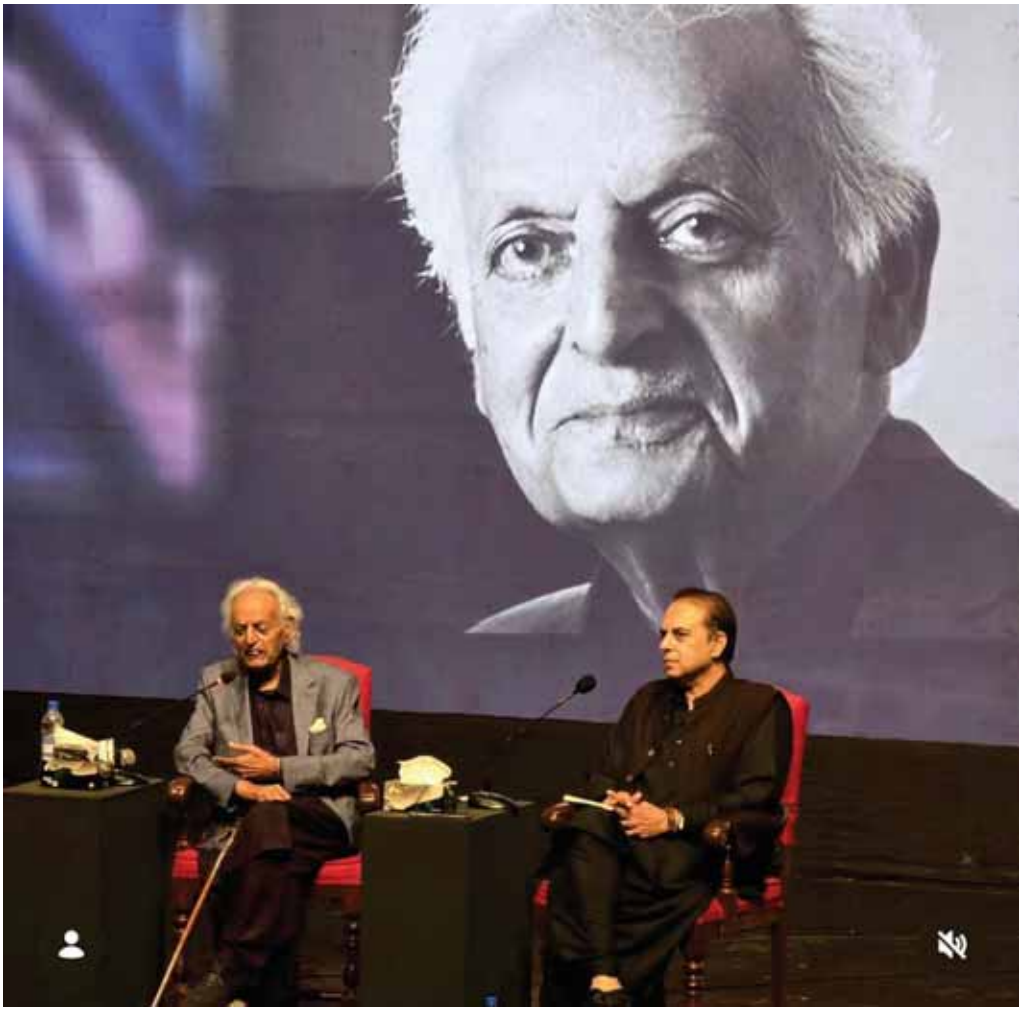
همچنین، پروفسور دکتر سیبل بایرام، مدیر دفتر بین‌الملل دانشگاه دوزجه ترکیه، و احمد شهریار، شاعر و مترجم فارسی و اردو، از طریق پیام‌های ویدئویی در این برنامه مشارکت کردند و در پاسداشت جایگاه ادبی و فرهنگی این نویسنده برجسته همراه شدند.

پاسداشت ادبیات؛ فراتر از مرزهای جغرافیایی
در این آیین، از مستنصر حسین تارر به‌عنوان یکی از چهره‌های برجسته ادبیات معاصر منطقه اکو تجلیل شد و بر ارزش آثار او در بازتاب تجربه‌های انسانی، فرهنگی و اجتماعی و نقش ادبیات در تقویت شناخت متقابل میان ملت‌های منطقه



تأکید شد.

برگزاری این مراسم در چارچوب رسالت مؤسسه فرهنگی اکو برای پاسداشت میراث ادبی و فرهنگی کشورهای عضو و تقویت پیوندهای فرهنگی میان ملت‌های منطقه صورت گرفت؛ رسالتی که ادبیات و چهره‌های ماندگار آن را بستری برای گفت‌وگو، همدلی و فراتر رفتن از مرزهای جغرافیایی می‌داند.



نمایشگاه «ز آفاق دور»؛ روایتی متفاوت از خوشنویسی امیر جلیلوند در مؤسسه فرهنگی اکو

نمایشگاه منتخب آثار خوشنویسی امیر جلیلوند با عنوان «ز آفاق دور / From the Far Horizons» امروز، پنجشنبه ۱۶ مهرماه ۱۴۰۵، در مؤسسه فرهنگی اکو افتتاح شد؛ نمایشگاهی که با نگاهی متفاوت به خوشنویسی، این هنر را در پیوند با تصویر، شعر، موسیقی و تجربه‌های هنری دیگر به مخاطب ارائه می‌کند.

جلیلوند درباره این نمایشگاه گفت که «ز آفاق دور» مجموعه‌ای ترکیبی با محوریت خوشنویسی است که در آن تلاش کرده نگاه متفاوتی به این هنر ارائه دهد. به گفته او، برگزاری نمایشگاه در مؤسسه فرهنگی اکو نیز برایش اهمیت ویژه‌ای دارد و همین موضوع موجب شده است تا برای ارائه این مجموعه، رویکردی متفاوت و متناسب با فضای مؤسسه در نظر بگیرد.

او با اشاره به تجربه متفاوت خود در برگزاری این نمایشگاه اظهار کرد: «هیچ‌وقت نمایشگاهی با این جنس و مدل نداشته‌ام. این نمایشگاه برای من کاملاً متفاوت است؛ چون نام اکو برایم ارزشمند است و احساس مسئولیت می‌کنم. سعی کردم تا جایی که ممکن است آن را به بهترین شکل و به شیوه‌ای متفاوت برگزار کنم».

خوشنویسی در گفت‌وگو با تصویر و فضای شهری

جلیلوند که تحصیلات خود را در حوزه عکاسی و سینما دنبال کرده و در زمینه‌های عکاسی، شعر و خوشنویسی نیز فعالیت داشته است، این نمایشگاه را بخشی از هویت هنری و به‌ویژه «هویت خوشنویسی» خود می‌داند. او اگرچه از سوی دوستان و مخاطبانش به عنوان خوشنویس شناخته می‌شود، اما کمتر این عنوان را برای معرفی خود به کار می‌برد.

به گفته این هنرمند، «ز آفاق دور» بخشی از هویت خوشنویسی اوست که ممکن است به دلیل محدودیت‌های زمانی، در آینده امکان تکرار آن وجود نداشته باشد. از همین رو، او این مجموعه را «بازمانده هویت خوشنویسی» خود توصیف کرده و احتمال داده است که این نمایشگاه آخرین نمایشگاه خوشنویسی او در ایران باشد.

یکی از بخش‌های متفاوت این مجموعه به تجربه جلیلوند در خلق آثار برای فضای شهری بازمی‌گردد. او ۱۲ تابلوی هنری برای ایستگاه‌هایی از خطوط ۳، ۶ و ۷ متروی تهران خلق کرده است؛ آثاری که با استفاده از تکنیک‌هایی همچون چاپ و حک روی کاشی، کاشی‌کاری سنتی با الهام از شیوه مساجد اصفهان و کار با سفال اجرا شده‌اند.

در نمایشگاه «ز آفاق دور»، دو نمونه از این آثار در کنار تصاویری از محل نصب آن‌ها در مترو ارائه شده است تا مخاطب بتواند اثر را هم به عنوان یک اثر هنری مستقل و هم در بستر زندگی روزمره شهری مشاهده کند. روند شکل‌گیری این مجموعه نیز در کتاب «در شلوغی شهر» روایت شده است.

عنوانی برگرفته از شعر

انتخاب عنوان نمایشگاه نیز برای جلیلوند بخشی از فرآیند شکل‌گیری اثر است. او که از کودکی به طراحی پوستر و انتخاب عنوان علاقه داشته، برای نام‌گذاری آثار و برنامه‌های خود ابتدا به تک‌بیت‌های اشعارش مراجعه می‌کند و در صورت نیافتن عنوان مناسب، به سراغ اشعار دیگر شاعران می‌رود.

عنوان «ز آفاق دور» نیز پس از بررسی حدود ۵۰ عنوان انتخاب شده است. جلیلوند در انتخاب این عنوان، علاوه بر ارتباط آن با فضای خوشنویسی، به برگردان انگلیسی، شکل فینگلیش و ظرفیت گرافیکی آن نیز توجه داشته است؛ ویژگی‌هایی که به گفته او، امکان استفاده بصری از واژه‌ها در طراحی پوستر و شکل‌دهی به هویت بصری

نمایشـگاه را فراهـم می‌کنـد.
نمایشگاهی که با فضا روایت می‌شود

در «ز آفـاق دور»، فضـای نمایشـگاه نیـز بخشـی از روایـت هنـری مجموعـه اسـت. چیدمـان آثـار بـا اسـتفاده از عناصـری مرتبـط بـا جهـان خوشنویسـی و هنـر، از جملـه ابـزار و وسـایل خوشنویسـی، گل و سـازهای موسـیقی، شـکل گرفتـه و فضایـی متفـاوت و شـاعرانه ایجـاد کـرده اسـت.

ایـن عناصـر در کنـار آثـار قـرار گرفته‌انـد تـا نمایشـگاه از یـک فضـای صرفـاً بـرای ارائـه تابلوهـا فراتـر رود و مخاطـب بـا تجربـه‌ای چندوجهـی روبـه‌رو شـود؛ تجربـه‌ای کـه در آن خوشنویسـی در کنـار نشـانه‌هایی از موسـیقی، طبیعـت و ابـزار خلـق اثـر دیـده می‌شـود.

خوشنویسی؛ میراث مشترک فرهنگی منطقه
برگـزاری ایـن نمایشـگاه در مؤسسـه فرهنگـی اکـو همچنیـن فرصتـی بـرای طـرح دیـدگاه جلیلونـد دربـاره جایـگاه خوشنویسـی در کشـورهای منطقـه فراهـم کـرده اسـت.

او بـا اشـاره بـه سـفرها و آشـنایی خـود بـا فرهنـگ کشـورهایی همچـون پاکسـتـان، ترکیـه و جمهـوری آذربایجـان، بـر علاقـه و توجـه بـه هنـر خوشنویسـی، به‌ویـژه نسـتعلیق، در ایـن کشـورها تأکیـد کـرد و خوشنویسـی را یکـی از زمینه‌هـای مشـترک فرهنگـی میـان کشـورهای منطقـه دانسـت.

بـه گفتـه جلیلونـد، در ترکیـه علاقـه ویـژه‌ای بـه نسـتعلیق فارسـی وجـود دارد و در پاکسـتـان و افغانسـتـان نیـز ایـن هنـر، بـه واسـطه پیوندهـای فرهنگـی و تاریخـی، از جایـگاه مهمـی برخـوردار اسـت. او همچنیـن بـه رواج و اهمیـت خوشنویسـی در تاجیکسـتـان و ازبکسـتـان اشـاره کـرد.
از ایـن منظـر، خوشنویسـی می‌توانـد یکـی از زمینه‌های مهـم پیونـد فرهنگـی میـان کشـورهای منطقـه اکـو باشـد؛ هنـری کـه در کنـار ریشـه‌ها و میـراث مشـترک، در هـر سـرزمین ویژگی‌هـا و شیوه‌هـای خـاص خـود را نیـز یافتـه اسـت.

نمایشـگاه «ز آفـاق دور / From the Far Horizons» از ۱۹ تـا ۲۳ مهرمـاه ۱۴۰۵، هـر روز از سـاعت ۹:۰۰ تـا ۱۶:۳۰ در مؤسسـه فرهنگـی اکـو برپـا خواهـد بـود و علاقه‌منـدان می‌تواننـد از ایـن مجموعـه بازدیـد کننـد.









پنجمین شماره خبرنامه مؤسسه فرهنگی اکو منتشر شد

پنجمین شماره خبرنامه ماهانه مؤسسه فرهنگی اکو (ECI) با مروری بر مهم‌ترین فعالیت‌ها و برنامه‌های فرهنگی و بین‌المللی مؤسسه در سپتامبر ۲۰۲۶ منتشر شد.

این شماره، مجموعه‌ای از برنامه‌ها و رویدادهای فرهنگی مؤسسه را دربرمی‌گیرد؛ از جمله برگزاری نمایشگاه‌ها و نشست‌های فرهنگی، هفته فیلم اکو، برنامه‌های مرتبط با میراث فرهنگی مشترک کشورهای عضو اکو و دیدارها و گفت‌وگوهای مؤسسه با نهادهای فرهنگی، دانشگاهی و بین المللی.
همچنین، حضور رئیس مؤسسه فرهنگی اکو در رویدادها و نشست‌های منطقه‌ای، از جمله در ازبکستان، و دیدارها و رایزنی‌های مؤسسه با شماری از نهادهای فرهنگی و دانشگاهی کشورهای عضو اکو، از دیگر موضوعات این شماره است.

خبرنامه مؤسسه فرهنگی اکو با هدف انعکاس فعالیت‌ها، برنامه‌ها و تعاملات مؤسسه و معرفی ظرفیت‌های فرهنگی کشورهای عضو اکو منتشر می‌شود.

پنجمین شماره خبرنامه مؤسسه فرهنگی اکو از طریق وب‌سایت مؤسسه قابل دسترسی است.
نتایج جشنواره عکاسی موبایلی اکو اعلام شد

نتایج جشنواره عکاسی موبایلی اکو با موضوع «انتقال میراث ناملموس» اعلام شد.

این جشنواره با هدف تشویق علاقه‌مندان به عکاسی در کشورهای منطقه اکو برای ثبت و به تصویر کشیدن جلوه‌های گوناگون میراث فرهنگی ناملموس و شیوه‌های حفظ و انتقال سنت‌ها، مهارت‌ها، دانش و عناصر فرهنگی از نسلی به نسل دیگر برگزار شد.

این جشنواره با استقبال قابل توجهی روبه‌رو شد و در مجموع حدود ۱۸۰۰ قطعه عکس از ۶۱۶ شرکت‌کننده دریافت شد. پس از پایان مهلت ارسال آثار، فرآیند بررسی و داوری عکس‌ها انجام شد. داوری و ارزیابی آثار توسط استاد امیر جلیلوند، عکاس شناخته‌شده ایرانی، صورت گرفت و در نهایت ۵۰ اثر به‌عنوان آثار منتخب جشنواره انتخاب شدند.

سه برگزیده نخست جشنواره

- رتبه اول

سید مهرداد شریفی – ایران
جایزه نقدی: ۳۰۰ دلار آمریکا

- رتبه دوم

شهزاد علی – پاکستان
جایزه نقدی: ۲۰۰ دلار آمریکا

- رتبه سوم

قدیر وقاری شورچه – ایران
جایزه نقدی: ۱۵۰ دلار آمریکا



علاوه بـر جوایـز نقـدی، هـر سـه برگزیـده نخسـت، گواهـی تقدیـر جشـنواره را نیـز دریافـت خواهنـد کـرد.
۵۰ اثر منتخب جشنواره

در کنـار سـه برگزیـده نخسـت، ۴۷ اثـر دیگـر نیـز در میـان آثـار منتخـب قـرار گرفته‌انـد و بدیـن ترتیـب مجمـوع آثـار منتخـب جشـنواره بـه ۵۰ اثـر رسـیده اسـت.

بـا توجـه بـه اینکـه هـر شـرکت‌کننده امـکان ارسـال بیـش از یـک اثـر را داشـته اسـت، نـام برخـی عکاسـان در فهرسـت آثـار منتخـب بیـش از یک‌بـار درج شـده اسـت.
اسـامی ۵۰ اثـر منتخـب، بـه همـراه نـام عکاسـان و کشـورهای آنـان، در فهرسـت پیوسـت ایـن خبـر قابـل مشـاهده اسـت.

همچنیـن ۵۰ اثـر منتخـب در قالـب کتابچـه جشـنواره منتشـر خواهـد شـد تـا مجموعـه‌ای از آثـار برگزیـده ایـن رویـداد و مشـارکت هنرمنـدان و علاقه‌منـدان عکاسـی در منطقـه اکـو بـه ثبـت برسـد.

مؤسسـه فرهنگـی اکـو ضمـن تبریـک بـه برگزیـدگان، از تمامـی ۶۱۶ شـرکت‌کننده کـه بـا ارسـال آثـار خـود در ایـن رویـداد فرهنگـی مشـارکت کردنـد، صمیمانـه قدردانـی می‌کنـد. حضـور گسـترده شـرکت‌کنندگان و تنـوع آثـار ارسـالی، جلوه‌هایـی از غنـای فرهنگـی و میـراث ناملمـوس کشـورهای منطقـه اکـو را بـه تصویـر کشـید.






ECO
MOBILE
PHOTOGRAPHY
FESTIVAL 2026
THEME
THE TRANSMISSION
OF INTANGIBLE
HERITAGE
TOP 3 WINNERS
1
Seyed Mehrdad Sharifi
IRAN
USD 300
CASH PRIZE
2
Shahzad Ali
PAKISTAN
USD 200
CASH PRIZE
3
Ghadir Vaghari Shorcheh
IRAN
USD 150
CASH PRIZE
CERTIFICATES
OF APPRECIATION
SELECTED WORKS
TO BE PUBLISHED
Congratulations to the winners
and thank you to all 616 participants
for being part of this journey
ECO
CULTURAL
INSTITUTE
ECO MEMBER STATES



فصل سوم

رویدادها، برنامه‌ها و اخبار فرهنگی منطقه اکو و مروری بر رویدادهای آتی

افغانستان

نشست شعر «از هریوا تا نیشابور» در هرات

۳ اکتبر ۲۰۲۶ | هرات
نشست ادبی «از هریوا تا نیشابور» در شهر هرات برگزار شد. این برنامه در چارچوب همکاری مشترک اداره اطلاعات و فرهنگ هرات و نمایندگی منطقه‌ای یک نهاد فرهنگی برگزار شد و به شعر و پیوندهای ادبی و فرهنگی منطقه اختصاص داشت. عنوان این نشست، یادآور پیوندهای تاریخی و ادبی میان حوزه فرهنگی خراسان و شهرهایی چون هرات و نیشابور بود.
منبع: وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان



گفت‌وگو درباره حفاظت از میراث تاریخی افغانستان

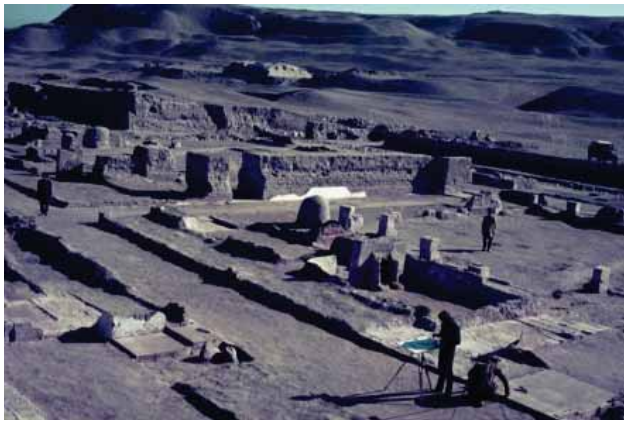
۶ اکتبر ۲۰۲۶ | کابل
عبدالرحمان طیبی، معاون هنر و فرهنگ وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان، با نماینده بنیاد فرهنگی آقاخان دیدار کرد. در این نشست، روند حفاظت و مرمت بناهای تاریخی، از جمله بالاحصار کابل، منار جام و محوطه ماشین‌خانه، بررسی شد. نماینده بنیاد فرهنگی آقاخان اعلام کرد که تاکنون دو ارزیابی فنی از وضعیت منار جام با مشارکت متخصصان افغان و بین‌المللی انجام شده و اقدامات حفاظتی برای تثبیت ساختاری این اثر ادامه دارد. در این دیدار همچنین بر ضرورت مرمت آثار تاریخی بر اساس معیارهای تخصصی و حفظ اصالت تاریخی آن‌ها تأکید شد.
منبع: وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان



برگزاری رقابت نقاشی با حضور ۱۶۰ دختر در کابل

۷ اکتبر ۲۰۲۶ | کابل
حدود ۱۶۰ دختر در رقابت نقاشی برگزارشده از سوی گالری هنری ارگ در کابل شرکت کردند. این برنامه شامل نقاشی زنده و ارائه آثار هنری از پیش آماده‌شده بود و شرکت‌کنندگان در بخش نقاشی زنده، سه ساعت فرصت داشتند تا پرتره خلق کنند. برگزارکنندگان هدف از برگزاری این رقابت را حمایت از استعدادهای هنری دختران و فراهم کردن فضایی برای بروز توانایی‌های خلاقانه آنان عنوان کردند. در پایان، به برگزیدگان جوایز نقدی و تقدیرنامه اهدا شد.
منبع: Amu TV

اجرای ۱۲ پروژه برای مرمت آثار تاریخی بامیان



۱۳ سپتامبر ۲۰۲۶ | بامیان
دوازده پروژه با هدف مرمت و حفاظت از محوطه‌های تاریخی بامیان، با همکاری سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) و بنیاد فیروزکوه اجرا شد. این پروژه‌ها در مناطقی انجام گرفتند که آثار تاریخی آن‌ها با خطر آسیب‌دیدگی و تخریب روبه‌رو بودند. اجرای این طرح‌ها در راستای حفاظت از میراث تاریخی افغانستان و صیانت از ارزش‌های فرهنگی این منطقه صورت گرفت.
منبع: طلوع‌نیوز

بازدید سفیر جمهوری آذربایجان از گالری ملی افغانستان



۲۶ سپتامبر ۲۰۲۶ | کابل
الهام محمدوف، سفیر جمهوری آذربایجان در افغانستان، از گالری ملی افغانستان بازدید کرد و با مجموعه‌ای از آثار هنرمندان این کشور آشنا شد. در این دیدار، بر اهمیت حفاظت و معرفی میراث هنری افغانستان و گسترش همکاری‌های فرهنگی و هنری میان افغانستان و جمهوری آذربایجان تأکید شد. گالری ملی افغانستان از مراکز مهم نگهداری و معرفی آثار هنرمندان این کشور به شمار می‌رود.
منبع: وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان

نمایشگاه صنایع‌دستی و آثار هنری در ارگ اختیارالدین هرات



۲۸ سپتامبر ۲۰۲۶ | هرات
چهارمین نمایشگاه صنایع‌دستی و آثار هنری در ارگ تاریخی اختیارالدین هرات، در چارچوب هفته گردشگری برگزار شد. در این نمایشگاه، ۱۲۰ غرفه به معرفی صنایع‌دستی و تولیدات هنری اختصاص یافت. این رویداد با همکاری اداره اطلاعات و فرهنگ هرات برگزار شد و فرصتی برای معرفی توانمندی‌های هنرمندان و صنعتگران محلی و آشنایی بازدیدکنندگان با ظرفیت‌های فرهنگی و هنری این استان فراهم کرد.
منبع: وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان

جمهوری آذربایجان

برگزاری هجدهمین جشنواره بین‌المللی موسیقی اوزییر حاجی‌بیگف



۱۸ سپتامبر تا ۱ اکتبر ۲۰۲۶ | باکو و چند شهر دیگر
هجدهمین جشنواره بین‌المللی موسیقی اوزییر حاجی‌بیگف با حضور هنرمندان و گروه‌های موسیقی برگزار شد و با اجرای برنامه‌های مختلف موسیقی کلاسیک و آثار آهنگسازان آذربایجانی به پایان رسید. این جشنواره به نام اوزییر حاجی‌بیگف، آهنگساز برجسته و از چهره‌های تأثیرگذار در شکل‌گیری اپرای ملی آذربایجان، نام‌گذاری شده است.
منبع: وزارت فرهنگ جمهوری آذربایجان

برگزاری پنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر شکی



۱ تا ۵ اکتبر ۲۰۲۶ | شکی
پنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر شکی با حضور گروه‌های نمایشی جمهوری آذربایجان و هنرمندانی از کشورهای قزاقستان، ازبکستان و ایران برگزار شد. این رویداد با همکاری وزارت فرهنگ جمهوری آذربایجان، اتحادیه فعالان تئاتر این کشور، مدیریت اجرایی شهر شکی و تئاتر دولتی درام شکی برگزار شد. در جریان جشنواره، از شماری از هنرمندان خارجی به پاس مشارکت و فعالیت‌هایشان در عرصه تئاتر تقدیر شد.
منبع: اتحادیه فعالان تئاتر جمهوری آذربایجان



معرفی فرهنگ کتاب و ادبیات آذربایجان در نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت

۸ اکتبر ۲۰۲۶ | فرانکفورت، آلمان
فرهنگ کتاب آذربایجان در هفتادوهشتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت معرفی شد. حضور آذربایجان در این رویداد بین‌المللی فرصتی برای معرفی آثار ادبی، ظرفیت‌های نشر و میراث مکتوب این کشور به مخاطبان و فعالان صنعت نشر بین‌المللی فراهم کرد.
منبع: وزارت فرهنگ جمهوری آذربایجان



برگزاری رویدادهای فرهنگی به مناسبت روز شهر جبرئیل

۵ اکتبر ۲۰۲۶ | جبرئیل
به مناسبت روز شهر جبرئیل، برنامه‌های فرهنگی و هنری متنوعی برگزار شد. این برنامه‌ها شامل اجرای کنسرت جشن، کارگاه آموزش نقاشی برای کودکان و نمایشگاه آثار هنری بود. فعالیت‌های هنری کودکان و نمایش آثار، بخشی از برنامه‌های فرهنگی این مناسبت را تشکیل داد و فرصتی برای مشارکت خانواده‌ها و معرفی ظرفیت‌های هنری محلی فراهم کرد.
منبع: وزارت فرهنگ جمهوری آذربایجان



معرفی موسیقی آذربایجان در کرواسی

۲ اکتبر ۲۰۲۶ | زاگرب، کرواسی
برنامه‌ای با عنوان «شب موسیقی آذربایجان» در کرواسی برگزار شد. این رویداد در چارچوب معرفی فرهنگ و هنر آذربایجان در خارج از کشور، به موسیقی این کشور اختصاص داشت و زمینه‌ای برای آشنایی مخاطبان با ظرفیت‌های موسیقایی و سنت‌های هنری آذربایجان فراهم کرد.
منبع: وزارت فرهنگ جمهوری آذربایجان

ایـــــــــــران

گلباران آرامگاه حافظ در شیراز



هم‌زمـان بـا روز بزرگداشـت حافـظ، آرامـگاه ایـن شـاعر نامـدار ایرانـی در حافظیـه شیـراز، در ۲۰ مهـر ۱۴۰۵، گلبـاران شـد. ایـن آییـن بـا حضـور جمعـی از علاقه‌منـدان ادبیـات فارسـی، اهالـی فرهنـگ و ادب و مسـئولان فرهنگـی برگـزار شـد و بـار دیگـر جایـگاه حافـظ را در حافظـه فرهنگـی ایرانیـان و میـراث ادبـی فارسـی برجسته کـرد. آرامـگاه حافـظ، به‌عنـوان یکـی از مهم‌تریـن مکان‌هـای فرهنگـی و ادبـی ایـران، هـر سـال در روز بزرگداشـت ایـن شـاعر میزبـان دوسـتداران شـعر و ادب اسـت و ایـن مراسـم فرصتـی بـرای تجدیـد پیونـد نسـل‌های مختلـف بـا آثـار و اندیشـه‌های او فراهـم می‌کنـد.

برگزاری شب عباس یاری در خانه هنرمندان ایران



نشسـت «شـب عبـاس یـاری» در دوم مهـر ۱۴۰۵، در قالـب نهصـد و هفتادوششـمین برنامـه از سلسـله شـب‌های مجلـه بخـارا، در سـالن استـاد شـهناز خانـه هنرمنـدان ایـران برگـزار شـد. در ایـن نشسـت، امیـر اثباتـی، فرهـاد توحیـدی، شـهرام مکـری و علـی دهباشـی دربـاره فعالیت‌هـای حرفـه‌ای عبـاس یـاری، روزنامه‌نـگار و از چهره‌هـای شناخته‌شـده مطبوعـات سـینمایی ایـران، سـخن گفتنـد و ابعـاد مختلـف فعالیت‌هـای او در حـوزه نقـد و مطبوعـات سـینمایی را بررسـی کردنـد. ایـن برنامـه در ادامـه نشسـت‌های فرهنگـی مجلـه بخـارا برگـزار شـد کـه بـا هـدف پاسداشـت چهره‌هـای اثرگـذار در ادبیـات، هنـر و فرهنـگ معاصـر ایـران شـکل می‌گیرنـد.

برگزاری رویداد هنری «بر خط آواز» در موزه خوشنویسی ایران



نمایشگاه آثار رویداد هنری «بر خط آواز» روز جمعه ۱۷ مهر ۱۴۰۵، با حضور جمعی از هنرمندان نقاشی، خوشنویسی و موسیقی در موزه خوشنویسی ایران در تهران افتتاح شد. این رویداد با حضور سیدعباس دعایی، دبیر رویدادهای جایزه «آینه‌دار دوران»، حمیدرضا نوربخش، مدیرعامل خانه موسیقی ایران، و هنرمندانی از جمله حسین محجوبی و جواد بختیاری برگزار شد. از بخش‌های این برنامه، رونمایی از اثری از حسین محجوبی برای محمدرضا شجریان، خواننده نامدار موسیقی سنتی ایران، بود. «بر خط آواز» با پیوند دادن هنرهای تجسمی، خوشنویسی و موسیقی، بستری برای بازتاب ارتباط میان شعر، آواز و بیان تصویری در فرهنگ هنری ایران فراهم کرد.

برگزاری جشن مهرگان در غار تاریخی کرفتو



جشن باستانی مهرگان روز ۹ اکتبر ۲۰۲۶ (۱۷ مهر ۱۴۰۵) در غار تاریخی کرفتو در شهرستان دیواندره استان کردستان برگزار شد. این رویداد با حضور هنرمندان و علاقه‌مندان به میراث فرهنگی ایران، فرصتی برای پاسداشت یکی از جشن‌های کهن ایرانی و بازشناسی سنت‌هایی فراهم کرد که بر دوستی، وفاداری، همبستگی و سپاسگزاری از نعمت‌های طبیعت تأکید دارند. مهرگان از جشن‌های دیرینه تقویم فرهنگی ایران به شمار می‌رود و برگزاری آن در محوطه‌ای تاریخی همچون غار کرفتو، پیوند میان آیین‌های سنتی، میراث فرهنگی و هویت منطقه‌ای را برجسته می‌کند.

قـــزاقـستـــــان



درخشش نمایش «قاراگوز» قزاقستان در جشنواره تئاتر ترک‌سوی

نمایش «قاراگوز» (Karagoz)، اثر اقتباس‌شده از نمایشنامه مختار آئوزوف، در جشنواره بین‌المللی دانشجویی تئاتر ترک‌سوی که از ۵ تا ۸ اکتبر ۲۰۲۶ (۱۳ تا ۱۶ مهر ۱۴۰۵) در شهر ترکستان قزاقستان برگزار شد، عنوان بهترین نمایش کلاسیک را کسب کرد. این جشنواره با حضور گروه‌های تئاتری از قزاقستان، جمهوری آذربایجان، ترکمنستان، ازبکستان، قرقیزستان و ترکیه برگزار شد و بستری برای معرفی آثار نمایشی، تبادل تجربه‌های حرفه‌ای و آشنایی با سنت‌های تئاتری کشورهای ترک‌زبان فراهم آورد. نمایش برگزیده را دانشجویان سال چهارم رشته بازیگری تئاتر و سینما در آکادمی ملی هنر قزاقستان به نام تمیربک ژورگنوف اجرا کردند و فرهاد مولداگالی، برنده جایزه دولتی جوانان «دارین»، کارگردانی آن را بر عهده داشت.

منبع مستقیم: وزارت فرهنگ و اطلاعات جمهوری قزاقستان

برگزاری چهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر» در آستانه



چهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر «TEATR ALL» از ۱ تا ۷ اکتبر ۲۰۲۶ (۹ تا ۱۵ مهر ۱۴۰۵) در شهر آستانه برگزار شد. این دوره از جشنواره به مناسبت هفتاد و پنجمین سالروز تولد مروئرت اوتکِشوا، بازیگر برجسته تئاتر و سینمای قزاقستان، برگزار شد و گروه‌هایی از قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان و جمهوری آذربایجان در کنار چندین گروه نمایشی از مناطق مختلف قزاقستان در آن شرکت کردند. برنامه جشنواره طیفی از آثار کلاسیک قزاقستان و جهان و نمایش‌های معاصر را دربر می‌گرفت؛ از جمله «مکبث» اثر ویلیام شکسپیر و «قیز ژیبک»، اثر گابیت موسرپوف و یوگنی بروسیلوفسکی. همچنین، در روز پایانی جشنواره، نشست علمی و کاربردی درباره میراث هنری مروئرت اوتکِشوا و مراسم اختتامیه و اهدای جوایز برگزار شد.
منبع مستقیم: وب‌سایت رسمی شهرداری آستانه

بزرگداشت صد و بیست‌وپنجمین سالروز تولد ماناربک یرژانوف، هنرمند موسیقی سنتی قزاقستان



مراسم بزرگداشت صد و بیست‌وپنجمین سالروز تولد ماناربک یرژانوف، خواننده، آهنگساز و بازیگر برجسته هنر سنتی قزاقستان، در ۶ اکتبر ۲۰۲۶ (۱۴ مهر ۱۴۰۵) در تئاتر هنر سنتی «آلاتائو» در آلماتی برگزار شد. این برنامه با هدف معرفی و پاسداشت میراث هنری یرژانوف و تداوم سنت آوازخوانی قزاقی، شامل اجرای قطعاتی از رپرتوار این هنرمند و آثار شاخص موسیقی سنتی قزاقستان بود. همچنین، نمایشگاه سالگردی با عنوان «میراث ماناربک» برپا شد که به زندگی و فعالیت‌های هنری او اختصاص داشت. این مراسم با حمایت شهرداری آلماتی برگزار شد و فرصتی برای آشنایی مخاطبان با یکی از چهره‌های تأثیرگذار موسیقی و هنر ملی قزاقستان فراهم کرد.
منبع مستقیم: وب‌سایت رسمی دولت قزاقستان – شهرداری آلماتی

قرقیزستان

برگزاری جشنواره بین‌المللی شعر «آلیکول فست»

مرحله پایانی جشنواره بین‌المللی شعر «آلیکول فست» در ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۶ (۳۰ شهریور ۱۴۰۵)، در موزه یادبود آلیکول اوس‌مانوف در روستای کاپتال‌آریک، واقع در استان چوی قرقیزستان، برگزار شد. این رویداد به مناسبت سی‌وپنجمین سالگرد استقلال قرقیزستان، صدمین سالگرد تأسیس استان چوی و چهل‌وپنجمین سالگرد شکل‌گیری انجمن ادبی «آک تی‌لک» به نام آلیکول اوس‌مانوف برگزار شد و شاعران، نویسندگان، چهره‌های فرهنگی، نویسندگان جوان و علاقه‌مندان ادبیات از قرقیزستان و کشورهای قزاقستان، ازبکستان، تاجیکستان و چین در آن حضور داشتند. برنامه‌های جشنواره شامل نمایشگاه کتاب، بازارچه محصولات صنایع‌دستی و مراسم ادای احترام به یادمان این شاعر بود. این رویداد با هدف پاسداشت میراث ادبی آلیکول اوس‌مانوف و تقویت ارتباطات فرهنگی میان نویسندگان و شاعران منطقه برگزار شد.

منبع: وزارت فرهنگ، اطلاعات و سیاست جوانان جمهوری قرقیزستان ــ گزارش مستقیم جشنواره





برگزاری جشنواره بین‌المللی تئاتر «ایمپالس» در بیشکک

یازدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر «ایمپالس» با محوریت نمایش‌های کوتاه از ۱۴ تا ۱۸ سپتامبر ۲۰۲۶ (۲۳ تا ۲۷ شهریور ۱۴۰۵) در تئاتر درام شهری بیشکک به نام آرسن اومورالیف برگزار شد. گروه‌های نمایشی از قرقیزستان، قزاقستان، روسیه و مولداوی در این دوره حضور داشتند و آثار خود را برای مخاطبان و فعالان تئاتر به نمایش گذاشتند. این جشنواره با هدف معرفی تجربه‌های نو در هنرهای نمایشی، گسترش ارتباط میان هنرمندان کشورهای مختلف و فراهم‌کردن زمینه همکاری‌های فرهنگی و تولید پروژه‌های مشترک برگزار شد. در پایان برنامه نیز نشستی تخصصی برای گفت‌وگو و تبادل دیدگاه میان شرکت‌کنندگان در نظر گرفته شده بود.

منبع: Open.kg ـ گزارش و برنامه جشنواره

برگزاری کارگاه‌های پاییزی هنرهای سنتی در موزه هنرهای زیبای قرقیزستان

برنامه کارگاه‌های پاییزی هنرهای سنتی در موزه ملی هنرهای زیبای قرقیزستان به نام گاپار آیتیف در سپتامبر و اکتبر ۲۰۲۶ برگزار شد. این برنامه آموزشی، تکنیک‌های سنتی کار با پارچه و نمد، دیاتایپی و خوشنویسی را در کنار سخنرانی‌ای درباره تاریخ هنر کتاب‌سازی دربر می‌گرفت. کارگاه‌ها با حضور هنرمندان و مدرسان این حوزه برگزار شدند و فرصتی برای آشنایی مخاطبان با شیوه‌های هنری سنتی و کاربرد آن‌ها در فعالیت‌های خلاقانه معاصر فراهم کردند. این برنامه در چارچوب مرکز صنایع‌دستی سنتی و پروژه مشترک قرقیزستان و جمهوری کره برای ترویج و دیجیتالی‌سازی میراث فرهنگی اجرا شد؛ پروژه‌ای که در دوره ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۶ با حمایت همکاری‌های توسعه‌ای رسمی دنبال می‌شود.

منبع: وزارت فرهنگ، اطلاعات و سیاست جوانان جمهوری قرقیزستان ــ معرفی کارگاه‌ها

افتتاح نمایشگاه آثار آسانبک تورومبکوف در بیشکک

نمایشگاه انفرادی آسانبک تورومبکوف، نقاش، گرافیست و طراح پوستر قرقیزستانی، از ۲ تا ۱۸ اکتبر ۲۰۲۶ (۱۰ تا ۲۶ مهر ۱۴۰۵) در موزه ملی هنرهای زیبای قرقیزستان به نام گاپار آیتیف برگزار شد. در این نمایشگاه حدود ۷۰ اثر نقاشی و گرافیک به نمایش درآمد که مراحل مختلف فعالیت هنری این هنرمند را بازتاب می‌داد. تورومبکوف، متولد ۱۹۳۶، در طول فعالیت حرفه‌ای خود در حوزه هنرهای تجسمی و طراحی پوستر فعالیت داشت و آثارش در نمایشگاه‌های داخلی و بین‌المللی ارائه شده بود. برگزاری این نمایشگاه با هدف معرفی میراث هنری او و آشناکردن مخاطبان با سهم وی در تحول هنرهای تجسمی قرقیزستان صورت گرفت.

منبع: وزارت فرهنگ، اطلاعات و سیاست جوانان جمهوری قرقیزستان ــ خبر اختصاصی نمایشگاه



پاکستـــــــــان

برگزاری جشنواره موسیقی پاکستان در کراچی

جشـنواره سـه‌روزه «جشـنواره موسـیقی پاکسـتان ۲۰۲۶» از ۲۵ تـا ۲۷ سـپتامبر ۲۰۲۶ (۳ تـا ۵ مهـر ۱۴۰۵)، بـه میزبانـی شـورای هنـر پاکسـتان در کراچـی، در فضـای «چمـن جعـون ایلیـا» آغـاز شـد. در نخسـتین شـب جشـنواره، جمعـی از خواننـدگان شناخته‌شـده و هنرمنـدان جـوان، از جملـه هنرمندانـی کـه از طریـق برنامـه تلویزیونـی «پاکسـتان آیـدل» بـه شـهرت رسـیده‌اند، بـه اجـرای برنامـه پرداختنـد. آثـار ارائه‌شـده طیفـی از موسـیقی کلاسـیک، محلـی و دیگـر گونه‌هـای موسـیقی را دربـر می‌گرفـت. محمـد احمـد شـاه، رئیـس شـورای هنـر پاکسـتان در کراچـی، در ایـن برنامه بـر نقـش موسـیقی در هویـت فرهنگـی و میـراث ملـی پاکسـتان تأکیـد کـرد و هـدف جشـنواره را فراهم‌کـردن فرصتـی بـرای معرفـی اسـتعدادهای جـوان و حمایـت از نسـل جدیـد هنرمنـدان دانسـت. ایـن رویـداد در راسـتای معرفـی تنـوع موسـیقایی پاکسـتان و ایجـاد زمینـه‌ای بـرای حضـور و تجربه‌انـدوزی هنرمنـدان نوظهـور برگـزار شـد.



برگزاری جشنواره بین‌المللی فیلم صلح آسیا در اسلام‌آباد

نخسـتین دوره جشـنواره بین‌المللـی فیلـم صلـح آسـیا در پاکسـتان، از ۱۸ تـا ۲۰ سـپتامبر ۲۰۲۶ (۲۷ تـا ۲۹ شـهریور ۱۴۰۵)، در شـورای ملـی هنرهـای پاکسـتان (PNCA) در اسلام‌آبـاد برگـزار شـد. ایـن رویـداد بـا نمایـش آثـار سـینمایی و حضـور علاقه‌منـدان و فعالان حـوزه فیلـم، بسـتری بـرای طـرح موضـوع صلـح، همزیسـتی و گفت‌وگـوی فرهنگـی از طریـق سـینما فراهـم کـرد. برگـزاری جشـنواره در پایتخـت پاکسـتان، فرصتـی بـرای معرفـی ظرفیت‌هـای سـینمایی و تقویـت ارتبـاط میـان فیلم‌سـازان و مخاطبـان فراهـم آورد و هنـر سـینما را به‌عنـوان ابـزاری بـرای ارتبـاط میـان فرهنگ‌هـا مـورد توجـه قـرار داد.



اجرای موسیقی جَز اتریشی در کراچی



شورای هنر پاکستان در کراچی، با همکاری سفارت اتریش، در اول اکتبر ۲۰۲۶ (۹ مهر ۱۴۰۵) میزبان اجرای گروه جَز اتریشی در استودیوی شماره ۲ این مجموعه بود. رابرت پاولیک، نوازنده گیتار، و میکائلا رابیتش، نوازنده ترومپت، در این برنامه قطعاتی از موسیقی جَز را اجرا کردند و دو تن از مدرسان مدرسه هنرهای تجسمی و نمایشی (SOVAPA)، به نام‌های وقاص گلاب و ذیشان پرویز، نیز به آنان پیوستند. این اجرا در چارچوب مجموعه برنامه‌های «جشنواره جهانی فرهنگ کراچی ۲۰۲۶» برگزار شد و با حضور علاقه‌مندان موسیقی، نمایندگان دیپلماتیک و چهره‌های فرهنگی همراه بود. این برنامه نمونه‌ای از همکاری فرهنگی میان پاکستان و اتریش و فرصتی برای آشنایی مخاطبان پاکستانی با موسیقی جَز اتریشی بود.

برگزاری شب فرهنگی تاجیکستان در اسلام‌آباد



شب فرهنگی تاجیکستان در ۷ اکتبر ۲۰۲۶ (۱۵ مهر ۱۴۰۵)، هم‌زمان با برنامه‌های بزرگداشت روز ملی این کشور، در مرکز خرید سنتاروس اسلام‌آباد برگزار شد. این مراسم با حضور دیپلمات‌ها، مقام‌های رسمی، هنرمندان و اعضای جوامع پاکستانی و تاجیکستانی همراه بود و هنرمندان تاجیک با اجرای موسیقی و رقص‌های سنتی، بخش‌هایی از میراث فرهنگی و هنری کشور خود را به حاضران معرفی کردند. سردار یاسر الیاس، دستیار ویژه نخست‌وزیر پاکستان در امور گردشگری، مهمان ویژه این برنامه بود و در سخنان خود بر پیوندهای فرهنگی و تاریخی دو کشور و نقش تبادلات فرهنگی در تقویت ارتباط میان مردم تأکید کرد. سفیر تاجیکستان نیز ضمن قدردانی از میزبانی پاکستان، بر اهمیت چنین رویدادهایی برای آشنایی متقابل ملت‌ها با سنت‌ها و میراث یکدیگر تأکید کرد. این برنامه نمونه‌ای از بهره‌گیری از رویدادهای فرهنگی برای تقویت ارتباطات مردمی و معرفی تنوع فرهنگی منطقه بود.

تاجیکستان

برگزاری نخستین جشنواره بین‌المللی هنر سیرک در دوشنبه

نخستین جشنواره بین‌المللی هنر سیرک با عنوان «جهان سیرک دل‌ها را متحد می‌کند» از ۱۷ تا ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۶ (۲۶ تا ۲۹ شهریور ۱۴۰۵) در سیرک دولتی تاجیکستان در شهر دوشنبه برگزار شد. هنرمندان سیرک از ۱۳ کشور، از جمله تاجیکستان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، ارمنستان، روسیه، بلاروس، مجارستان، بلغارستان، مغولستان، ویتنام، چین و آلمان در این رویداد حضور داشتند و برنامه‌هایی متنوع برای علاقه‌مندان اجرا کردند. این جشنواره با حمایت دولت و وزارت فرهنگ تاجیکستان و به مناسبت سی‌وپنجمین سالگرد استقلال این کشور برگزار شد و هدف آن معرفی هنر سیرک، تبادل تجربه میان متخصصان این رشته و تقویت همکاری‌های فرهنگی بین‌المللی بود.

منبع مستقیم: خبرگزاری ملی خاور ــ آغاز نخستین جشنواره بین‌المللی هنر سیرک





آغاز مرحله سوم مسابقه ملی «فروغ صبح دانایی، کتاب است»

مرحله سوم مسابقه ملی کتاب‌خوانی و دانش ادبی «فروغ صبح دانایی، کتاب است» در ۷ اکتبر ۲۰۲۶ (۱۵ مهر ۱۴۰۵) در شهر دوشنبه، ولایت خودمختار کوهستان بدخشان، ولایت‌های سغد و ختلان و شهر حصار آغاز شد. در این مرحله ۴۴۸۴ شرکت‌کننده از گروه‌های مختلف، شامل دانش‌آموزان، دانشجویان، دانشجویان تحصیلات تکمیلی، آموزگاران و دیگر اقشار جامعه حضور داشتند. این مسابقه با هدف ترویج کتاب‌خوانی، ارتقای سطح آگاهی عمومی، تقویت خودشناسی ملی و شناسایی استعدادهای تازه برگزار می‌شود. همچنین، برای مشارکت مجازی تاجیک‌تباران و فارسی‌زبانان خارج از کشور تمهیداتی در نظر گرفته شده است تا آنان نیز بتوانند در این رقابت فرهنگی شرکت کنند.

منبع مستقیم: خبرگزاری ملی خاور ــ آغاز مرحله سوم مسابقه ملی کتاب‌خوانی

نمایشگاه آثار هنری «مدرن‌نامه» در موزه ملی تاجیکستان

نمایشگاه انفرادی «مدرن‌نامه» در ۲ سپتامبر ۲۰۲۶ (۱۱ شهریور ۱۴۰۵) در موزه ملی تاجیکستان، وابسته به دفتر اجرایی رئیس‌جمهور این کشور، افتتاح شد و تا ۲ اکتبر (۱۰ مهر) ادامه داشت. این نمایشگاه به آثار یکی از هنرمندان برجسته تاجیکستان اختصاص داشت و فرصتی برای آشنایی مخاطبان با مسیر هنری و دستاوردهای تجسمی او فراهم کرد. برگزاری چنین نمایشگاه‌هایی در موزه ملی، در کنار معرفی هنرمندان و آثار معاصر، به مستندسازی و پاسداشت میراث هنری تاجیکستان و تقویت ارتباط میان نسل‌های مختلف هنرمندان کمک می‌کند.

منبع مستقیم: وب‌سایت رسمی موزه ملی تاجیکستان ـ نمایشگاه «مدرن‌نامه»





برگزاری جشنواره ملی فیلم «تاجی سومون» در دوشنبه

سومین دوره جشنواره ملی فیلم «تاجی سومون» با عنوان «پاسداشت هنر اصیل» از ۱۵ تا ۲۰ اکتبر ۲۰۲۶ (۲۳ تا ۲۸ مهر ۱۴۰۵) در شهر دوشنبه برگزار شد. در این دوره، نزدیک به ۱۰۰ فیلم بلند، کوتاه و مشترک که در سال‌های ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ تولید شده بودند، در بخش‌های رقابتی جشنواره حضور داشتند. برنامه‌های این رویداد به مناسبت روز سینمای تاجیکستان، ۱۶ اکتبر، برگزار شد و شامل نمایش فیلم‌های تاجیکستان و کشورهای ایران، روسیه، ازبکستان و قرقیزستان بود. همچنین، نشست‌ها و برنامه‌هایی برای تقویت همکاری میان سینماگران و تهیه‌کنندگان، تبادل تجربه و بررسی زمینه‌های تولید مشترک پیش‌بینی شد. جشنواره «تاجی سومون» با هدف معرفی دستاوردهای سینمای ملی، حمایت از استعدادهای جوان، گسترش همکاری‌های بین‌المللی و پاسداشت ارزش‌های فرهنگی و معنوی تاجیکستان برگزار شد.

منبع مستقیم: خبرگزاری ملی خاور ـ برگزاری روزهای سینمای ایران، روسیه، ازبکستان و قرقیزستان در د و شنبه

تـــــــــرکـــیه

برگزاری بیست‌ویکمین نمایشگاه بین‌المللی صنایع‌دستی در استانبول

بیست‌ویکمین جشنواره بین‌المللی صنایع‌دستی از ۷ تا ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۶ (۱۶ تا ۲۲ شهریور ۱۴۰۵) در میدان ساحلی پندیک استانبول برگزار شد. در این رویداد یک‌هفته‌ای، ۵۷ هنرمند و استادکار از ۱۱ کشور، آثار خود را در ۴۵ رشته مختلف صنایع‌دستی به نمایش گذاشتند. بازدیدکنندگان علاوه بر آشنایی با هنرهای سنتی کشورهای گوناگون، امکان تماشای اجرای زنده هنرمندان و حضور در کارگاه‌های آموزشی را نیز داشتند. این جشنواره با هدف حفظ، معرفی و انتقال مهارت‌های صنایع‌دستی به نسل‌های آینده برگزار شد.

منبع: اتحادیه شهرداری‌های جهان ترک (TDBB)



برگزاری روزهای میراث فرهنگی اروپا در شهرهای ترکیه

روزهای میراث فرهنگی اروپا در روزهای ۱۹ و ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۶ (۲۸ و ۲۹ شهریور ۱۴۰۵) با مشارکت مراکز فرهنگی و تاریخی در آنکارا، استانبول و ازمیر برگزار شد. این برنامه‌ها فرصتی برای آشنایی عموم با میراث تاریخی، معماری و هنری این شهرها فراهم کردند و شامل بازدیدهای راهنمایی‌شده، نمایشگاه‌ها، کنسرت‌ها، نشست‌ها و مسیرهای پیاده‌روی فرهنگی بودند. در استانبول، برنامه‌ها بر میراث چندلایه تاریخی منطقه بی‌اوغلو تمرکز داشتند و بیش از ۶۰ فعالیت فرهنگی رایگان طی ۹ روز، از ۱۲ تا ۲۰ سپتامبر، برگزار شد. در ازمیر نیز بناهای تاریخی، موزه‌ها و مکان‌هایی با پیوندهای فرهنگی اروپایی درهای خود را به روی بازدیدکنندگان گشودند.

منبع: STGM – روزهای میراث فرهنگی اروپا در ترکیه



برگزاری جشنواره جَز آکبانک در استانبول

سی‌وششمین دوره جشنواره جَز آکبانک از ۲۶ سپتامبر تا ۱۱ اکتبر ۲۰۲۶ (۴ تا ۱۹ مهر ۱۴۰۵) در استانبول برگزار شد. این دوره بیش از ۳۰ کنسرت و برنامه فرهنگی را در مکان‌های مختلف شهر گرد هم آورد و میزبان هنرمندان برجسته بین‌المللی و چهره‌های موسیقی جَز ترکیه بود. برنامه جشنواره با حضور نوازندگان و گروه‌هایی از کشورهای مختلف، طیفی از سبک‌های جَز معاصر را دربر گرفت و در فضاهایی از سالن‌های کنسرت و مراکز هنری تا یک کلیسای تاریخی و مدرسه‌ای فرانسوی اجرا شد. این رویداد از جمله برنامه‌های مهم موسیقی استانبول در فصل پاییز به شمار می‌رود.
منبع: خبرگزاری آنادولو – جشنواره جَز آکبانک

برگزاری بیست‌ویکمین نمایشگاه هنر معاصر استانبول

بیست‌ویکمین نمایشگاه بین‌المللی هنر معاصر استانبول با حضور ۷۰ گالری از ۱۶ کشور، ۷۳۶ هنرمند و ارائه ۱,۳۷۲ اثر هنری برگزار شد و در مدت پنج روز میزبان حدود ۳۸,۵۰۰ بازدیدکننده بود. در این دوره، بخش «تمرکز بر آسیا» آثار و فعالیت‌هایی از مراکز هنری شهرهایی همچون هنگ‌کنگ، شانگهای، توکیو، سئول و دهلی‌نو را معرفی کرد و بخش‌های ویژه‌ای نیز به گالری‌های تازه‌وارد و هنرمندان نوظهور اختصاص داشت. همچنین، مسیر مجسمه‌سازی در مجموعه تاریخی کشتی‌سازی ترسانه استانبول، ۱۲ اثر از هنرمندان مختلف را در معرض دید عموم قرار داد. این نمایشگاه با هدف گسترش ارتباطات بین‌المللی و تقویت تعامل میان هنرمندان، گالری‌ها و مجموعه‌های هنری برگزار شد.
منبع: خبرگزاری آنادولو – گزارش نمایشگاه هنر معاصر استانبول



برگزاری جشنواره فرهنگی استانبول در قالب مسیر فرهنگی ترکیه

جشنواره مسیر فرهنگی ترکیه در استانبول از ۲۶ سپتامبر تا ۴ اکتبر ۲۰۲۶ (۴ تا ۱۲ مهر ۱۴۰۵) برگزار شد و مجموعه‌ای از برنامه‌های هنری و فرهنگی را در نقاط مختلف شهر ارائه کرد. این رویداد شامل کنسرت، نمایشگاه، اجراهای تئاتر و باله، کارگاه‌های هنری و برنامه‌های مرتبط با فرهنگ غذایی بود. برگزارکنندگان با معرفی استانبول به‌عنوان مسیری فرهنگی که آثار تمدن‌ها و سنت‌های گوناگون را در کنار یکدیگر جای داده است، تلاش کردند ظرفیت‌های تاریخی و هنری شهر را به مخاطبان گسترده‌تری معرفی کنند.
منبع: خبرگزاری آنادولو – جشنواره مسیر فرهنگی استانبول



ترکمنستان

برگزاری نمایشگاه گسترده هنرهای تجسمی به مناسبت سی‌وپنجمین سالگرد استقلال ترکمنستان

نمایشگاهی از آثار هنرمندان ترکمنستان در مرکز نمایشگاه‌های هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ این کشور در عشق‌آباد افتتاح شد. این نمایشگاه به مناسبت سی‌وپنجمین سالگرد استقلال ترکمنستان برگزار شد و آثاری از نقاشان، مجسمه‌سازان، هنرمندان قالی‌باف، جواهرسازان و سفالگران را در کنار نمونه‌هایی از هنرهای تزئینی و کاربردی به نمایش گذاشت. در مراسم افتتاحیه، حدود ۸۰ هنرمند عضو اتحادیه هنرمندان ترکمنستان به پاس مشارکت فعال در نمایشگاه‌های داخلی و بین‌المللی مورد تقدیر قرار گرفتند. موضوعاتی چون اسب آخال‌تکه، زندگی روزمره مردم و میراث تاریخی جاده ابریشم از جمله مضامین برجسته آثار ارائه‌شده در این نمایشگاه بودند.

منبع: روزنامه الکترونیکی عصر طلایی ترکمنستان



برگزاری کنسرت موسیقی به مناسبت سالگرد استقلال ترکمنستان

به مناسبت سی‌وپنجمین سالگرد استقلال ترکمنستان، کنسرتی با حضور چهره‌های فرهنگی و هنرمندان این کشور در مرکز کنگره عشق‌آباد برگزار شد. این برنامه بخشی از مجموعه مراسم رسمی و فرهنگی سالگرد استقلال بود و هنرمندان با اجرای قطعات موسیقی و برنامه‌های هنری، این مناسبت ملی را گرامی داشتند. موسیقی و هنرهای نمایشی در کنار نمایشگاه‌های هنری و برنامه‌های فرهنگی، از عناصر اصلی جشن‌های سالگرد استقلال در سپتامبر ۲۰۲۶ بودند.

منبع: روزنامه الکترونیکی عصر طلایی ترکمنستان



برگزاری نمایشگاه‌های هنری در عشق‌آباد با محوریت حافظه تاریخی و میراث فرهنگی

در آغاز اکتبر ۲۰۲۶، چند نمایشگاه هنری در موزه‌ها و مراکز فرهنگی عشق‌آباد افتتاح شد. موزه هنرهای تجسمی از اول اکتبر میزبان نمایشگاه «به یاد نیاکان» بود که به روز جهانی سالمندان و پاسداشت خاطره نسل‌های گذشته اختصاص داشت و آثار هنری و پرتره‌هایی از نسل‌های مختلف را دربر می‌گرفت. همچنین، موزه دولتی مرکز فرهنگی ترکمنستان در دوم اکتبر نمایشگاهی با عنوان «خاطره مردم جاودانه است» را به یاد قربانیان زمین‌لرزه ویرانگر عشق‌آباد در سال ۱۹۴۸ افتتاح کرد. در همان روز، نمایشگاه انفرادی آثار هوجامحمت چوریف نیز به مناسبت شصتمین سالگرد تولد این هنرمند در مرکز نمایشگاه‌های هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ گشایش یافت. این رویدادها جلوه‌هایی از پیوند هنر معاصر با حافظه تاریخی و میراث فرهنگی ترکمنستان را به نمایش گذاشتند.

منبع: روزنامه الکترونیکی عصر طلایی ترکمنستان

برگزاری شب موسیقی کلاسیک با عنوان «سفرهای موسیقایی»

برنامه‌ای از مجموعه نشست‌های «درباره موسیقی با ولادیمیر مکرْتوموف» در سالن «آرت نوکادی» در مرکز خرید و سرگرمی آرکاچ در عشق‌آباد برگزار شد. این برنامه با عنوان «فصل مخملی کلاسیک؛ سفرهای موسیقایی» علاقه‌مندان به موسیقی کلاسیک را گرد هم آورد و فرصتی برای شنیدن و آشنایی با آثار این حوزه فراهم کرد. این رویداد در چارچوب برنامه‌های هنری پاییز در پایتخت ترکمنستان برگزار شد و بخشی از فعالیت‌های فرهنگی مستمر برای معرفی موسیقی و تقویت ارتباط مخاطبان با هنر موسیقی بود.

منبع: روزنامه الکترونیکی عصر طلایی ترکمنستان

بزرگداشت هشتادمین سالگرد تولد استاد موسیقی یوری سارکیسوف

یوری سارکیسوف، استاد دانشگاه و هنرمند شایسته ترکمنستان، در کنسرواتوار ملی مایا کولیوا در عشق‌آباد طی مراسمی هنری به مناسبت هشتادمین سالگرد تولد خود مورد تجلیل قرار گرفت. در این برنامه، شاگردان او با همراهی ارکستر دانشجویی به اجرای موسیقی پرداختند و بخش‌هایی از زندگی هنری و آموزشی این استاد از طریق عکس‌ها و روایت‌های همکاران و دانشجویانش معرفی شد. سارکیسوف علاوه بر فعالیت در زمینه آواز و آموزش موسیقی، در حوزه پژوهش نیز فعالیت داشته و از جمله آثار او می‌توان به دانشنامه‌ای مختصر درباره موسیقی و پژوهش‌هایی درباره تأثیر شعر مختوم‌قلی فراغی بر آثار آهنگسازان ترکمن اشاره کرد. این مراسم نقش استادان موسیقی در پرورش نسل‌های تازه هنرمندان و انتقال میراث موسیقایی را برجسته ساخت.

منبع: روزنامه الکترونیکی عصر طلایی ترکمنستان

برگزاری روزهای فرهنگی ترکمنستان در کره جنوبی

روزهای فرهنگی ترکمنستان در شهر گوانگجو کره جنوبی با مراسم افتتاحیه‌ای در ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۶ آغاز شد. این برنامه در چارچوب سفر رسمی رئیس‌جمهور ترکمنستان به کره جنوبی برگزار شد و با هدف معرفی هنر و فرهنگ ترکمنستان و تقویت روابط فرهنگی میان دو کشور شکل گرفت. برگزاری این رویداد، زمینه‌ای برای معرفی میراث فرهنگی و ظرفیت‌های هنری ترکمنستان به مخاطبان کره‌ای و گسترش همکاری‌های فرهنگی بین‌المللی فراهم کرد.

منبع: روزنامه الکترونیکی عصر طلایی ترکمنستان

ازبکستـــــــــان

برگزاری هفتمین جشنواره بین‌المللی «اطلس بایرامی» در مرغلان

هفتمیـن جشـنواره بین‌المللـی «اطلـس بایرامـی» (Atlas Bayrami) از ۱۷ تـا ۱۹ سـپتامبر ۲۰۲۶ (۲۶ تـا ۲۸ شـهریور ۱۴۰۵) در شـهر مـرغلان، واقـع در استـان فرغانـه ازبکستـان، برگـزار شـد. ایـن رویـداد بـا محوریـت پارچه‌هـای سـنتی اطلـس و ادراس، هنرهای نسـاجی و طراحـی بومـی، هنرمنـدان، صنعتگـران، طراحـان و کارشناسـان فرهنگـی از کشـورهای مختلـف را گـرد هـم آورد. نمایشـگاه صنایع‌دسـتی و محصـولات سـاخت ازبکستـان، اجـرای برنامه‌هـای سـنتی، نمایـش لباس‌هـای ملـی و نمایـش مـد بـا تمرکـز بـر طراحـی نوآورانـه از جملـه بخش‌هـای جشـنواره بـود. همچنیـن، نشسـت بین‌المللـی دربـاره توسـعه منسـوجات سـنتی، حفـظ میـراث ملـی و پیونـد هنرهـای سـنتی بـا صنایـع خلاق برگـزار شـد و کارشناسـانی از ازبکستـان، ایـالات متحـده، گرجستـان و قزاقسـتـان در آن مشـارکت کردنـد.

منبع: وبگاه رسمی گردشگری ازبکستان



برگزاری جشنواره بین‌المللی هنر تجربی «یونار» در قره‌قالپاقستان

جشـنواره بین‌المللـی هنـر تجربـی و گردشـگری خلاق «یونـار» (YONAR) از ۱۶ تـا ۱۹ سـپتامبر ۲۰۲۶ (۲۵ تا ۲۸ شـهریور ۱۴۰۵) در پهنه نمکی بورساکلماس، در منطقه قونغیـرات جمهـوری خودمختـار قره‌قالپاقستـان، برگـزار شـد. ایـن رویـداد بـا هـدف پیونـد هنـر معاصـر، تجربه‌هـای خلاقانـه، صنایـع خلاق و گردشـگری شـکل گرفـت و ظرفیت‌هـای طبیعـی و گردشـگری ایـن منطقـه را بـه مخاطبـان داخلـی و بین‌المللـی معرفـی کـرد. برگـزاری جشـنواره در چشـم‌انداز منحصربه‌فـرد پهنـه نمکـی، فرصتـی بـرای تجربـه تعامـل میـان هنـر و محیـط طبیعـی فراهـم آورد و بـر نقـش هنرهـای تجربـی در معرفـی جاذبه‌هـای کمتـر شناخته‌شـده ازبکستـان تأکیـد داشـت.

منبع: درگاه رسمی دولت ازبکستان



برگزاری چهارمین جشنواره بین‌المللی «طنین صحرا» در قره‌قالپاقستان

چهارمین جشنواره بین‌المللی «طنین صحرا» (Echo of the Desert) در روزهای ۲۵ و ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۶ (۳ و ۴ مهر ۱۴۰۵) در منطقه اللیک‌قلعه در جمهوری خودمختار قره‌قالپاقستان برگزار شد. این رویداد با هدف معرفی ظرفیت‌های تاریخی، فرهنگی و گردشگری منطقه، حمایت از صنایع‌دستی محلی و توسعه گردشگری فرهنگی، بوم‌گردی و گردشگری زیارتی برگزار شد. برنامه جشنواره شامل بازدید از محوطه‌های باستانی توپراق‌قلعه و آیازقلعه، مسابقات ورزشی و فکری، رقابت هنری در محوطه تاریخی توپراق‌قلعه و بازدید از مجموعه تاریخی ایچان‌قلعه در خیوه بود. این جشنواره با اجرای برنامه موسیقی و مراسم اهدای جوایز به پایان رسید و بر پیوند میراث باستانی، هنر و گردشگری در منطقه تأکید کرد.

منبع: وبگاه رسمی گردشگری ازبکستان

برگزاری روزهای سینمای ترکیه در تاشکند

روزهای سینمای ترکیه از ۲۵ تا ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۶ (۳ تا ۷ مهر ۱۴۰۵) در تاشکند و در چارچوب برنامه «دیدار فرهنگ و هنر ازبکستان و ترکیه» برگزار شد. مراسم افتتاحیه این رویداد در کاخ ملی سینما برگزار شد و فیلم‌هایی از سینمای ترکیه برای علاقه‌مندان به نمایش درآمد. برنامه همچنین فرصتی برای دیدار مخاطبان با سینماگران و بازیگران ترکیه و گفت‌وگوی مستقیم درباره آثار سینمایی فراهم کرد. این رویداد با هدف معرفی سینمای ترکیه به مخاطبان ازبکستان، تقویت همکاری‌های هنری و گسترش روابط فرهنگی و انسانی میان دو کشور برگزار شد.
منبع: خبرگزاری ملی ازبکستان (UzA)

افتتاح نمایشگاه «میان‌جریان‌ها» در گالری آرتپا

نمایشگاه «میان‌جریان‌ها» (Interflows) در ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۶ (۳۰ شهریور ۱۴۰۵) در گالری آرتپا (ARTepa) واقع در دانشگاه گرین در تاشکند افتتاح شد. این نمایشگاه با همکاری مرکز هنری آرت استیشن و گروه پژوهشی داورا و در چارچوب برنامه هنر و فرهنگ آسیای مرکزی برگزار شد. محور اصلی پروژه، بررسی رابطه میان شیوه‌های استفاده و دگرگونی منابع آب در آسیای مرکزی و تحولات گسترده‌تر زیست‌محیطی، سیاسی و اجتماعی است. نمایشگاه به‌صورت یک پروژه در حال تحول طراحی شده بود تا در طول دوره برگزاری، تا ۱۵ دسامبر ۲۰۲۶، توسعه یابد و تغییر کند. این رویداد نمونه‌ای از پیوند هنر معاصر با پژوهش‌های اجتماعی و محیط‌زیستی در منطقه به شمار می‌رود.

برگزاری یازدهمین دوسالانه بین‌المللی هنر معاصر تاشکند

یازدهمین دوسالانه بین‌المللی هنر معاصر تاشکند با عنوان «افق رویداد» (Event Horizon) از ۱۲ تا ۱۶ اکتبر ۲۰۲۶ (۲۰ تا ۲۴ مهر ۱۴۰۵) در تاشکند برگزار می‌شود. این رویداد آثار هنرمندان ازبکستانی و بین‌المللی را در موزه‌ها و گالری‌های مهم پایتخت معرفی می‌کند و برنامه آن شامل نمایشگاه، اجراهای هنری، کارگاه‌های آموزشی و نشست علمی-کاربردی است. نمایشگاه‌هایی در خانه عکاسی تاشکند، موزه هنرهای مینیاتوری شرق کمال‌الدین بهزاد، موزه دولتی هنر ازبکستان و کاروانسرای بین‌المللی فرهنگ ایکو هیرایاما در برنامه دوسالانه گنجانده شده است. موضوع این دوره، وضعیت انسان در آستانه تحولات فناورانه و فرهنگی است و تاشکند را به‌عنوان نقطه تلاقی میراث تاریخی و ایده‌های نوین هنری معرفی می‌کند.

رویدادهای آتی

نمایشگاه «نخ‌های پیوند؛ روایت‌های گلدوزی از افغانستان و جوامع مهاجر»

۲۶ سپتامبر ۲۰۲۶ تا ۸ مارس ۲۰۲۷ | برلین، آلمان
این نمایشگاه به هنر گلدوزی افغانستان و جوامع مهاجر افغان می‌پردازد و از طریق منسوجات و روایت‌های مرتبط با آن‌ها، سنت‌های هنری، حافظه فرهنگی و انتقال دانش میان نسل‌ها را معرفی می‌کند. این رویداد از منظر میراث ناملموس و هنرهای سنتی افغانستان اهمیت دارد؛

جشنواره بین‌المللی هنر باکو

۲۸ اکتبر تا ۸ نوامبر ۲۰۲۶ | باکو
جشنواره بین‌المللی هنر باکو در دومین دوره خود، مجموعه‌ای از اجراهای موسیقی، تئاتر، رقص و برنامه‌های هنرهای معاصر را در شهر باکو ارائه می‌کند. برنامه جشنواره شامل آثار هنرمندان و گروه‌های بین‌المللی و رویدادهایی در سالن‌های نمایش، سینماها، موزه‌ها و فضاهای شهری است.

آخر هفته هنر باکو؛ «پرواز به باکو، آینده را از دریچه هنر تجربه کنید»

۳۰ اکتبر تا ۱ نوامبر ۲۰۲۶ | باکو
این رویداد سه‌روزه با محوریت هنر معاصر، میراث فرهنگی و خلاقیت شهری، نمایشگاه‌ها، پروژه‌های هنری عمومی، اجراها و گفت‌وگوهای هنری را در نقاط مختلف باکو برگزار می‌کند. در برنامه اعلام‌شده، آثار هنرمندان آذربایجانی و بین‌المللی در موزه‌ها، گالری‌ها و بناهای تاریخی شهر به نمایش گذاشته می‌شوند. این رویداد برای معرفی هنر معاصر آذربایجان و پیوند آن با میراث تاریخی شهر اهمیت دارد.

دوازدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب باکو

۲۱ تا ۲۷ اکتبر ۲۰۲۶ | باکو
نمایشگاه بین‌المللی کتاب باکو، ناشران، نویسندگان، مترجمان و علاقه‌مندان به ادبیات را گرد هم می‌آورد و زمینه‌ای برای معرفی آثار تازه، تبادل تجربه در حوزه نشر و برگزاری برنامه‌های ادبی فراهم می‌کند. این رویداد در مرکز نمایشگاهی باکو برگزار می‌شود .

نمایشگاه «سرزمین فرش‌ها»

۲۸ اکتبر تا ۲۸ نوامبر ۲۰۲۶ | موزه ملی فرش آذربایجان، باکو
این نمایشگاه به هنر فرش و جایگاه آن در میراث فرهنگی آذربایجان اختصاص دارد. فرش‌بافی از هنرهای سنتی شاخص این کشور به شمار می‌رود و نمایش آثار مرتبط با آن فرصتی برای آشنایی با نقش‌مایه‌ها، فنون بافت و استمرار سنت‌های صنایع‌دستی فراهم می‌کند.

نوزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت

تاریخ: آبان ۱۴۰۵ (اکتبر–نوامبر ۲۰۲۶؛ تاریخ دقیق اعلام نشده)
محل برگزاری: ایران؛ شهر و سالن نیازمند تأیید
این جشنواره با نمایش آثار سینمایی در بخش‌های مختلف برگزار می‌شود و به موضوعات مرتبط با مقاومت و سینمای اجتماعی می‌پردازد. بر اساس

گـزارش منتشرشـده در مهرمـاه ۱۴۰۵، جشـنواره بـرای آبـان برنامه‌ریـزی شـده بـود، امـا جزئیـات نهایـی و تاریـخ دقیـق آن هنـوز اعلام نشـده بـود.

سی‌ویکمین جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان

تاریخ: ۲۹ نوامبر تا ۴ دسامبر ۲۰۲۶
محل برگزاری: همدان
ایـن جشـنواره بـا تمرکـز بـر آثـار نمایشـی ویـژه کـودکان و نوجوانـان، فرصتـی بـرای معرفـی تولیـدات تئاتـری، تبـادل تجربـه میـان هنرمنـدان و گسـترش فعالیت‌هـای نمایشـی بـرای مخاطبـان جـوان فراهـم می‌کنـد.

جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت

تاریخ: دسامبر ۲۰۲۶؛ تاریخ دقیق نیازمند تأیید
محل برگزاری: تهران
جشـنواره بین‌المللـی سـینماحقیقت از رویدادهـای مهـم سـینمای مستنـد ایـران اسـت و بـه نمایـش و معرفـی آثـار مستنـد ایرانـی و بین‌المللـی اختصـاص دارد. بخش‌هـای رقابتـی، نمایـش آثـار منتخـب و برنامه‌هـای مرتبـط بـا سـینمای مستنـد از محورهـای معمـول ایـن جشـنواره هستنـد.

جشنواره «سیباگا»

تاریخ: ۲ دسامبر ۲۰۲۶
محل برگزاری: استان آکتوبه، قزاقستان
ایـن رویـداد در تقویـم رسمـی رویدادهـای فرهنگـی و گردشـگری قزاقسـتان ثبـت شـده اسـت و بـا عنـوان «سـیباگا» در برنامـه رویدادهـای استـان آکتوبـه قـرار دارد.

افتتاح فصل زمستان گردشگری ۲۰۲۶

تاریخ: ۵ دسامبر ۲۰۲۶
محل برگزاری: استان قزاقستان شرقی
ایـن مراسـم بـه مناسـبت آغـاز فصـل زمسـتان گردشـگری برگـزار می‌شـود و در تقویـم رویدادهـای سـال ۲۰۲۶ قزاقسـتان ثبـت شـده اسـت.

جشنواره زمستانی «سرزمین شگفتی آستانه»)

تاریخ: ۶ دسامبر ۲۰۲۶ تا ۲۷ ژانویه ۲۰۲۷
محل برگزاری: آستانه
ایـن جشـنواره زمسـتانی بـا فضـای تفریحـی و برنامه‌هـای مناسـب خانواده‌هـا برگـزار می‌شـود. پیسـت اسـکیت بـا نورپـردازی، سرسـره برفـی، چرخ‌وفلـک، قطـار بـا تـم گـوزن شـمالی و کارگاه‌هـای خلاقانـه از جملـه بخش‌هـای ایـن رویـداد هستنـد.

آغاز فصل اسکی

تاریخ: ۱ دسامبر ۲۰۲۶
محل برگزاری: استان آلماتی
ایـن رویـداد آغـاز فصـل اسـکی در منطقـه آلماتـی را اعلام می‌کنـد و در تقویـم رسمـی رویدادهـای فرهنگـی و گردشـگری قزاقسـتان قـرار دارد.

جوایز «بیو»

تاریخ: ۱۲ دسامبر ۲۰۲۶
محل برگزاری: آستانه
مراسم جوایز «بیو» در تقویم رویدادهای سالانه قزاقستان ثبت شده است. جزئیات بیشتر درباره بخش‌ها و برگزیدگان این مراسم در منبع تقویم منتشر نشده است.

جشنواره زمستانی «مجیک بورابای»

تاریخ: ۲۰ دسامبر ۲۰۲۶
محل برگزاری: منطقه بورابای، استان آقمولا
این جشنواره با هدف آغاز فصل زمستان در منطقه گردشگری بورابای برگزار می‌شود و شامل کنسرت، رقابت‌های ورزشی، بازی‌ها و بازارچه‌های مناسبتی است.

دوی سال نو خزر

تاریخ: ۱ ژانویه ۲۰۲۷
محل برگزاری: منطقه مانگیستائو، ساحل دریای خزر
این رویداد ورزشی با مشارکت علاقه‌مندان به دویدن و فعالیت‌های فضای باز برگزار می‌شود و مسیرهایی متناسب با سطوح مختلف آمادگی جسمانی دارد.

روز حماسه «ماناس»

تاریخ: ۴ دسامبر ۲۰۲۶
محل برگزاری: سراسر قرقیزستان
این روز به حماسه ملی «ماناس» اختصاص دارد و با هدف پاسداشت میراث ادبی و شفاهی قرقیزستان، معرفی سنت ماناس‌خوانی و حمایت از راویان این حماسه برگزار می‌شود.

جشنواره جهانی فرهنگ کراچی

تاریخ: ۲۹ اکتبر تا ۲۲ نوامبر ۲۰۲۶
محل برگزاری: شورای هنر پاکستان، کراچی
این جشنواره با حضور بیش از هزار هنرمند از کشورهای مختلف برگزار می‌شود و برنامه‌هایی در حوزه‌های موسیقی، تئاتر، رقص، هنرهای تجسمی، سینما، نمایشگاه‌ها و کارگاه‌های هنری را در بر می‌گیرد.

جشنواره مردمی لوک‌ویرسا

تاریخ: نوامبر ۲۰۲۶؛ تاریخ دقیق اعلام نشده
محل برگزاری: اسلام‌آباد
جشنواره سالانه لوک‌ویرسا با هدف معرفی میراث فرهنگی و تنوع قومی پاکستان برگزار می‌شود. موسیقی محلی، هنرهای اجرایی، صنایع‌دستی و نمایش سنت‌های فرهنگی از بخش‌های این رویداد هستند. برای دوره سال ۲۰۲۶، وزارت میراث ملی و فرهنگ پاکستان برگزاری جشنواره در ماه نوامبر را اعلام کرده است.

جشنواره بسنت

تاریخ: ۲۹ ژانویه تا ۷ فوریه ۲۰۲۷
محل برگزاری: لاهور
جشنواره سنتی بسنت به مناسبت فرا رسیدن بهار برگزار می‌شود و با بادبادک‌بازی و برنامه‌های فرهنگی و تفریحی همراه است. برگزاری این دوره در لاهور برای ده روز برنامه‌ریزی شده است.

جشنواره بسنت لاهور

تاریخ: ۱۲ تا ۱۴ مارس ۲۰۲۷
محل برگزاری: لاهور
برگزاری سه‌روزه جشنواره بسنت در مارس ۲۰۲۷ نیز از سوی وزیر ارشد ایالت پنجاب اعلام شده است.

ایـن جشـنواره بـا هـدف احیـای سـنت‌های فرهنگـی لاهـور و استقبـال از بهـار برگـزار خواهـد شـد.

روز قانون اساسی تاجیکستان

تاریخ: ۶ نوامبر ۲۰۲۶
محل برگزاری: سراسر تاجیکستان
ایـن مناسـبت ملـی بـا برگـزاری برنامه‌هـای رسمـی و فرهنگـی در بزرگداشـت قانـون اساسـی جمهـوری تاجیکستـان گرامـی داشتـه می‌شـود.

جشن نوروز تاجیکستان

تاریخ: ۲۱ تا ۲۴ مارس ۲۰۲۷
محل برگزاری: سراسر تاجیکستان
نـوروز در تاجیکسـتان بـا اجـرای موسـیقی و رقص‌هـای سـنتی، نمایـش صنایع‌دسـتی، پخـت غذاهـای محلـی و برگـزاری آیین‌هـای مردمـی جشـن گرفتـه می‌شـود. ایـن جشـن از مهم‌تریـن مناسـبت‌های فرهنگـی کشـور بـه شـمار مـی‌رود.

جشنواره بین‌المللی یادبود مولانا؛ شب عروس (شب عُرس)

تاریخ: ۷ تا ۱۷ دسامبر ۲۰۲۶
محل برگزاری: قونیه، مرکز فرهنگی مولانا
ایـن مراسـم بـه مناسـبت سـالگرد درگذشـت مولانـا جلال‌الدیـن محمـد بلخـی برگـزار می‌شـود و شـامل آیین‌هـای سـماع، برنامه‌هـای فرهنگـی و هنـری و بزرگداشـت میـراث فکـری و عرفانـی مولانـا اسـت.

نمایشگاه بین‌المللی هنر و عتیقه استانبول

تاریخ: ۳ تا ۶ دسامبر ۲۰۲۶
محـل برگـزاری: مرکـز همایش‌هـا و نمایشـگاه‌های بین‌المللـی لطفـی کـردار، استانبـول
ایـن نمایشـگاه بـا محوریـت هنـر و آثـار عتیقـه برگـزار می‌شـود و بسـتری بـرای نمایـش و معرفـی آثـار هنـری، مجموعه‌هـای هنـری و اشـیای تاریخـی فراهـم می‌کنـد.

نمایشگاه بین‌المللی کتاب چوکوروا

تاریخ: ۹ تا ۱۷ ژانویه ۲۰۲۷
محـل برگـزاری: مرکـز نمایشـگاه و کنگـره بین‌المللـی آدانـا
ایـن نمایشـگاه بـا همـکاری انجمـن ناشـران ترکیـه و نهادهـای محلـی برگـزار می‌شـود و شـامل نشسـت‌های فرهنگـی، گفت‌وگـو بـا نویسـندگان، کارگاه‌هـا، برنامه‌هـای ویـژه کـودکان و جلسـات امضـای کتـاب اسـت.

جشن نوروز ترکمنستان

تاریخ: ۲۱ تا ۲۲ مارس ۲۰۲۷
محل برگزاری: سراسر ترکمنستان
نـوروز در ترکمنسـتان بـا جشـن‌های مردمـی، موسـیقی سـنتی، اجـرای بخشـی‌ها و روایت‌گـران داستان‌هـای حماسـی، غذاهـای محلـی و برنامه‌هـای فرهنگـی در مناطـق مختلـف کشـور گرامـی داشتـه می‌شـود.

جشنواره بین‌المللی آشپزی «ازبکستان خوشمزه ۲۰۲۶»

تاریخ: ۲۵ تا ۲۷ نوامبر ۲۰۲۶
محـل برگـزاری: تاشـکند، مرکـز نمایشـگاهی آسـیای مرکـزی (CAEx)
سـومین جشـنواره بین‌المللـی غـذا و مسـابقات

آشپـزی «ازبکستـان خوشـمزه» بـا حضـور آشپـزان و متخصصـان حـوزه غـذا برگـزار می‌شـود. ایـن رویـداد بـا حمایـت کمیتـه گردشـگری ازبکستـان و در چارچـوب سـی‌ویکمین نمایشـگاه بین‌المللـی گردشـگری تاشـکند برگـزار خواهـد شـد.

سی‌ویکمین نمایشگاه بین‌المللی گردشگری تاشکند؛ «گردشگری در جاده ابریشم»

تاریخ: ۲۵ تا ۲۷ نوامبر ۲۰۲۶
محـل برگـزاری: تاشـکند، مرکـز نمایشـگاهی آسـیای مرکـزی (CAEx)
ایـن نمایشـگاه بین‌المللـی بـا مشـارکت شـرکت‌های گردشـگری، هتل‌هـا، سـازمان‌های حمل‌ونقـل و نهادهـای دولتـی و خصوصـی برگـزار می‌شـود و بسـتری بـرای معرفـی ظرفیت‌هـای گردشـگری ازبکستـان و توسـعه همکاری‌هـای بین‌المللـی فراهـم می‌کنـد.

مسابقه بین‌المللی هنرهای نمایشی دانشجویی

تاریخ: نوامبر ۲۰۲۶ تا مه ۲۰۲۷
محل برگزاری: ازبکستان
ایـن برنامـه رقابتـی بـا محوریـت فعالیت‌هـای تئاتـری دانشـجویان و اسـتودیوهای هنـری برگـزار می‌شـود و فرصتـی بـرای ارائـه آثـار نمایشـی و تبـادل تجربـه میـان هنرمنـدان جـوان فراهـم می‌کنـد.

تقویت و توسعه میراث مشترک فرهنگی کشورهای عضو اکو

ناشر: مؤسسه فرهنگی اکو (ECI)
آژانس تخصصی سازمان همکاری اقتصادی (ECO)

www.ecieco.org

ایران، تهران، اقدسیه، خیابان شهید موحد دانش، کوچه باقرالنمر، پلاک ۱۰

